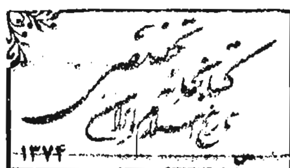
قم نامه



انتشارات

کتابخانهٔ عمومی حضرت آیة الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی

(ایران - قم)

فارسی - شمارهٔ ۳

زیر نظر

سید محمود مرعشی

قم نامه

(مجموعهٔ مقالات ومتون در بارهٔ قم)

مدرسی طباطبائی

* کتاب : قم نامه
* نگارش : سید حسین مدرسی طباطبائی
* انتشار : کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی
* چاپ : چاپخانه خیام ـ قم
* سال : ۱۳٦٤ ش (۲۰۰۰ عدد)

بسم الله الرحمن الرحیم

این دفتر مرکب است ازمقالات ورسائل زیر:

۱ ـ مقاله‌ای دربارهٔ خاندان صفی امراء مستقل قم در قرن هشتم تا میانهٔ دههٔ دوم قرن نهم هجری. این مقاله صورت مکمل واصلاح شدهٔ مقاله‌ای‌است که چند سال قبل درمجلهٔ **بررسی‌های تاریخی** نشرشده بود [۱].

۲ ـ مقاله‌ای دربارهٔ سکه‌های ضرب قم.

۳ ـ **کتابچهٔ طوائف وایلات دارالایمان قم**، این کتابچه جزء رسائلی است که دردورهٔناصری‌به منظورتدوین **مرآت‌البلدان** فراهم‌آمده ونسخهٔ‌آن درمجموعه‌ای‌است که قبلابه شمارهٔ ۷۲۵ درکتابخانهٔوزارت‌دارائی‌بوده‌واکنون درمحل‌کاخ گلستان نگاهداری می‌شود[۲]. رساله درحوالی‌سال۱۲۹۶ به دستور

---

۱. مقالهٔ « خاندان علی صفی، شهریارانی گمنام » در شماره‌های ۱ ـ ٤ سال هشتم بررسی‌های تاریخی.

۲. ببینید فرهنگ ایران زمین ٦ : ۸/راهنمای جغرافیای تاریخی قم : ۱٦.

میرزا مهدی خان اعتضاد الدوله حکمران قم وکاشان تألیف شده است .

۴ ـ **کتابچهٔ تفصیل حالات واملاك ومستغلات وقنوات وبلوکات دار الایمان قـم** ، نوشته شده به سال ۱۲۹۶ به دستورهمان حکمران ، که نسخهٔ آن نیزدرهمان مجموعهٔ یاد شده بالاست. این کتابچه درشیوهٔ ترتیب ومطالب با دوکتابچهٔ دیگری که پیش ازاین درکتاب «راهنمای جغرافیای تاریخی قم» به چاپ رسیده[1] مشابه است وهریك دارای فوائدی اضافی است .

۵ـ **کتابچهٔ اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم**، نوشتهٔ محمدتقی بیك ارباب[2] درسال ۱۲۸٤ ـ ۱۲۸۵[3]، ازهمان مجموعه .

۶ ـ **کتابچهٔ حالات وکیفیت بلده وبلوکات ومزارع دارالمؤمنین کاشان**، که به دستوراعتضادالدوله درسال۱۲۹۶برای‌تدوین **مرآت‌البلدان** نگاشته‌شده ونسخهٔ‌آن نیز درهمان مجموعهٔ یاد شدهٔ پیش است .کاشان درآن دوره مانند بسیاری ادواردیگرضمیمهٔ حکومت قم بوده وکتابچهٔ مزبور به همین مناسبت درپایان مجموعهٔ حاضربه عنوان **ضمیمه** گذاشته می‌شود .

۷ ـ رسالهٔ **جوابات مسائل رکنیه** از میـرزا ابوالقاسم قمـی ، محقق ، صاحب قوانین که نیز به عنوان **ضمیمه** (بـه آن ملاحظه که اثری از یکی از دانشمندان مشهورقم دردورهٔ قاجار است) در پایان این مجموعه گذاشته شد .

---

۱ . کتابچهٔ افضل الملك درصفحات ٦٧ ـ ۱۵۰ آن مجموعه وکتابچهٔ دیگر در صفحات ۱۵۱ ـ ۲۰٦ .

۲ . برای شرح‌حال اوببینیدکتاب شناسی‌آثار مربوط به قم: ۷۳ ـ۷۸ ومآخذآن/راهنمای جغرافیای تاریخی قم : ١٤ و۱۷ ـ ۱۸ و۱۵۳ .

۳ . ببینید تاریخ دارالایمان قم او : ۲۹ . اودررسالهٔ حاضر، ذیل سخن ازقنات‌ناصری ، ازخود به همان گونه‌که در تاریخ دارالایمان قم : ۱۱٦ دیده می‌شود یاد نموده است .

این رساله پاسخ پرسش‌های «ملاعلی مازندرانی ملقب به رکن» است وبیشتر پرسش‌ها در مسائل اعتقادی است . مسودهٔ اصل این رساله ضمن مجموعه‌ای ازرسائل نویسنده درقم، ودونسخه‌ای دیگردردانشگاه[1] ومدرسهٔ آیةالله‌بروجردی درنجف[2] است ، نائب الصدر شیرازی درطرائق الحقائق[3] بندی از این رساله را ـ ازپرسش وپاسخ دوم ـ نقل وچند سطری دربارهٔ آن بحث و گفتگو کرده است .

قم ـ مهرماه ۱۳۵۶

حسین مدرسی طباطبائی

---

۱ . ضمن شمارهٔ ۱۸۲۷/۳ (ببینید فهرست دانشگاه ۸ : ٤٢٤) .

۲ . ذریعه ۲۰ : ۳٤۹ ـ ۳۵۰ .

۳ . جلد اول ، ص ۲۱۲ ـ ۲۱۳ چاپ سنگی (تهران ـ ۱۳۱۸/۱۹ ق) .

- ۱ -

خاندان صفی

پس ازدرگذشت ابوسعید ایلخانی به سال ۷۳۶ سرزمین ایران به یک‌بار دستخوش آشوب واغتشاش ودرهم‌ریختگی وتشتتی بیمانند گردیده وخانخانی وملوك الطوایفی سراسر کشور را فرا گرفت . سرداران مغـول کـه در ایلات مستقر بودنـد سرخود مختاری برداشتند وهـر یك با تهیهٔ سپاه ولشکرکشی‌ها گوشه‌ای ازایران را مطیع خویش ساختند . از ایـن پس تا پایان قرن هشتم که تیموربرآن نقاط دست یافت کشورما با این گونه دشواری‌ها وآشفتگی‌ها دست به گریبان بود وبرهرقسمت آن یکی ازسلسله‌هایی که دراین‌ملوك‌الطوایفی پدیدآمده بودند فرمانروایی می‌نمود .

دراین‌میان بسیاری ازنقاط نیزبود که درقلمروهیچ یك ازسلسله‌های مزبور قرارنداشت وبه وسیلهٔ امراء وخاندان‌هاي مقتدرمحلی اداره می گردید . ضمن بررسی تاریخ نیمهٔ دوم قرن مزبوربه نام بسیاری ازاین خاندان‌ها وقدرت‌های محلی برخورد می کنیم. شبانکاره‌ای نام بسیاری ازآنان را درپایان کتاب خود یاد نموده است[1]. ابن عربشاه می‌نویسد که تیمور درسال ۷۸٤ با هفده تن از امراء گیلان ورستمداروعراق که‌هریك درمنطقهٔخود بااستقلال کامل فرمانروایی

۱ . مجمع الانساب : برگ ۲۹۱ به بعد عکس ش ۳۰۰ دانشگاه .

می‌نمودند مکاتبه کـرد[۱] . قلقشندی نیز در صبح الأعشی از « صغار الملوك المتفردين ببعض البلدان بعد ابوسعید » سخن داشته است[۲] .

قم دردوران فترت :

آگاهی ما از وضع قم پس ازحملهٔ مغول تا آخرین سال‌های قرن هشتم چندان وسیع نیست . این را می‌دانیم که قم در سـال ۶۲۱ به دست سپاهیان مغول آن چنان ویران وقتل عام شد[۳] که تا میانهٔ قرن نهم آثار آن برجای بود وهرگز موقع واهمیت پیشین خود را بازنیافت[۴] . در کتاب‌های تاریخ ایـن دوره از قم درچند مورد معدود نام می‌آید که معلوماتی محدود وکوتاه دراین باره به دست می‌دهد .

در قرن هشتم وضع روشن‌تر واطلاعات مـا در این باب بیشتر است . تا چهارمین دههٔ این‌قرن قم همچون‌نقاط دیگرایران درتصرف امراءایلخانی بود وپس ازبرچیده شدن بساط حکومت‌آنان درشمار مناطقی درآمد که از قلمرو همهٔ‌سلسله‌های این‌دوره بیرون وبرکناربود به‌این ترتیب که یکی‌ازخاندان‌های اصیل ومقتدر محلی ادارهٔ اموررا به دست گرفت[۵] . این خاندان تاسال ۷۵۹

---

۱ . عجائب المقدور (به نقل اعیان الشیعه ۱۵ : ۳۷۰ به بعد چاپ نخست و۱۵: ۲۵۴ ـ ۲۵۹ چاپ دوم) وترجمهٔ فارسی‌آن به نام « زندگانی شگفت‌آورتیمور » : ص۳۶.

۲ . صبح الاعشی ۷ : ۲۶۵ .

۳ . کامل ابـن اثیر ۹ : ۳۵۳/ تاریخ مبارك غازانی : ۳۵۰/ تاریخ بناکتی : ۳۶۸ / العبرذهبی ۵ : ۸۲ / روضـة الصفـا ۵ : ۹۸ / حبیب السیر ۳ : ۳۳/ النجـوم الزاهرة ۶ : ۲۵۸ / شذرات الذهب ۵ : ۹۴ .

۴ . نزهة القلوب : ۷۴ / آثارالعباد : ۴۴۲ / تاریخ جدید یزد : ۲۳۰ دیده شود .

۵ . مجمع الانساب : برگ ۲۹۱ همان عکس دانشگاه . نیز تاریخ جعفری : برگ ۱۸۳ ب عکس ش ۵۹۲۸ دانشگاه پتلویخ .

که فصل اخیر مجمع الانساب نگاشته می‌شد ـ برخلاف دیگر قدرت‌های محلی که هریك پس ازچندی درقلمرو یکی ازسلسله‌های آن دوره تحلیل رفته بود ـ همچنان ادارهٔ اموراین منطقه را عهده داری می‌نمود[1] .

درسال ۷٦٤ که اولیاء الله آملی تاریخ رویان خود را به نگارش درآورد بازهمچنان قم ومضافات درتصرف قدرت محلی بود[2]. پس ازاین حافظ ابرو نیز در وقایع سال ۷۹۳ در شرح ماجرای ورود شاه منصور مظفری به قم از خاندان مقتدر محلی به عنوان « حاکم وصاحب سیاست این منطقه » یاد کرده ومی‌نویسد : «مدت‌های مدید وعهدهای بعید بود که از آن خاندان کسی ظاهراً بـه ملازمت سلاطین وامراء مکلف نبود اگر چه برحسب صلاح بـا مجموع جوانب طریقهٔ اخلاص ودولت خواهی مرعی می‌داشته‌اند »[3] .

حتی در زمان تیمور نیز دست امرای او ازاین نقطه به دوربود . پیراحمد ساده که درسال ۷۹۰ بـه حکومت عراق عجم منصوب شد[4] وخلیل میرزا ـ فرزند میرزا میران شـاه ونوادهٔ تیمور ـ کـه از ۸۱۲ تا ۸۱٤ عنوان امیر عراق داشت[5] هیچ یك بر این منطقه دست نداشتند . ابـن شهاب یزدی در شرح

---

۱ . مجمع الانساب : همان جا. پس گفتهٔ کسانی که قم رادراین دوره داخل قلمرو چوپانیان (مرآت البلدان ٤ : ۲۵۵ ومصادرآن) یاآل مظفر (تاریخ جعفری : برگ ۱۹۰ ب و۱۸۰ عکس دانشگاه) پنداشته‌اند درست نیست .

۲ . تاریخ رویان : ۱۹٦.

۳ . برگ ۱۸۸ عکس ۲٦۸۹ وبرگ ۱۲۸ عکس ۳۷۳۲ دانشگاه .

٤ . حبیب السیر ۳ : ٤٤۲ .

۵ . تذکرهٔ دولت شاه سمرقندی : ۳۹۷/مطلع السعدین ۲ : ۱۲٤ به‌بعد/مجمل فصیحی۳ : ۲۰۷/ نسخ جهان‌آرای : ۲۳٦ .

اوضاع قلمروتیموری پس ازمرگ اوبه‌سال ۸۰۷ به‌این موضوع اشاره‌نموده ومی‌نویسد : « قم ونواحی ازقدیم بازمردم‌آن ولایت داشتند »[۱] .

خاندان صفی :

خاندان مقتدروحاکم قم «خاندان صفی» بودکه دوقرن ـ ازمیانهٔ قرن‌هفتم تا دومین دههٔ قرن نهم ـ دراین شهر نفوذ وعظمتی داشته واز موقع اجتماعی مهمی برخورداربوده، وافرادی از آن‌میان سال‌های۷۳۶ـ ۸۱۵ درقم ومضافات آن با اقتداروبه استقلال فرمانروایی داشته‌اند .

از سابقهٔ تاریخی خاندان صفی اطلاعی دقیق در دست نیست جزآن‌که نویسندهٔ **جامع‌التواریخ حسنی** در وقایع سال ۸۱۵ ضمن شرح ماجرای کشته شدن‌آخرین امیرآنان به دست اسکندرفرزند عمرشیخ ازدولت دویست سالهٔ آن خاندان یاد نموده است[۲] .

قدیم ترین‌آگاهی ما دربارهٔ این خاندان‌آن است‌که خواجه اصیل الدین فرزند علی‌صفی نیای بزرگ خاندان، نایب خالصه جات «خواجه علاء الدین محمد هندو» وزیرمشهورآن دوره درقم بوده، وهم این را می‌دانیم‌که نخستین امیر این خاندان « خواجه تاج الدین علی » فرزند او بوده وپس ازوی پسر عمش « خواجه علی صفی » دوم بر امور دست یافته وفرمانروای این خطه گردیده است[۳] .

---

۱ . جامع التواریخ حسنی : ۳۹۳ ر نسخهٔ کتابخانهٔ ملی .

۲ . همان مأخذ : ۳۹۹ ر همان نسخه .

۳ . مجمع الانساب : ۲۹۱ عکس ش ۳۰۰ دانشگاه . وازآنجادر : کشاورزی ومناسبات ارضی درایران عهد مغول ۲ : ۳۲۲ .

پس از خواجه علی صفی چهار تـن دیگر از بزرگان ایـن خاندان را می‌شناسیم که یکی پس ازدیگربرقم وتوابع آن حکومت نموده‌اند . جزاینان تنی چند از دیگر افراد خاندان نیز شناخته شده‌اند که از بعضی ازآنان آثاری برجای مانده است .

* * *

نیای بزرگ این خاندان، «علی صفی» (به معنی علی بن صفی الدین)از بزرگان قم درقرن هفتم بوده که چون یکی از نوادگان وی نیز« علی صفی » خوانده می‌شده است از وی ـ چنان کـه روش پیشینیان بـود ـ در قرن بعد به « علی صفی الماضی » تعبیرمی گردید [1] .

ازفرزندان اوچهارتن می‌شناسیم :

۱ـ خواجه اصیل‌الدین (صاحب اعظم اعدل اعلم، اصیل الدولة والدین، جمال الاسلام والمسلمین [2] . اوهمان کس است که درقم نایب خالصه‌جات خواجه علاء الدین محمد هندو بوده [3] ودر بنای مورخ ۷٦۱ باغ گنبد سبز قم مدفون است [4] .

۲ ـ عز الدین اسحاق (صاحب اعظم سعید ، عـز الحق والدنیا والدین

---

۱ . ازاین شخص در کتیبه‌های دوبنا ازآثاراین‌خاندان یاد می‌شود : مقبرهٔ خواجه اصیل‌الدین مورخ ۷٦۱ ومزار احمد بن قاسم مورخ ۷۸۰ باوصف « ماضی » در این مورد دوم نیز در دیباچهٔ ترجمهٔ تاریخ قم .

۲ . کتابهٔ بقعهٔ خاکجای او(تربت پاکان ۲ : ٥٤) .

۳ . مجمع الانساب : ۲۹۱ همان عکس دانشگاه .

٤ . تربت پاکان ۲ : ٥۳ ـ ٥٤ .

اسحاق[1] .

۳ ـ خواجه صفی الدین[2] .

٤ ـ خواجه شمس الدین محمد (صاحب سعید مرحوم مغفور ، خواجه شمس الدولة والدین محمد)[3] .

* ـ از خواجه اصیل الدین یك فرزند می‌شناسیم واو خواجه تاج الدین علی نخستین امیرخاندان است. خواجه اصیل‌الدین قمی، سومین امیرخاندان نیز گویا فرزند خواجه تاج الدین علی ونوادهٔ اوست .

*ـ ازعزالدین‌اسحاق فرزندی می‌شناسیم به‌نام قوام‌الدین علی(الصاحب الاعظم الاعدل الاعلم ، ملاذ طوایف الامم ، مستعبد ارباب السیف واصحاب القلم ، صاحب دیوان الممالك ، ملجأ عظماء العالم ، موئل صنادید بنی‌آدم ، عمیم المواهب والنعم ، عضد الخواقین ، المنصوربنصرة خیرالناصرین ، قوام الحق والدنیا والدین، مغیث الخلایق اجمعین علی . . . عظم الله تعالی جلال قدره)[4]که پس از محرم سال ۷۸۰ در گذشته وبنای بقعهٔ احمد بـن قاسم ـ ازمزارات قم ـ به دستوراوانجام گردیده است .

* ـ خواجه صفی الدیـن دو فرزند به نامهای خواجه جمال الدین علی وخواجه عمـاد الدین محمود داشته است . خواجـه جمال الدین علی همان «خواجه علی صفی» دومین امیرخاندان است که دوفرزند به‌نام‌های غیاث‌الدین امیرمحمد وامیرجلال الدین داشته است . خواجه عماد الدین محمود سومین

---

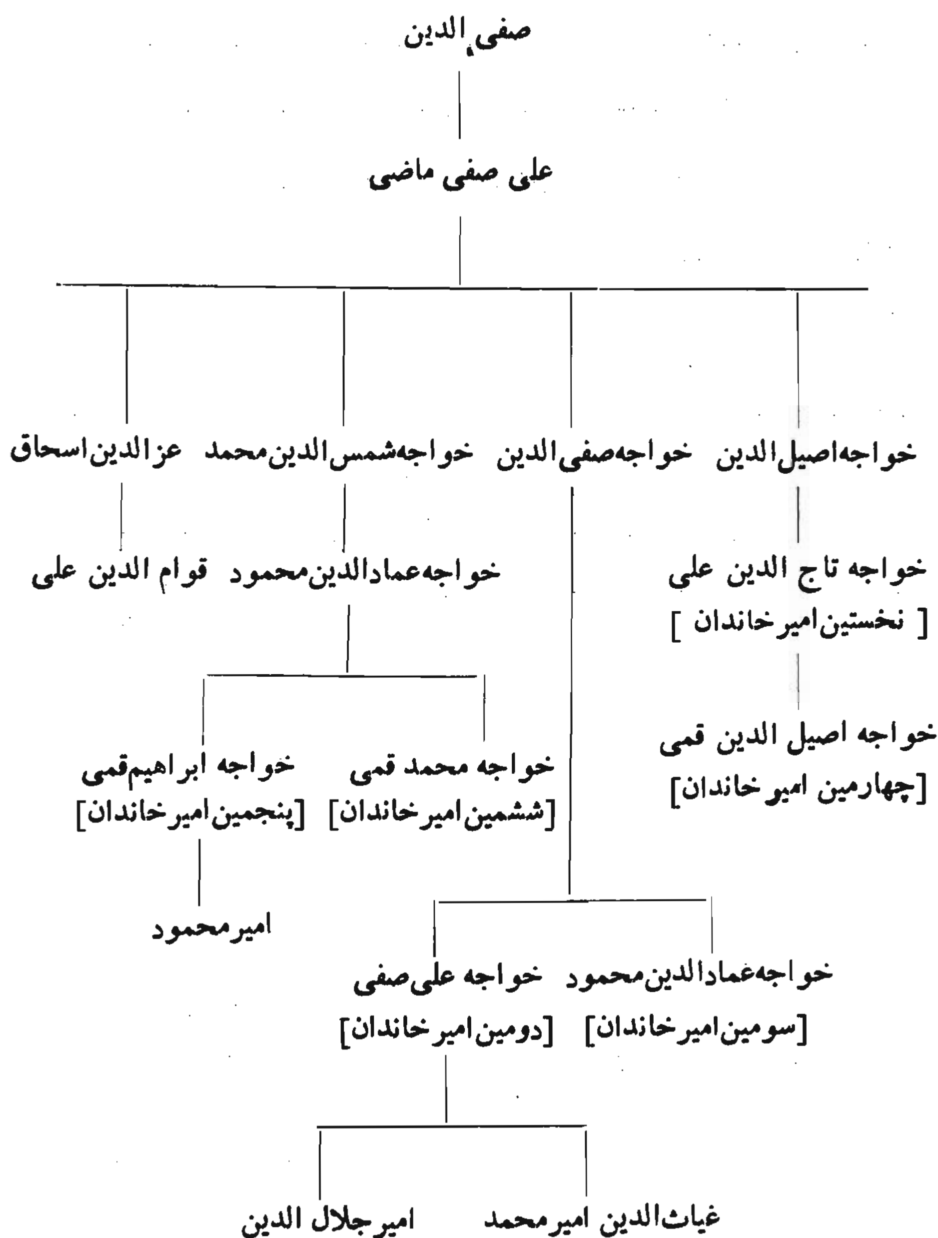
۱ . کتابهٔ بنای مزار احمد بن قاسم قم (مأخذپیش ۲ : ٦۷) .

۲ . کتابهٔ بنای مزارسید سر بخش (مأخذ پیش ۲ : ٦۳) وبنای مورخ ۷۹۲ گنبد سبز قم (همان مأخذ ۲ : ۵۸) .

۳ . دیباچهٔ ترجمهٔ کتاب قم : ص ۳ .

٤ . کتابهٔ بنای مزار احمد بن قاسم قم (تربت پاکان ۲ : ٦۷) .

مشجرهٔ خاندان صفی



امیرخاندان است که پس ازبرادرعهده‌دارامورپوده است .

*ـ خواجه شمس الدین محمد هم فرزندی بـه نام خواجه عماد الدین محمود (الصاحب الاعظم السعید المغفور المبرور، مولی الوزراء فی زمانه ، الواصل الی عفوالله وغفرانـه ، الخواجه عماد الدین محمود)[1] داشته ، واو پدر خواجه ابراهیم قمـی وخواجه محمد قمی پنجمین وششمین امیر خاندان است . خواجه ابراهیم قمی نیز فرزندی بنام امیر محمود داشته است .

چند نکته دربارهٔ چگونگی فرمانروایی این خاندان :

گفتیم که درچند مأخذ ازمآخذ موثوق قرن هشتم ونهم موضوع استقلال امراء این خاندان در فرمانروایی برپهنهٔ قدیم خاك قـم ـ شهر وتوابع آن روز آن ـ که منطقه‌ای وسیع بود به‌تصریح یاد شده است . لیکن باید برآن‌افزود که این فرمانروایی درآن روزگارازنیرومندترین قدرت‌های محلی ومنطقه‌ای مرکزایران‌بوده که دربیرون‌این‌محدوده نیزبه عنوان قدرتی‌معتبرشناخته می‌شده و گهگاه درمنازعات خارج ازمنطقهٔ عراق نیز مداخله می‌نموده است چنان‌که نمونهٔ‌آن ذیل سرگذشت دومین امیر خاندان دیده خواهد شد . ازاین رو در میـان القاب وعناوین بعضی از امـراء خاندان بـه لقب « سپهسالار عراق » برمی‌خوریم[2] .

از القاب دیگرآنان «صاحب قران»[3] ـ که ازالقاب اختصاصی پادشاهان بزرگ بوده است ـ ، « شهریارعلی الاطلاق »[4] و «خلیفة العرب والعجم»[5]

---

۱ . دیباچهٔ ترجمهٔ کتاب قم : ص ۳ .

۲ . تاریخ رویان اولیاءالله : ۱۹۶/ تاریخ طبرستان مرعشی : ۸۱ .

۳ . دیباچهٔ ترجمه کتاب قم : ص ۲ .

٤ . همان مأخذ . نیزکتابهٔ بنای مزار خدیجه خاتون در پنج فرسنگی قم (تربت‌پاکان ۲ : ۲۰٤) .

۵ . کتابهٔ هیمن مزار خدیجه خاتون (مأخذ پیش ، همان جا) .

جالب توجه ونمایانندهٔ نیرومندی واقتدارفرمانروایی مستقل قم درآن روزگار است .

روش فرمانروایی امراء این خاندان بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز با همهٔ قدرت‌های متضاد پیرامون منطقه استواربوده ، وازاین رو باآن که دورهٔ حکومت آنان ازپرآشوب‌ترین دوران‌های تاریخ‌ایران وبخصوص برای‌مناطق مرکزی باقرارگرفتن در میان چند نیروی متخاصم زمینه‌ای مخاطره آمیز بود روش فوق موجب شدکه در تمامی این کشمکش‌ها ومنازعات ـ همچنان که در **جامع التواریخ حسنی** است ـ قم وپیرامون‌آن هرگز سم ستور نبیند[۱] . آنان گاه برای دفع حملات نیروهای مهاجم پیرامون منطقه وبه مقتضای‌مصالح وقت با قدرت‌های دور نزدیك می‌شده[۲] وبه هرحال معمولا بادیگر نیروهای هم عصرخود به صلح وصفا روزگار می گذرانیده‌اند .

امراء این‌خاندان چنان‌که ازآثاربازمانده والقاب واوصاف‌آنان نیزآشکار است مردمانی دانش دوست ، هنرپرور ودرویش ، وازاین رودرمناطق مجاور نیزازاحترامی‌شایسته برخوردار بوده اند . تجدید حیات قم پس ازویران گری وقتل‌عام عظیم ووحشیانهٔ مغول تا حدودی بسیارزیاد مرهون خدمات‌این‌خاندان است .آثارخوبی‌که ازآنان تاکنون درگوشه وکنارقم برجای مانده ودرپایان بحث بدان اشاره خواهد رفت نمایانندهٔ خدمات شایسته‌ای‌که دودمان مزبور نسبت به این شهرانجام داده‌اند .

---

۱ . جامع التواریخ حسنی : ۳۹۹ ر نسخهٔ یاد شدهٔ پیش .

۲ . حافظ ابرو : ۱۸۸ عکس ۲۸۶۹ و ۱۲۸ عکس ۳۷۳۲ دانشگاه . سرگذشت سومین امیر خاندان در همین بحث .

امراء خاندان

۱ ـ خواجه تاج الدین علی اصیل :

فرزند خواجه اصیل الدین ونوادهٔ علی صفی ماضی . اونخستین کسی از این خاندان است که برحکومت قم ومضافات دست یافت .آغاز فرمانروایی او پس از درگذشت ابوسعید ایلخانی به سال ۷۳۶ بوده [۱] واز سال پایان آن آگاهی دقیق به دست نیست جزآن که پیش از سال ۷۵۹ درحین عهده‌داری این مقام کشته شده است [۲] .

بنای مورخ ۷۶۱ باغ گنبد سبزقم آرامگاه اووپدرش خواجه اصیل الدین است . این بنا را خواجه علی صفی برقبرعم وپسرعم خویش بنیاد نهاد .

۲ ـ خواجه علی صفی :

خواجه جمال الدین علی[۳] فرزند خواجه صفی الدین ونوادهٔ علی صفی ماضی . شخصیت سیاسی واجتماعی عراق عجم در قرن هشتم ودومین امیر خاندان که پس از خواجه علی اصیل فرمانروای قم گردید وآنچه می‌دانیم تا سال ۷۷٤ دراین مقام باقی بود .

در**تاریخ رویان** اولیاء الله آملی ـ که دردورهٔ فرمانروایی اونوشته شده

---

۱ . مجمع الانساب : ۲۹۱ همان عکس دانشگاه .

۲ . چه دراین سال پسر عم او خواجه علی صفی‌عهده دار فرمانروایی بوده است (مجمع الانساب : ۲۹۱ / تاریخ رویان : ۱۹٦ / تاریخ طبرستان : ۸۱) . درکتابهٔ مدفن اوست : « الصاحب الشهید المغفور . . » (تربت پاکان ۲ : ٥٤) .

۳ .کتابهٔ مدفن او ومزارات سید سربخش وخدیجه خاتون (تربت پاکان ۲ : ۵۸ و٦۳ و ۲۰٤) لیکن در مجمع الانساب : تاج الدین علی . تعدد لقب درروزگاران گذشته

ـ باعناوین «حاکم وسردارقم، صاحب اعظم، سپهسالار عراق»[1] ودر کتابهٔ بناهایی ازهمین دوره بااوصاف: «المولی المخدوم المطلق المطاع ، الشهریار الاعدل الاعلم ، خلیفة العرب والعجم ، صاحب السیف والقلم ، حافظ البلاد ناصر العباد ، مدبر امور المملکة وخلاصة ترکیب الماء والطین . .[2] اعزالله انصاره وضاعف اقتداره »[3] ازوی یاد می‌شود .

خواجه با فرمانروایی ونفوذ واقتداری کـه در عراق عجم داشت ، در کشمکش‌ها ومنازعات بیرون از این محدوده نیز دخالت می‌نمود که نمونه‌ای ازآن را اولیاء الله آملی چهارسال پس از وقوع آن به این ترتیب ثبت نموده است :

« فتح قلعهٔ قوسین به دست ملك جلال الدوله اسکندر.

درتاریخی که ذکر آن خواهـد رفت امرای ایغورمثل امیرکبیر پیر احمد وامیـرزاده بندك اروم قیا وامیر عبیده وامیرحسن لاذی وغیرهم بـه مخالفت ملوك اعاظم ـ عظم الله قدرهم ـ با هم اتفاق کردند به نیت آن که قلعهٔ قوسین را به دست فرو گیرند ودست نواب ملوك اعاظم ـ عظم الله جلالهم ـ از ری ونواحی آن کوتاه گردانند . موکب همایون ملك اعظم جلال الدوله ـ عزت انصاره ـ دراین وقت به مبارکی به‌موضع واریان مسکن ساخته بود، ازآنجا نهضت نموده درکرج نزول فرمود وجمـاعت اتراك لشکر گران جمع کرده بودند وبه حاکم وسردار قـم استظهار جسته وازآنجا « عقد مکابا » نام که از رئیس زادگان اصفهان بود و«رکن کرد» که ازبرنا پیشگان اصفهان بود ودرقم

معمول بوده است چنان که نظیر آن درمورد خواجه علی اصیل نیز عیناً دیده می‌شود .

۱ . تاریخ رویان : ۱۹۵ ـ ۱۹۶ / تاریخ طبرستان : ۸۱ .

۲ . کتابهٔ مزار خدیجه خاتون یاد شدهٔ پیش (تربت پاکان ۲ : ۱۰٤) .

۳ . کتابهٔ بنای خاکجای خواجه اصیل الدین (مأخذ پیش ۲ : ٥٤) .

مصاحب حاکم آنجا گشته وبه نوکری او منسوب شده بود ودر تمامت عراق نام وآوازهٔ او به اخی گری فاش گشته، بسی کارها ازاسفاهی گری وبرناپیشگی از دست او برآمده بود ، ایشان هردوبا صد سوار قمی واصفهانی به مدد امرا آمده بودند ... ملك فخرالدوله شاه غازی ... بالشکری اندك از ترك وتازیك به در قلعهٔ قوسین خرامید . امراچون لشکر مستعد داشتند خویشتن را در مقام غرور دیدن حالی با لشکری آراسته روی آوردند . ملك معظم فخرالدوله شاه غازی ... درآن مصاف ثبات قدم ورزیده بـه یك طرفة العین ایشان را منهزم گردانید . لشکر ازترك وتازیك درعقبش راندند وشمشیردرآن لشکر کشیدند وخشك وتر نگذاشتند ... و« رکن کرد » باصد تن کشته برآمدنـد . مجموع اسبان وسلاح وآلات حرب از برگستوان وجوشن وغیره غارت کرده . واین فتح اول‌بامداد روز آدینه بود بیست وهفتم ذی‌الحجه موافق چهاردهم اسفندیار ماه قدیم‌سنهٔ تسع خمسین وسبعمائه . وقلعهٔ قوسین که ازامهات قلاع ری است مستخلص کرده به امیرکبیرعلی پاشا سپرد واسبران وغنائم واموال راباکجور نقل کرد .

بعد از مدتی حاکم وسردار قم وصاحب اعظم ، سپهسالار عراق خواجه علی صفی قاصدان بـه بندگی ملك معظم ـ عزت انصاره ـ فرستاد با هدایا وتقدیم عجز وعذر بدانچه گذشته بود والتماس نمود که اسیران را بازفرستد . ملك‌آن قاصدان را نوازش فرموده ، التماس وی مبذول فرموده خلاص نمـود وهم اجازت دادند که کالبد « رکن کرد » را به قم نقل کنند »[1] .

خواجه در قم خانقاهی داشته که بیرون دروازه کنکان[2] آنجا بوده است

---

۱ . تاریخ رویان : ۱۹٤ ـ ۱۹٦ / تاریخ طبرستان : ۸۱ .

۲ . ببینید تربت پاکان ۲ : ۲۲ ـ ۲٤ .

وجعفری در **تاریخ کبیر** و سمرقندی در **مطلع السعدین** و رملو در **احسن التواریخ** از آن یاد نموده‌اند[1] .

جز این خانقاه ، از خواجه اثری دیگر نیز در قم باقی است و آن بنایی است که در سال ۷٦۱ بر قبر عم و پسر عم خود (خواجه اصیل الدین وخواجه تاج الدین علی) بنیاد نهاده است .

او پیش از سال ۷۹۲ در گذشته است . بنای مورخ ۷۹۲ باغ گنبد سبز قم آرامگاه اوست . برادرش خواجه عماد الدین محمود وفرزندش امیر جلال الدین نیز در کنار او در همین بقعه مدفونند .

از او دو فرزند می‌شناسیم یکی همین امیر جلال الدین ودیگری غیاث الدین امیر محمد که آثار هنری ارزنده‌ای مانند بنای بقعهٔ خدیجه خاتون در پنج فرسنگی جنوب قم مورخ ۷۷۰ وبقعهٔ سید سربخش آن شهر مورخ ۷۷٤ به دستور او بنیاد گردیده ودر کتابهٔ آنها از وی با القابی همچون : « افتخار ونظام ایران ، عمدهٔ اعاظم وزراء عالم ، غبطهٔ ملوك وسلاطین ، صاحب وموالی ومخدوم اعظم » یاد شده است .

۳ ـ خواجه محمود قمی :

فرزند دیگر خواجه صفی الدین وبرادر خواجه علی صفی که در سال ۷۹۱ عهده‌دار امور بوده است . در سکه ای که از او به تاریخ فوق در دست داریم وی «السلطان العادل سلطان محمود» خوانده شده ودر سکه‌های دیگر به صورت «السلطان محمود خان» از وی نام آمده است. او در همین سال یا اوائل سال ۷۹۲ در گذشته ودر بنای مورخ ۷۹۲ باغ گنبد سبز قم در کنار برادر خویش به خاك رفته است .

---

۱ . تاریخ کبیر. وقایع سال ۸۱۵ / مطلع السعدین ۲ : ۱٤۰ / احسن التواریخ ۱۱ : ۸۸ .

۴ ـ خواجه اصیل الدین قمی :

گویا فرزند خواجه تاج الدین علی ونوادهٔ خواجه اصیل الدین بن علی صفی ماضی. چهارمین امیرشناخته‌شدهٔ خاندان که گویا بی‌فاصله پس ازخواجه عماد الدین محمود فرمانروایی این مناطق را عهده‌دار گردیده باشد .

خواجه اصیل الدین بـه مقتضای اوضاع وشرائط خاص آخرین دههٔ قرن هشتم وآشفتگی‌های منطقهٔ مرکزی ایران در این سال‌ها با شاه منصور ـ امیر مشهور آل مظفرـ روابطی دوستانه ونزدیك داشت . درهمین وقت‌زین‌العابدین فرزند شاه شجاع که پس از پدر برپاره‌ای نقاط عراق عجم از جمله اصفهان دست یافته‌بود در گیرودارمعارضات خود باشاه منصوربرای تصاحب وتصرف قم به‌این شهرلشکر کشید لیکن بامقاومت خواجه وقمیان روبروشد وسرانجام نیزبرقم دست نیافت وبه اصفهان باز گشت .

در اثنای محاصرهٔ قم خواجه برای مقابلهٔ با زین العابدین از« آغجکی » حاکم عراق مدد خواست . زین العابدین به آغجکی پیام فرستاد که خواجه اصیل باشاه منصور همداستان است وشاه منصورپس ازدست یافتن بر من تو را ازمیان برخواهد داشت . ازاین روآغجکی ازکمك به‌خواجه منصرف‌شد اندکی بعد دراوائل سال ۷۹۳ شاه منصوربه عزم سرکوب کردن زین‌العابدین وتسخیرعراق‌رهسپاراین سو گردیده وپس از گشودن اصفهان وکاشان به‌جانب قم آمد .

حافظ ابروـ مورخ مشهوراین دوره ـ می‌نویسدکه وی درراه‌کاشان به قم نخست به قلعهٔ «ساصرم» رسیدکه ازقلاع محکم آن ولایت است . کوتوال آنجاکه از طرف خواجه منصوب بود قلعه را بسپرد وغلات بسیارکه در آنجا

مدخروموجود بود بـه وجه علوفه برلشکریان تقسیم شد وبر همین منوال قلعهٔ گیووقلاع دیگرمیان راه همه تسلیم نمودند. «چون به حوالی قم رسید خواجه اصیل‌الدین قمی که درآن‌زمان حاکم وصاحب سیاست آن‌طرف بودومدت‌های مدید وعهدهای بعید بود کـه از آن خاندان کسی ظاهراً به ملازمت سلاطین وامراء مکلف نبود- اگرچه برحسب صلاح بامجموع جوانب طریقهٔ اخلاص ودولت خواهی مرعی می‌داشته اند چنانچه قاعدهٔ مردم سرحد نشین می‌باشد - به استقبال آمد .

بعد ازشرایط تعظیم شاه منصور به ظاهرقم فرود آمد ووالدهٔ او (خواجه اصیل) زهرا خاتون که ازخیارنساء وکافلهٔ مهمات آن ولایت بود شاه منصور را به اندرون شهر به خانهٔ خود بـه رسم طوی وضیافت حاضر گردانید » . در همین اثنا خبر رسید که زین العابدین که پس از رسیدن شاه منصور به اصفهان ازآن شهر گریخته بود درطهران- که آن هنگام ازقراء ری بود- درنگ نموده است . چند روزبعد زین العابدین به‌دست «موسی جوکار» حاکم ری گرفتار وبه قم آورده شد . شاه منصور درازاء این خدمت موسی جوکار را مجدداً به حکومت ری برقرارداشته ، درهنگام عزیمت ازقم دستورداد زین العابدین را نابینا ساختند وبه قلعه سفید فارس فرستادند [۱] .

---

۱ . حافظ ابرو. برگ ۱۸۸ عکس ۲۸۶۹ وبرگ ۱۲۸ - ۱۲۹ عکس۳۷۳۲ دانشگاه .

نیز :

* تاریخ جعفری . برگ ۱۹۸ الف عکس ۵۹۲۸ دانشگاه .
* ذیل جامع التواریخ رشیدی : ۲۵۴ .
* مجمل فصیحی ۳ : ۱۲۹ .
* حبیب السیر ۳ : ۲۲۲ .
* تاریخ آل مظفر حسینقلی ستوده ۱ : ۲۳۷ .

۵ ـ خواجه ابراهیم :

خواجه فخرالدین ابراهیم فرزند خواجه عمادالدین محمود فرزندخواجه شمس‌الدین محمد فرزند علی صفی ماضی ، پنجمین امیرشناخته شدهٔ خاندان او. گویاازه۷۹ تا ۸۰۶ فرمانروای قم ومضافات بوده و گویا هموست که «ابن عربشاه» اورا دلیری دشمن شکار وآمادهٔ هرگونه سختی وپیکار ، وفرمانروای مستقل قم خوانده [۱] وبه گفتهٔ اوتیموروی را به حضورخواسته است [۲] . جز آن که اوتاریخ این احضار را سال ۷۸٤ دانسته وآن باید خطا ، ودرست ۷۹۵ باشدکه تیمور دردومین یورش خود دودمان مظفری را برانداخت . همچنان که مطالبی که دربارهٔ پایان کار او دراین مأخذ دیده می‌شود [۳] باید تهی از خطا نباشد .

خواجه ابراهیم درسال ۸۰٤ درنبرد تیموربا « ایلدرم بایزید » مانند دیگر امرای مستقل عراق ورستمدارو گیلان وجزآن جزء ملازمان تیموربود [٤] . از آثار اوترجمهٔ **کتاب قم** نوشتهٔ حسن بن محمد بن حسن قمی به سال ۳۷۹ است که بدستوراو و« به روزگار همایون » وی درسال‌های ۸۰۵ و۸۰٦ انجام پذیرفت [۵] . درمقدمهٔ این اثرازوی به این صورت یاد می‌بینیم :

حضرت عالی جناب مخدوم علی الاستحقاق شهریار علی الاطلاق ، صاحب قران اعظم اعدل اعلم ، مادهٔ امن وامان خلاصهٔ نوع انسان ، ذخر

۱ . عجائب المقدور ، ترجمهٔ فارسی : ۵۲ و۳٦ .

۲ . همان مأخذ واعیان الشیعه ۱۵ : ۳۷ چاپ نخست و۱۵ : ۲۵٤ چاپ دوم .

۳ . عجائب المقدور . ترجمهٔ فارسی : ۵٤ .

٤ . تاریخ الفی ، ذیل وقایع نبرد مزبور (نسخهٔ ش ۱۲۳٤ دانشگاه) .

۵ . دیباچهٔ ترجمهٔ کتاب قم . ص ۲ سطر ۱۷ .

زمان و کهف اوان ، صاحب الفتوح المشهورة والوقایع المذکورة، نعمةالله علی اولیائه السابغة ونقمته فی اعدائه، البالغة ملجأ العجزة والضعفا مربی الائمة والعلمـاء ، مولی ملوك العجم موئل صنادید الامـم ، ذی المناقب والمناصب والمفاخر والمراتب، الموفق بتوفیق الله رب العالمین ،المؤید بتأییدات خالق السماوات والارضین ، المنصور بنصرة الله خیرالناصرین الخواجه فخرالحق والدنیا والدولة والدین، عماد الاسلام والمسلمین ابراهیم . . . خلد الله تعالی ظلال عواطفه واشفاقه واحسانه ونور قبور مواضیه واسلافه »[1].

خواجه تا سال ۸۰۶ که این ترجمه « به توفیق دولت حضرت مخدومی شهریاری»[2] انجام یافت به شهادت همین دیباچه فرمانروایی داشته ، لیکن در سال ۸۰۷ به هنگام مرگ تیموربرادراوخواجه محمد عهده‌دار اموراین منطقه بوده‌است پس اوباید دراواخرسال۸۰۶ یااوائل ۸۰۷ درگذشته باشد. خواجه فرزندی به نام « محمود »[3] داشته کـه وصف وسرانجام کار او را پس از این خواهیم دید .

۶ ـ خواجه محمد :

فرزند دیگر خواجه عمـاد الدین محمود فرزند امیر شمس الدیـن محمد فرزند علی‌صفی ماضی . ششمین امیرشناخته شدۀ خاندان که پس ازبرادرخود دراواخرسال ۸۰۶ یااوائل ۸۰۷ عهده‌دارفرمانروایی قم گردید. اوآخرین امیر خاندان صفی‌است که باکشته شدن اوواستیلای اسکندر فرزند عمرشیخ وپس

۱ . همان مأخذ . ص ۲ ــ ۳ .

۲ . ایضاً . ص ۳ سطر ۱۵ ــ ۱۶ .

۳ . تاریخ جعفری . برگ ۲۱۱ عکس دانشگاه.

از وی شاهرخ بر این منطقه دوران آن دودمان نیز پایان گرفت .

دربارهٔ پیشینهٔ خواجهٔ موصوف آنچه می‌دانیم این است که در سال ۷۹۵ فرماندهی برخی قلاع مهم منطقهٔ قم ازجمله قلعهٔ «گیو»[1] با او بوده که خود در همین قلعه بوده و گماشتگان او جاهای دیگر را محافظت می‌نموده‌اند[2] . در همین سال او به وسیلهٔ عمرشیخ فرزند تیمور دستگیر و به حضور تیمور فرستاده شد چه دریورش پنج ساله پس ازرسیدن سپاه جغتای به عراق «عمر شیخ» از پدر جدا شده ، با سپاهی به راه آوه روان گردید و تیمور خود از نزدیك ری به بروجرد عزیمت ساخت . شرف الدین علی یزدی در این باره می‌نویسد :

«امیرزاده عمرشیخ ازموضع کوشك چوپان عبورنموده به آوه رسید واز آوه گذشته قلعهٔ گیو را مسخر گردانید ومحمد قمی را که کوتوال آن قلعه بود بگرفت وشب درمیان کرده روزدیگر به موضع «مرون» راند ومظفر پراهانی که گماشتهٔ محمد قمی بود استقبال نموده شرف بساط بوس دریافت واز آنجا کوچ کرده به «کرهرود» رسید واسفندیار ازراه عجزواضطرار بیرون آمد . شاهزاده محمد قمی واسفندیار را پیش حضرت صاحب قران فرستاد »[3] .

ابن شهاب یزدی درشرح وقایع پس ازمرگ تیمور می‌نویسد :

«درتاریخ مذکور که حضرت صاحب قران کشورستان از دار فنا به منزل عقبی تشریف فرمود ممالك ایران و توران را هرجا درضبط وایالات پادشاه‌زادگان کامکار نهاده بود . اول سمرقند امیرزاده خلیل سلطان بود وخراسان وهرات

---

۱ . از قرا ومضافات پیشین قم ، جزء بخش خلجستان درغرب شهر . بنگرید به قم در قرن نهم : ۴۷ .

۲ . ظفرنامه ۱ : ۴۲۰ .

۳ . همان مأخذ وهمان جا . نیز منتخب التواریخ معینی : ۳۵۳ وروضة الصفا ۶ : ۲۱۰ .

ومازندران به‌امیرزاده شاهرخ بهادرتفویض فرموده وتبریزو گرجستان وشروان وولایات با مجموع آذربایجان نامزد امیرزاده میران شاه . . . وبغداد وکوفه وواسط تا ولایت شام با امیرزاده ابابکر بن میران شاه . . . وهمدان ونهاوند ونواحی به امیرزاده اسکندر ، وفارس ویزد وابرقوه به امیرزاده پیرمحمد بن عمر شیخ ، وکرمان ومکران به امیرزاده عمر شیخ رجوع فرموده بود ، وقم ونواحی ازقدیم بازمردم آن ولایت داشتند ودر این تاریخ خواجه محمد قمی حاکم بود »[1] .

همودرشرح آشفتگی‌های سال‌های ۸۱۲ و۸۱۳ می‌نویسد :

«سلطان‌اویس در کرمان به‌استقلال بماند وسلطان اسکندردرفارس وعراق ویزد وابرقوه وکاشان پادشاه شد وقم خواجه محمد قمی داشت »[2].

خواجه محمد تاسال ۸۱۵ درقم به استقلال فرمان راند . ودراین سال به تفصیلی که پس ازاین می‌بینیم کشته شد .

پایان کارخاندان :

سرانجام درسال ۸۱۵ فرمانروایی هشتاد سالهٔ خاندان صفی با کشته شدن خواجه محمدآخرین امیرخاندان پایان گرفت . شرح این واقعه چنین است :

اسکندر فرزند عمرشیخ ونوادهٔ تیمور درآشفتگی‌های پس از مرگ او سربرداشته واندك اندك بر همهٔ نقاط عراق وفارس دست یافت . قم در این میان همچنان در تصرف قدرت مستقل محلي‌بود، واین موجب شد اسکندر به این منطقه لشکرکشی کرده ، با خواجه محمد به جنك برخیزدکه ابن شهاب

۱ . جامع التواریخ حسنی . برگ ۳۹۲ پ ـ ۳۹۳ ر .

۲ . همان مأخذ . برگ ۳۹۸ پ .

یزدی که‌خود شاهد عینی قضایابوده ودرآن‌سهمی نیزداشته است- خصوصیات آن را به این شرح به دست می‌دهد :

«سلطان اسکندر دوسال متواتر قم را محاصره کرد وبه جایی نرسید . در سال سیم چون ازایلغارورجرد ولرستان مراجعت نمود درآن سال قرایوسف ترکمان سلطان احمد را ازمیان برداشته پادشاه آذربایجان شده وبه نهاوند آمد وسلطان اسکندردرکاروباروخندق ساختن ورروجردبود وآن را شهری ساخت وقرارچنان بودکه روزدیگر جنك شود وقرایوسف خسته شده وبازگشت وبا تبریزرفت وسلطان اسکندرازعقب تا تودرودآورد وتا همدان ایلغارکرد وبعد از آن مراجعت نمود . خبر رسید کـه خواجه محمد قمی درد مفاصل دارد وصاحب فراش است . ومقسوم ترکمان درسلطانیه دم دوستی می‌زد . خواجه حافظ عرضه داشت سلطان کردکه صلاح آن است که سلطان به سلطانیه فرماید وبا مقسوم دیدارکند وعهد وپیمان نمایندکه به اتفاق امرا متوجه قم شوند وبه صلاح کارآخرشود . برآن مقرر شد وسلطان به سلطانیه رفت وجماعت امیر عبدالصمد وخواجه حافظ ومیریوسف خلیل وعبدالله پروانچی وامیر چولپان شاه بالشکری متوجه قم شدند وخواجه محمد چون‌صاحب فراش بود درصلح کوفت وچون بـه ده فرسنگی قم رسیدند ساوری وپیشکش پیش کشید وامرا دردروازهٔ ساوه فرودآمدند اما دردروازها بسته وبرقرار، مردم دربارو، و«خضر تیرگر» نامی بیرون می‌آمد و گفتگویی آورد وبرد می کرد ومقصودآن بودکه مرض پای خواجه محمد صحت یابد دیگر بنیاد جنك ومحاربه نمایند .

خواجه محمد حافظ این حال معلوم کرد . یك بار این ضعیف را پیش خواجه محمد فرستاد همراه «خضر تیرگر» وسخن آنکه اگر راست می گوید وباما سرصلح دارد خواجه مظفرپراهانی که نایب وصاحب اختیارمهمات‌است

وتمام مهمات مالی وملکی قم دردامن اوبود اورا روانه فرمایند تاقرارمعاملات آنچه صلاح طرفین باشد بازدید نماییم . برآن قرارروز دیگرخواجه «مظفر» را بیرون فرستاد . چون شرف پای بوسی عالی جناب خواجه غیاث الدین محمد حافظ دریافت میانهٔ ایشان در قدیم حقوق خادم مخدومی بود . بعد از اداء رسالت که در حضور امرابعرض رسانید بعد از آن خواجه حافظ او را به آخرگاه خود برد وفصلی‌چند براو خواند واو راسوگندداد‌به‌طلاق ومصحف که تا سه روز دیگر قم را بسپارد . ودروازهٔ «بن کوش» بدومتعلق بود. شب سیم‌خبر کرد ودرصباح دردروازه «بن کوش» بگشاد وامرا ولشکررا درشهربرد وخواجه محمدوامیرمحمود ومهترشرف که حاکم‌وصاحب‌اختیارقم‌بود ودیگر سرداران‌رادرقلعه دربند کشیدند وامیرمحمود برادرزادهٔ خواجه محمد به غایت خوش شکل وصاحب جمال‌بود ومقصود سلطان‌اسکندرازقم‌اوبود واوازخوف بدنامی‌خود را ازبام خانه‌بیانداخت وهردو قلم پای او خرد شد ودرآن مرض وفات‌یافت . وقم هرگز تا این تاریخ‌سم ستوربیگانه ندیده بودند. مال‌دویست سالهٔ‌آن خاندان به دست نواب سکندری افتاد چنان‌که شیخ العارفین حافظ شیرازی فرماید :

دل بسی خون به‌کف آورد ولی دیده بریخت

الله الله کـه تلف کرد وکـه اندوخته بود

وآن حضرت قوی حال شد وبنیاد ظلم نهاد . . » [1] .

نقل جعفربن محمد حسینی مورخ دیگرآن دوره نیزبنابرآنچه در **تاریخ** اودیده می‌شود همین گونه‌است چه‌درشرح وقایع سال۸۱۵ وکارهای اسکندر مزبورمی‌نویسد :

« . . . به‌محاصرهٔ قم رفت وخواجه محمد قمی که حاکم قم بودجنگ‌ها

---

۱ . ایضاً . ۲۹۸ ب ـ ۲۹۹ ر .

کرد وبسیارمردم ازطرفین به‌قتل آمد. عاقبت امیرزاده اسکندرعبدالله‌پروانچی وخواجه غیاث الدین محمد حافظ وامیر یوسف خلیل را با لشکری جهت محاصرهٔ قم بازداشت بعدازروزی چند امیرمظفرفراهانی که امیرومعتمدخواجه محمد بود با بیرونیان یکی شد ودروازه بازکردند وقم به نوکران امیرزاده سپردند ولشکر در قم ریختند وخواجه محمد قمی وامیرمحمود پسر خواجه ابراهیم رابگرفتند ومال بی‌حد ازقم بیافتند وعزیمت اصفهان کردند. امیرزاده بفرمود تا هردورا بکشتند . . »[1] .

لیکن نقل اودر **تاریخ کبیر** که مبسوط‌تر است بانوشتهٔ ابن‌شهاب جدایی‌هایی دارد. این نقل همان است که در **مطلع السعدین** سمرقندی عیناً آمده وازآنجا به **احسن التواریخ** روملورفته وآن چنین است :

«میرزا اسکندرچون درممالك عراق وفارس فرمانروای علی‌الاطلاق شد قصد تسخیر بلدهٔ قم کرد وچند ایلچی به طلب خواجه محمد قمی فرستاد واز مردم خواجه امردی خوش شکل بود اورا نیز طلبید[2] وخواجه به هیچ وجه ملتفت نمی‌شد . میرزا اسکندر عزم محاصرهٔ قم کرد وقلاع ونواحی آن را مسخر فرمود وکوتوال قلعهٔ گیو «علی دمه سر» نام را مقید به در قم برد، ودر قم مردم جنگی بسیار بودند جنك‌های سختی کردند ومیرزا اسکندر را کاری ازپیش نمی‌رفت . دراین حال «نصرالله صحرائی» حاکم ساوه اندیشید که هرگاه قم فتح شود نوبت ساوه خواهد بود وباآن که میان اوومحمدقمی نیك نبود عم زادهٔ خود «عمادکور»را با چند سپاه جلد به‌مدد فرستادوخواجه

---

۱ . تاریخ جعفری . برگ ۲۱۱ نسخهٔ دانشگاه .

۲ . « واز ملازمان خواجه جوانی که درکمال قابلیت وحسن وملاحت بود طلب کرد ... » ــ روملو ۱۱ : ۸۷ .

محمد را بدان‌سبب قوت وشوکت زیاده شد. میرزااسکندرازظاهرقم‌برخاسته خواست به اصفهان رود «مظفر فراهانی» که معتمد خواجه محمد بود کتابتی پیش میرزااسکندرفرستاد وپیغام داد که اگرحکومت مالی قم را به من‌تفویض کنند وبـه عهد وسوگند مؤکد سازند شهر تسلیم کنم، وچون عهد وپیمان استحکام یافت‌آن نمك به حرام‌آغازمکر وفریب‌کرد وبا خواجه محمد راست آورد که رعیت قم که اکثردرقلعه بودند به شهرروند تا محافظت شهرنمایند. ومردم را در شهر متفرق ساخت وخود با خواص وبرادرزادۀ خواجـه محمد « امیرمحمود » در شهر به رسم محافظت گشته ودر هر جا به هربهانه ملازمان امیرمحمودرا می گذاشت‌چنانچه‌با امیرمحمود بیش ازپنج‌شش‌کس نماند. از دروازۀ‌کنکان بیرون رفته، امیرمحمود را گرفت وفوجی ازلشکرمیرزا اسکندر که به مشورت مظفر کافر نعمت در خانقاه خواجه علی صفی در بیرون همین دروازه بودند از کمین غدربیرون‌آمده، درشهرریختند وامیرمحمود را مقید به پای قلعه بردند. خواجه محمد را درقلعه چندان‌کس نبود که به دفع یاغی قیام تواندکرد. به ضرورت بیرون‌آمده او رابه اصفهان بردند وخواجه محمدرا با برادرزاده به قتل‌آوردند وحکومت‌قم رجوع به‌عبدالله پروانچی‌شد وضبط مال حسب المعاهده به مظفرمقرر گشت »[1].

* * *

بدین ترتیب دوران عظمت وفرمانروایی یکی از خاندان‌های حکومتگر ایران درقرن هشتم وآغازنهم پایان گرفت. پس ازاین ازذیل وبازماندۀ دودمان

---

۱. تاریخ‌کبیر جعفری. وقایع سال ۸۱۵/ مطلع السعدین ۲ : ۱۳۹ ـ ۱٤۰/۱ احسن التواریخ ۱۱ : ۸۷ ـ ۸۸/ وباجدایی هایی درمجمل فصیحی ۳ : ۲۱۱ وتاریخ الفی نسخۀ ش ۱۲۳٤ دانشگاه.

صفی آگاهی درست نداریم . تنی چند ازبزرگان قم که درمآخذ دو قرن نهم ودهم نام بردلرند همچون «امیر سلطان ابراهیم» که روملو دروقایع سال ۸۳۱ ازاونام می‌برد[۱] و«صاحب اعظم خواجه زین‌الدین علی» که بهاء الدین حسن کاتب فرزند مترجم **کتاب قم** نسخه‌ای ازهمین کتاب را درسال ۸۳۷ برای او نگاشته است[۲] و«صدر کبیرخواجه بهاءالدین هبةالله قمی» زنده درسال۸۴۷[۳] وخواجه یحیی قمی که درسال ۸۵۷ عهده‌داررتق وفتق امورمدافعت وممانعت این شهر بوده است[۴] وخواجه حاجی بن خواجه سعادت شاه بن خواجه ابراهیم قمي که‌درشوال ۹۲۹ وقفی‌بر آستان شیخ صفی نموده‌است[۵] میتوانند ازبازماندگان یا وابستگان به این دودمان بوده باشند .

آثار بازمانده :

آثاری که ازاین دودمان به جای مانده است ازسکه‌ها ، نوشته‌ها وبناها، درجای خود به تفصیل شناسانده شده واینك تکمیل بحث را در اینجا نیز به اجمال اشاره‌ای می‌رود :

أ ـ سکه‌های خواجه محمود سومین امیر خاندان که در همین مجموعه دربحث « دارالضرب قم » شناسانده شده‌است .

ب ـ **ترجمه کتاب قم** ، نوشتۀ حسن بن محمد بن حسن قمی در ۳۷۹

---

۱ . احسن التواریخ ۱۱ : ۱۹۴ .

۲ . مجلۀ بررسی‌های تاریخی ، ش ٤ سال هشتم ، مقالۀ نگارنده : ٦٧ .

۳ . قم درقرن نهم : ۱۹۵ .

٤ . دیاربکریه : ۱۲۱ عکس‌دانشگاه . نیز احسن التواریخ ۱۱: ۲۲۳ وتاریخ جدید یزد ۲٦٥ .

٥ . صریح الملك ٤ : ۸٤ عکس دانشگاه .

که آن را حسن بن علی بن حسن بن‌عبدالملك قمی در سال‌های ۸۰۵ ـ ۸۰۶ به دستورخواجه ابراهیم پنجمین امیرخاندان به فارسی بر گردانده است .[۱]

ج- بناها. ازاین خاندان هفت بنا درقم وپیرامون آن تاکنون به‌جای‌مانده که هریك از نفائس آثار قدیم ایران، وبخصوص درهنر گچ بری از نمونه‌های بسیارارزندهٔ فن شمرده می‌شود. توصیف دقیق این بناها همراه متن کتابه‌های آن در کتاب **تربت پاکان** آمده [۲] ودراین جا تکمیل بحث را به اجمال تمام ازهریك یاد می‌شود :

۱-۳) آرامگاه‌های امراء خاندان. سه‌بنای مرتفع با گنبدهای برجی هرمی در نزدیك یکدیگر ، درون باغی درشرق قم نزدیك دروازه کاشان این شهر که آن را دراصطلاح محلی «باغ گنبد سبز» می‌نامند . گنبد هرمی یکی ازسه بنا فروریخته واکنون برجای آن سقفی ضربی بنیاد نهاده‌اند .

یکی ازاین سه تاریخ ندارد .

بنای دیگر مورخ ۷۶۱ آرامگاه خواجه اصیل الدین وفرزندش خواجه علی اصیل نخستین امیرخاندان ، که علی بن محمد بن ابوشجاع بنا ، آن را به دستور خواجه علی صفی دومین امیرخاندان بنا کرده است . بنای سوم درمیان آن دو مورخ ۷۹۲ ، آرامگاه خواجه علی صفی وفرزندش امیر جلال الدین وبرادرش خواجه عماد الدین محمود [۳] .

٤) بنای مزار خدیجه خاتون در پنج فرسنگی جنوب قم ازغیاث الدین

---

۱ . ترجمهٔ کتاب قم ، دیباچه ـ ص ۲ و ۳ .

۲ . نیز مجلهٔ بررسیهای تاریخی ، شمارهٔ ٤ سال هشتم ، صفحات ۲۸ ـ ٦٤ /مجلهٔ هنر ومردم ، شمارهٔ ۱۳۲، صفحات ۳٦ ـ ٤۷ / مجلهٔ وحید ، سال پنجم ، شمارهٔ ۷ ـ ۹ وجاهایی دیگر باخطاهایی درخواندن متن کتابه‌ها .

۳ . وصف بناها درتربت پاکان ۲ : ۵۲ ـ ٦۰ .

امیرمحمد فرزند خواجه علی صفی درسال ۷۷۰[۱] .

۵) بنای مزارسید سر بخش در قسمت شرقی شهر ، از همان غیاث الدین امیرمحمد به سال ۷۷٤[۲] .

٦) بنای مزار احمد بن قاسم در قسمت جنوب شرقی ازقوام الدین علی فرزند عزالدین اسحاق فرزند علی صفی ماضی به سال ۷۸۰[۳] .

۷) بنای مزار شاهزاده ابراهیم در قسمت شرقی شهر نزدیك دروازه کاشان مورخ ۸۰۵[٤] . به دستور یکی‌از بانوان این دودمان[۵] ، گویا همسرخواجه ابراهیم که در این سال فرمانروای قم وپیرامون‌آن بوده است .

د ـ آثار دیگر :

۱) رودخانه صفی‌آباد در شرق شهر قم که در روز گاران‌بسیار دورمجرای رودخانهٔ قم بوده[٦] وپس‌از قرن چهارم گویابه منظورجلو گیری از ویرانی‌هایی که طغیان رودخانه در فصـل بهار در بسیاری سال‌ها پدید می‌آوردآن را بـه گونه‌ای مورد استفاده قرار دادند که در هنگام‌آمدن سیـل قسمتی ازآب در آن جریان می‌یافته واز شدت طغیان کاسته می‌شده است .

این نام درکتاب قم تدوین شده به سـال ۳۷۹ نیست ونخست بـار در

---

۱ . مأخذ پیش ۲ : ۲۰۲ ـ ۲۰٦ .

۲ . ایضاً ۲ : ٦۱ ـ ٦٤ .

۳ . ایضاً ۲ : ٦۵ ـ ۷۰ .

٤ . ایضاً ۲ : ۷۳ ـ ۷۵ .

۵ . باتوجهٔ به القاب ذکرشده درکتابهٔ بنا، به خصوص لقب « صفوة الاسلام والمسلمین» (تربت پاکان ۲ : ۷٤) .

٦ . ترجهٔ کتاب قم : ۵۰ (سطر ۱ ـ ٦) .

سندی مورخ ۱۰ صفر ۹۲۹ دیده می‌شود [1] . یکی از نویسندگان متأخر قم در وجه نامگزاری آن نوشته است که این مجرا به دستور خواجه علی صفی دومین امیر خاندان برای این بهره برداری آماده گردید . این گفته هر چند بی مستند است می‌تواند به عنوان احتمالی در مسأله پذیرفته شود .

۲) در **خلاصه التواریخ** قاضی احمد قمی [2] از « میدان صفی آباد » در نزدیك درب اصفهان این شهر یاد می‌شود . درب اصفهان همان دروازه کاشان کنونی بوده که در نزدیك مجرای پیشین رود خانه قم - صفی آباد - قرار داشته است[3] .

پس درست در پیرامون همین جا که آرامگاه امرای خاندان است قرار داشته ، ومی‌تواند بود که آن نیز از آثار این خاندان بوده است .

۳) خانقاه خواجه علی صفی که بیرون دروازه کنکان قم بوده است [4] .

این خانقاه نمی‌تواند همان بنای بی تاریخ باغ گنبد سبز بود ، چه این یکی بیرون دروازه اصفهان است که نام آن به همین شکل در **خلاصه التواریخ** آمده [5] و از این بر می‌آید که درب کنکان جز درب اصفهان بوده است [6] .

---

۱ . تربت پاکان ۱ : ۱۳۷ .

۲ . عکس ۵۵۶۶ دانشگاه ، برگ ۱۲۷ ب (وقایع سال ۹۵۵) .

۳ . ببینید تربت پاگان ۲ : ۲۱ .

٤ . مأخذی که در پاورقی ص ۲۳ یاد شد .

۵ . تربت پاکان ۲ : ۲۱ .

٦ . تفصیل سخن درتربت پاگان ۲ : ۲۲ - ۲٤ .

- ٢ -

دار الضرب قم

در تاریخ قدیم قم که به سال ۳۷۸ تألیف شده در فصل چهارم از باب اول ، زیر عنوان « ذکر دارالضرب وسراهای والیان وحاکمان وزندان‌ها به شهر قم »آمده است : « بعضی از مشایخ خبر کردند مرا و روایت کرده‌اند از محمد بن احمد صیرفی معروف به دلال که او در وقت صرافی به قم دیناری دید که به قم زده بودند به نام معتز ، وحال آنك دارالضرب به قم نبوده است الا در وقت امیر گردانیدن رکن‌الدوله ابی‌علی‌حسن‌بن بویه الدیلمی ابی‌القاسم علی‌بن محمد بن‌حسن الکاتب‌را در سنهٔ اثنتی وخمسین وثلثمائه هجریه »[1] .
این سخن گویادرست نیست چه هم اکنون درمجموعه‌های اروپایی وامریکایی سکه‌هایی با تواریخ ۱۶۰ و ۲۲۵ و۲۲۷ و ۲۴۰ واند و ۲۵۰ و ۲۷۶ و۲۸۶ و۳۲۷ به نام خلفاء عباسی، وبا تواریخ ۳۲۷ و ۳۲۹ به نام امراء سامانی هست که در شهر قم ضرب شده است[2] . در این مجموعه‌ها همچنین سکه‌هایی دیگر ازقم هست با تواریخ ۳۷٤ و ٤٤٥ و ۸۱٦ و ۸۱۹ و۸۲۸ و ۸۳۰ و۸۳۳ و ۸٤۲ و ۸۹۹ و ۹۲۸ و ۹٤۰ و ۹۸٤ و ۱۱۳۱ و ۱۱٤۳ و ۱۱٤٤ و ۱۱۷۱ و ۱۲٤۱ و ۱۲٤۳ و ۱۲٤٤ و۱۲٦۹ وسکه‌ای ازسال‌های ۳۳۷ ـ ۳۵٦ و دیگری

---

۱ . تاریخ قم حسن بن محمد بن حسن قمی : ۳۹ (چاپ تهران ـ ۱۳۱۳ ش).

۲ . رجوع شود به کتاب .

از سال‌های ۳۶۰ ـ ۳۶۲ ودیگری از سال‌های ۸۳۶ ـ ۸۳۹[1] .

در مآخذ تاریخی قرن نهم از ضرب سکه در قم به نام چند تن از امراء تیموری وترکمان یاد می‌شود [2] همچنین آمده است که درسال۹۰۳آیبه سلطان ـ از امراء بزرگ ترکمان ـ در قم به نام مراد بیك آق‌قویونلو سکه زد [3] .

در دورهٔ صفوی جملی کارری که به سال ۱۱۰۵ به ایران آمده است از ضرابخانهٔ قم یاد می‌کند[4] . از این پس تاسال ۱۲۸۷ در قم دستگاه منگنه برای سکه زدن وجود داشته است[5] . در اسناد قدیم نیز از مسکوکات قم یاد هست که نمونه و تصویر یکی ازآن گونه اسناد در این اوراق گذارده می‌شود .

در موزهٔ آستانهٔ قم مجموعه‌ای مرکب از ۹۰ سکه هست که در تواریخ مختلف در قم ضرب شده است .

در برخی مجموعه‌های دولتی وشخصی دیگر نیز مسکوکات مشابهی یافت می‌شود. نمونه‌هایی از « فلوس » های ضرب قم پیش از این در مقاله‌ای ازنویسندهٔ سطورمعرفی‌شده‌است [6] . دوسکهٔ طلای‌ضرب قم‌هم‌درمجموعه‌های شخصی در تهران هست [7] .

---

۱ . همان مأخذ وهمان جا .

۲ . رجوع شود به رسالهٔ قم درقرن نهم هجری ازنویسنده .

۳ . حبیب السیر ٤ : ٤٤٣ / احسن التواریخ روملو ۱۲ : ۱۷ .

٤ . سفرنامهٔ کارری : ٥٦ .

٥ . گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران : ۱۷۲ .

٦ . مجلهٔ هنرومردم ، شمارهٔ ۱۱۷ (تیرماه ۱۳٥۱) .

۷ . یکی از طهماسب اول ودیگری از شاه خدا بندهٔ صفوی .

(سند مربوط به ضرب سکه در قم)

اینك در اینجا با چند سکهٔ نقره از مجموعهٔ آستانهٔ قم ویکی دو مجموعهٔ دیگر آشنـا می‌شویم [1] (سکه‌هایی که محـل وجود آن مشخص نشده همه از مجموعهٔ موزهٔ آستانهٔ قم است) :

۱ ـ سکهٔ شاه شجاع مظفری که سه نمونه از آن در دست است :

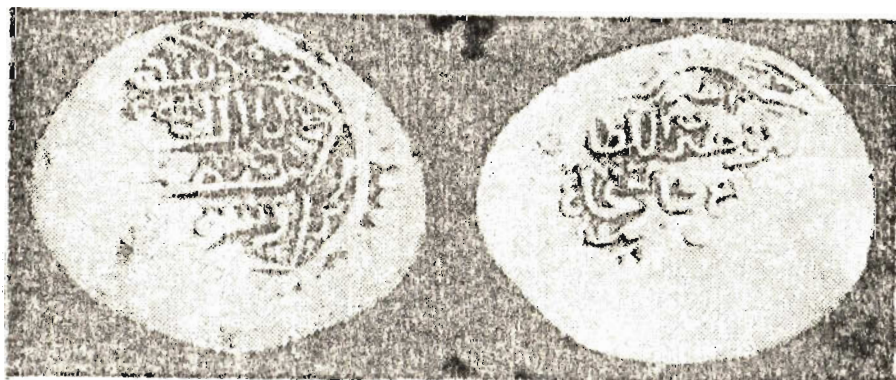
رو : امیرالمؤمنین السلطان المطاع شاه شجاع خلدالله ملکه ـ ضرب قـم

[حاشیه :] سنة .. وستین وست مائه

پشت : لااله الاالله محمد رسول‌الله

[حاشیه] ابوبکر عمر عثمان علی





---

۱ . باسپاسگزاری ازآقای سیـد جمال ترابی طباطبائی که تصویر پنج سکه از این جمله را برای نگارنده فرستادند .



۲ ـ سکهٔ خواجه محمود قمی امیـر خاندان صفی که با تنفیذ امیر تیمور بر منطقهٔ قم وتوابع آن فرمانروایی داشت ، مورخ ۷۹۱ :

رو : السلطان العادل سلطان‌محمود ـ امیرتیمور گورکان ـ ضرب قم ۷۹۱

پشت : لااله الاالله محمد رسول الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی

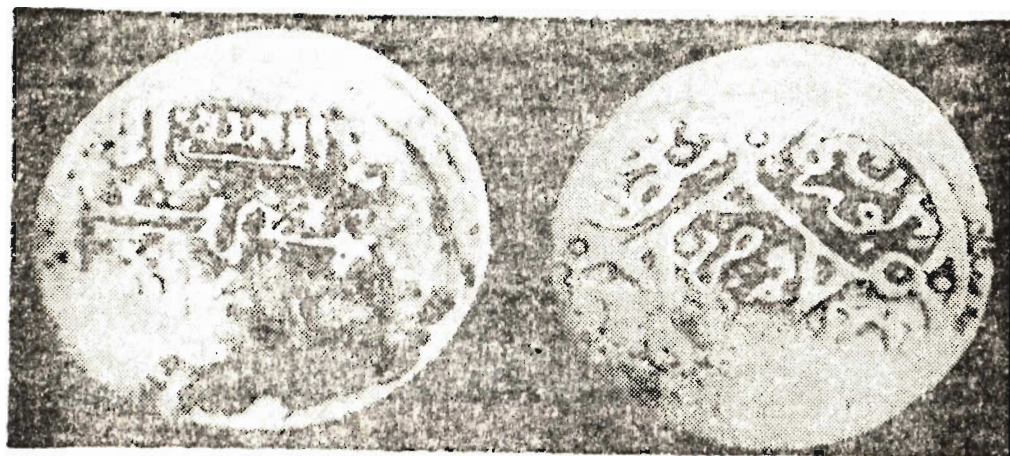


۳ ـ سکهٔ دیگری از همان امیر خاندان صفی :

رو : سلطان محمود خان ـ امیر تیمور گورکان ـ ضرب قم

پشت : لااله الاالله محمد رسول الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی

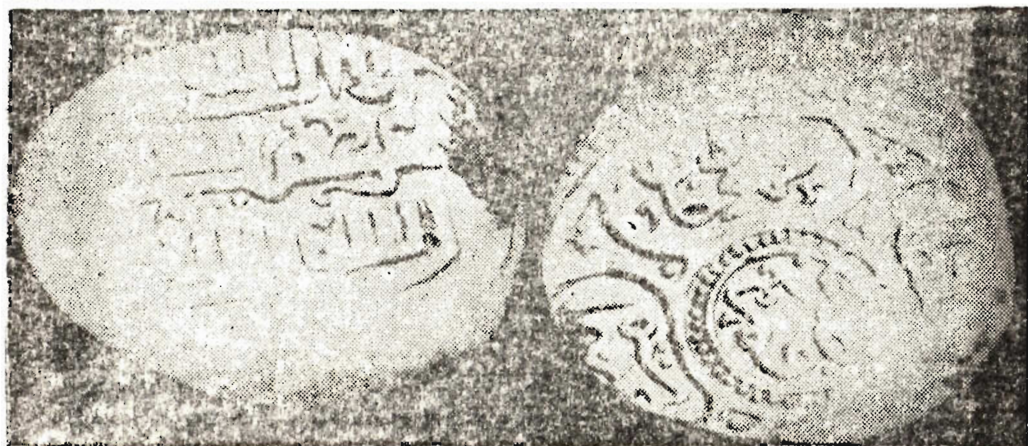


٤ ـ سکهٔ دیگری ازهمان امیر که شش نمونه ازآن در دست است :

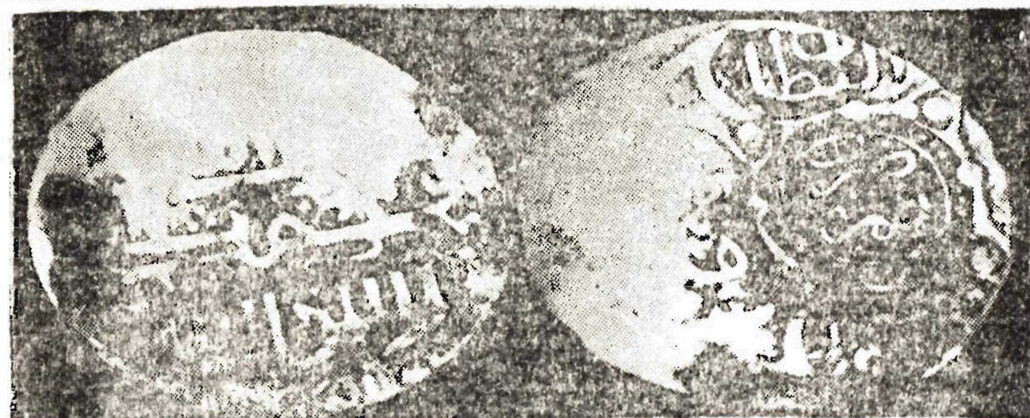
رو : السلطان محمود خان ـ امیر تیمور گورکان ـ ضرب قم

پشت : لااله الاالله محمد رسول‌الله

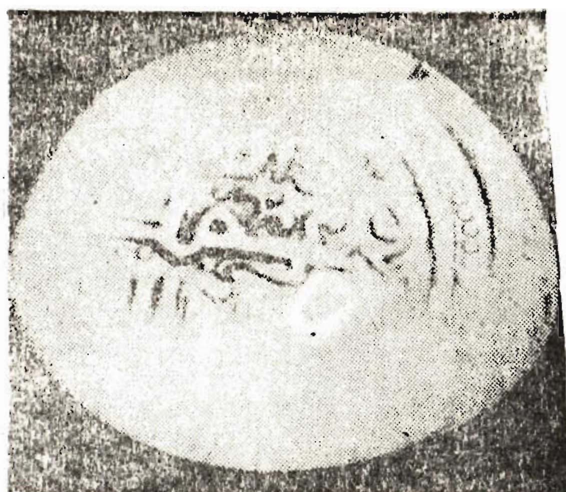
[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی



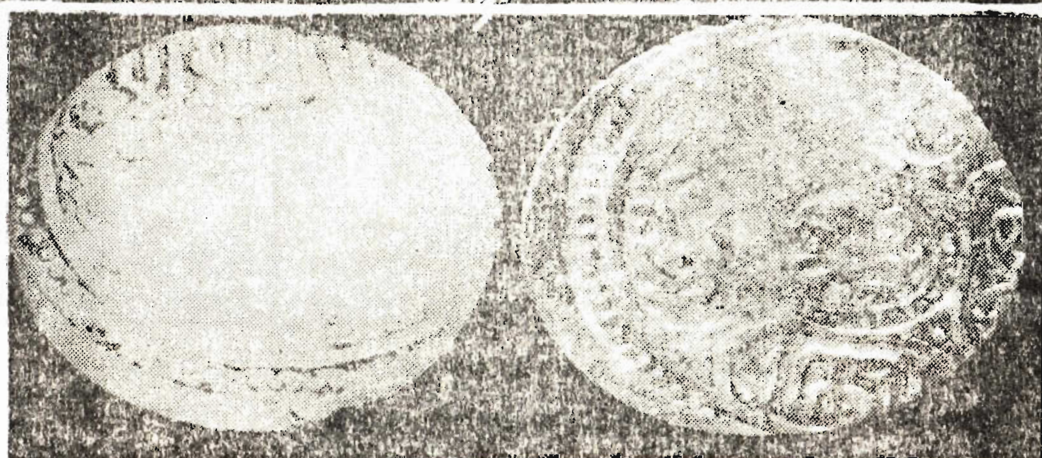










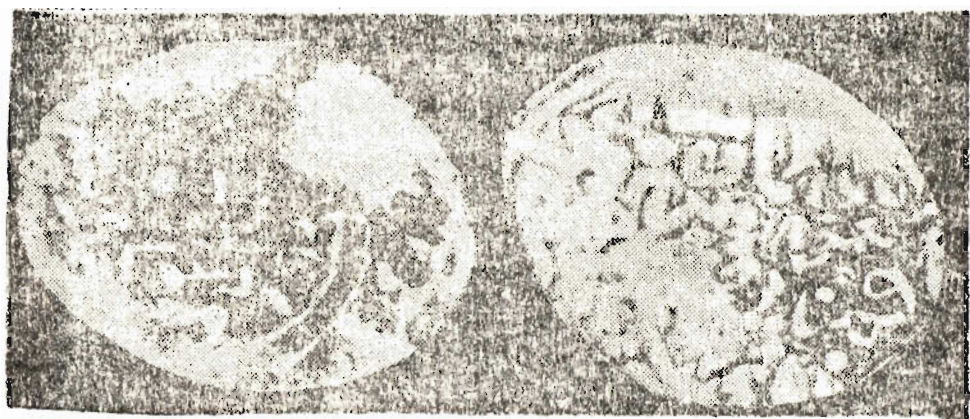


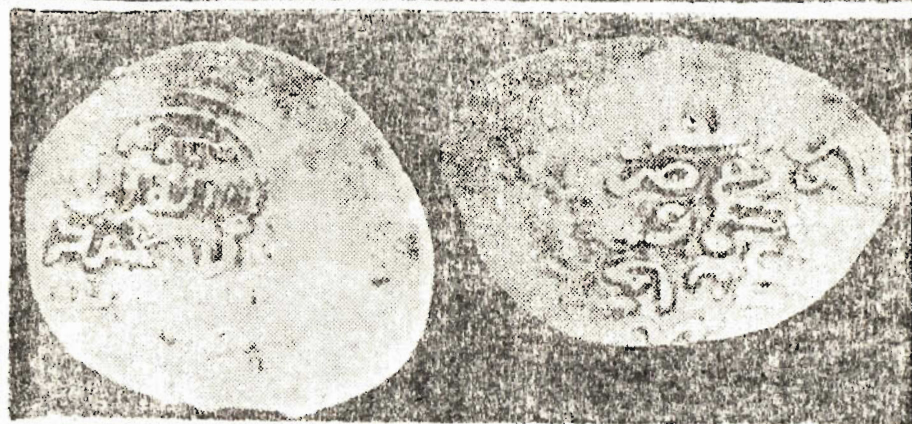
۵ ـ سکه‌ای از تیمور گورکان که هشت نمونه از آن در دست است :

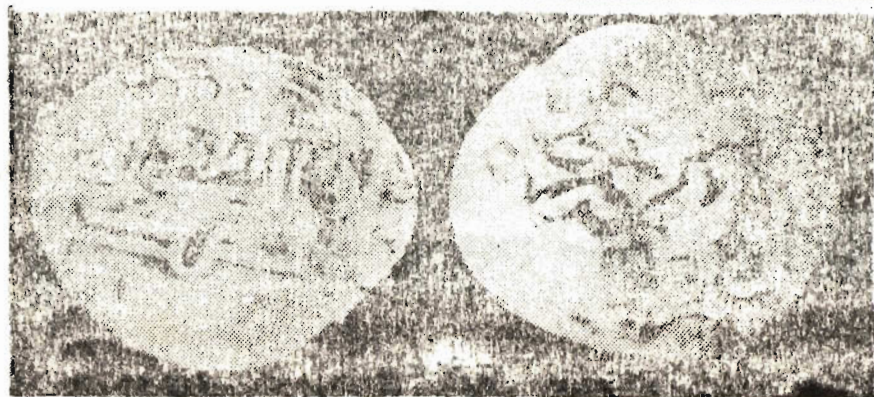
رو : السلطان العادل امیر تیمور گورکان خلدالله ملکه ـ ضرب قم

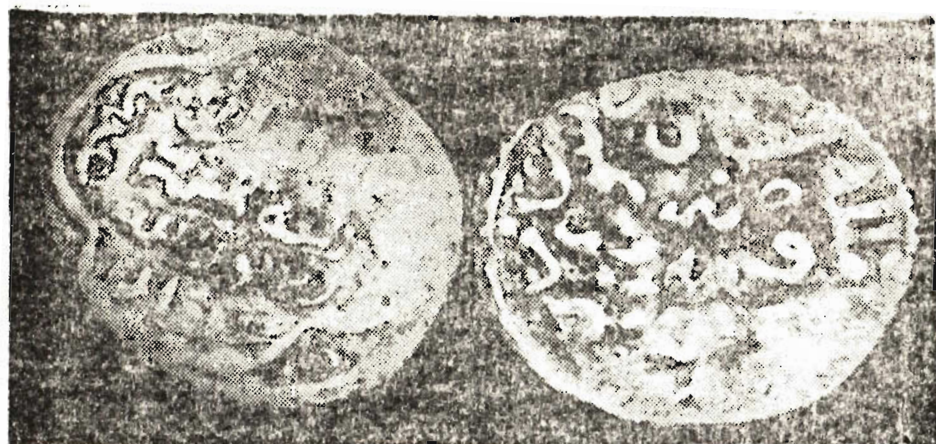
پشت : لااله الاالله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی





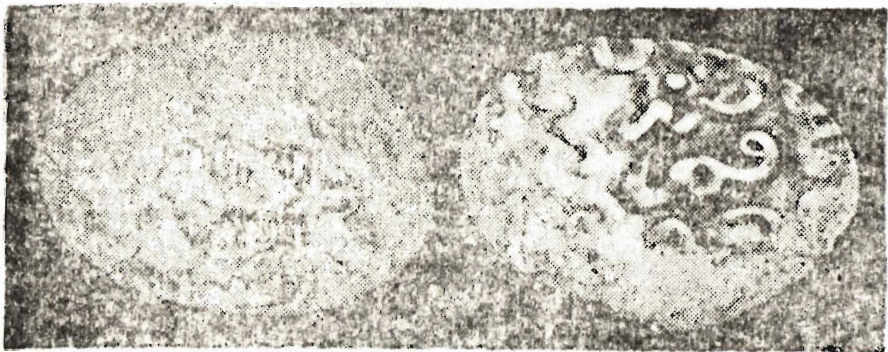










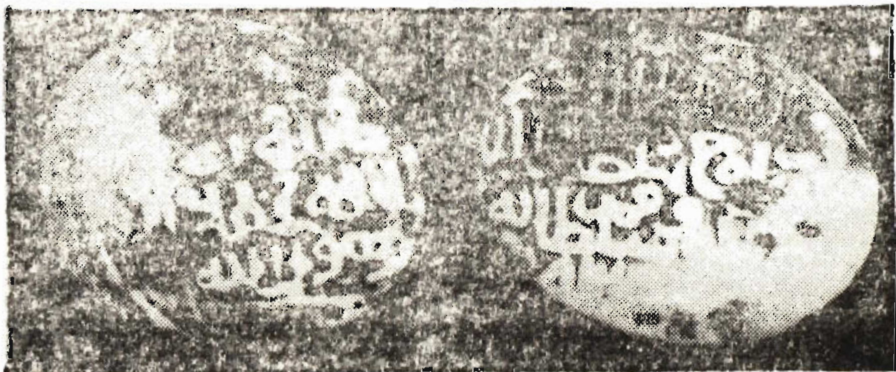


۶ ـ سکه‌ای از شاهرخ، مورخ ۸۲۳ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم ۸۲۳

پشت : لااله الاالله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی



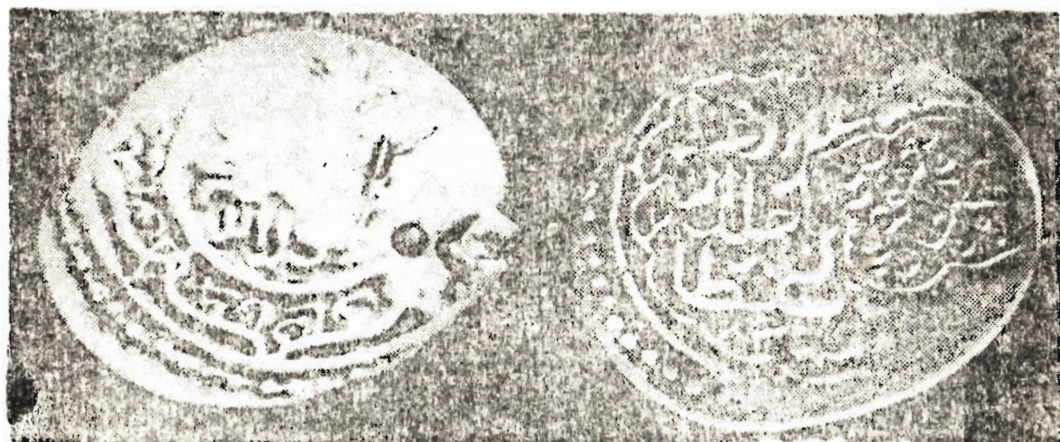
۷ ـ سکهٔ دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۳٤ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادرخلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم ۸۳٤

(عدل سلطان یعقوب کرمان ۸۹۲)

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر صدیق عمر فاروق



۸ ـ سکهٔ دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۳٦ :

رو : السلطان‌الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب‌قم۸۳٦

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر صدیق عمر فاروق

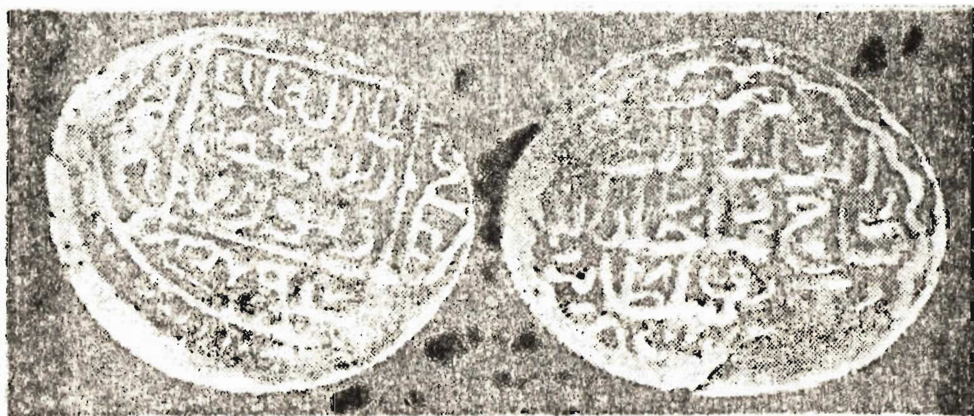


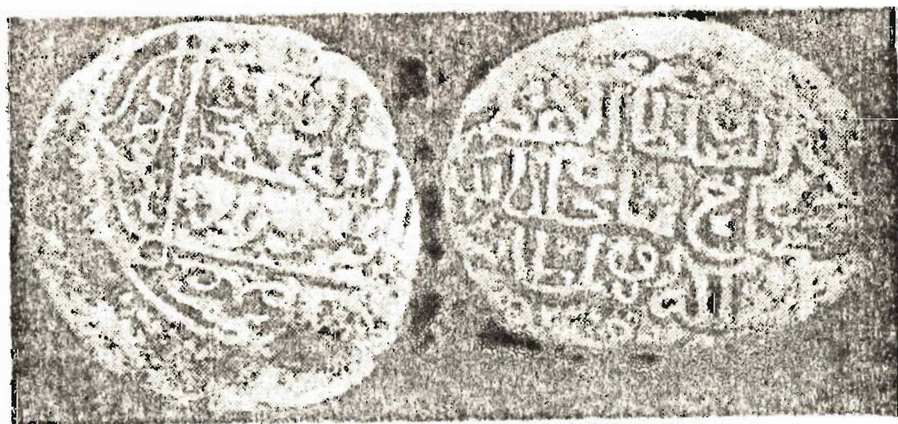
۹ ـ سکـهٔ دیگری از شاهرخ ، از همان سال ۸۳۶ که از آن دو نمونه در دست است :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب‌قم۸۳۶

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی





۱۰ ـ سکهٔ دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸٤۲ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم ۸٤۲

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی



۱۱ ـ سکهٔ دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸٤٦ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم ۸٤٦

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[حاشیه :] ابوبکر صدیق عمر فاروق عثمان ...



۱۲ ـ سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قـم

پشت لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ... عثمان بن عفان علی المرتضی

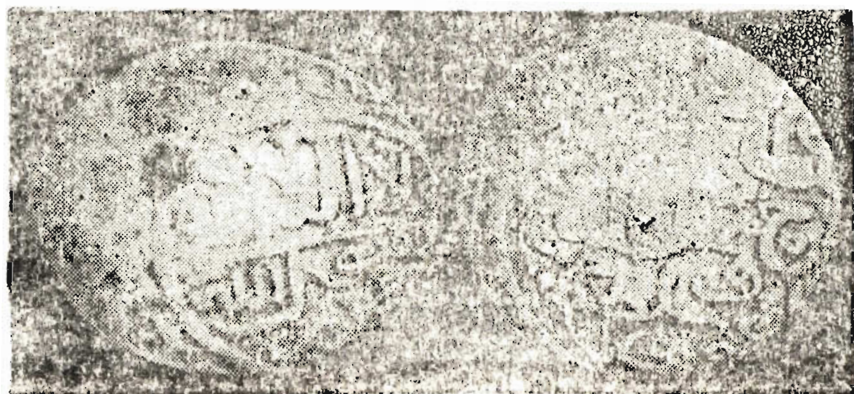


۱۳ ـ سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه] : ابوبکر عمر...

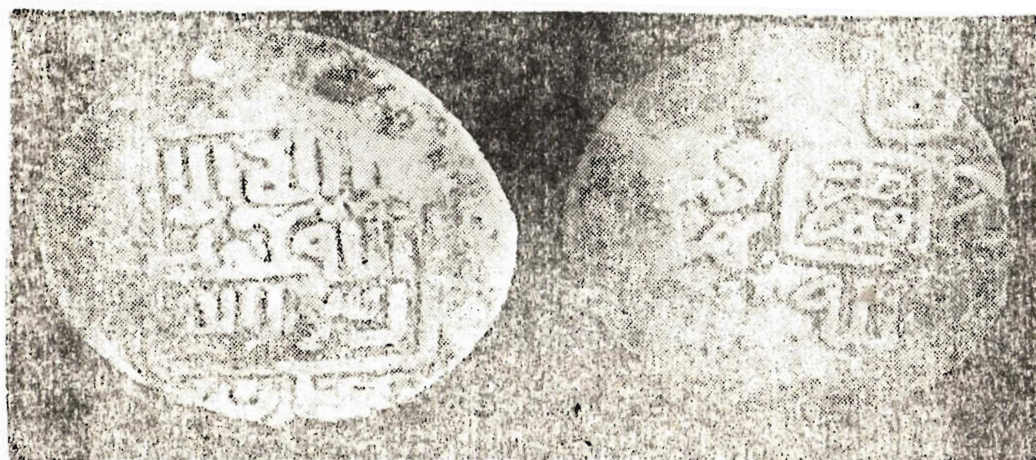


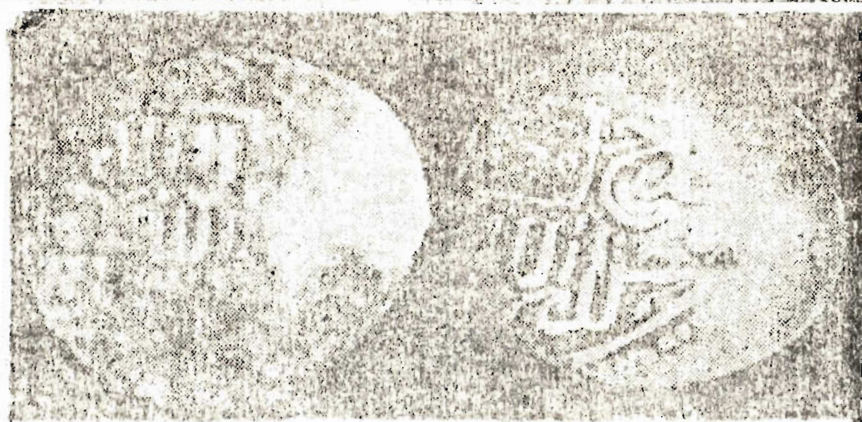
۱۴ ـ سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ که از آن دو نمونه در دست است :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی



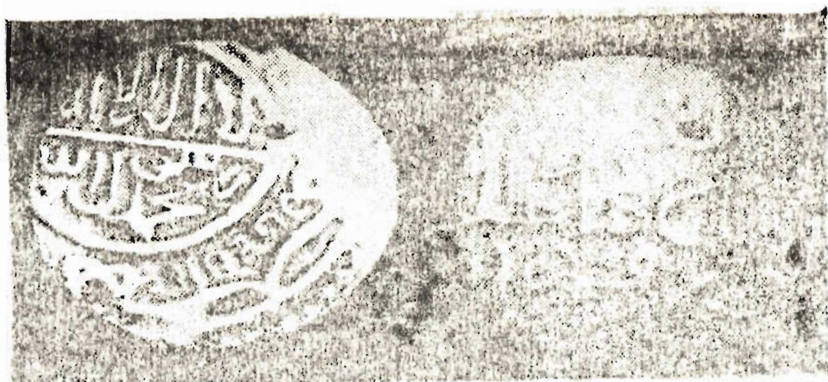


۱۵ ـ سکهٔ دیگری از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ـ ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ... عثمان عفان ...



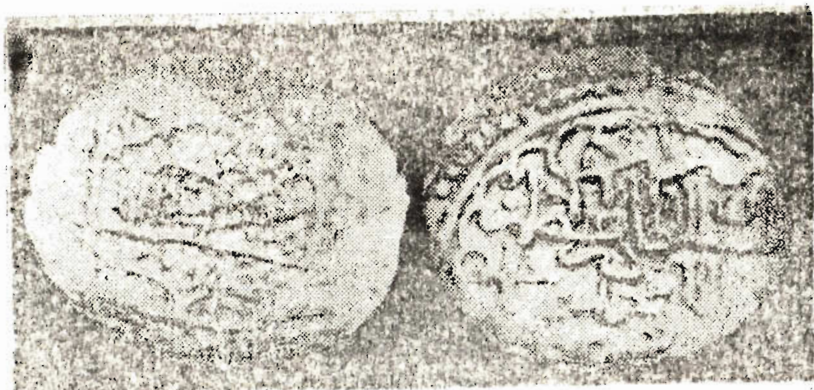
۱٦ ــ سکهٔ سلطان محمد بهادر ، مورخ ۸۵۱ که از آن دو نمونه در دست است (موزهٔ قم ومجموعهٔ سید جمال ترابی‌طباطبائی) :

رو : السلطان الاعظم سلطان محمد بهادر خلدالله ملکه وسلطانه ــ ضرب قم ۸۵۱

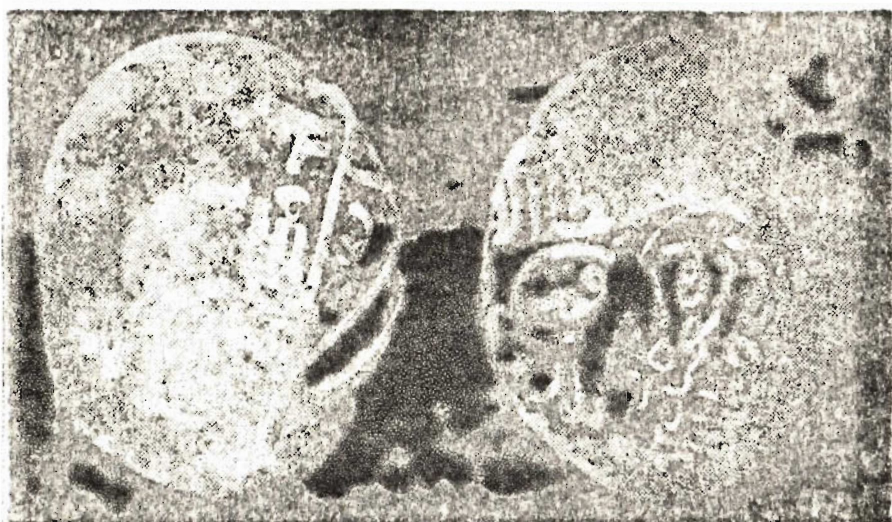
پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی





۱۷ ـ سکه‌ای ضرب قم ، بی تاریخ ، باعدل ابوسعید گورکان

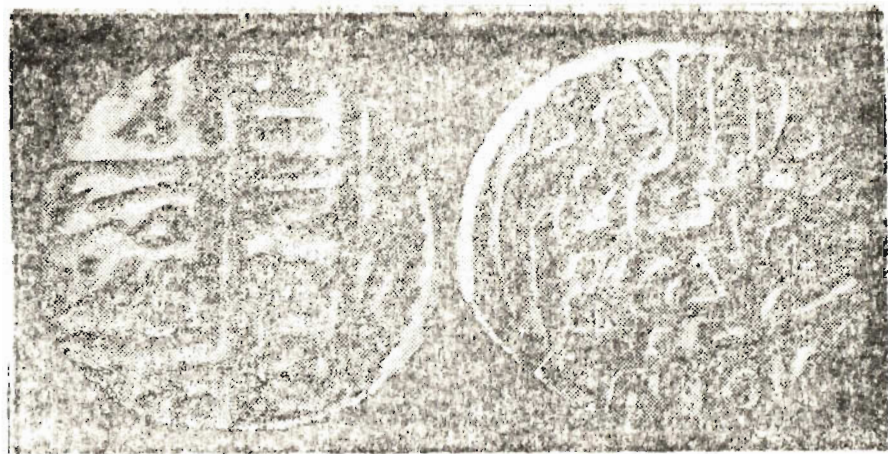


۱۸ ـ سکهٔ اوزون حسن ، بی تاریخ (موزهٔ ایران باستان) :

رو : السلطان الاعظم حسن بهادر خان خلدالله ملکه ..

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله ـ ضرب قم

[حاشیه :] ابوبکر عمر عثمان علی



۱۹ ـ سکه‌ای از شاهرخ ، عدل قم در ۸۸۷

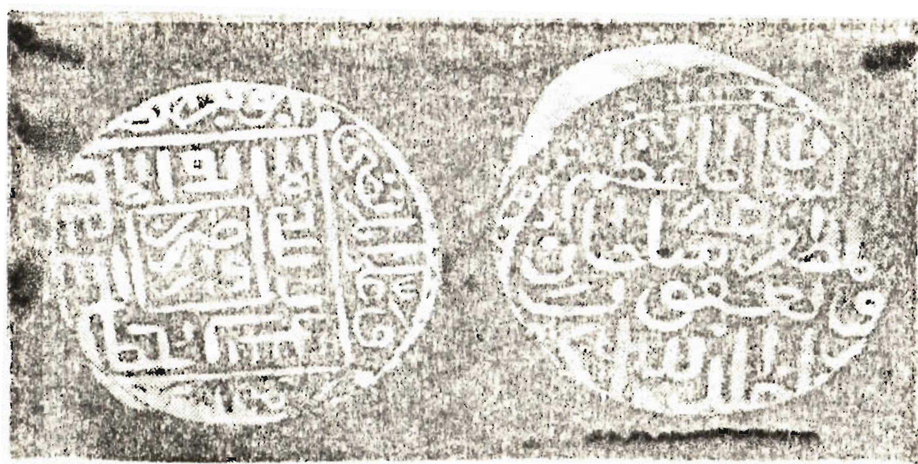


۲۰ ـ سکهٔ یعقوب آق‌قویونلو، بی تاریخ(ازمجموعه‌ای خصوصی درقم):

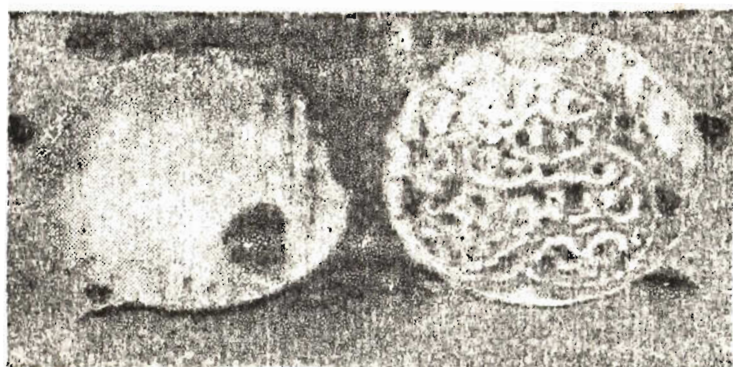
رو : السلطان الاعظم ابوالمظفر یعقوب سلطان بهادر خلدالله ملکه

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله ـ ضرب قم

[حاشیه :] ابوبکر الصدیق [عـــر الفاروق] عثمان ذوالنورین وعلی المرتضی



۲۱ ـ سکه‌ای با سورشارژ « عدل سلطان یعقوب ـ ضرب قم ۸۹۳ »



۲۲ ـ سکه‌ای دیگر با سور شارژ « عدل سلطان یعقوب ـ ضرب قـم »
(مجموعهٔ سید جمال ترابی طباطبائی) [1]

---

۱. رجوع شود به کتاب ایشان با نام «سکه های آق قو نو یلو» (چاپ تبریز ـ ۱۳۵۵) صفحهٔ ۶۵.



۲۳ ـ دوسکه باسورشارژ « عدل سلطان رستم ـ ضرب قم ۸۹۹ » (موزهٔ ایران باستان)[۲]



---

۱ . رجوع شود به کتاب بالا : صفحه ۱۰۰ – ۱۰۱ .



۲٤ـ سکه‌ای از احمد آق‌قویونلو (۹۰۲ ـ ۹۰۳) که تصویـر آن در کتاب سکه‌های آق قویونلو : صفحه ۱۳۲ آمده و گویا متعلق به‌مؤلف آن آقای سید جمال ترابی طباطبائی است .

۲۵ـ سکه‌ای از قرن نهم ، ضرب قم



۲۶ ـ سکه‌ای از شاه اسماعیل صفوی ، مورخ ۹۰۹ :

رو : السلطان العادل الکامل شاه اسماعیل بهادر خـان خلدالله تعالـی ملکه وسلطانه ـ ضرب قم ۹۰۹

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

[حاشیه :] .. فاطمه وحسن وحسین ..

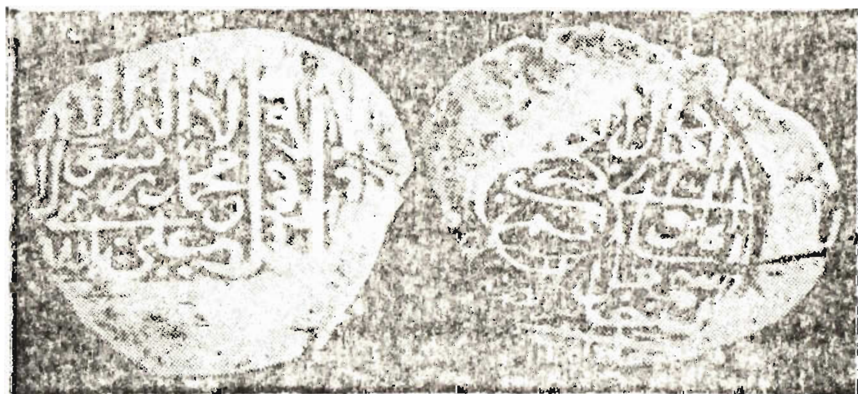


۲۷ ـ سکه‌ای دیگر از شاه اسماعیل صفوی ، مورخ ۹۲۷ :

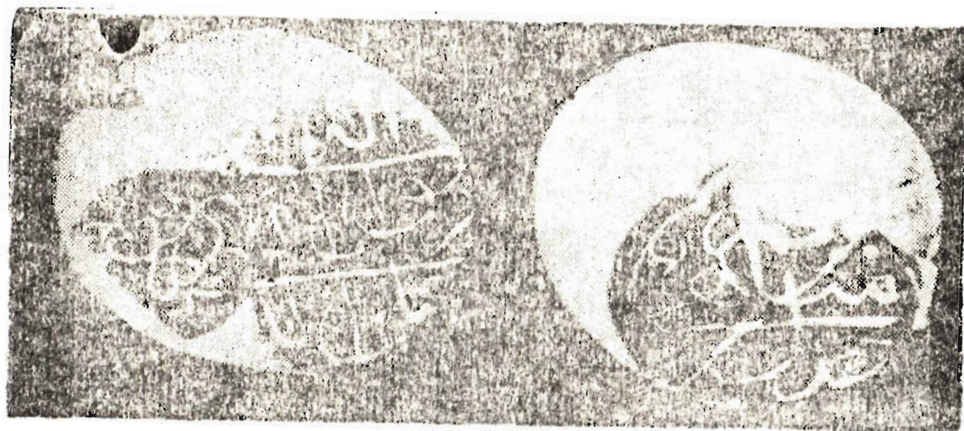
رو : [السلطان] العادل ابوالمظفر شاه اسمعیل الصفوی الموسوی بهادر خان خلدالله [ملکه وسلطانه] ـ ضرب قم ۹۲۷

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

[حاشیه :] ... جعفر موسی ...



۲۸ ـ سکه‌ای دیگر باسورشارژ « عدل شاهی قم ۹۲٤ »



۲۹ ـ سکه‌ای از طهماسب اول ، مورخ ۹٤۷



۳۰ ـ سکهٔ دیگری از طهماسب اول ، مورخ ۹٦۱ :

رو : .. شاه طهماسب بهادر خان خلدالله ملکه ـ ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی الله ۹٦۱

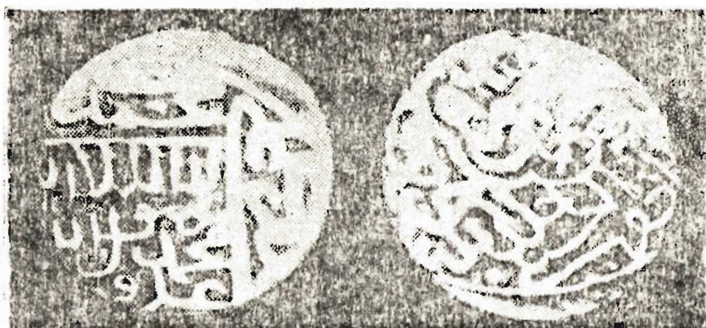


۳۱ ـ سکهٔ دیگری از طهماسب اول ، مورخ نهصد وشصت وچند :

رو : ... الصفوی الحسینی بهادر خان خلدالله ... ـ ضرب قم ـ ۹۶

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی الله

[حاشیه :] محمد علی ...



۳۲ ـ سکه‌ای از طهماسب دوم ، مورخ ۱۱۴۴ (مجموعهٔ سید جمال ترابی طباطبائی) :

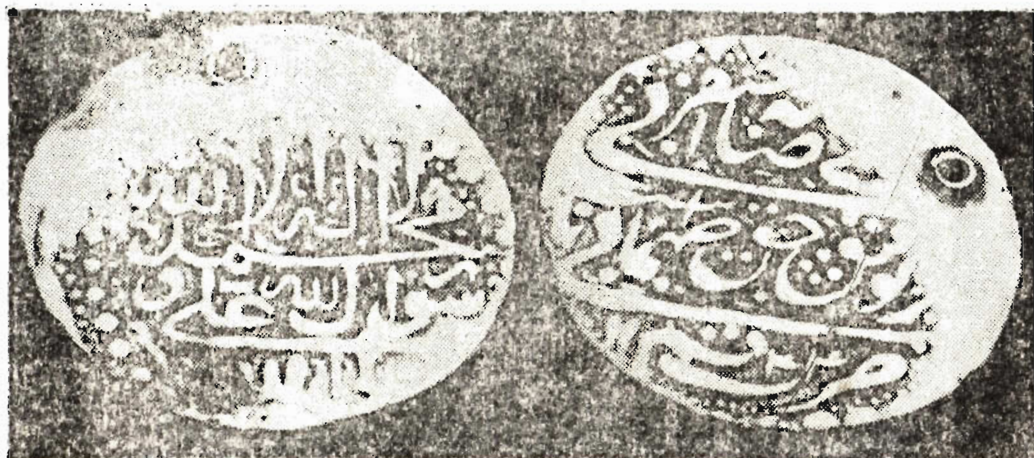
رو : به گیتی سکهٔ صاحب قرانی   زد از توفیق حق طهماسب ثانی

ضرب قم ـ ۱۱۴۴

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله



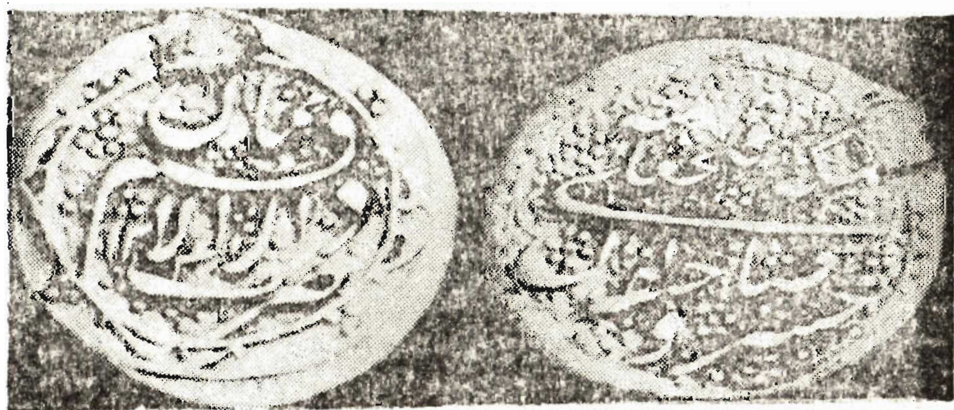
۳۳ ـ سکهٔ دیگری از طهماسب دوم ، از همان سال وبا همان نوشته‌ها در دو سوی



۳٤ ـ سکه‌ای از فتحعلی شاه قاجار ، مورخ ۱۲٤۱ :

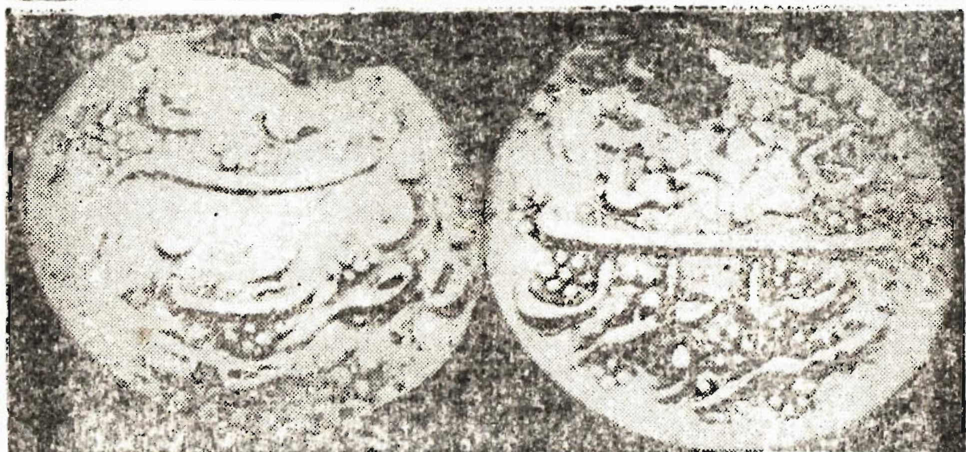
رو : سکهٔ فتحعلی شه خسرو صاحبقران

پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲٤۱



۳۵ ـ سکهٔ دیگري از فتحعلی شاه ، از همان تاریخ و با همان نوشته‌ها بر دو سوی که سه نمونه از آن در دست است







۳۶ ـ سکهٔ دیگری از فتحعلی شاه ، مورخ ۱۲۴۲ :

رو : سکهٔ فتحعلی شه خسرو صاحبقران

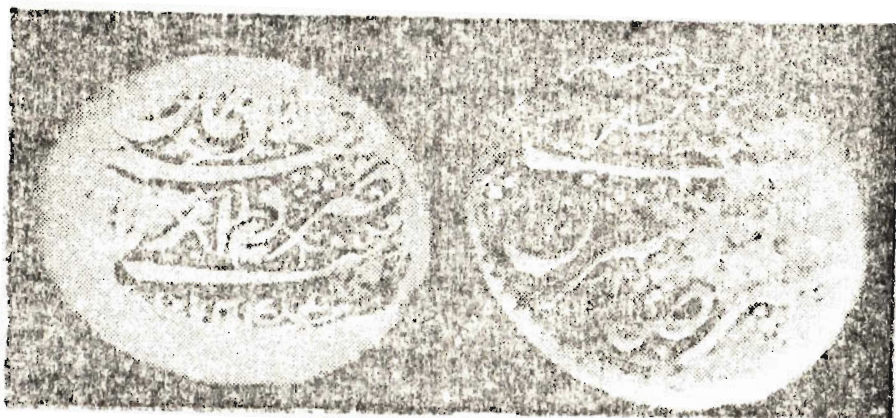
پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۲



۳۷ ـ سکهٔ دیگری از فتحعلی شاه ، ۱۲۴۴ :

رو : سکهٔ فتحعلی شه خسرو صاحبقران

پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۴



۳۸ ـ سکهٔ دیگری از فتحعلی‌شاه ، مورخ ۱۲۴۶ :

رو : سکهٔ فتحعلی شه خسرو صاحبقران

پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۶



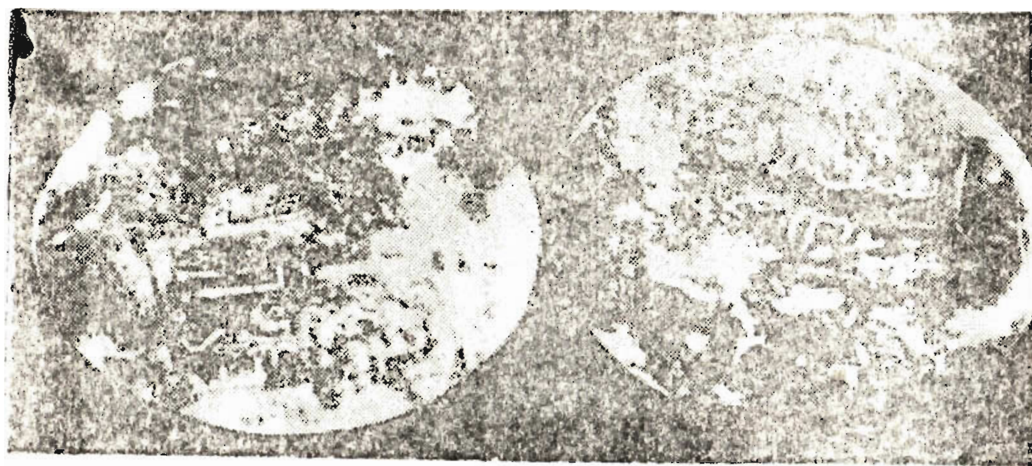
۳۹ ـ سکه‌ای ازقرن‌های نخست با نقش « محمد رسول‌الله ـ ضرب قم »
در یك سوی آن



۴۰ ـ سکه‌ای گویا سلجوقی :

رو : السلطان العادل ..

پشت : لا اله الا الله محمد رسول‌الله ضرب قم



ـ ۳ ـ

کتابچه طوائف و ایلات دارالایمان قم

نوشته شده به سال‌های ۱۲۹۵ ـ ۱۲۹۶
(از مجموعهٔ ناصری)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذی برأ الانسان واطلق السنتنا بتقدیسه بالمعانی والبیان بدیع السموات والارض الذی تنزه عن مجانسة الاجناس ولا یدرك بالعقول والحواس لیس له شبیه ولانظیر ولایحتاج الی معین ولا وزیر، اعلی شأنه عن مقابلة الاضداد وعن مشاکلة الانداد ، والصلاه والسلام علی رسوله المصطفی ونبیه المجتبی الذی أسری من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی ورفعه الی السموات العلی حتی بلغ قاب قوسین اوادنی واوحی الیه ما اوحی ، وعلی آله الابرار المصطفین الاخیار اعلام الهدی والعروة الوثقی .

چون به مدلول فرمان قضا توأمان شاهنشاه اسلام پناه اعلی حضرت قدر قدرت سکندر حشمت دارا دربان کیوان آستان، السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه قاجار** صاحب قران خلد الله

ملکه وسلطانه حکم محکم ملوکانه برترقیم بدوآبادی دارالایمان قم وتشخیص معارف وعشایر وایلات آن بلد شرف صدور یافته لهذا عرضه می‌دارد که :

ولایت قم از بلادمحدثهٔ اسلام است . در عهدسلاطین کیان محل اجتماع آب رودخانه‌های وفرقان وانار بار بوده وچراگاه رمهٔ کیقباد در اطراف آن بوده در وقت لشکرکشی کیخسرو به توران بحسب حکم شاهی بیژن پسر گیوبایر قمرود را شکافته وآب را به طرف مسیله جاری ساخته واین اراضی ازآب خارج شده ، امغای دولت کیخسرو هریك نهری وقلعه‌ای برای خود داشر نمودند وبه اسم بانی موسوم کردند وتماماً به چهل حصاران مشهور گشت ، تا ظهور دولت اسلام شد . سکنهٔ آنجا مجوس بودند وجزیه می‌دادند . در سنهٔ هشتاد وسهٔ هجری که عبدالملك مروان خلیفه بود وحکومت عراقین راوا گذار به حجاج یوسف نمود، حجاج عبدالرحمن بن محمداشعث را شصت هزارسوار جرارداده به تسخیر کابل وقندهار فرستادوبه واسطهٔ تقسیم خمس غنائم موافقت آنها بدل به مخالفت شد وعبدالرحمن یاغی شد . اعراب اطاعت او را اختیار کردند . سه کرت در میان لشکر حجاج وعبدالرحمن در اهواز مقاتله اتفاق افتاد وفتح باعبدالرحمن بود . در مقاتله چهارم لشکر عبدالرحمن شکسته شد وخود اومقتول گردید . لشکر او در اطراف عالم متفرق شدند ، از آن جمله **قبیلهٔ اشعری** که جمعی کثیر وجمی غفیربودند وسرداران آنها عبدالله واحوص اولاد مالك اشعری بودند به ناحیهٔ قم ساکن شدند ودرمنازعهٔ گبران بادیالمه حمایت مجوسان نمودند ومطبوع طبع گبران شده آنها را مزرعه ومحل دادند بعد چندی در میان اعراب ومجوسان مخالفت اتفاق افتاده ، بسه تفصیلی که **در تاریخ قم** مسطور است اعراب غالب ومجوسان مغلوب شدنسد . مشایخ عرب اجتماع آنها را در یك محل صلاح دانسته ، بنای شهر وبساره گذاشته

مساجد ومنابر ساختند واز کوفه وتوابع خبر استیلای آنها را در عجم شنیدند متوجه آن بلد شده به کلی مجوسان را بی دخل کرده قراء ومزارع را تصرف نمودند. بنای انهار وغرس اشجار گذاشتند ودر تقسیم آب رودخانه با اهل کمره و گلپایگان نزاعها کرده، جمع کثیری ازطرفین مقتول‌شدند که الان مزار شهیدها در سه فرسخی قم مشهود ومشهور است، تا آن که آب را به حسب خواهش عرب تقسیم نموده، در دادن مالیات جزو اصفهان بودند تا زمان خلافت هارون الرشید ازجزو اصفهان خارج شده شهرخود را ولایت مستقلی قرار دادند چنان که تفرش وفراهان ودیار اسحاق که الان دهات خلج خوانده می‌شود جزو جمع قم بوده. در سنهٔ سی‌صد وهفتاد وسه اسماعیل بن عباد که وزیر فخرالدوله دیلمی بود به واسطهٔ توافق مذهب که با اشاعره داشت همت برآبادی شهر قم گماشته رباطات ومساجد وقنوات درآنجا دائر کرده بسیار آبادان گشت، تاآن که به قدر پنجاه ودوطاحونه در قم گردش‌می کرد وجمعیت حالیه نسبت به‌آن ایام ثلث می‌شود به جهت آن که شانزده طاحونه دارد اغلب ایام خوابیده است.

اعراب اشعری شیعی مذهب وروات اخبار ومجتهدین اخیار بودند از مخصوصان ائمهٔ اطهار، وسهم امام خود را خدمت حضرت رضا علیه التحیة والثناء واولاد اطهاراو تاوکلای حضرت قائم عجل الله فرجه می‌فرستاده‌اند. همیشه وکیل ائمه اطهاردرقم بوده، وسادات بنی هاشم درعهد خلفای بنی‌امیه وبنی عباس‌درهرجا کاربرآنها تنگ می‌شد قم را محل‌اقامت خود قرارمی‌دادند تاآن که ازآنها که قریب به امام بوده‌اند به قدر چهار صد بقعه در قم ونواحی داشته‌اند، ونسل آنها ازقم زیادتر از سایربلاد است. چنان که حضرت **فاطمه بنت موسی** علیها وعلی آبائها سلام الله را در وقت عزیمت طوس استقبال

کرده‌ازساوه‌به‌قم‌آوردندو دروقت وفات‌آن‌حضرت **موسی‌بن خزرج اشعری** آن حضرت را در بـاغ بابلان خود مدفـون ساخت وآن باغ را وقف مزار مسلمین نمـود ، احادیث بسیار در مدح آنها وارد شده مثـل حدیث « مرحباً باخواننا من اهل قم » وحدیث « لولا القمیون لضاع الدین » .

این شهر در نهایت اعتباربود تا در فتنهٔ تاتار ومغول به سعایت‌اهل ری که تباین‌مذهب‌باآنهاداشتند لشکر**هلاکو خان** در قم قتل‌عام‌کرده وقصر شوکت آنها را در هم شکست . قنوات وانهار مخروبه ماند بعد ازآن فتنه دوباره رو به‌آبادی‌آورده ، سلاطین صفویه جـوار حضرت معصومه را مضجع خـود قرار دادند ، وظایف ومستمریات عنایت نمودند ، سد کنار رودخانه را محکم بستند ، بعد ازآن در تسلط افاغنهٔ قلیجائی به‌کلی خراب شد . اثری از قنوات وباغات نماند بشهر ویرانی خاویة علی عروشها . آن قرار دادآب اندازان از میان رفت . تاآن‌که از یمن دولت همایون این سلطنت قوی شوکت‌واهتمام امنـای دولت ابد مدت در عهـد وزارت مرحوم **میرزا تقی خان امیر** و مرحوم **میرزا آقا خان صدر اعظم**فرمان جهـان مطاع در تقسیم‌آب اندازان رودخانه شرف صدور یافت وآن قاعدهٔ قدیمه بـر قرار شد . در سنهٔ هـزار و دویست وهفتاد وپنج حکم‌محکم ملوکانه‌که رحمت عالمیان است دراجرای **قنات ناصری** به جهت شرب‌آب اهـل شهر شد . الحق موهبت عظمی شـد وآبی برروی کارآمد بلکه بهتر از عهد سابق شد .

به جهت تیمن وتبرك اگر چه نمی‌شـود سلسلهٔ هاشمی نسب را داخـل سایر مردم شمرد تا این صحیفه خالی از ذکـر ایشان نباشد مجملی از اشراف واعیان این طبقهٔ علیه ذکر می‌شود :

طایفه بنی هاشم

گر چه بسیارند لیکن‌حال اطلاق بر آنها می‌شود که از نسل امیرالمؤمنین وبطن سیدة نساء العالمین هستند وپنج طائفه‌اند :

اول- سادات‌طباطبائی که نسب آنهابه حضرت‌امام‌حسن‌علیه‌السلام می‌رسد

دویم - سادات اسماعیلیه که از اولاد اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه سلام‌الله هستند

سیم - سادات حسینی

چهارم - سادات موسوی

پنجم - سادات رضوی

اگر چه این چهار طایفه همه سادات حسینی هستندآنچه را قبل از امام موسی منشعب شدند از اولاد اسماعیل **اسماعیلی** گفتند ،آنچه اولاد امام موسی واز اخوان حضرت رضا علیه‌السلام جدا شدند**موسوی** گفتند ، اولاد حضرت رضا را تا امام حسن عسکری **رضوی** نامیدند،آن چه در این شهر مشهورند طباطبائی وحسینی وموسوی ورضوی هستند ، سادات اسماعیلی را کسی غیر اولاد **آقاخان محلاتی** مدعی نشده .آنها در سابق‌در حدود مغرب ومصر لوای سلطنت بر افراخته‌اند . واولاد امام حسن مجتبی در خلافت خلفای بنی عباس مقتول ومصلوب گشتند .

سادات حسینی - دراین بلد بسیارند چنان‌که ازاین چهارطایفهٔ‌آخری‌به قدر هشت هزار نفر می‌شود که بعضی ازآنها خدام والامقام فاطمه بنت موسی علیه السلام هستند . **متولی باشی** ازاین سلسله است . جد اعلای ایشان

میرزا سید حسین از اهل جبل عامـل بوده از فقهای عصروفضلای دهر . در سلطنت **شاه اسماعیل صفوی** به عزم زیارت حضرت رضا علیه التحیة والثناء وارد ایران شدند به اتفاق پنج پسر رشید . در هنگامی کـه شکست ایرانیان درچالدران اتفاق افتاده بود وبا سلطان سلیم قیصر قرارمناظره ومباحثهٔ مذاهب اربعه را با علمای مذهب حق جعفری در اصفهان به حکم دولتین نهاده بودند از طرف مذهـب جعفری سید مذکور و**شیخ علی کرکی** بوده وجمعی از علمای عامه ، بعد از مباحثهٔ بسیار به قاعدهٔ « فبهت الذی کفر » و« جاء الحـق وزهق الباطل »اهل سنت مغلوب ومنکوب گردیدند. یریدون أن یطفؤا نورالله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون .

سادات طباطبائی ـ اصلا ازولایت زوارهٔ اصفهان بوده‌اند . جد اعلای ایشان **میر سراج** سید بزرگواری بوده وشأن‌ریاست داشته . میدان میرسراج در قم مشهور ومعروف است . سادات میـر سراجی کلا عدالت پیشه وباتقوی هستند الآن که سودائی در مزاج‌آنها غالب است که گاهـی اسباب اغتشاش حواس‌آنها می‌شود و درآن حالت از جادهٔ عدالت ... خارج می‌شوند .

سادات موسوی ـ اصل‌آنها از سبزوار . سه پشت است در قـم مسکن گرفته‌اند . پدران ایشان مردم ظاهر الصلاح بودندکه مردم نذورات خـود را به‌آنها می‌دادند ونذرآنها مخالفت نمی‌کرد . الان هم بعضی ازآنها به شیوهٔ اجداد معاش‌آنها از نذورات می گذرد وبعضی داخل اصناف بازار شده کسب معاش می کنند .

سادات رضوی ـ ازاولاد امجاد موسی مبرقع که برادر امام علی النقی بوده است . درعهد خلافت متوکل عباسی در قم توطن‌اختیارکرده ، اعراب اشعری او را اعزاز واحترام نموده خانه ومزرعه داده‌اند . از سادات قدیم قم

اکثرآنها از اهل فضل وتقوی واصحاب علمای شرعند . برخی داخل اعیان وکدخدایان ولایت بوده‌اند . کسب آنها زرعت وازضیاع وعقار خودگذران می‌نموده‌اند. اجماع این‌سادات‌به واسطهٔ قدمت ایشان بیشتراز دیگران است .

طایفهٔ بیگدلی

از سکنهٔ شهر قم . صاحب ضیاع وعقارند چنان‌که قریب ثلث مزروعی وخمس‌باغات قم ملك ایشان است . اعیان وکدخدایان شهرند بعضی ازآنها کارگزارامور حکومتی وبعضی مباشر امور دیوانی هستند وقلیلی خود را در سلك فضلاء کشیده‌اند . آنچه از نسب‌آنها معلوم می‌شود « بیگدلی » یعنی بزرگ زبان ، خود را از اولاد ترك بن یافث بن نوح می‌دانند و در اردوی **امیر تیمور گورکان** صاحب مناصب‌جلیل بودند . اکثراوقات درحدود روم به سر می‌برده‌اند بـه طریقهٔ مأموریت . بعـد از انقراض دولت گورکانیه در اصفهان توطن جسته مناصب ارجمند در دولت صفویه داشته‌اند . بعد از فتنهٔ افغان از اصفهان خارج شده کاشان را محل مأمن خود قرار دادند . به واسطهٔ زلزله‌که در کاشان اتفاق افتاد جمعی ازآنها هلاك شدند . بعد چندی ازآنهاکه **حاجی لطف علی بیك آذر** تخلص صاحب تذکـرهٔ **آتشکده** از آنهاست در دولت کریم خان زند قم را محل مأوای خود ساختند . چون خرابی قـم قریب‌بـه فتنهٔ افغان بود درست دائر نشده بود به فکر آبادی وفراهـم آوردن ضیاع وعقار افتادند وباحکام شرع انور مواصلت نموده ، اغلب املاك قم را به حیطهٔ تصرف در آوردند . بعضی از اقارب‌آنها در دهات مزلقان ساوه خانه دارند . بعضی از ایل بیگدلی در اردبیل وخوار ورامین هستند . عدد انـاث وذکور بیگدلی قم از این قرار است :

ذکور : ۶۰ نفر (بزرگ : ۳۰ نفر ـ کوچك : ۳۰ نفر)

اناث : ۵۰ نفر (بزرگ : ۲۵ نفر ـ کوچك : ۲۵ نفر)

طایفهٔ حاجی حسینی

از ایلات محسوب نمی‌شوند چون عشیرهٔ زیاد دارند نوشته می‌شود که اینها مردم رعیت پیشهٔ کدخدا منش بوده ، از اعیان شهر شمرده می‌شوند . صاحبان ضیاع وعقارند . از مزارع وباغات وقنوات حومهٔ شهر ومستغلات بازاری املاك معتبر دارند . اجداد اینها از طرف گرجستان وغلامان صفویه بوده‌اند . هرگاه یکی از سلاطین صفویه را در قم مدفون ساخته‌اند یکی از غلامان را متولی بقعهٔ آن سلطان قرار می‌داده‌اند . جد ایشان متولی یکی از بقاع سلاطین صفویه بوده ، بعد از انقراض دولت صفویه بنای کاررا به کاسبی بازارگذاشتند تا ایام**حاجی حسین** بخت او مساعدت نموده روی به ترقی نهاد. داخل زراعت واجرای‌قنوات وساختن‌باغات‌ومستغلات‌شد . ازنزاع‌های بزرگ پروا نداشت تاآن‌که با اعیان شهر بنای همسری بلکه برتری داشت اولاد ذکور بسیار داشت که این طایفه به اسم او موسوم شدند . آلان اگرچه پیران‌آنها رفته‌اند جوانانشان صاحبان ضیاع وعقارند وداخل اشراف . عدد ذکور واناث ایشان از این قرار به قلم‌آمده است :

ذکور : ٦٦ نفر (کبیر : ۳۰ نفر ـ صغیر : ۳٦ نفر)

اناث : ٦٦ نفر (کبیر : ۳۲ نفر ـ صغیر : ۳٤ نفر) .

طایفهٔ زندیه

از بقیهٔ طایفهٔ کریم خان زند . صاحب حشم بی شمار وقدری ضیاع در دهات جعفرآباددارند. بزرگان‌آنها ازمحترمین ولایت قم هستند. مرتع‌آنها از

طرف غربی قم‌در نصرت‌آباد وکوه یزدان‌وبیابان دو شاخ که فصیل قم وساوه می‌باشد واز طرف جنوب قم‌همواز ونارج وکوه سفیدوقلعه چم ، ییلاق آنها در طرف فراهان . صاحب مکنت وثروت هستند . جوانان کاری با جلادت دارند . کاملان آنها باعقل وکفایت . ابتداء ورودآنها به قم بعد از انقراض دولت زندیه واستقرارسلطنت سلسلهٔ قاجاریه‌خاقان‌شهیدآقا محمد خان بزرگان آنها راکه از احفاد **شیخ علی خان زند** بودند مکفوف البصر نموده وبه قاعدهٔ قدیمهٔ خوانین قاجار در حق آنها مقرری ومدد معاش مرحمت فرمودند که الی‌الان برقرار است وآنها را در قم سکنی دادند تبعهٔ آنها دنبال حشم‌داری رفتند . بعد از زیاد شدن در عهد خاقان خلدآشیان مالیاتی برآنها واردآورده مرتع‌ومربع دادند . تعداد نفوس آنها موافق‌سیاههٔ ایل بیکی از این‌قراراست:

ذکور : ۲۶۷ نفر (کبیر : ۱۳۵ نفر ـ صغیر : ۱۳۲ نفر)

اناث : ۳۱۵ نفر (کبیر : ۱۵۵ نفر ـ صغیر : ۱۶۰ نفر)

طایفه سعدوند

از ایلات فارس‌بوده‌اند . در عهد دولت خاقان مغفور ایشان راکوچانیده به قم‌آورده‌اند . در قنوات ودهات شرقی شهر قم منزل ومرتع دارند . اغلب حشم‌آنها شتر است وگوسفند هم دارند . شغل آنها ده نشینی وغالباً رعیتی است . خربزه کاری را خوب می‌کنند . در قرینهٔ مؤمن‌آباد وحاجی‌آباد ونوار‌ان‌متولی باشی‌رعیتی‌دارند وچراگاه‌آنها بیابان‌نی‌زار سراجه وکاووسی‌ها است . اکثرآنها صاحب مایه وثروت هستند . قلیلی ازآنها به حشم تنها قناعت دارند . جوانان باجلادت زرنگ دارند ودر کار زراعت ممتازند . در حقیقت از حالت ایلیاتی خارج شده ، رعیت منش شده‌اندکه صاحبان دهات‌آنها را به

منت می‌برند ونگاه می‌دارند . تعدادآنها از این قرار است :

ذکور : ۳۳۱ نفر (کبیر ۱٦٦ نفر ـ صغیر : ۱۷۵ نفر)

اناث : ۳۸٦ نفر (کبیر ۱۲۰ نفر ـ صغیر : ۱٦٦ نفر)

طایفه گائینی

از ایلات‌فارس‌بوده‌اندکه در عهد خاقان خلدآشیان‌آنهارا به قم‌آورده‌اند اکابرآنها شهرنشین ودرکنار رودخانهٔ قراچائی مزارع دارند وحشم ایشان در حدودکنار رودخانهٔ ساوه وبایرحسین‌آباد دهك‌که شمالی شهر قم است مرتع دارند وبه‌واسطهٔ قرب جوار به مرتع شاهسون بغدادی اکثر اوقات با شاهسونها جدال ونزاع دارند . اگرچه به عدت از شاهسون‌کمترند در جلادت بیشتر وغالبند . بزرگان ایشان در عهد خاقان مغفور جمعدار شتر باری دیوان بودند به اختیار خود ازآن‌کار استعفا نموده ، رعیتی را بر نوکری اختیارکردند ومتوجه حشم وفلاحت‌شده‌اند . روزگار خوبی دارند . در مایه بهترین ایلات قم هستند . بزرگان‌آنها شهرنشین‌وکدخدا منش می‌باشند . تعداد آنها از این قرار است :

ذکور : ۳٦۱ نفر (کبیر : ۱۹۸ نفر ـ صغیر : ۱٦۳ نفر)

اناث : ۳۱٦ نفر (کبیر : ۱۵۰ نفر ـ صغیر : ۱٦٦ نفر)

طایفه کلهر

از ایلات‌کرمانشاهان . چند نفری ازآنها در عهد خاقان خلدآشیان در شهر قم‌سکنی گرفته‌اند ، شغل خود را نوکری علماء واعیان شهر قرار داده‌اند تا به دفعات‌ومرور ایام حشمی پیداد کرده ، در بایرهای اسفل قم مرتع گرفتند.

از آنجاکه شیوهٔ کج زبانان است میانهٔ علماء بـه نمامی وفتنه انگیزی مشغول شدند تا علماء اعلام اکاذیب آنها را صدق انگاشته ، مریدان مرده بـه حمایت مراد خود خواستند کار را بر مراد خود فیصل دهند .آشفتند وفرق یکدیگر را کوفتند تا کار جنگ به تفنگ کشید ، جمعی مجروح وچندی مقتول گردیدند کار به عرض دیوان کشید . امنای دولت قاهره به جهت نظـم ولایت آنها را تأدیب وجریمه نمودند تاآرام گرفتند . حکام بعد ازآن جریمه را وجوه هوائی شمرده همه ساله گرفتند تاآن کـه مستوفیان عظام خبر دار شده ، جـزو جمع دیوانی نمودند . در ممیزی مقـرب الخاقان **میرزا حبیب‌الله** مالیات به قـدر استعداد برآنها بستند . حشمی دارند . اغلب آنها فراش حکومت هستندوبعضی نوکری اهـل ولایت [می کنند] .در فراشی استادفراش‌های هر سنی هستند . تعدادآنها از این قرار است :

ذکور : ۱۲۵ نفر (کبیر : ٦٥ نفر ـ صغیر : ٦٠ نفر)

اناث : ۱۱۳ نفر (کبیر : ٦۳ نفر ـ صغیر : ٥٠ نفر)

طایفه لشنی وکوزه بر

این‌دو طایفه از ایلات کرمانشاهان در قم‌سکنی گرفته‌اند . مردمانی آسوده وقلیـل العددند مواشی وحشمی چندان ندارند . شغـل آنها کاسبی وزراعت است . چندنفرمعتبر دارند وقدری‌چارواداری می کنند . مالیات آنهابه‌صعوبت وصول می‌شود . از سکنهٔ شهرند . تعداد نفوس آنها از این قرار است :

ذکور : ٦۳ نفر (کبیر ۳۳ نفر ـ صغیر : ۳٠ نفر)

اناث : ٦۸ نفر (کبیر : ۳۷ نفر ـ صغیر : ۳۱ نفر)

طایفهٔ عبدالملکی

از ایلات فارس . در عهد خاقان خلدآشیان در قم آمده‌اند . شهر نشین . ضیاعـی ندارند . حشمی به قدر استعداد خـود دارند . اغلب آنها چاروادار وفراشی حکومت دارند . مرتع آنها در جنوبی شهر قم است . دو تیره هستند عبدالملکی وزند شهری (اینها غیر طایفهٔ زند می‌باشند) . تعـداد نفوس آنها از این قرار است :

ذکور : ۳۵ نفر

اناث : ۵۰ نفر

طایفه خلج شاد قلی

این طایفه از اخلاج قم بودند از، **تعدی غفارخان** خلج **ومحمدحسین خان** پسر او ترك وطن مألوف کرده اموال خود را برداشته ، درآبادی شاد قلی که حومهٔ شهر قم است سکنی گرفتند ، در ظل حمایت حکام وبزرگان قم آمدند . حکام سلف از آنها حمایت کردند دست تعـدی **غفار خان** از سر آنها کوتـاه شد . شغل آنها هیزم کشی بود واندك حشمی داشتند تا کار آنها روی به بهبودی نهاد . به رسم تعارف روغنی بـه حاکم ولایت می‌دادند عاقبت تعـارف آنها مالیات شد . مرتـع آنها درکوه یزدان وهموار شاه‌آباد است . تعداد نفـوس آنها از این قرار است :

ذکور : ۱۱۳ نفر

اناث : ۱۱۵ نفر

- ٤ -

کتابچهٔ

تفصیل حالات واملاك ومستغلات وقنوات وبلوكات

دارالایمان قم

نوشته شده به سال ۱۲۹۶

(از مجموعهٔ ناصری)

کتابچه تفصیل حالات واملاك ومستغلات وقنوات وبیوکات
دارالایمان قم

درهذه السنهٔ بارس ئیل‌خیریت تحویل به تاریخ شهرمحرم الحرام مطابق سنهٔیك هزارودویست ونود وشش هجریه حسب الحکم جناب جلالت مآب خداوند گار اعظم آقای اعتضاد الدوله دام اقباله العالی قلمی می‌شود .

از قرار کتب اخبار که در باب بدایت آبادی ولایت قم‌ثبت است این‌محل شهر ومزارع حومهٔ ولایت در قدیم محل جمع شدن‌آب‌های رودخانهٔ انار بار بوده ودراطراف آن چراگاه رمه وحشم سلاطین کیان بوده ، تا درعهد سلطنت کیخسرو کیانی که به عزم رزم افراسیاب حرکت کرده بود چون به حدود قم وارد شد اظهارنمودکه اگراین زمین را فرجه‌ای پیدا شودکه ازآب خارج شود محل کشت وزرعی خواهد شد . بنابر فرمایش پادشاه ایران بیژن بن گیو بن گودرز همت برآبادی‌آنجا گماشته ، بایری که فاصلهٔ میان قم وقمرود بود شکافته فرجه‌ای از برای‌آب پیدا شد ، محل شهر وحومه ازآب بیرون‌آمد وبه

حکم پادشاهی چهل نفر از رؤسای لشکر چهل قریه وقلعه درآن اراضی بنا نمودند وآن قریه را به اسم خود موسوم نموده وچهل نهراز روخانه جاری نموده ، به این واسطه مشهور به چهل حصاران شد . آلان اکثری از مزارع به همان اسم فرسی مشهور است . تاآن که در ظهور دولت ورایت اسلام اهالی آنجا جزیه قبول نموده به همین حالت بودند تادرعهد خلافت عبدالملك مروان که حجاج بن یوسف ثقفی را امیر عراقین نمود حجاج عبدالرحمن ابن محمدبن اشعث کندی را امیرجیش شصت هزار سوار عرب نموده ، به‌تسخیر ولایت کابل وقندهار فرستاد . بعدها به واسطهٔ اسبابی چند که در تواریخ مسطور است مخالفت در میان حجاج وعبدالرحمن افتاده ، جنگ‌های صعب اتفاق افتاد . در همهٔ جنگ‌ها نسیم‌فتح وفیروزی به پرچم وعلم‌عبدالرحمن می‌وزید تاآن که در کرت آخری جنگی درخوزستان در میان فئتین اتفاق افتاده ،شکستی فاحش به لشکر عبدالرحمن وارد آمد چنانکه تاب مقاومت نیاورده ، خود به طرف کابل وقندهار گریخت واشکر او در اطراف واکناف زمین متفرق شدند از آن جمله قبیله أشعری از قبایل یمن بودند که بزرگ آنها اولاد سعد اشعری واحفاد مالك‌اشعری بودند که موسوم به عبدالله‌واحوص بودند ، ازعراق عرب روگردان شده در حوالی چهل حصاران قشلاق کردند وبه مرور دهور به‌اندك روزگاری بر مجوسان چهل حصاران مسلط شده ، بنای شهر قم را در سنهٔ هشتاد ویك هجری گذاشتند در اراضی مزرعه‌ای به از مزارع قم که مشهور به کمیدان بود که‌آلان هم‌آن مزرعه به‌آن اسم باقی است . ودر حقوق دیوانی تابع وجزو جمع اصفهان بود . به واسطهٔ‌آن که اعراب اشعری شیعی مذهب واهل اصفهان سنی بودند همیشه در معاملات دیوانی میان آنها نزاع‌های کلی اتفاق افتاده ، بر نزاع ولجاج افزودند تا به حکم خلفا دو دفعه اکابر واشراف

قم را به قتل آوردند . در عهد خلافت هارون الرشید اهل اصفهان از مجاورت ومخالطت اهل قم به تنگ آمده ، قم ونواحی او را از جزو جمع خود خارج نموده ولایت علی حده قرار دادندومالیاتی موافق ممیزی هارونی برآنها وارد آوردند . درآن ممیزی تفرش وفراهان ودیار اسحاق که الان خلج قم مشهور است باکاشان تا حدود ری واصفهان وهمدان داخل قم بود .بعداز تسلط وتغلب تاتار ومغول که در بلاد ایران خرابی کلی واردآمد در عهد خانیت غازان خان از سلاطین مغول ممیزی جدید شده ـ چنان که درکتاب **وصاف** مسطور است ـ مالیاتی به اندازهٔ استعداد قم وبلوکات که دارد .آن ممیزی برقراربود تا در فتنهٔ افغان در اواخر دولت صفویه انارالله برهانهم در ممالك محروسهٔ ایران ، اکثر [شهر] خراب واز حیز انتفاع افتاده وقنوات انباشته شد وباغات مشجر اراضی بیاض شده بود . در عهد سلطنت خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار **آقا میرزا بابای آشتیانی** را به ممیزی این ولایت مأمور نموده ، جمع جدیدی به‌طریقهٔ مقاطعه به شهر قم وبلوکات بسته که مبلغ دوازده هزار وچهارده تومان نقد وچهار هزاروپانصدخروار جنس بود . به مرورایام وسنوات حکام ومباشرین امور دیوانی همه ساله به جهت نفع حکومتی اضافه بر مالیات وجهی ازرعیت گرفته ، بعداز اطلاع امنای دولت آن اضافه را به اسم فرع وتفاوت عمل جزو کتابچهٔ دیوانی کردند تاآن که دوازده هزار تومان به مبلغ بیست وپنج هزار تومان معمول وبرقرار شد ورعیت لابد ولاعلاج بر معاش خو تنگ گرفته واز عهدهٔ مطالبات دیوانی بر می آمدند . تا در سنوات قحط وغلاکه در اکثر بلاد ایران بلکه ربع مسکون روی داد ومردم در حسرت نان جان دادند وبنی نوع خویش را چون گاو و گوسفند ذبح نموده وخوردند اکثردهات بی رعیت وخانه‌ها خالی از سکنه گشته ، بعضی از مزارع ودهات خراب شده ، حکم

شاهنشاهی بر ممیزی جدید وتعدیل مالیات شد . حسب الامر میرزا حبیب الله گرکانی مأمور به تعدیل شده قراری ازنو گذاشت چنان که در دفترخانهٔ مبارکه ثبت است وحالا [سه سال است] [۱] از آن قرار معاملهٔ ولایتی پرداخته می‌شود [باوجود آن که شش صد خانه ازقم خراب وبی سکنه مانده است] .

بالجمله جغرافیای ولایت قم وحالت حالیهٔ آن از قرار ذیل است :

دارالایمان قم از اقلیم چهارم است . هوای آنجا میل به گرمی دارد چنان که جو درآنجا در اول جوزا به‌دست می‌آید و گندم او در هفتادم‌بهار می‌رسد حاصل کلی آنجا ازشتوی گندم وجو وباقلاست وصیفی‌کاری جوزق و کرچك وخربزه وهندوانه وخیار وسبزی‌آلات بسیار دارد وآب مزروعی باغات‌حومهٔ شهر از رودخانهٔ انار بار است واز طرف کمره گلپایگان می‌آید . در سابق میوهٔ باغات قم به غیر انار وانجیر نبود به جهت آن که در کنار رودخانه ازنیمور الی سه فرسخی قم انهار ومزارع جدید بسیار احداث شده بود و در تابستان آب شهر قم به کلی قطع می‌شد ، به این واسطه باغات ومزارع قم بی قدر ومنفعت بود که از عهدهٔ مالیات دیوانی بر نمی‌آمدند . تاآن که رعایای قم به دربار معدلت مدار عارض شده ، امنای دولت جاویدآیت موافق فرمان مبارك قراری دادند که در وقت تنگی آب رودخانه شش روز به مزارع وباغات دارالایمان قم بیاید وپنج روزمزارع جدید کنار رودخانه ببرند . به واسطهٔ این حکم باغات قم آباد شد ومیوه‌های بهاره ازقبیل گوجه وقیسی وسیب وزردآلو زیاد دارد . عمله‌جات زراعت وباغات حومهٔ شهر همه از سکنهٔ شهرند .

اما قنوات حومهٔ دارالایمان قم به غیر قنات سراجه وشمس آباد خالصه که لادر دولت خاقان‌مغفور واین دولت‌جاویدآیت جاری‌شده . ازقنوات مخروبه

---

۱. جملات میان قلاب‌ها درنسخهٔ اساس خط خورده است .

بودند که در فتنهٔ اشرف افغان ومحمود قلیجائی خراب شده بود . دو دفعه بسر این قنوات جدید النسق ممیزی شده ، یکی در وزارت میرزا تقی‌خان فراهانی میرزا زین‌العابدین تبریزی ممیزی نمود ودفعهٔ دوم در همین چند ساله مقرب الخاقان میرزا حبیب‌الله تعدیل نمود . وسایر مزارع وباغات قدیم النسق است اگرچه در این ممیزی تعدیل شد ، از قراری که مفصلا هر جا ومحل در جای خود معلوم می‌شود .

[مزارع]

مزارع مشروب از آب رودخانه قدیم النسق است . به هفتاد حصه قسمت می‌شود وهر حصه سه زوج گاو در اوبسته می‌شود وده نهر از رودخانه به جهت شرب باغات ومزارع جدا می‌شود ، مالك نه نهر رعیت است ویك نهر خالصه مختص شمس آباد خالصه می‌باشد . رعیت آنها سکنهٔ شهرند . حاصل آنها از شتوی جو و گندم وباقلاست وصیفی جوزق وکرچك وخربزه وهندوانه وکنجد وتنباکو وخیار است که به شهر فروش می‌رود . از قراری که در جزو مزارع نوشته می‌شود .

مزرعهٔ براوستان

مشروب از رودخانه از نهر براوستان . مالیات آنجا به طریقهٔ مقاطعه نقداً جنساً در جزو کتابچهٔ دفتر خانهٔ مبارك که ثبت است. از مزارع قدیم النسق است

که به اسم فرسی قدیم مشهور است . قریهٔ او به واسطهٔ بی رحمی مالکین قدیم آن مثل شهرهای لوط عالیها سافلها شده، الان اصل قریه خراب است . محمد علقمی که وزیـر مستعصم خلیفهٔ عباسی بوده واسباب انقراض دولت عباسی شده ازاهل این قریه بوده است چنان که تفصیل حالات او در تواریخ بنی عباس مشهور ومسطور است . شیعی مذهب بوده است . چهارده حصه .

مالیات ـ نقد : ۲۸۰ تومان ، جنس : ٤۳۰ خروار

عمله جات از بزرگ وحصاد وغیره ـ ۱۵۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق وکرچك وخربزه

بذر ـ شتوی : ۳۹۰ خروار ، صیفی : ٤۰ خروار

مزرعهٔ شهرستان

از مزارع قدیم النسق است . مشروب از نهر شهرستان کـه از رودخانه منشعب می‌شود . شش حصه .

مالیات ـ نقد : ۱۸۰ تومان ، جنس : ۲٦۷ خروار

عمله‌جات ـ ٦۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجواست ، صیفی : جوزق وکرچك وغیره

بذر ـ شتوی : ۲٤۰ خروار ، صیفی : ۲٤ خروار

مزرعهٔ محمدآباد

مشروب ازنهرشهرستان . ملکی علمای‌اعلام است . ازمزارع قدیم النسق است . قلعه وسکنه ندارد . در سفلای شهرقم واقع است . ملکی‌مرغوب دارد که غلهٔ او خوب می‌شود .

مالیات ـ نقد : ٦۰ تومان ، جنس : ۸۳ خروار

عمله‌جات ـ ٤٠ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم‌وجواست ، صیفی : جوزق و کرچك‌وخربزه وغیره

بذر ـ شتوی : ٦٠ خروار ، صیفی : ٦ خروار

مزرعهٔ فرابه ودنك

جزء مزرعهٔ براوستان بود ، دراین ممیزی جدید موضوع شده . مشروب از نهر براوستان می‌شود .

مالیات ـ نقد : ٣١ تومان و٦ هزار وده شاهی ، جنس : ٤٦ خروار

عمله‌جات ـ ٣٠ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وخربزه

بذر ـ شتوی : ٤٠ خروار ، صیفی : ١٣ خروار

مزرعهٔ نجیم آباد

از مزارع قدیم بوده مشروب ازآب قنات ورودخانه هر دو می‌شود . عمله‌جات آن از اهل شهرند .

مالیات ـ نقد : ٣٢ تومان ، جنس : ٣٥ خروار

عمله‌جات ـ ٣٠ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وخربزه

بذر شتوی : ٦ خروار ، صیفی : ١٢ خروار

مزرعهٔ صالح آباد

قلعه وسکنه ندارد . ملکی اهالی شهر است . از مزارع قدیم است .

مشروب از نهر شهرستان . دو حصه .

مالیات ـ نقد : ۵۰ تومان ، جنس : ٦٨ خروار

عمله‌جات ـ ۳۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وغیره

بذر ـ شتوی : ٦٠ خروار ، صیفی : ۸ خروار

مزرعهٔ طبشقران

از مزارع قدیم . پشت بارهٔ شهر واقع است . مشروب از نهر شهرستان است .

مالیات ـ نقد : ۲۰ تومان ، جنس : ۳۰ خروار

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وغیره

بذر ـ شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ۷ خروار

مزرعهٔ غزوان

تیول مرحمت وغفران مآب میرزا ابوالقاسم‌قمی‌اعلی‌الله مقامه . درسفلای شهر واقع است . از مزارع قدیـم است . الان هم به تیول ورثهٔ آن مرحوم مقرر است . یك حصه .

مالیات ـ نقد : ۲۵ تومان و ۵ هزار ، جنس : ٤٦ خروار و ۵۰ من

عمله‌جات ـ ۲۵ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك

بذر ـ شتوی : ٤٠ خروار ، صیفی : ۵ خروار

مزرعهٔ کرج

از مزارع قدیم است، تیول علمای بلد است. قلعه وسکنه ندارد. رعیت آنجا اهل شهر است. مشروب از رودخانه از نهر کرج. هندوانهٔ آنجا خوب می‌شود. ٦ حصه.

مالیات ـ نقد: ٦٨ تومان، جنس: ١٣٠ خروار

عمله‌جات ـ ٩٠ نفر

محصولات ـ شتوی: گندم وجو، صیفی: جوزق هندوانه

بذر ـ شتوی: ١٥٠ خروار، صیفی: ١٥ خروار

مزرعهٔ ارباب بیجه

وقفی مسجد امـام حسن عسکری است. در قدیـم مالیات نداشت، در مستمری جدیـد جمع برآنجا بسته شده.

مالیات ـ نقـد: ٤ تومان، جنس: ٦ خروار

عمله‌جات ـ ١٠ نفر

محصولات: شتوی: گندم وجو، صیفی: جوزق وهندوانه

بذر ـ شتوی: ١٥ خروار، صیفی: ٣ خروار و٣٠ من

مزرعهٔ جمکران

از مزارع معتبر است. در یك‌فرسخی قم واقع‌است. درآنجا دوآبادی است‌یکی قلعهٔ جمکران که سکنه دارد ویکی‌آبادی گرگابی که مشهوربه هادی ومهدی است. مردم جلادت پیشه وتفنگچی شکاری خوب دارند کـه رعیت

هستند وملك آنجا از اربابان شهر است ، مشروب از رودخانه از نهر جمکران می‌شود . جو و گندم خوب به عمل می‌آید . دوازده حصه .

مالیات ـ نقد : ۳۴۳ تومان ، جنس : ۵۰۳ خروار

عمله‌جات ـ ۳۰۰ نفر

محصولات ـ شتوی: گندم وجو است ،صیفی : جوزق و کرچك وخربزه

بذر ـ شتوی : ۴۳۰ خروار ، صیفی : ۵۰ خروار

مزرعهٔ زرقان

از مزارع قدیم است . جمع جدید بر آنجا بسته شده است . قلعه وآبادی مختصری است در آنجا که بعضی صاحبان مراعی ومواشی درآنجا منزل دارند حاصل خوب دارد .

مالیات ـ نقد : ۲ تومان و ٦ هزار و ١٤ شاهی ، جنس : ۸ خروار

عمله‌جات ـ ۸ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك

بذر ـ شتوی : ۸ خروار ، صیفی : ۳ خروار و ۵۰ من

مزرعهٔ ابرستجان

از مزارع قدیم است . درآنجا قدری اراضی خالصهٔ قدیم است که در آنجا رعیت زراعت می‌کند ومالیات می‌دهد . در آنجا پنج قلعهٔ گبری در قدیم بوده که الان دیوارهای آنها برجاست ویك قلعهٔ آن الان سکنه دارد که ایل زندیه درآنجا دروقت قشلاق منزل‌دارند. باقی مخروبه است . ۱۰ حصه .

مالیات ـ نقد ۳۰۰ تومان ، جنس : ۴۳۰ خروار

عمله‌جات ـ ۲۵۰ نفر

محصولات شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق وکرچك وخربزه

بذر ـ شتوی : ۳۰۳ خروار ، صیفی : ۴۰ خروار

مزرعهٔ سواران

جزء مزرعهٔ ابرستجان بوده والان هم از نهر ابرستجان مشروب می‌شود . مزرعهٔ جداگانه قرار داده‌اند . ملك اربابان شهری است . قلعهٔ مختصری دارد که بعضی از ایلات درآن سکنی دارند . رعیت از اهل بلد دارد .

مالیات ـ نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۴۲ خروار

عمله‌جات ـ ۲۵ نفر

محصولات ـ شتوی: گندم وجواست، صیفی: جوزق وکرچك وهندوانه

بذر ـ شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ٤ خروار

مزرعهٔ ابرستجان رعیتی

جزو ابرستجان خالصه بوده ، الان مزرعهٔ جداگانه شده . مالیات آنجا در جزوابرستان خالصه نوشته شد ثانیاً نوشته نمی‌شود . مشروب ازآب رودخانه از نهر ابرستجان است .

عمله‌جات ـ ۳۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق وکرچك

بذر ـ صیفی وشتوی : ۴۵ خروار

مزرعهٔ هندیجان

از مزارع قدیم . مشروب از رودخانه از نهـر مزدیجان . از همهٔ مزارع قم مرغوب‌تر است .

مالیات ـ نقد : ۱۰۶ تومان ، جنس : ۱۳۵ خروار

عمله‌جات ـ ۹۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجواست ، صیفی : جوزق‌وکرچك‌وخربزه

بذر ـ شتوی : ۱۲۰ خروار ، صیفی : ۱۵ خروار

مزرعهٔ مزدیجان

از مزارع قدیـم است . در تاریخ قم مسطور است که در آنجا آتشکده بوده که سی صد سال افروخته بوده وخاموش نشده . مزرعهٔ مرغوب قم است مشروب از رودخانه از نهر مزدیجان است .

مالیات ـ نقد : ۸۰ تومان ، جنس : ۱۱۵ خروار

عمله‌جات ـ ۶۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو است، صیفی : جوزق وکرچك‌وخربزه وهندوانه

بذر ـ شتوی : ۸۰ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

مزرعهٔ جفت کاوسر

از مزارع قدیم وقریب به شهر است . مشروب ازآب رودخانه از نهـر

مزدیجان است. ملکی سادات وخدام آستانهٔ مبارکه [حضرت معصومه] علیها سلام الله است . دو حصه .

مالیات ـ نقد : ۵۰ تومان ، جنس : ۷۶ خروار

عمله‌جات ـ ۴۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وخربزه

بذر ـ شتوی : ۵۰ خروار ، صیفی : ۸ خروار

مزرعهٔ خم‌آباد وجردکان

از مزارع قدیم وتیول جناب متولی باشی ووارث میرزا حبیب‌الله است . مشروب از نهر تنه پائین . رعیت آنجا از سکنهٔ شهرند . در کنار رود خانهٔ اناربار واقع در جنب باغات فردوس .

مالیات ـ نقد : ۲۸ تومان ، جنس : ۴۶ خروار

عمله‌جات ـ ۲۵ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وتنباکو

بذر ـ شتوی : ۴۰ خروار ، صیفی : ۶ خروار

مزرعه فردوس

جزء مزرعهٔ کمیدان است که اراضی آن موضوع شده . اغلب آن به واسطهٔ مجاورت شهر ورودخانه باغات شده . قدری جمع در جزو باغات دارد قدری در جزو مزروعی . زراعت آن جزو باغات می‌شود .

مالیات ـ نقد : ۱۷ تومان ، جنس : ۲۵ خروار

عمله‌جات ـ ۵۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو است ، صیفی : آبش به باغات می‌رود
بذر ـ شتوی : ۳۰ خروار ، صیفی : ندارد

مزرعه کمیدان

مشروب از نهر کمیدان . از مزارع قدیم است که اولا اعراب اشعری در آنجا یورت گرفتند . بعضی از اراضی آن داخل بیوتات شهر شده ، بعضی به حالت مزروعی باقی مانده است .

مالیات ـ نقد : ۷۸ تومان ، جنس : ۱۱۳ خروار
عمله‌جات ـ ٦۰ نفر
محصولات شتوی : گندم وجو وباقلا ، صیفی : جوزق و کرچك وغیره
بذر ـ شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ۱۵ خروار

مزرعه جمرو سعدآباد

جزء کمیدان بوده الان مزرعهٔ علی‌حده شده‌است . مشروب از نهر کمیدان است . در زیر شهر است .

مالیات ـ نقد : ٦۷ تومان ، جنس : ۹٦ خروار
عمله‌جات ـ ۵۰ نفر
محصولات ـ شتوی : گندم‌وجو‌است ، صیفی : جوزق و کرچك وخربزه
بذر ـ شتوی : ٦۵ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

مزرعه مهرویان وتوابع

نهر مهرویان اول نهری است که از رودخانه منشعب شده است وبه لغت

فرسی مهرآبیان بوده یعنی آب پخشان ، اگر چه حال ازهمه نهرها کوچك‌تر است مزرعهٔ مهرویان وتوابع از اومشروب می‌شود . به قدردوازده باغ است دو نهر مهرویان وزیادآباد که ازآنجا مشروب می‌شود ، هر یك مالیات علی حده دارند . مزرعهٔ قهیان وقفی سرکار فیض آثار در جنب مهرویان است . قدری آب مهرویان جزو خیرات شده است . قنات مبارکهٔ ناصری از محدثات ذات اقدس شهریاری است ازآن جا جاری شده است .

مالیات ـ نقد : ۶۰ تومان ، جنس : ۸۳ خروار

عمله‌جات ـ ۵۰ نفر

محصولات ـ شتوی : گندم وجو ، صیفی : جوزق و کرچك وهندوانه

بذر ـ شتوی : ۷۰ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

مزرعه جعفرآباد

مزرعهٔ مختصری است نزدیك بارهٔ شهر مشروب از نهر تنه پائین است .

مالیات ـ نقد : ۱۰ تومان و ۲ هزار ، جنس : ۱۵ خروار و ۵۰ من

عمله‌جات ـ ۱۰ نفر

محصولات شتوی : گندم وجو ، صیفی : ندارد . آبش به باغات می‌رود

بذر ـ شتوی : ۱۵ خروار ، صیفی : ندارد

مزرعه مسگران وسایر مزارع دیگر

که قابل تفصیل نبود از این جهت ذکر اسامی ومالیات آنها می‌شود واز شرح بذر ومحصول آنها نوشته نمی‌شود ، به جهت آن که محصول آنها هم همان گندم وجو وخربزه وهندوانه وجوزق است وبه جهت اختصار رعایای

آنجا چندان قابل تعداد نبود :

مزرعه مسگران واقع در خارج درب قبله ـ ۱٤ تومان

مزرعهٔ شریفه بیگم در جنب مزرعهٔ مسگران است ـ ۲۰ تومان

مزرعهٔ عنایت بیك واقع در خارج درب حضرت معصومه ـ ۱۰ تومان و٦ هزار

مزرعه‌علی‌آباد واقع در خارج درب حضرت معصومه ـ ۱٤ تومان

مزرعه بیست خرواره خارج درب کاشان ـ نقد : ۱۳ تومان ، جنس : ۱۹ خروار

مزرعهٔ نصوح‌آباد خارج درب کاشان ـ نقد : ٦ تومان و۸هزار ،جنس: ۸ خروار و۵۰ من

مزرعه جفته در خارج درب حضرت معصومه ـ نقد : ۷ تومان و ٤هزار جنس : ۸ خروار

مزرعه جمالیه واقع در خارج درب کاشان ـ نقد : ٦ هزار و ده شاهی جنس : ۳ خروار

مزرعه ومحل باغ منده واقع‌درخارج درب ری- ۱۷ تومان و۳ هزار

مزرعه اراضی رودخانهٔ صفی‌آباد که در ابتداء محل رودخانه بوده ـ نقد : ۱ تومان و ۸ هزار ، جنس : ۳ خروار و۵۰ من

مزرعه اسدالله ـ ۸ تومان و ۵ هزار

مزرعه‌کهنه ویلمق ـ در علیای‌بلد واقع است خارج درب قبله . مالیات ندارد . بیست خروار بذر کشته می‌شود .

ورعایای این دوازده مزرعه قریب یك صد وپنجاه نفر می‌شود هر جایی موافق استعداد بذرآن .

[باغات]

باغات بلدهٔ قم تماماً از آب رودخانه مشروب می‌شود از همان ده نهر که به جهت مزارع از رودخانه جدا می‌شود . در قدیم به غیر انار وانجیر میـوهٔ دیگرنبوده چنان که فواکه را ازبلوك وکاشان‌به قم می‌آوردند، حال به واسطهٔ آب اندازان رودخانه همه میوه از بهاره در او به عمل می‌آید سوای جوز که به واسطهٔ گرمی هوا به عمل نمی‌آید . درخت چنار در قم نیست . سرو و کاج خوب به عمل می‌آید لیکن اشجار بهاره به جهت‌حرارت هوا دوامی ندارد وازآفت کرم زود خشك می‌شود . چنان که ذکر می‌شود .

باغات طرف دروازه معصومة

که درکنار رودخانه واقع است ودر غربی شهر قم واقع است :

باغ آقا حسینـ درکنار راه عراق واقـع است . در سابق خیلی آبـاد بود ، الان اشجار او کم است . انار وانجیر و گوجه وسیب وزرد آلو وبـه

دارد . مساحت ٤٠ جریب .

باغ عباسقلی بیك ـ در این دولت ودولت شاهنشاه مبرور آباد شده ، میوه انار وانجیر و بهاره دارد . از همه نوع میوه خوب دارد . مساحت ٥٠ جریب .

باغ بالای حاجی اصغرخان ـ در دولت خاقان خلدآشیان آباد شده . از باغات معتبر است . درکنار رودخانه . اشجار او بـه قاعدهٔ جنات الفافاً . درخت زیاد دارد . ازهمه نوع میوهٔ بهاره وپائیزه دارد خاصه توت آنجا بسیار ممتاز است . مساحت ٨٠ جریب .

باغ دراز ـ چون او را به طریقهٔ طولانی ساخته‌اند به این اسم موسوم شده . ازهمه نوع‌میوه دارد از بهاره وپائیزه ، خاصه میوه‌ای که‌اورا خواجگی می‌گویند واز نوع‌آلو است ، از همه میوهٔ آنجا امتیاز دارد . سابـق از ایـن خیلی‌آباد بود به واسطهٔ بی‌آبی چند سالهٔ گرانی‌خرابی به هم رسانید ، تا حال به حالت‌آبادی اول نیامده است . مساحت ٦٥ جریب .

باغ وزیر ـ از باغات قدیم بوده مخروبه شده بود . در این دولت جاوید آیت دوباره‌آباد شده است . از همه نوع‌میوهٔ بهاره وپائیزه دارد . باغ خوبی است . مساحت ٤٠ جریب .

باغ قاسم دباغ ـ از باغات قدیم است چند قطعه شده . میوهٔ بهارهٔ اوبر انار وانجیر پائیزه امتیاز دارد . آب‌آنجا به حسب‌استعداد اراضی او کم‌تراست که به‌آب ابتیاعی‌مشروب می‌شود . ٩٠ جریب .

باغ حماط ـ از باغات قدیم‌است که چند قطعه شده . از اکثر باغات در میوهٔ بهاره وپائیزه بهتر است . مساحت ٦٠ جریب .

باغ شاهزاده کیکاوس میرزا در دولـت خاقان مغفور احداث شـده .

هنوز آبادی آن جا به اتمام نرسیده . الآن ملك حاجی سید جواد است . مساحت ۹۰ جریب .

باغ نیم حصة جناب متولی باشی - از باغات جدید است که در عهد این دولت آباد شده وچنان هم آباد شده که فوق آن متصور نیست . خارج دروازه معصومه است . از همه نوع میوه دارد خصوصاً آلوچه وزردآلو وسیب وبه که بسیار دارد . دو باغ است . مالیات ۶ تومان و۴هزار . مساحت ۸۰ جریب

باغ هارون آباد - از باغات قدیم است . سابق بسیار آباد بوده ولی حال آبادی متوسط دارد . از همه نوع میوه دارد لیکن غالب اشجار آنجا انار وانجیر می باشد . ملکی عالیجاه میرزا ارسطو پیشکار کرمانشاه می باشد خارج دروازه معصومه واقع است . مالیات ۲۸ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

باغ دو دنگه حاجی اصغرخان - از باغات قدیم بود ولی مخروبه بود ، حاجی اصغر خان او را در عهد شاه مرحوم آباد نمود . بسیار آباد نمود وهمه انواع میوه دارد خصوصاً توت وآلوچه وزردآلو. مالیات ۳۴ تومان. مساحت ۸۰ جریب .

باغ حاجی ابراهیم تاجر - آن را در اول حال باغ کرد وعمارتی در جلو آن ساخت . بعد غربا در آنجا منزل می کردند، دید منافع آن بیشتر از باغ است . به اسم باغ است وبه رسم کاروانسرا است . مالیات مختصری دارد . مالیات ۶ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

باغ باجك - ملکی جناب متولی است . داخل حصار شهر است . بسیار آباد است . در قدیم آبادی مختصری داشت اما حال هم بزرگ شده است .[1] از همه نوع میوه دارد خصوصاً آلوچه وانار . مالیات ۶ تومان و ۵ هزار .

---

۱ . کذا .

مساحت ۶۰ جریب .

باغ پنبه - از باغات قدیم بوده است وبسیار هم باغ بزرگی بوده . حال به قدر دوثلث آن بیوتات شهر شده یك ثلث آن دوباغی می‌باشد که انار وانجیر دارد . مالیات ۱۰ تومان ، مساحت ۳۰ جریب .

باغ فخرآباد - جناب متولی باشی - از باغات قدیم است . میوه انار وانجیر دارد . مالیات آن ازجزو جمع موضوع وتیول جناب ایشان است . مساحت ۶۰ جریب .

باغ فخر آباد ورثهٔ حاجی میرزا محمد علی - از باغات قدیم است میوه به غیر انار وقلیلی انجیر ندارد . بسیار آب کم دارد به این‌واسطه آبادی چندانی ندارد . مساحت ۳۰ جریب

باغ حاجی علی جان - درسفلای شهر واقع است . میوه انار وانجیر دارد . از باغات قدیم است چندان آبادی واشجاری ندارد . کم آب است . مساحت ۲۵ جریب .

باغ شمس آباد - تیول مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی بوده است که از جزو جمع مالیات قدیم موضوع نموده‌اند . آبادی مختصری دارد . میوه انار وانجیر است . مساحت ۳۰ جریب .

باغ گاوچاه در سابق به جهت نبودن آب در آنجا گاوچاهی کنده بودند که آب آن را از چاه می‌کشیدند . الان میوه به غیر اناروانجیر چیزی دیگر ندارد مساحت ۲۵ جریب .

باغ نوسروکاج - درخارج شهر داخل شهر کهنه بوده . در سابق عمارت عالی در وسط او بوده ، الان خراب شده . میوه به غیر انار وانجیر ندارد . مساحت ۲۵ جریب .

باغات طرف درب کاشان

که شرقی شهر قم است . این باغات به غیر درخت انار وانجیر چیزی دیگر از فواکه ندارد . همه از باغات قدیمه هستند ودراکثرآنها سبزی کاری وقصیل کاری می‌شود که مالیات آنها از آنها پرداخته می‌شود . چندان آبادی ندارند .

باغ صاحب‌آباد ـ در دولت خاقان خلدآشیان آباد شده ودر ممیزی جدید بر او جمع وارد شده ، میوه انار وانجیر خوب دارد . ملکی علماء شهر است مالیات ۱۲ تومان . مساحت ۱۰۰ جریب .

باغ حیدری ـ از باغات قدیم است . در خارج دروازه کاشان واقع است . آبادی آن چندان قابل نمی باشد . اشجار آن انار وانجیر است . مالیات ۱۴ تومان و ۵ هزار . مساحت ۴۰ جریب .

باغ زیدان ـ از باغات موقوفه است . مزرعه‌ای هم به این اسم دارد . باغ مختصری می‌باشد . انار وانجیر بسیاردارد وسایر میوه‌جات او قابل نیست مالیات ۶ تومان و۷ هزار . مساحت ۸ جریب .

باغ محب ـ از باغات قدیم است . آبادی متوسط دارد . غالب اشجار آن انار وانجیر است . در طرف دروازه کاشان است . ملکی ورثهٔ آقا حسن است ، چون خود آقا حسن بابی شد وراث به حکم شرع او را از تصرف منع نمودند . مالیات ۱۸ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

باغ کرباسی ـ از باغات قدیم است . آبادی آن به خرابی مبدل شده بود وجزئی انار وانجیر از اشجار او باقی بود . در این سنوات جناب متولی باشی اورا خریده ، بسیار آبادی معتبری درآنجا پیدا شده . مالیات ۱۲ تومان .

مساحت ۵۰ جریب .

باغ خواجه جعفر ـ از باغات قدیم است . آبادی متوسط دارد . چند قطعه شده . غالب اشجار او انار وانجیر است . جزئی اشجار دیگر هم دارد. در جنب بقعهٔ حضرت علی بن جعفر واقع است . مالیات ٤٦ تومان . مساحت ۸۰ جریب .

باغ گنبد سبز ـ از باغات قدیم است . میوه انار وانجیر دارد . بقاع مشایخ اشعری در آنجاست ، در نهایت ارتفاع است . مالیات ١٤ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

باغ شاه مراد ـ باغ مختصری است . اندك انار وانجیر دارد واز باغات قدیم است . مالیات ٦ تومان و۳ هزار و۳۰۰ دینار . مساحت ۸ جریب .

باغ پشم ـ از باغات قدیم است . به غیر انار وانجیر میوهٔ دیگر ندارد . مالیات ١٦ تومان . مساحت ۲۵ جریب .

باغچهٔ قاسم ـ از باغات قدیم است . اندك درخت دارد از انار وانجیر. سبزی کاری وقصیل کاری عمده حاصل آنجاست . مالیات ۲۰ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

باغ ارغوان ـ از باغات قدیم است . میوه به غیر انار وانجیر ندارد . مالیات ٦ تومان و۷ هزار . مساحت ۲۵ جریب .

باغ درازآقاابوالقاسم ـ در خندق شهر ساخته شده . میوه به غیر انار وانجیر ندارد . مالیات ٦ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

باغ سلطانم ـ از باغات قدیم است . داخل بارهٔ شهر است . انار وانجیر بسیار دارد . مالیات ۵۹ تومان و٦ هزار . مساحت ۱۱۰ جریب .

باغ قلعه مشرف ـ از قلعه‌های افغانی است . داخل شهراست . میوه انار

وانجیر دارد . مالیات ٤ تومان . مساحت ۱۰ جریب .

باغ قلعه میرزا جان - از باغات قدیم . داخل شهر است . میوه انار وانجیر خوب دارد. مساحت ۷۰ جریب .

باغ قلعه حاجی میرعلی نقی - از باغات قدیم است . داخل بارهٔ شهر است . میوه انار وانجیر خوب دارد . مساحت ٦۰ جریب .

باغچه نو - ملك او وقف سرکارفیض آثار است . اشجار او ملکی است میوه بهاره وپائیزه دارد . مالیات ٦ تومان . مساحت ۱۵ جریب .

باغ نو حضرت - از باغات قدیم . موقوفهٔ حضرت معصومه . داخل بارهٔ شهر است . انار وانجیر دارد . مالیات به جهت وقفی ندارد . مساحت ۱۲۰ جریب .

باغ کوچه خوزیان - از باغات قدیم بوده است . شاهزاده کیکاوس میرزا او را ارك خود قرار داد ، عمارات عالیه در او ساخت . الان بیوتات اهل شهر شده است . قدری به حالت باغی باقی مانده است . مساحت باقی مانده ۲۰ جریب .

باغ دلگشا - داخل بارهٔ شهر است درکنار سد رودخانه . همه نوع میوه دارد . متصل به خانه‌ها کوچه حرم است . دیوار ارك شاهزاده در وسط آن باغ اتفاق افتاده است . مساحت ۲۵ جریب .

باغ قاضی - از باغات قدیم بوده . داخل شهر است . باغ بزرگی بوده بیوتات شهر شده قلیلی باقی است . مساحت باقی مانده ٦ جریب .

باغ مورچی - داخل بارهٔ شهر است . بیوتات شهر شده . چند باغچه از او باقی مانده است . مالیات ۱۰ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

باغ قهیان - وقفی سرکار فیض آثار است . در این دولت جاوید آیت

آباد شده است . میوه انار دارد وتوت خوب . مساحت ۱۵ جریب .

باغ حاجی میرزا صفی ـ از باغات جدید است که در این دولت آباد شده . میوه انار دارد . مساحت ٦ جریب

باغ سیدان ـ از باغات قدیم است . میوه انار وانجیر دارد. باغ مختصری است . مساحت ۲۵ جریب .

باغ صفا ـ باغ معتبری است . سه قطعه شده است . از همه نوع میوه بهاره وپائیزه دارد . مساحت ٦۰ جریب .

باغ غیاث آباد ـ داخل بارهٔ شهر است . دراین دولت جاوید آیت آباد شده است . همه نوع میوه دارد . مالیات ۷ تومان . مساحت ٤۰ جریب .

باغ غیاث آباد حاجی رشید خان ومحمد تقی بیك ـ داخل بارهٔ شهر است . درخت ندارد . تازه دست به آبادی اوزده اند . مالیات ٤ تومان .مساحت ٤٥ جریب .

باغ زنبیل آباد ـ از باغات قدیم عهد خاقان مغفور است . میوهٔ بهاره خوب دارد . مساحت ۷۰ جریب .

باغ ریگ ـ داخل حصار شهر است . میوه انار وانجیر دارد . مساحت ٥۰ جریب .

باغ محمدتقی بیك ارباب ـ در این دولت جاوید آیت آباد شده است از آب مزروعی خود ساخته . مالیات جزء مزروعی است . مساحت ۲۰ جریب.

مستغلات وبیوتات شهر

مستغلات (۹۵۱ باب) :

خانات وتیمچه‌ها - ۲۷ باب /حمام - ٤٥ باب / دکان سمساری - ۱۱ باب/خیاطی - ۳باب/بزازی - ۷۰ باب/بقالی - ۷۰ باب/قصابی - ۱۸ باب /کفشدوزی - ١٤ باب/خراطی - ۷ باب /سراجی - ۱ باب/تنباکو فروشی ۲٤ باب/حلاجی - ٤۰ باب/خرده‌فروشی - ۱۰ باب/ گچ‌پزی - ۱۱ باب/ عصاری - ۳ باب/حلب‌سازی - ۷ باب/خرازی - ۷ باب/نجاری - ۱۹باب/ مسگری ۲۷ باب/حلوائی - ٤۹ باب/جوراب دوزی - ۱۳ باب/صفاری - ١٤ باب/علافی - ۲۷ باب/ارسی دوزی - ۳۰ باب/صرافی - ۷ باب/ کلاه دوزی - ۹ باب/پالان دوزی - ۱۱ باب/حدادی - ۱۹ باب/چیلان گری - ٦ باب/دباغی- ۱۹ باب/نمدمالی - ۳۰ باب/صباغی - ۲۱ باب/نخودبریزی ١٤ باب/عطاری - ۵۷ باب/آجرپزی - ۱۰ دستگاه/ کوزه فروشی-۱۹باب

/زر گری ـ ۷ باب/پاره دوزی ـ ۲۰ باب/نعل بندی ۸ باب / دواتگری ـ ۸ باب/قصاعی و کاشی پزی ـ ۸ باب/علاقه بندی ـ ١٤ باب/کله پزی ـ ۱۸ باب / خبازی ـ ٤٦ باب/نوره فروشی ـ ۱۲ باب/چایی فروشی ـ ٥ باب/ قنادی ۲ باب/طواحین ـ ۱۷ حجر/یخچال ـ ۷ باب .

بیوتات شهر :

۳۷۲٤ باب . در سال گرانی خراب شده وبلا مالك مانده : ۶۰۰ باب ـ ۳۱۲٤ باب

بیوتات علماء وسادات : ٤۳٦ باب

عمله جات مزروعی وباغات : ۱۰۰۰ باب

مالکین مزروعی وباغات : ۹۰ باب

اصناف بازار : ۹۰۰ باب

خوش نشین وغرباء : ۳٦۸ باب

بقاع واماكن متبركه

بقاع مقدسة (۳۰ باب) :

* روضۀ مبارکۀ فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما سلام الله
* بقعۀ شاه حمزه
* بقعۀ شاه ظهیر
* بقعۀ موسویان
* بقعۀ سلطان محمد شریف
* بقعۀ احمد بن قاسم
* بقعۀ علی بن بابویه
* بقعۀ احمد بن اسحاق
* بقعۀ خاك فرج
* بقعۀ شاه ابراهیم
* بقعۀ شاه جعفر

* بقعهٔ سید معصوم
* بقعهٔ امام زاده زید
* بقعهٔ شاه جمال
* بقعهٔ هادی ومهدی
* بقعهٔ شاه سید علی
* بقعهٔ شاه ابراهیم
* بقعهٔ طیب وطاهر
* بقعهٔ ساریه خاتون
* بقعهٔ علی بن جعفر
* ایضاً بقعهٔ شاه ابراهیم
* ایضاً بقعهٔ شاه جمال
* بقعهٔ شاه اسماعیل
* بقعهٔ شاپور علی
* بقعهٔ معصومهٔ کهك
* بقعهٔ امام زاده هادی
* بقعهٔ مشهد اردهال
* بقعهٔ امام زاده محسن
* بقعهٔ معصومه در قاسم آباد
* بقعهٔ جناب میرزا ابوالقاسم قمی

مساجد ومدارس معروفه (۱۰ باب) :

مساجد معروفه به غیر آنچه در محلات شهر است :

* مسجد جامع

* مسجد امام حسن (ع)
* مسجد جناب حاجی ملاصادق
* مسجد عشقعلی

مدارس :

* مدرسهٔ فیضیهٔ آستانهٔ مقدسه
* مدرسهٔ مهدی قلی خان
* مدرسهٔ جناب حاجی ملاصادق
* مدرسهٔ ناصریه
* مدرسهٔ مشهور به لکها
* مدرسهٔ محمد مؤمن خان

ایلات دار الایمان قم

اصل آنها از ولایت فارس است . در عهد خاقان شهید انارالله برهانه آنها را کوچانیده ، در قم سکنی دادند . هفت طایفه هستند که بعضی سکنهٔ شهرند وبرخی در قلعه جات حومهٔ شهر منزل گرفته‌اند . اولا صاحب حشم نبودند تا به مرور دهور صاحب شتر و گوسفند شدند وهر یك در طرفی ازشهر مرتع گرفتند . مالیات دیوانی نداشتند . در دولت خاقان خلدآشیان هر طایفه از آنها خود را جزء جلال یکی از علمای بلد نمودند بنای شرارت را گذاشتند تاآن که در میان علماء بلد فتنه حادث شد که چند نفر به قتل آمدند . حسب الامر خاقان مغفور چند نفر به جهت تأدیب آنها مأمور شده ، پانصد تومان به اسم جریمه ازآنها گرفتند . حکام دار الایمان قم همه ساله آن وجه را ازآنها گرفتند تاآن که ثبت کتابچه ومالیات شد . تا اواخر دولت خاقانی دویست وپنجاه تومان آن را تخفیف گرفتند . بعد به اسم فرع وپیشکش حکام برآنها افزودند تاآن که مالیات آنها به مبلغ شش صد وشصت وچهار تومان قرار

گرفت . بعد از ممیزی اواخر که مقرب الخاقان میرزا حبیب‌الله بر تعدیل آنها افزود به یك هزار ویك صد وبیست وپنج تومان قرار گرفت . درآنها جوانان کاری قابل نوکری پیدا می‌شود . اغلب آنها جوانان با جلادت هستند . تعداد نفوس ومالیات آنها در جزو طوایف آنها نوشته می‌شود تاآن که معلوم شود هر قدر ازآنها چه قدر هستند .

طایفه زندیه

ازطایفهٔ کریم خان زندند که در دولت خاقان شهیدبزرگان آنها را مکفوف البصر ومستمری از برای آنها قرار دادند . الان ایل معتبر قم هستند . ازآنها با مایه‌تر وبا اجماع‌تر در ایلات نیست . سه تیره شده‌اند . یکی ازآنها سکنهٔ شهر شدند که **به‌زند شهری** شهرت گرفتند وتیرهٔ آنها مرتع در بیابان شاه آباد دارند . ویك تیرهٔ زندیه در نصرت آباد منزل گرفته‌اند که مرتع آنها از نصرت آباد تاکاروانسرای سنگ که چهار فرسخی قم است می‌باشد . وبعضی ازآنها در قلعه چم وبیابان آنجا منزل دارند . مرتع آنها در هموار ونارج است تا زیر املاك طایقان ، ودر تابستان به طرف فراهان می‌روند وبه هر جا سکنی گرفتند حق المرتع وصد سه می‌دهند علاوه بر مالیات قم .

مالیات وغیره: ۳۲۲ تومان (مالیات: ۲۹۲ تومان، حق‌المرتع: ۳۰ تومان)

تعداد نفوس : ۲۸۵ نفر (ذکور : ۹۵ نفر ، اناث : ۸۰ نفر ، اطفال : ۱۱۰ نفر)

طایفه گالینی

از ایلات معتبر قم وبزرگان آنها در قدیم داروغهٔ شترهای دیوانی بودند .

جوانان کاردان و کارکرده دارند . قابل هر نوع خدمت هستند . قشلاق آنها از یك فرسخی قم است تا پل دلاك ورودخانهٔ ساوه ، وییلاق به طرف شاهسون ومزلقان وسامان ویاقان دارند . با ایل شاهسون مجاورت دارند . حق المرتع وصد سه نمی‌دهند . همان مالیات جزو جمع قم را دارند که به حاکم قم می‌پردازند .

مالیات وحق المرتع : ۱۸۹ تومان (مالیات : ۱۳۹ تومان ، حق المرتع : ۵۰ تومان)

تعداد نفوس : ۲۲۵ نفر (ذکور : ۷۰ نفر ، اناث : ٦۰ نفر ، اطفال : ۹۵ نفر)

طایفه سعدوند

درقلعه‌جات قنوات قم‌در حومهٔ شهرسکنی دارند . صاحبان شترو گوسفند هستند . در قنوات رعیتی می کنند . پنبه‌کاری وخربزه‌کاری خوب دارند . مرتع آنها درحدود سراجه وتوابع‌قم است. زمستان کلش زارشمس‌آبادخالصه را اجاره کرده ، درآنجا به سر می‌برند. جوانان کاری قابل نوکری دارند . در قریهٔ مؤمن‌آباد وحاجی‌آباد ونواران ورستم‌آباد خانه گرفته‌اند.

مالیات وحق المرتع : ۳۰۰ تومان (مالیات : ۲۹۰ تومان، حق‌المرتع : ۱۰ تومان)

تعداد نفوس آنها در جزو قنوات نوشتهٔ می‌شود

طایفه عبدالملکی

سکنهٔ شهرند . حشم مختصری دارند . اکثر حشم آنها شتر است . شغل

آنها اغلب فراشی حکومت است . مرتع آنها در هموار ونارج است که در قبلهٔ شهر قم است .

مالیات وغیره : ۶۵ تومان (مالیات : ۵۵ تومان، حق المرتع : ۱۰تومان)

تعداد نفوس آنها جزو شهر است

طایفهٔ کلهر

از سکنهٔ شهرند . حشم مختصری دارند . جوانان آنها بعضی نوکری علماء واربابان شهری را دارند ، بعضی از کسبهٔ بازارند ، چند نفر هم فراشی حکومت را دارند . قلیل حشمی که دارند در بایرهای کفتار کوه که در اسفل قم است مرتع دارند . چون شکسته بودند در ممیزی جدید به آنها تخفیف داده شد .

مالیات وغیره: ۱۰۰ تومان (مالیات: ۹۰ تومان ، حق المرتع : ۱۰ تومان)

تعداد نفوس آنها در جزو سکنهٔ شهر است

طایفه کرزه بر

از سکنهٔ شهرند . حشم گوسفند وشترندارند. اغلب کار آن‌ها مکاری وقاطر داری است . قلیلی از آنها صاحبان ملك اطراف هم هستند . جوانان کاری دارند که قابل نوکری هستند .

مالیات وغیره : ۸۵ تومان(مالیات : ۷۰ تومان ، حق المرتع : ۱۵تومان)

تعداد نفوس : جزو خانه شمار شهر است

طایفه لشنی

طایفهٔ مختصری است . مردهای آنها تلف شده . سابق مالیات آنها را از زنها وچند نفر مردکه داشتند می گرفتند . در این ممیزی تخفیف به آنها داده شد .

مالیات : ۷ تومان وه هزار

تعداد نفوس : جزو بیوتات شهرند

جبال ومعادن

جبل گدن گلمز

مشهور به کوه نمک . در غربی شهر قم‌در اول ملك جعفرآباد ساوه‌واقع است . تا شهر قم چهار فرسخ است . نمك سفید شفافی دارد به طریقهٔ چشمه سار از درهای آن‌آب صافی جاری است . قدری که بسته می‌شود در روی‌آب جاری‌آن است . [1] نمك قم وعراق و کرمانشاهان وفراهان ازآنجاست .طرفه آن که هر کس می‌آورد نمك‌بیاورد هر قدر نمك که کند بعد ازآن نمك‌خشك کنده پیدا می‌شود بسر می‌دارد . تا نمك نکند نمك خشك پیدا نمی‌شود . مساحت‌کوه نمك دور او سه فرسخی است از این قرار به طریقهٔ مساحت‌هزار وهشت صد خروار بذر افشان زیر کوه نمك است . در سابق یکی از اهل بدعت خواسته بود اجاره از حکومت بر آن ببندد تا دو سال چشمه سار نمك به‌کلی خشك شد تا آن که رفع‌بدعت آن مرد مقدس‌بشود . والله العالم .کسی

---

۱ .کذا فی الاصل .

نمی‌تواند بالای او برود.

جبل یزدان

در یك فرسخی شهر قم است . سه فرسخ طول ویك فرسخ عرض دارد. هزار وسی‌صد دره دارد . چشمه‌سار او کوچك‌است که از آنها زراعت‌نمی‌شود هیزم خوب دارد . مرتع ثلث طایفهٔ زندیه درآنجاست . شکار کوهی خوب دارد . کوه یزدان از آن‌نامیده شد که درقدیم یزدان فاذار رئیس گبرها را مرتع گوسفند بوده . سنگ‌های تخت به جهت قنات وپوشش از آنجا برخاسته می‌شود . گیاه‌ها دارد که بعضی از دراویش آن نباتات را می‌برند تا به چه کار آید . والله العالم .

جبل کلاه قاضی

چون بـه صورت عمامه می‌باشد کلاه قاضی نامیده شده . قنات مبارکهٔ خیرات ناصری از محاذی آن جاری است . سنگ گچ وخاك شیرهٔ حلوائی را از آنجا به شهر قم می‌آورند . در طرف قبله یك فرسخی شهر قم واقع است . شکار وهیزم وعلفی ندارد . والله العالم .

جبل نرداغی

پشت سر جبل کلاه قاضی است . تمام‌آن سنگ‌آهك سفید است بسیار ممتاز . تا شهر قم یك فرسخ است . سنگ‌های ازاره ودور حوض‌ها را از آن سنگ می‌تراشند . مرتع دامنهٔ او خوب است . گاهی شکار کوهی درآن

پیدا می‌شود .آب وچشمه سار ندارد .

جبل خضر (ع)

در بالای آن مسجدی ساخته‌اند که در آنجا حضرت خضررا دیده‌اند . گیاه و آب‌ندارد . دردامنهٔ کوه دهی بوده مشهوربه مسگران، بابرهای قرمزدارد واز آنجا مس به عمل‌می‌آمده است‌لیکن به قدر مخارج نبوده است به این جهت کارآنجا را موقوف کرده ، قریه خراب شده است .

جبل دو برادران

دوکـوه است ملاصق یکدیگر . گویا هر دو را به طریقهٔ قرینهٔ بنائی بنـا کرده‌اند . شکارکوهی دارد .

قنوات موقوفه

خیرات اهالی شهر که آب آن صرف بیوتات شهر می‌شود وبـه محلات می‌رود :

قنات مبارکه ناصری

که محض رأفت ورحمت ملوکانه ، ذات اقدس شهریاری احداث وجاری نموده‌اند . به تمام محلات شهر می‌رود وخرج تنقیه ولاروب از دیوان داده می‌شود . به قدر چهار سنگ مساحی آب دارد . در ممر او دو آسیا به حکـم دیوان مقرب الخاقان حاجی‌میرزا نصرالله مستوفی گرکانی ساخته . تمام شهر از آن آب مشروب می‌شود ومردم دعاگـوی دوام دولت جاوید آیت هستند .

قنات میرزا ابوالقاسم اصفهانی

در وقت حکومت خـود جاری ساخته . قدری ملك وقـدری وقف شهر است . به قـدر یك سنگ مساحی آب دارد . وقف چهـار دانگ ، ملك دو دانگ است .

[قراء وتوابع]

قنوات وتوابع که در حومهٔ شهر واقع است مسافت هر یك تا شهر ازیك فرسخ الی دو فرسخ بیشتر نیست وبه غیرسراجه تماماً جدید النسق است که در دولت شاهنشاه مبرور واین دولت‌جاویدآیت آباد شده . قنوات قدیمه‌ای بوده که درفتنهٔ افغان خراب شده بود ،در این دولت‌ها آباد شده دودفعه در اوممیزی شده . یك دفعـه میرزا زین‌العابدین تبریزی ودفعه‌ای میـرزا حبیب‌الله ممیزی نموده ومالیات برآنها واردآورده . باغات ندارد . حاصل آنها غله گندم وجـو است وصیفی اغلب جوزق وخربزه‌کاری است و گرمسیر است .

قریه کریم آباد

جدید النسق بوده . حاصل آنجا غله خـوب نمی‌شود . جوزق وخربزه درآنجا خوب می‌شود . قنات اوآبش اندکی شوری دارد . رعیت آنجاسکنهٔ همان قلعه می‌باشند . در عهد شاه مرحوم آباد شده است .

مالیات ـ نقد : ۱۰ تومان و۶ هزار و ۵۰۰ دینار ،جنس : ۵ خروار و۴۰من

بذر ـ شتوی وصیفی : ۳۰ خروار

محصولات ـ جوزق وغله کاری وخربزه

نفوس ـ ۱۰ خانوار ـ ۳۵ نفر

قریة فتح آباد

از قنوات جدید النسق است . قدری شوری دارد . قلعه وسکنه دارد . غله آنجا خوب نمی‌شود . صیفی کاری دارد .

مالیات ـ نقد : ۶ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر شتوی وصیفی : ۳۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق

خانوار ـ ۱۵ خانوار ـ ۴۵ نفر

قریه حصار شنه

ازقنوات جدیدالنسق آبش شوری دارد. قلعه وسکنه دارد . عرب خراسانی درآنجاست .

مالیات ـ نقد : ۲۰ تومان ، جنس : ۱۰ خروار

بذر ـ ۳۵ خروار

محصولات ـ غله وجوزق

خانوار ـ ۳۰ خانوار ـ ۱۲۰ نفر

قریة کرم آباد

در سر راه کاشان است . جدید النسق . آب گوارا دارد . در آنجا بساد

وریگ روان بسیار دارد .

مالیات ـ نقد : ۱٤ تومان ، جنس : ٦ خروار

بذر ـ ۲۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق است

سکنه ـ ۲۵ خانوار ـ ۹۵ نفر

قریه جنت‌آباد

در سر راه کاشان است . جدید النسق . محل ورود قافله می‌باشد . آب شیرین گوارا دارد .

مالیات ـ ۷ تومان و ۳ هزار و ۶۰۰ دینار ، جنس : ۳ خروار

بذر ـ ۲۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق است

سکنه ـ ٥ خانوار ـ ۲۵ نفر

قریه جعفرآباد

الان مخروبه می‌باشد . سکنه ندارد . قدری غله کاری از آب رودخانه می‌شود .

مالیات ـ نقد : ٦ تومان ، جنس : ٤ خروار و ٦۰ من

قریه شورک‌آباد

مشهور به قنات نو . آب آن شور است . قلعه وسکنه ندارد . اراضی آن کم استعداد است .

مالیات ـ نقد : ٤ تومان ، جنس : ۳ خروار

قریه مبارک‌آباد

قنات‌آن قدیم بوده است . در عهد خاقان خلدآشیان‌آباد شده است . غله وصیفی درآنجا خوب به عمل می‌آید . قلعه وسکنه دارد .

مالیات ـ نقد : ۳۲ تومان و ٥ هزار ، جنس : ١٥ خروار

بذر ـ ۸٥ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه

سکنه ـ ٤٠ خانوار ـ ١٨٠ نفر

قریه فرج‌آباد سنگ تراش‌ها

قنات مختصری است . آب کمی دارد ، حاصل قلیلی . جدید النسق است.

مالیات ـ نقد : ۲۲ تومان و۲هزارو ٥٠٠ دینار ، جنس : ۳خروارو٥٠ من

بذر ـ ٤ خروار

محصولات ـ غله وجوزق کمی دارد

سکنه ـ ٤ خانوار ـ ١٤ نفر

مزرعه رضاآباد

قنات کوچك کم‌آبی دارد . جدید النسق است که ممیزی شده است .

مالیات ـ نقد : ۲ تومان و ۸ هزار ، جنس : ۳ خروار و ٥٠ من

بذر ـ ۸ خروار

محصولات ـ غله وجوزق است

سکنه ــ ٥ خانوار ــ ٢٢ نفر

مزرعه حسین‌آباد

ملکی نواب‌علیه شکوه السلطنه وغیرها . قنات مختصر آب باریکی دارد جدید النسق است .

مالیات ــ نقد :٦تومان ویك هزار و٥٠٠ دینار ،جنس : ٣ خروار و٦٠من

بذر ــ ٨ خروار

محصولات ــ غله وجوزق است

سکنه ــ ٤ خانوار ــ ١٤ نفر

قریه فرح‌آباد

ملکی علماء است . دودانگ وقف تعزیه داری جناب سید الشهداء است در عهد خاقان‌آباد شده .

مالیات نقد : ١٠ تومان ، جنس : ٦ خروار

بذر ــ ٣٠ خروار

محصولات ــ غله وخربزه وجوزق است

سکنه ــ ١٢ خانوار ــ ٤٣ نفر

قریه حاجی‌آباد لگها

ربع‌آن وقف روضه خوانی است . قنات خوبی است . ایل سعدوند در آنجا منزل دارند .

مالیات ــ نقد : ١٠ تومان وه هزار ، جنس : ٤ خروار و٥٠ من

بذر ـ ۳۰ خروار

محصولات ـ غله وخربزه

سکنه ـ ۵۰ خانوار ـ ۱۸۰ نفر

قریه مؤمن‌آباد

بزرگ‌ترین قـراء حومه می‌باشد . قنـات بسیار معتبری دارد چنان‌که سه سنگ‌آسیاب‌آب دارد . سکنه‌آنجا ایلات سعدوند است .

مالیات ـ نقد : ۱۱۸ تومان ، جنس : ۷۰ خروار

بذر ـ ۲۰۳ خروار

محصولات ـ غله وخربزه وجوزق وکرچك

سکنهٔ ـ ۹٤ خانوار ـ ٤۰۰ نفر

مزرعه کول‌کان

در عهد خاقان خلدآشیان‌آباد شده . از قنوات معتبراست . سکنهٔ‌آنجا در مؤمن آباد خانه دارند . جوزق‌خوب دارد . رعیت‌آنجا هم ایل‌سعدوند است.

مالیات ـ نقد : ۱۹ تومان ، جنس : ٦ خروار

بذر ـ ۳۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وکرچك است

مزرعه عباس‌آباد

در عهد شاه مرحوم داثر شـده است . قنات معتبری است . رعیت آنجا سکنهٔ مؤمن‌آباد واز طایفهٔ خلج وسعدوند می‌باشند .

مالیات ـ نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۱۵ خروار

بذر ـ ٦۰ خروار

محصولات ـ غله وخربزه وجوزق وکرچك درآنجاخوب می‌شود. یونجه کاری هم بسیار دارد .

مزرعه حاجی‌آباد

مشهور به خلج آباد. قنات پرآب است . آب‌شوردارد که زراعت نمی‌دهد درآنجاآسیائی ساخته شده است که سالی یك صدوپنجاه تومان اجاره می‌رود آب اوکشت وزرع ندارد . سکنه هم ندارد .

مالیات آسیاب او درجمع جدید ـ ۱۰ تومان

مزرعه خمارخان

ازقنوات جدید است که درست دائر نشده است. غله کاری دارد . رعیت آنجا سکنهٔ زعفرانی می‌باشند . صیفی کاری ندارد . مالیات اراضی آنجا : ۳ خروار و ٤۰ من

قریه زعفرانی

از قنوات قدیمه بوده . جدید النسق است . آب او متوسط است . قلعه وسکنه دارد .

مالیات ـ نقد : ۱۰ تومان ، جنس : ٤ خروار

بذر ـ ۲۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه دارد

سکنه ـ ۱۵ خانوار ـ ٤٥ نفر

قریه خمارخان سفلی

از قنوات متوسط است . صیفی کاری آنجا بهتر از غلۀ اومی‌شود .

مالیات ـ نقد : ۱۵ تومان ، جنس : ۸ خروار

بذر ـ ۳۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق خوب دارد

سکنه ـ ۱۵ خانوار ـ ۸۰ نفر

قریه سراجه

ام القراء قنوات است . ازقدیم آباد بوده است چنان که درتواریخ تعریف خربزۀ اوشده . قلعه وسکنه دارد . آب شیرین گوارا دارد .

مالیات ـ نقد : ۱۷۰ تومان ، جنس : ۷۰ خروار

بذر ـ ۱۲۰ خروار

محصولات ـ غله وخربزه است

سکنه ـ ٦٥ خانوار ـ ۲۳۰ نفر

مزرعه علی‌آباد

قدری وقف سرکار فیض‌آثار است وقدری ملك . صیفی او بیشتر خربزه است .

مالیات ـ نقد : ۷ تومان ، جنس : ۳ خروار

محصولات ـ غله وخربزه

سکنه ـ ۲۰ خانوار ـ ۸۵ نفر

قریه رستم‌آباد

از قنوات قدیمه بوده . تازه‌آباد شده است . غله وخربزه خوب به عمل می‌آید .

مالیات ـ نقد : ۱۱ تومان ، جنس : ٤ خروار

بذر ـ ٤۰ خروار

محصولات ـ غله وخربزه وجوزق

سکنه ـ ۲۰ خانوار ـ ۹۵ نفر

قریه دولت‌آباد

ازقنوات‌قدیمه بود . آبادی او درعهدخاقان خلدآشیان شده . غلهٔ اوخوب نمی‌شود . جوزق‌کاری خوب دارد . آب اوزیاد وشور است .

مالیات ـ نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۱۰ خروار و ۸۰ من

بذر ـ ۸۰ خروار

محصولات ـ جوزق است

سکنه ـ ۲۵ خانوار ـ ۹۰ نفر

قریه مروارید

از قنوات قدیمه بوده، دراین دولت‌آباد شده . غلهٔ اوخوب نمی‌شودآب متوسط دارد میل به شوری . جوزق خوب به عمل می‌آید .

مالیات ـ نقد : ٦ تومان ، جنس : ٤ خروار

بذر ــ ۱۶ خروار

محصولات ــ خربزه وپنبه دارد

سکنه ــ ۸ خانوار ــ ۲۶ نفر

قریه حاجی‌آباد

درجنب مبارك‌آباد. آب گوارا دارد . دراین عهد ودولت‌آبادشده است . عمله‌جات اواهل شهراست .

مالیات ــ نقد : ۲ تومان و۵ هزار ، جنس : ۵۰ من

بذر ــ ۳۰ خروار

محصولات ــ غله وخربزه خوب دارد

قریه نواران

از قنوات قدیمه . درعهد خاقان خلدآشیان‌آباد شده . غلهٔ متوسط دارد. طاحونهٔ معتبری دارد . سکنه‌آنجا ایل سعدوند است .

مالیات ــ نقد : ۱۴ تومان ، جنس : ۵ خروار

بذر ــ ۷۰ خروار

محصولات ــ صیفی جوزق وخربزه دارد

سکنه ــ ۳۱ خانوار ــ ۱۳۶ نفر

قریه حسن‌آباد

از قنوات معتبر . قلعه وآبادی زیاد دارد . غله درآنجا خوب نمی‌شود . صیفی جوزق خوب دارد .

مالیات ـ نقد : ۸ تومان و۷ هزار و ۱۰ شاهی ، جنس : ۵ خروار

بذر ـ ۵۰ خروار

محصولات ـ جوزق

سکنه ـ ٤۰ خانوار ـ ۱٦۰ نفر

مزرعه حصیرآباد

آب شوردارد . غله درآنجا درست به عمل نمی‌آید، قلعه وسکنه ندارد.

مالیات ـ نقد : ۱ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۳ خروار

بذر ـ ۱۰ خروار

محصولات ـ جوزق

سکنه درمؤمن‌آباد است

مزرعه هاشم‌آباد

از قنات‌های جدید النسق است که دراین دولت جاویدآیت جاری شده . غله‌آنجا ریعی ندارد واندك جوزق می‌دهد وخربزه . سکنه ندار دجزوحسن آباد است .

مالیات ـ نقد : ٦ تومان ، جنس : ۳ خروار و۷۰ من

بذر ـ ۲٤ خروار

محصولات ـ جو [زق] وخربزه وقلیلی غله

قریه شاه‌آباد وجزستان

ملکی جنـاب جلالت مآب اجل اعظم‌آقای مستوفی الممالك است . از

قنوات قدیم . غله وصیفی آنجا خوب می شود . یك دانگ آن مالیات دارد ، باقی صرف بقعه می‌شود .

مالیات ـ نقد : ٦ تومان ، جنس : ٣ خروار

بذر ـ ٧٠ خروار

محصولات ـ غله وخربزه وجوزق

سکنه ـ ٣٠ خانوار ـ ١٠٠ نفر

قریه احوص آباد

اول قناتی است که در عهد اعراب اشعری جاری شده. بعد ازخرابی در عهد خاقان مغفور آباد شده است . غله وصیفی از همه جهت خوب می‌شود .

مالیات سهمی جناب متولی باشی ـ نقد : ٦ تومان ، جنس : ٣ خروار و ٥٠ من

بذر ـ ٤٥ خروار

محصولات ـ غله وخربزه وجوزق خوب دارد

سکنه ـ ١٥ خانوار ـ ٣٨ نفر

قریه بطنی جرد

از قنوات قدیم . وقفی سرکار فیض آثار است . غلهٔ متوسطی دارد . جوزق آنجا خوب می‌شود . خربزهٔ جزئی دارد .

مالیات ـ به جهت وقفی ندارد

بذر ـ ٣٠ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه

سکنه ـ ۳۲ خانوار ـ ۱۱۵ نفر

قریهٔ دولت‌آباد

جناب حاجی سید جـواد سلمه الله . در صفحهٔ قمرود واقع است .آب شیرین گوارا وملك مرغوب دارد . غله وصیفی آنجا در نهایت اعتبار است .

مالیات ـ نقد : ۱۵ تومان ، جنس : ۵ خروار و۵۰ من

بذر ـ ٤۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه وهندوانه

سکنه ـ ۱۵ خانوار ـ ۵۰ نفر

مزرعهٔ شریف‌آباد

وقفی سرکار فیض‌آثار است . از قنوات قدیم .آب گوارا وملك مرغوب دارد . غله وصیفی درآنجا خوب می‌شود .

مالیات ـ به جهت وقفی ندارد

بذر ـ ۳۵ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه وهندوانه

سکنه ـ ۱۵ خانوار ـ ۵۰ نفر

قریهٔ قاسم‌آباد

از قنوات قدیم است که بعد از خرابی در این دولت جاوید آیت آباد شده است . در سابق از قـراء معتبر بوده ، چند رشته قنات داشته ، حـال دو رشتهٔ

او جاری است . وقف امـام همام جناب امیرالمؤمنین است که باید اجارهٔ او صرف طلاب نجف اشرف بشود . حال به رسم اجاره دارند.

مالیات ـ نقد : ۱۰ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر ـ ۳۰ خروار

محصولات ـ جوزق وغله

سکنه ـ ۸ خانوار ـ ۲۵ نفر

مزرعهٔ زالون‌آباد

جزو قاسم‌آباد است . غله وجوزق در او متوسط به عمل می‌آید . آب شور دارد. اغلب‌حاصل آنجا را ریگ روان‌وباد فاسد می‌کند . سکنه ورعیت او جزء قاسم‌آباد است .

مالیات ـ نقد : ۵ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر ـ ۱۵ خروار

محصولات ـ غله وجوزق است

قریه نصرت‌آباد

ازقنوات جدیـد است که در دولت شاهنشاه مبرور مرحوم میرزا نصرالله خـان صدر الممالك دایر نموده . قلعه وسکنهٔ معتبر دارد . دوحصهٔ ابرستجان جزوآنجا زراعت می‌شود . مالیات آنجا تیول اولاد صدر الممالك است .

مالیات ـ نقد : ۲٤۰ تومان ، جنس : ۲۰۳ خروار

بذر ـ ۱۵۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وخربزه وهندوانه

سکنه ـ ٥٥ خانوار ـ ۲۹۰ نفر

قریه نظرآباد

مشهور به فرج‌آباد . در صفحهٔ مسیله واقع است .آب از رودخانه ساوه برمی‌دارد وغله‌کاری دارد وصیفی‌کاری ندارد وآب آنجا در تابستان مثل نمك آب می‌شود . ملکی « نفر » هـای شاهزاده عبدالعظیم است . رعیت اوعرب « کله‌کو » است .

مالیات ـ نقد : ۲ تومان ، جنس : ۱۰ خروار

بذر ـ ۳۰ خروار

محصولات ـ غله دارد

مزرعه شکراب

در صفحهٔ قمرود است .آب گوارا دارد . بسیارکم است . غله وصیفی در او خوب می‌شود . رعیت آنجا سکنهٔ قمرود است .

مالیات ـ ۱۰ تومان

بذر ـ ۱۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق وهندوانه

مزرعه قنبرعلی

در صفحهٔ قمرود است . قلیل آب‌وزراعتی دارد . درست دایر نشده . قابل مالیات نبوده ، مالیاتی ندارد . رعیت آنجا سکنهٔ قمرود هستند . حاصل قلیلی غله ، وصیفی جوزق وکرچك دارد .

مزرعه فتح‌آباد

از قنوات قدیـم بوده خراب شده ، در این دولت‌آبـاد شد . در سر راه طهران است . مرحوم میرزا زین‌العابدین درآنجاکاروانسرایی ساخته ، قلیان فروشی درآنجاست . حـال قنات اوخرابی دارد . زراعتی درآنجا نمی‌شود لهذا سکنه ورعیت ندارد .

مزرعه رحمت‌آباد

از رودخانهٔ ساوه‌آب بر می‌دارد . قلعه دارد . الان نهر او خراب است. ملک مرغوب دارد . در سابق مالیات جزو جدید النسق یك تومان ویك خروار داشت .

قریه شمس‌آباد خالصه

از قنوات قدیمه . در تصرف امین الدوله اصفهانی بوده بـه جهت باقی مالیات‌آنجا را ضبط دیوان نموده‌اند . در سابق مالیات‌آنجا هشت صد تومان بود . همه ساله به یك رسمی بـرآنجا افزودند تـا به سه هزار وپانصد وپنجاه تومان رسید ، به این واسطه جنس‌آنجا را بـه طرحی به رعیت می‌دادند وهمه ساله مالیات او به عمل نمی‌آمد ،اسباب خرابی رعیت بود تا در ممیزی جدید به‌آنجا تخفیف داده شد .آب‌آنجا از قنـات واز رودخانه هـر دو می‌باشد . ملک وسیعی دارد . قلعهٔآنجا خراب شده ،رعیت‌آنجا سکنهٔ شهر شده‌اند بـه این واسطه اذیت برآنها وارد می‌آید . تا شهر دو فرسخ است .

مالیات بعد از وضع ـ ۲۵۰٤ تومان

بذر صیفی وشتوی ـ ۲۹۰ خروار

محصولات ـ غله وجوزق و کرچك وخربزه وهندوانه

مزرعه شاه‌آباد خالصه

دراعلای قم‌واقع است . تیول مقرب الخاقان میرزا مهدی مستوفی است. قلعه دارد اما سکنه ندارد . زراعت‌درآنجا نمی‌شود . حقابه از رودخانه دارد آب او را به رعیت قم می فروشند وعـوض مالیات دریافت می‌نمایند . ملك آنجا مرتـع ایلات شده است .

قریه قمرود

از اعاظم قراء توابع قم‌است . ملك مرغوب حاصل خیز دارد .آب‌آنجا از قنات قبان خانی وفاضل‌آب رودخانهٔ اناربار است . دو فرسخ دردوفرسخ ملك‌آنجاست . غله وصیفی درآنجا بسیار خوب می‌شود . در سابق چنان‌آباد بود که هشت صد وسی وشش نفرنفوس دراو بود وبه قدرهشت صد قاطروالاغ ازآنجا بیرون می‌آمد . در گرانی خراب شده بود .

مالیات ـ نقد : ۵۱۷ تومان و ۲ هزار ، جنس (به انضمام کوه سفید) : ۳۴۰ خروار

بذر ـ ۱۵۰ خروار

محصولات ـ غله وصیفی خوب دارد

سکنه ـ ۹۰ خانوار ـ ۴۵۰ نفر

بلوکات

بلوك قم در سابق که اعراب اشعری از اصفهان مجزی نمودند بسیار بوده چنان که قم را داخل چهار شهر گرفته‌اند که طول وعرض آنها صد در صد بوده چنان که حدود آن از همدان تاری و از اصفهان تا قزوین بوده . در تاریخ قم که املاك قم را باسمه تعداد داده دهات ساوه وتوابع ساوه و کاشان وتفرش وفراهان ودیار اسحاق ودهات اناربار که کنار رودخانه تا سیمره بوده داخل توابع شهر قم بوده . الآن به غیر چهار بلوك مختصر از برای قم باقی نمانده است . هیچ ولایتی کمتر از این‌شهر مضافات‌ندارد واین چهار بلوك هم زیادتر آنها از دوازده قریه بیشتر نیست و کمتر آنها هفت وشش و دو قریه دارد . وحدود قم الان از هشت فرسخ‌وچهار فرسخ تجاوز ندارد ، چنان که از طرف ساوه چهار فرسخ وازطرف طهران چهار فرسخ وازطرف کاشان چهار فرسخ وازطرف قبله تاهشت فرسخ می‌رود .

قهستان

اکثر این‌دهات کوهپایه وهوای ییلاقی دارند . حاصل زمینی آنها کم‌است اغلب معاش آنها از سـر درختی می‌شود واز ذغال سوزانی گذران می کنند . قبل از گرانی‌تعداد نفوس آنها به هشت هزار نفر می‌رسید ،بعد از گرانی اکثر آنها مردند ، الان‌آن قدر جمعیتی ندارند . اگرچه بعد از گرانی تناسل زیـاد کرده‌اند اما تا حال به ثمر نرسیده‌اند وبه واسطهٔ کمی رعیت ملك آنها درست نسق نمی‌شود . از قرار تفصیل افراد ودهات :

قریه ورجان

نزدیك‌ترین دهـات قهستان است به قـم . هوائی معتدل دارد .آب او از قنات است که چندان اعتباری ندارد . دوسه مزرعهٔ مختصر دارد . جوزق در آنجا خوب می‌شود وغلـه متوسط دارد . ملك او رشوه خـوار است . انجیر آنجا خیلی خوب می‌شودچنان که تا قوس می‌رسد . مردمان رعیت پیشه‌دارند چهار پنج نفر تفنگچی دارند . شکار کبك وتیهو در اطراف آن یافت می‌شود . ایل ونوکر دیوانی ندارند . فارسی زبانند .

مالیات ـ ۱۵٤ تومان و ۸ هزار

نفوس ـ ۲۵۰ نفر (ذکور صغیراً کبیراً : ۱۳۵ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۱۱۵ نفر)

قریهٔ سیرویه

در اعلای قریهٔ ورجان واقع است . حاصل آنها اغلب گندم وجو است .

صیفی کاری آنها جوزق و کرچك . باغات کمی دارد که انار وانجیر دارد . آب آنها از چشمه وقنات است . اعتبار آب آنها خوب است شکار کبك وتیهو دارند ایلات ونوکر دیوانی ندارند . مرتع آنها در اطراف قریه می‌باشد ، مردمان فارسی زبان رعیت پیشه هستند . چون [1] که به قدر کفاف زراعت خود رعیت ندارند رعیت آنها خیلی قرب دارد .

مالیات ـ ۱۰۴ تومان ویك هزار و ۱۵۰ دینار

نفوس ـ ۷۵ نفر (ذکور صغیراً کبیراً : ۴۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۳۵ نفر)

قریه کهك

از قراء معتبر قهستان است . در جلگه اتفاق افتاده . قنوات متعدد دارد . چون در وسط قهستان است مرتع وتلال وجبال اوکم است . مردم رعیت پیشه وکاسب دارد . فارسی زبان است . ایلات ونوکر دیوانی ندارند . هوای آنجا اعتدال دارد . شتوی آنها گندم وجو است . صیفی کاری جوزق درآنجا خوب به عمل می‌آید واهتمام آنها در جوزق کاری است . باغات آنها میوهٔ ییلاقی دارد از جوز وبادام و گوجه وقیسی . قنات‌های آنها آسمان نگر است . در سال‌های بی بارشی بسیار آب بر آنها تنگ می‌شود . در سال گرانی بیشتر آنها تلف شدند . قبل از گرانی هزار وشش صد نفر جمعیت داشتند .

مالیات ـ ۱۰۷ تومان و ۱ هزار و ۷۰۰ دینار

نفوس ـ ۷۳۵ نفر (ذکور صغیراً کبیراً : ۳۲۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۴۱۵ نفر)

---

۱ . اصل : چنانچه .

قریه بید هند

بهترین دهات قهستان است از عذوبت ماء و لطافت هواء. آب آنها از قنات است که از دشت کرمجگان بیرون می آید. باغات جنات الفافاً دارد. میوه سیب وزرد آلو وامرود وجوز وبادام وهمه نوع میوهٔ ییلاقی دارد درنهایت صفا. زراعت زمینی آنها به واسطهٔ کثرت اشجار کم است. کبك وتیهو وشکار کوهی بسیار دارد. چند مزرعه دارد در نهایت سردی، از آن جمله مزرعهٔ «واسان» است که آسان آب او را در تابستان به یك نفس نمی توان خورد. مردم فارسی زبان رعیت پیشه دارد. چند نفر تفنگچی در آنجا پیدا می شود. ایلات ونوکر دیوانی ندارند. اکثر حاصل زمینی نخود وجو ترشه دارد.

مالیات ـ ۵۸۷ تومان و۸ هزار و۵۰۰ دینار

نفوس ـ ۳۹۲ نفر (ذکور صغیراً کبیراً: ۱۱۰ نفر، اناث صغیراً کبیراً: ۲۸۲ نفر)

قریه کرمجگان

ییلاق قهستان است. جبال راسیات بسیار دارد. آب آنجا وفور دارد در سال پر بارانی، ولی در سال بی بارانی آب آنجا کم می شود. اشجار ییلاقی بسیار دارد. دومزرعه در اعلای آنجا واقع است یکی مزرعهٔ «در باغ» ویکی مزرعهٔ «محمد خان». هوای این دومزرعه به طریقی سرد است که درتابستان در سایهٔ آنجا سردی هوا صدمه می زند. هوایی به غایت ییلاق دارد. شکار کبك وتیهو درآنجا بسیاراست. درکوهسار آنجا پلنگ خیلی پیدا می شود. حاصل شتوی آنجا به واسطهٔ ییلاق وسایهٔ درخت کم می باشد. حاصل تابستانی

آنجا لوبیا ونخود وقدری هندوانه وخیار بادرنگ است . جو ترشهٔ آنجاخوب می‌شود . غالب اشجار آنجا درخت جوز وسیب وزردآلو وآلوزرد وآلوچه وآلوسفید وانگور است لیکن انگور آنجا چندان شیرین نمی‌شود . خانوار آنجا به قدر یك صدخانه می‌باشد . تفنگچی وجنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارد . تیول مضجع شاه مرحوم می‌باشد . محاکمات عمدهٔ آنجا با حکومت دارالایمان قم . هفت فرسخ تا شهر مسافت دارد .

مالیات موافق تعدیل جدید ـ ۴۱۳ تومان و۶ هزار و۵ شاهی

نفوس ـ ۴۵۰ نفر (ذکور: ۲۲۲نفر ـ مردبزرگ : ۱۱۰ نفر، اطفال۱۱۲ نفر ـ اناث صغیراً کبیراً : ۲۲۸ نفر)

قریه ابرجس

از دهات قدیم قهستان قم است . یك طرف اوکوهسار وطرفی هموار ودو طرف آن محل عبور رودخانهٔ کرمجگان وبید هند است . ده مختصری است . در قدیم به واسطهٔ لجوجی آنها مالیاتی فوق العاده به‌آنها بسته بودند ، به این واسطه خراب شد ، بعد از عرض ودادخواهی بسیار قدری تخفیف از دیوان به‌آنها مرحمت‌شد ولی بازهم فوق طاقت بود ، لیکن در ممیزی جدید مالیاتی فرا خور استعداد به‌آنجا بسته شد . الان روز گار آنها خوب است . حاصل شتوی گندم وجو دارند . صیفی کاری آنها قلیلی جوزق ولوبیا ونخود است . آب آنها از قنات است وچشمه سار اشجار آنجا جوز وبادام بیشتر از سایر اشجار دارند لیکن سایر اشجار ییلاقی هم درآنجا بسیار است . جنگل وایلات ونوکر دیوانی‌ندارد . کبك وتیهو پیدا می‌شود درآنجا . خانوارآنها بیست وپنج خانوار است . عدد نفوس ومالیات :

مالیات ـ ۲۴۰ تومان و۸ هزار

عدد نفوس ـ ۹۷ نفر (ذکور بزرگ وکوچك : ٤٥ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۵۲ نفر)

قریه فردو

از قراء متوسط قهستان است . هوای او ییلاق است . آب او از قنات وچشمه سار. حاصل‌زمینی آنجا گندم وجو وجوبهاره‌است، صیفی‌لوبیا ونخود وجوزق وخیار است . اشجار باغات آنهـا جوز وبادام وآلو سفید وآلو زرد وزردآلو وآلوچه وفندق وسایر اشجارییلاقی است . رودخانهٔ مختصری دارد که درزمستان وبهارآب دارد . درآنجا اشجاربیدوسنجد بسیار است کوهستان معتبر مرتفع بسیار دارد . مزارع متعلقه ییلاقی بسیار خوب دارد ازآن جمله مزرعهٔ « وریچ » ملکی جناب متولی است که بسیـار خوب است وهمچنین مزارع « وسف » و« وردید » و« پی مال » است. مرتـع معتبری دارند که دخلی به مرتـع سایر دهات ندارد . شکار آنجا کبك وتیهووآهوی کوهی می‌باشد . پلنگ هم‌در کوهساراوبسیاردیده می‌شود جنگل وایلات ونوکردیوانی ندارند تیول ورثهٔ مرحوم احمد علی میرزا می‌باشد . عدد خانوارآنها بـه قدر هشتاد خانوار می‌باشد وعدد نفوس ومالیات آنها موافق تعدیل جدید :

مالیات ـ نقد : ٤٣۹ تومان و۳ هزار و۲۰۰ دینار ، جنس : ۳۰۰ خروار و۶۰ من

عدد نفوس ـ ۳۶۰ نفر (ذکور: ۱۷۰ نفر، اناث صغیراًکبیراً: ۱۹۰ نفر)

قریه وشنوه

از دهات معتبر قهستان است مشتمل برجبال عظیم. چهار طرف او کوهسار است که سربه آسمان کشیده . چنان کوه بر آنجا احاطه دارد که دروقت هبوب صرصر عاصف در آنجا به قدر نسیم ملایمی می‌وزد به این واسطه توت آنجا به درخت می‌ماند تا خشك می‌شود . هوای آنجا به قدری لطافت دارد که در وقتی که آن قـدر باد نیاید که شمع اشك نماید در تابستان بـدون بالاپوش نمی‌شود . آب رودخانهٔ آنجا در گوارایی مشهور است . حاصل شتوی آنجا گندم وجو بهاره وتریاك است که بهترین تریاك‌های عالم است ، وصیفی دیگر ندارد غیرجو ترشه ولوبیا وماش، چیزدیگر نیست . واشجار آنجا اغلب فندق وجوز وبادام است وسایر میوهٔ بهاری وتابستانی وییلاقی دارد . دوقنات دارد وقدری چشمه سارهم دارد وچند مزرعه . قبل از گرانی عـدد نفوس آنها یك هزار وسی‌صد وهشتاد نفر بودند ولی آنها الان .... پنجـاه خانوار می‌باشند وتیول مقرب الخاقان منجم باشی می‌باشد . این قریه جنگل ندارد وایلات هم ندارد ونوکرهم ندارد ودرتعدیل جدید قدری تخفیف به مالیات آنها داده شده است .

مالیات ـ ۲۲۸ تومان و۶ هزار و۵۰۰ دینار

عدد نفوس ـ ۲۹۰ نفر (مرد بزرگ : ۹۰ نفر ، اناث : ۸۵ نفر ، اطفال اناث وذکور : ۱۱۵ نفر)

قریه خاوه وطیره

دوده کوچك است بسیار مختصر . هوای ییلاقی دارند ، اندك باغاتی از

جوزوبادام وسیب وزردآلو وسایر میوه‌جات ییلاقی . حاصل آنها گندم وجو بهاره است وصیفی آنها نخود ولوبیا وجوزق است. این دوقریه نزدیك به هم است وجمعیت این‌دوآبادی به‌قدر سی‌خانوار می‌باشند وبه‌قدریك صد وپنجاه نفر اناث وذكور وكبیروصغیر آنها می‌باشد . سه نفرآنها حال قریب یك سال است به صرافت طبع رفته‌اند در جـزو غلام‌های مقرب الخاقان مصطفی قلـی خان عرب وارد شده‌اند . شكار بزوقوچ كوهی وكبك وتیهووجنگل وایلات ندارد واین دو قریه تیول نواب خاقان میرزای هندی می‌باشد ودرجزو تعدیل جدید قدری تخفیف هم به‌آنهاداده‌اند .

مالیات ـ ۱٤٥ تومان (قریهٔ خاوه : ۱۱۲ تومان ، قریـهٔ طیره ومزارع : ۳۳ تومان)

نفوس ـ ۱٥۰ نفر (قریهٔ خاوه : ۹٥ نفر ، قریهٔ طیره : ٥٥ نفر)

قریه قبادبزن

ازدهات قهستان است . سه رشته قنات كم‌آب دارد . هوای‌آنجا ییلاقی ملك بی اعتباری دارد . بسیار رشوه خواراست . باغات‌آنجا سیب وزردآلو وجوز وبادام است. شتوی جوو گندم است. صیفی كاری جوزق وماش ونخود ولوبیا می‌باشد . مرتـع معتبرندارد . ایل نشین نیست . شكار گاه ندارد . مالك آنجا بیشتر اربابان شهری است . خانوارآنجا پنجاه خانوار است .

مالیات ـ ۲۱۸ تومان و ٦ هزار

نفوس ـ ۱٥٥ نفر (مرد بزرگ : ٥۰ نفر، زن بزرگ : ٤٥ نفر ، اطفال: ٦۰ نفر)

قریه میم ودستجرد

دوقریـهٔ ملاصق یکدیگر است . از دهـات قهستان است . هوای معتدل دارد نه ییلاقی ونه قشلاقی است. قریهٔ دستجرد سه رشته قنات داردیکی معتبر ودورشتهٔ کم آب وقریهٔ میم چهار رشته قنات داردیکی پرآب وسه رشته کم آب حاصل شتوی آنها جو و گندم است صیفی جوزق وماش وعدس ولوبیا وخیار وهندوانه است . باغات آنها انار وانجیروزردآلو وآلوچه وجوز وتوت وبادام است . خانوار این دوقریه هفتاد خانوار است .

مالیات ـ ٤٣٣تومان (قریهٔ میم : ۲۵۹تومان ، قریهٔ دستجرد : ۱۷٤تومان)

نفوس ـ ۳۰۷ نفر (مـرد : ۸۳ نفر ، زن : ۷٤ نفر ، اطفال : ۱۵۰ نفر)

قریه ونارج

از قراء قهستان است ولی در هموار واقع است وهـوای گرمسیری دارد وباغات ندارد .آب آنجا از چشمه‌سار وقنات است شتوی آنجا جوو گندم است صیفی آنجا غالب جوزق کاری است وجوزق آنجا خیلی خوب می‌شود .مرتـع آنها در اطراف قریه است . مرتـع معتبری دارد . اکثر منافع رعایای آنجا از گوسفند است . دوخانه ایل ساکن آنجاست . مردم آنجا خلج وترك می‌باشند به قدر سی خانوار هستند .

مالیات : ١٤٤ تومان وچهار هزار

نفوس : ۱۵۰ نفر (مرد : ۵۰ نفر ، زن : ٤۰ نفر ، اطفال : ٦۰ نفر)

بلوك وازكرود

این بلوك دوقریه بیشتر ندارد . هوای آنجا برزخ گرمسیر ویلاق است . بـا شهر دوفرسخ مسافت دارد . میوهٔ گرمسیری درآنجا بیشتر از ییلاقی پیدا می‌شود . آب آنها ازقنوات می‌باشد . در بهار فاضل آب رودخانهٔ کوار به‌جهت آنها می‌آید که بیشتر محصول شتوی آنها از آب کوار مشروب می‌شود .

قریهٔ صرم

چند مزرعه وقنات دارد. قنات‌های آنجا آسمان نگراست . درسال‌های کم بارانی آب آنها بسیار کم می‌شود به طریقی که بعضی از قنات‌های آنها خشك می‌شودبه‌این واسطه اشجار آنهابیشتر اناروانجیراست. انارصرم درغایت لطافت است چنان که انار آنجا ترجیح دارد به‌انار ساوه . انجیر آنجا هم بسیار خوب می‌شود . محصول شتوی آنها گندم وجو است . صیفی آنها جوزق و کرچك وهندوانه است . به واسطهٔ بی‌اعتباری آب قنات‌های آنها اکثر فقیروبی‌بضاعت هستند وهـر چند سال یك مرتبه به واسطهٔ شـدت سرمای زمستان باغات آنها خشك می‌شود .در ممیزی جدید قریب سیصدتومان تخفیف گرفته‌اند . باوجود بازهم آسوده نمی‌باشند . شکار وجنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارند . قریه در هموار واقع است در طرف شرقی بلد .

مالیات ـ ۵۳۸ تومان و۸ هزار

نفوس ـ ۳۱۵ نفر (ذکور: ۱۳۰ نفر ،اناث : ۱۱۰ نفر، اطفال : ۷۵ نفر)

قریه خورآباد

از دهات معتبر است . خیلی‌معتبرتر از قریهٔ صرم است . چند رشته قنات دارد وچند مزرعهٔ معتبر . انار وانجیر آنجا بسیار خوب می‌شود . هوای آنجا در نهایت اعتدال می‌باشد . اراضی بسیار مرغوب دارد . از مزارع متعلقهٔ آنجا مزرعهٔ‌لنجرود است که درحقیقت خودآنجا قریهٔ معتبری می‌باشد .آب لنجرود از قنات وفاضل رودخانهٔ‌کوار است. توت‌لنجرود بسیارخوب می‌شود. اراضی بسیار معتبروسیع دارد . گندم وجودرآنجا خوب می‌شود. صیفی آنجا جوزق وهندوانهٔ آنجا بسیار خوب می‌شود مگرآن که چنان که حالت باغات قم است که درهردو سه سال یك دفعه به‌کلی ازشدت سرما خشك می‌شود، اشجارآنجا هم‌خشك می‌شود وبعضی سال‌ها هم که کم بارانی‌می‌شود فاضل رودخانهٔ‌کوار قطع می‌شود به محصول شتوی‌آنهاضرربسیار وارد می‌آید. حشم وافر دارند، مرتع معتبر . ایلات وتلال وجبال وجنگل ونوکر دیوانی ندارند .

مالیات ــ ۲۹۸ تومان و۸ هزار و۶۰۰ دینار

نفوس ــ ۵۰۰ نفر(مرد : ۱۶۰ نفر ، زن : ۱۳۰ نفر ، اطفال : ۲۲۰ نفر) [۱]

بلوك جاسب

در قدیم الایام جای اسب مشهور بوده ، از کثرت استعمال جاسب نامیده شده . هفت قریه دارد . درمیان یك دره‌کوه واقع است واطراف آنجا را چنان کوه احاطه دارد که گویا حصاری برآنجاکشیده‌اند .آب آنجا ازکوهسار است

---

۱ .کذا (جمع ارقام ۵۱۰ نفر می‌شود) .

وقنات هم دارد . در سال‌های پر باران فاضل آب‌های آنها از سوراخی که از زیر کوه سوراخ اوست ـ که مشهور است به سوراخ جاسب ـ می‌آید به رودخانهٔ انار بار که از پهلوی بلد عبور نموده به مسیله می‌رود . درسال بی‌بارانی بسیار کم آب هستند .حاصل شتوی آنها جو و گندم است . صیفی آنها ماش و نخود وعدس ولوبیا وهندوانه وخربزه است . هوای آنجا در غـایت سردی است . مرتع آنجا بسیار کم است به قدر کفاف خودشان ندارند . عبور ومرور آنها از دو راه است یکی از بالای قریهٔ راونج است ویکی از دره‌ای است که از بالای قریهٔ کرمجگان معبری است [1] . چـون راه سختی است هـر دوطرف آنها ، اغلب اوقات قطاع الطریق به آنها دستبردی می‌زنند وخرابی می‌رسانند . واما سال‌های پر برفی ازوسط عقرب الی عید نوروز از شدت برف بسته می‌شود. چون محصول این قراء سبعه وفابه معاش آنها ندارد اغلب آنها درزمستان می‌روند در طهران وقم و کاشان مشغول کسب حلوائی می‌باشند وبه این واسطه سر آنها کچل می‌باشد واغلب آنها سادات می‌باشند واز دیوان مستمری و وظیفه دارند وسادات آنجا همه نجیب ورعیت پیشه‌اند .

قریهٔ واران

اول قراء سبعهٔ جاسب می‌باشد . اراضی آن سنگلاخ ورشوه خوار است وهوای آنجاییلاق است . چهار رشته قنات داردولی بسیارمختصر وآسمان‌نگر می‌باشند . محصول شتوی آنجا گندم وجوبهاره ، محصول صیفی ماش ونخود ولوبیا وهندوانه وعـدس می‌باشد . محصول باغات آنجا جـوز وبادام وانگور دانه دار وسایر میوه‌جات ییلاق است . ایلات وجنگل ونوکر دیوانی ندارد .

---

۱ . کذا .

مرتع مختصری دارند . کوهسار زیاد دارند . شکار کبك وقدری آهوی کوهی یافت می‌شود . خانوار آنها یك صد وپنجاه خانه است . عدد نفوس ومالیات:

مالیات ـ ٥٦٢ تومان و ٥ هزار و ٢٠٠ دینار

نفوس ـ ٦٦٠ نفر (مرد : ٢٠٠ نفر ، زن : ١٨٠ نفر ، اطفال : ٢٨٠ نفر)

قریه زر

در طرف غربی قریه واران واقع است وچنان نزدیك یگدیگر می‌باشند که اراضی ومحل زراعت آنها متصل به یکدیگر است . هوای آنجا هم ییلاق است . محصول شتوی گندم وقلیلی جو است . محصول صیفی ماش وعدس ولوبیاوهندوانه است . محصول باغات آنهاجوزوبادام‌وسنجد وانگوروزردآلو وآلوچه وقیسی است . دورشته قنات دارد وچند چشمه . در سال کم بارانی این‌قریه بسیار کم‌آب‌می‌باشد . ایلات‌ومرتع ایل‌ندارد . جنگل ونوکر دیوانی ندارد . مرتع آنها بسیار مختصر است . شکار کوهی یافت‌می‌شود . سی خانوار سکنه دارد . عدد نفوس ومالیات :

مالیات ـ ٣٤٤ تومان و٥ هزار

نفوس ـ ١٤٠ نفر (مرد : ٤٥ نفر ، زن : ٤٠ نفر ، اطفال : ٥٥ نفر)

قریهٔ وسقونقان

در سفلای قریهٔ زر واقع است . متصل است اراضی آنجا به اراضی قریهٔ زر. هر نوع محصول که درقریهٔ زر وواران یافت می‌شود دراین قریه هم یافت می‌شود . آب آنجا از یك رشته قنات است وچند چشمه رودخانه . مختصری از میان‌اراضی آنجا ازفاضل آب بهاری‌قریهٔ زرعبور می کندکه ازآنجا عبورش می‌افتد به قریهٔ وشتکان ، واز آنجا عبور می کند بـه قریهٔ بیجکان ، وازآنجا

سوراخی است که مشهور است به سوراخ جاسب ،این فاضل آب قراء جاسب از آن سوراخ می‌ریزد به رودخانهٔ انار بار قم . واین قریه سادات زیاد دارد . سی خانوار سکنه دارد . جنگل و ایلات ونوکر دیوانی وشکارگاه ندارد . کوه اطراف او بسیار مرتفع است ومرتعشان مختصر .

مالیات ـ ۲۹۰ تومان

نفوس ـ ۱۵۰ نفر (مرد : ۵۰ نفر ، زن : ٤۰ نفر ، اطفال : ٦۰ نفر)

قریه وشتکان

درسفلای وسقونقان واقع است. مختصرترین قراء سبعهٔ جاسب می‌باشد بیشتر آب آنجا ازرودآب است. یك رشته قنات هم دارد . محصول آنجا مثل سایر دهات آنجاست ولی اراضی آنجا بسیار نامرغوب وسنگلاخ است وکم وسعت هم می‌باشد ومردم آنجا همه سادات فقیر وپریشان می‌باشند . جنگل وایل ونوکر دیوانی ندارند . مرتع بسیار مختصری دارد . شکارکبك یافت می‌شود . در آنجا مراعی ومواشی مختصری دارند . بیست خانوار سکنه می‌باشند .

مالیات ـ ۱۸۱ تومان و ۱ هزار و ۱۰۰ دینار

نفوس ـ ۸۵ نفر (مرد : ۲۵ نفر ، زن : ۲۳ نفر ، اطفال : ۳۷ نفر)

قریه بیجکان

این قریه ازتمام قراء سبعهٔ جاسب ازهمه جهت معتبرتر است به واسطهٔ آن که اعتبار آب آنجا بیشتر از سایر قراء است وبه این واسطه باغات آنها زیاد است . اراضی آنجا هم خیلی نسبت به سایر این قراء حاصلخیزتر است. چهار

رشته قنات دارد . محصول آنها جوو گندم درشتوی کاری است وماش وعدس ونخود ولوبیا وهندوانه است درصیفی کاری . محصول باغات آنها جوزوبادام وفندق وسنجد وانگور وزردآلو وسایر میوه‌جات ییلاقی است . اهالی آنجا اکثرعلماء وسادات واهل فضل وکمال می‌باشند. مرتع آنها هم چندان اعتباری ندارد. جنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارند. شکار کبك در آنجا پیدا می‌شود این قریه یك‌صدوبیست خانوارسکنه ورعیت دارد. مالیات وعدد نفوس آنها:

مالیات ـ ۵۵۲ تومان

نفوس ـ ۵۲۵ نفر (مرد: ۱۵۰ نفر، زن: ۱۲۵ نفر، اطفال اناث وذکور: ۲۵۰ نفر)

قریه کروکان

درطرف شرقی قریهٔ واران که ابتدای بلوك جاسب است واقع شده . اهالی آنجا اغلب سادات می‌باشند. یك رشته قنات دارد وچند چشمه. درسال پرباران چشمه سار آنها آب معتبر دارد ولی درسال بی بارانی چون دردامنهٔ کوه واقع است بسیار کم آب می‌باشند. محصول آنها ازبابت شتوی کاری گندم است وقلیلی جو. محصول صیفی ماش وعدس ولوبیا ونخود است. انگور دانه دار هم‌دارند. میوه‌جات ومحصول باغات آنها جوزوسنجد وبادام وفندق وزردآلو وآلوسفید وسایر میوه‌جات ییلاقی است . مرتع این قریه نسبت به سایر قراء وسیع‌تر است . جنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارد . شکارگاه ودیم زار واهل رزم ندارد . خانواربیست وهفت‌خانواراست. مالیات وعدد نفوس آنها:

مالیات ـ ۲۸۳ تومان وسه هزار

نفوس ـ ۱۲۵ نفر (مرد : ۳۵ نفر ، زن : ۳۲ نفر ، اطفال : ۵۸ نفر)

قریه هراز جان

درسفلای قریه کروکان واقع است واهل آنجا همه سادات ذوی الاحترام می‌باشند وقلیلی غیر سادات درآن قریه ساکن می‌باشند . مرحوم شاه صاحب که بـه اعتقاد اکثر مردم صاحب کرامت وتأثیر نفس بود اهل این قریه است والان هم اولاد واعقاب او درآنجا مسکن دارند. این‌قریه دورشته قنات وچند چشمه دارد ومحصول‌شتوی آنجا گندم وجو است ومحصول‌صیفی ماش وعدس ولوبیا ونخود است . باغات‌آنجا جوز وبادام وسنجد وفندق وسایرمیوه‌جات ییلاقی است . جنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارند . مرتع مختصری دارد . شکارگاه وشکار ندارد مگر آن‌که قدری کبك وتیهو در دامنهٔ کوه‌آنجا یافت می‌شود . سی وچهارخانوار می‌باشند .

مالیات ــ ۲۱۸ تومان

نفوس ــ ۱۵۵ نفر (مرد : ۵۰ نفر ، زن : ۴۳ نفر ، اطفال : ۶۲ نفر)

بلوك اردهال

این بلوك ابعد بلوك قم است واز طرفی حداو به بلوك کاشان است واین بلوك به خلاف جاسب که دهاتش همه مجتمع وتوأم بودند این بلوك دهاتش متفرق ودور ازیکدیگر است ازجهت هرچند قریه که نزدیك بلوك کاشان است گرمسیراست به خلاف آنها که درعقب کوه جاسب‌است که ییلاق معتبری‌است وحضرت امام زاده والامقام سلطان علی فرزند امام همام امام محمد باقر در قریهٔ مشهد که معظم دهات اردهال‌است مدفون است . محصول‌این بلوك اغلب

گندم است وقلیلی جو کاری. محصول صیفی ماش عدس ولوبیا وجوزق وهندوانه وخیار است وآب آنجا قدری ازرودآب وچشمه سار است وقدری قنات است مردم آنجا خصوصاً قریهٔ مشهد اکثر سادات وخدام حضرت امام زاده می‌باشند ودر این دهات موقوفهٔ امام زاده بسیار است .

قریه مشهد

قریه معتبری است وبه این واسطه موسوم به مشهد است که محل شهادت ومدفن امام زاده است . بعد ازآن که معاندین او را شهید کردند از اهل فین کاشان وبعضی توابع کاشان آمده‌اند وآن جناب را دفن فرموده‌اند والی زماننا هذا اولاد واعقاب آنها همه سـ!له درروز مخصوص که این خدمت را اجداد آنها کرده‌اند در قریهٔ مشهد جمـع می‌شوند وقالی هست که امام زاده را بـر روی او شهید کرده‌اند از خزانه بیرون می‌آورند ، در همان جا که امام زاده را غسل داده‌اند می‌آورند وقدری آب بـه اومی‌ریزند ودر همان موضع بـر قتلهٔ آن حضرت لعن می کنند ودو باره به جای خودش می‌برند. وهر گاه در وقتی که قالی رامی آورند به سر آب ، کسی که نسبت به اجداد آنها ندارد دست به آن قالی بگذارد مسلماً کشته خواهد شد .

حالات این قریه این است که مشتمل است بـر مزارع متعددهٔ متکاثره که این مزارع برخی از چشمه سار آب می‌خورد وبعضی از قنات . قـدری از آنها موقوفهٔ حضرت است واکثر ملك خـدام آن حضرت . محصول شتوی آنها گندم وجو است ومحصول صیفی ماش وعدس ولوبیا وهندوانه وجـوزق وخیار است . محصول باغات آنها جوز وبادام وفندق وزردآلو وآلوچه وآلو سفید وسیب وسایرمیوه جات ییلاقی است وهوای این قریه ییلاق است وتلال

وجبال بسیار دارد ومرتع آنها خوب است خصوصاً از برای نوع بزکه بسیار خوب است . جنگل ودیم زار وایلات ونوکر دیوانی ندارند . چند نفری تفنگچی دارند . قبل ازگرانی اشخاص صاحب مایه وملك وحشم زیاد بسیار در این قریه بود ولی از بعد گرانی تا حال آن استعداد از برای آنها میسر نشده است لیکن با وجود این صدمهٔ گرانی وغیره باز هم از سایر مردم امتیاز دارند ودر این قریه مزارع موقوفهٔ امام زاده بسیار است . خانوار این قریه از خدام وسادات ورعایا یك صد وچهل وسه خانوار است . مالیات وعدد نفوس آنها :

مالیات ـ ۴۲۲ تومان و ۷۰۰ دینار

نفوس ـ ۶۰۸ نفر (مرد کاری : ۱۷۰ نفر ، زن واطفال : ۴۳۸ نفر)

قریهٔ خاوه

پنج دانگ قریهٔ مزبوره وقف حضرت امام زاده است ویك دانگ ملکی است . این قریه نزدیك قریهٔ مشهد واقع است . آب آنجا از چشمه‌سار است . هوای آنجا ییلاقی است. محصول آنجا گندم وجو است درشتوی، ودرصیفی ماش وعدس ولوبیا ونخود وجاورس وجوزق است وخیار وهندوانه هم کشته می‌شود محصول باغات آنها جوز وبادام ومیوه جات ییلاقی است . تلال وجبال بسیار دارند. مرتع آنها عیبی ندارد. جنگل ونوکر دیوانی وایلات ندارند. شکارگاه قابل ندارند ولی کبك وتیهو وشکار کوهی درآنجا یافت می‌شود . دیم درآنجا چیزی نمی‌شود . خانوار آنها از رعایای موقوفه ورعایای ملکی چهل وپنج خانه است . یك صد وپنجاه ویك نفر سر شمار ، چهل ویك نفر مرد وباقی اطفال وزن ودختر وپسر صغیر است .

مالیات ـ ۳۰ تومان و ۶ هزار

نفوس ـ ۱۵۱ نفر (مرد : ٤١ نفر ، زن واطفال : ۱۱۰ نفر)

قریه کرمهه

ییلاق است وآب او از قنوات است . قدری از آن موقوفه ملکی است . محصول شتوی آنهاجوو گندم‌است ومحصول‌صیفی ماش‌ونخود ولوبیا وعدس وجوزق است . محصول باغات آنها انگور وجوز وبادام وسایر میوه جات ییلاقی است . مرتع آنهاکمتر از مرتع قراء دیگر است . جنگل ودیم ونوکر دیوانی وایلات ندارد . شکار گاه معتبر ندارد ولی شکار کبك وتیهووشکار کوهی دارد . خانوار آنها بیست وشش خانوار است .

مالیات ـ ۱۰۵ تومان

نفوس ـ ۹۱ نفر (مرد : ۳۰ نفر ، زن واطفال : ٦١ نفر)

قریه کله‌جار

ییلاق‌است. سه رشته‌قنات‌دارد که محصول آنهارامشروب می کند. محصول شتوی آنها جوو گندم‌وصیفی آنها ماش ولوبیا ونخودوعدس وجوترشه‌وجوزق است . محصول باغات آنها جوز وبادام و سایر میوه جات ییلاقی است . دیم زاروجنگل وایلات ونوکر ندارند . مرتع آنها عیبی ندارد. شکار کبك وشکار کوهی دارد وچهل وپنج خانوار است .

مالیات ـ ۱۸٦ تومان و٦ هزار و۷۰۰ دینار

نفوس ـ ۲٤۰ نفر (مردکاری : ٥٥ نفر ، زن واطفال : ۱۸٥ نفر)

قریه ارمك

ییلاق است . دو رشته قنات دارد ورودخانهٔ مختصری هم دارد که از کوهسار رهق می‌آید وشتوی آنها بیشتر از آن رود مشروب می‌شود ومحصول شتوی آنها گندم وجو وتریاك است ومحصول صیفی آنها نخود وماش وعدس ولوبیا وجوزق است ومحصول باغات آنها جوز وبادام وسنجد وسایر میوه‌جات ییلاقی است وجنگل ونوکر وایلات ندارد . مرتع خوب دارد . حشم زیاد دارند . شکار کوهی از قبیل قوچ وتکه وآهو پیدا می‌شود . خانه شمار آنها سی وهشت خانوار است .

مالیات ـ ۲۳۵ تومان وهشت هزار و ۲۰۰ دینار

نفوس ـ ۲۲۵ نفر (مرد : ۸۸ نفر ، زن واطفال : ۱۳۷ نفر)

قریه سینقان

ییلاق است وچند رشته قنات دارد وچند چشمه هم دارد . هم دشت دارد وهم کوهسار دارد . اراضی آنجا بهتر از سایر قراء است . محصول شتوی آنجا جوو گندم است ومحصول صیفی آنجا جوزق ونخود وماش ولوبیا وعدس است واشجار آنها جوز وبادام وسایر میوه جات ییلاقی است . مرتع بسیار معتبر دارند . دیم زار وجنگل وایلات ونوکر دیوانی ندارند وشکار کوهی وکبك وتیهو دارند . خانوار آنها پنجاه وسه خانوار است ومالیات وعدد نفوس آنها :

مالیات ـ ۲۴۳ تومان و۲ هزار و۵۰۰ دینار

نفوس ـ ۱٤٦ نفر (مرد : ٦۳ نفر ، زن واطفال : ۸۳ نفر)

قریه شانق

قشلاق و گرمسیر است . مرتع بسیار معتبردارند . جزئی زراعت دارند . معاش آنها از گوسفند وشتر می گذرد . وبرخی هیزم حمل به کاشان می کنند ومعاش می کنند . دو رشته قنات مختصر دارد . محصول شتوی جو و گندم است ومحصول صیفی‌هندوانه وخربزه وجوزق‌است وسکنهٔ آنجا ایل‌خراسانی است مشهوربه عرب خراسانی. باغات ندارند . جنگل ونوکر دیوانی ندارند زراعت دیمی ندارند . سی خانوار این طایفه ساکن آنجا می‌باشند .

مالیات – ۲۷ تومان و ٥ هزار و ٦۰۰ دینار

نفوس – ۹۲ نفر (مرد : ۳۸ نفر ، زن واطفال : ٥٤ نفر)

قریه مزوش

از قراء اردهال است. آب وملك این‌قریه [وقف] برمولای متقیان وامیر مؤمنان علی بن ابی طالب سلام الله وصلواته علیه می‌باشد وتولیت آن یعنی تصرف کردن به‌آن قریه خاص جناب مستطاب حجة الاسلام حاجی ملامحمد کاشی است. دهی است بسیار معمور ومعتبر. همه نوع محصول درآنجا بسیار خوب می‌شود وعلاوه بر رعایای لازمهٔ آنجا مردم خوش نشین هم در آنجا بسیارند وهمه صاحب مواشی ومراعی‌می‌باشند ودرتعدیل‌جدید مالیاتی‌ازبابت وجه صادرومراعی ومواشی‌برآنجا واردآورده‌اند اگرچه تا حال محل گفتگو می‌باشد ولی دخلی به ملك وقف ندارد . مرتع آنها بسیار خوب است . شکار قلیلی یافت می‌شود . جنگل ونوکر وایلات ندارند . سی خانوارند .

مالیات صادر ومراعی ومواشی – ۳۸ تومان

نفوس - ۱۳۰ نفر (مرد : ۵۰ نفر ، زن واطفال : ۸۰ نفر)

[قراء ومزارع کنار رودخانه]

درحواشی رودخانۀ انار بار قراء ومزارع بسیاراست ولی تفصیل احوال آنها چنان‌است که بعضی ازآنهارعیت وتابع حکومت عراق می‌باشند وچند قریه ومزرعه‌آنها جزو «سایرالبلوك» است وبعضی ازاین مزارع جزوحکومت قم است . وباعث براین که حد وسدی درمیان‌آنها نیست بعضی قراء ومزارع که درچهار فرسخي قم‌است جزو عراق است وبعضی مزارع که قریب بیست فرسخ تا ولایت قم مسافت دارد جزو قم است . راه این است که درهروقتی که ممیزی از دیوان مأمور برآورد وتعدیل ولایتی می‌شده هرقریه ومزرعه‌که جمع نداشته ممیزدیوان اورا جمع‌آن ولایت می کرده ویا درعوض کسرمحل شکسته او را به دیوان جمع می کرده است . حال هرقدرازآن مزارع که جزو حکومت دارالایمان قم‌است مشروحاًثبت وبه عرض خواهدرسید که سایرآنها درجزو تفصیل احوال هرولایتی نوشته شود . وسکنۀ این قراء ومزارع اغلب ایلات می‌باشند از قبیل‌خلج وبختیاری وعرب خراسانی والوارزند وغیرهم .

قریه طایقان

درحاشیۀ رودخانه واقع است وهوای گرمسیر دارد وآب‌آنجا ازرودخانۀ اناربار‌است . ومردم‌آنجا ترك خلجی می‌باشند بسیارباجلادت وهنروتفنگچی قابل هستند . محصول صیفی آنها جوو گندم وشبدرخوب می‌شود وصیفی‌آنها غالب جوزق است وجوزق‌آنها بسیارخوب می‌شود. باغات‌آنها ازکثرت‌آب

هم میوهٔ ییلاقی دارند وهم میوهٔ گرمسیری . اناروانجیر آنها بسیار خوب است مرتع آنها بسیار وسیع ومعتبر است وجنگل ونوکر دیوانی ندارند . دیم زار ندارند ، بیست وپنج خانوار رعیت دارند .

مالیات ـ ۲۵۰ تومان

نفوس ـ ۹۵ نفر (مرد : ۲۵ نفر ، زن : ۳۰ نفر ، اطفال : ٤٠ نفر)

قریه چشمه علی

از دهات جدید النسق است که در این دولت مالیات بر آنها بسته شده است ودرآنجا کوهی است درآن کوه سه چشمه است که بدون آن که آب او بیرون بیاید مثل دیگ که آتش درزیر اوباشد میجوشد و کف می کند ، لیکن آب اوسرد است . محصول آنجا جوو گندم وجوزق است . مرتع متوسطی دارد . ده خانوار سکنه دارد . چند نفر آنها تفنگچی است .

مالیات ـ ۱۸ تومان

نفوس ـ ۳۵ نفر (مرد : ۱۰ نفر ، زن واطفال : ۲۵ نفر)

مزارع حواشی رودخانه

مزرعه حسین‌آباد ـ مزرعهٔ مختصری است . محصول صیفی ندارد . محصول شتوی آنجا جوو گندم وشبدر است ورعیت آنجا بختیاری وجزو سایرالبلوکند .

مزرعه چم عابدین ـ صیفی کاری‌ندارد. مالك وزارع آنجابختیاری وجزو سایر البلوك است . محصول شتوی جوو گندم وشبدر است. چهار نفررعیت دارد .

مزرعهٔ چم حاجی مراد ـ بسیار مختصر است . ملك آنجا مال شخص راونجی است . خود او درآنجا زراعت می کند . محصول آنجا جوو گندم می‌باشد .

مزرعه چم استاد حسین ـ مزرعهٔ کوچکی است . دو نفر رعیت راونجی دارد . محصول صیفی ندارد . شتوی جوو گندم است .

مزرعهٔ چم صفر علی ـ قطعه زمینی است زیر نهر دولت آبـاد خالصه ، در تصرف رعیت قریهٔ دولت آباد . محصول آنجا جوو گندم .

مزرعه چم یحیی آباد ـ قطعه‌ای است ملکی سـادات دلیجانی . رعیت آنجا دو نفر هستند که ساکن قریهٔ دلیجان می‌باشند . محصول صیفی ندارند . محصول شتوی جوو گندم است .

مزرعه چم حسین آباد ـ زارع آنجا چهارنفر ازاهالی محلات می‌باشند محصول آنجاشتوی کاری جوو گندم ومحصول صیفی آنها جوزق و کرچك است

مزرعه صیدآباد ـ ملکی سادات دلیجانی است ورعیت آنجا اهالی قریهٔ دلیجان می‌باشند . محصول شتوی آنها جوو گندم است ومحصول صیفی آنها جوزق .

مزرعهٔ چم ترکان ـ در حوالی نیمورخالصه واقع است . نهرازرودخانه دارد . رعیت آنجا اهالی قریهٔ نیمور می‌باشند ومحصول شتوی آنجا جوو گندم است ومحصول صیفی آنجا جوزق و کرچك ، ومالیات آنجا ۲۷ تومان .

مزرعهٔ چم رمضان ـ مزرعهٔ مختصری است ونهـر از رود خانه دارد . رعیت ومالك آنجا اهالی محلات می‌باشند . محصول آنجا جوو گندم وجوزق است ومالیات آنجا ۷ تومان و۵ هزار .

مزرعه چم لاس آباد ـ ملکی سادات محلاتی است ورعیت آنجا اهالی

محلات می‌باشند . نهر از رود خانه دارد . محصول آنجا گندم وجو وجوزق وکرچك است . مالیات : ۱۳ تومان و ۱ هزار .

مزرعهٔ چم محسن خان – دربالای سد نیمور خالصه واقع است . نهر از رود خانه دارد. رعیت [آنجا] بختیاری‌است . محصول گندم وجووجوزق وکرچك . مالیات موافق تعدیل جدید : ٦ تومان .

مزرعه چم نوروز – ملکی حضرات بختیاری است . در فوق محلات واقع است . چهار خانوار رعیت بختیاری دارد . محصول جوو گندم وجوزق مالیات موافق تعدیل جدید : ۱۵ تومان و۷ هزار و ۲۵۰ دینار

مزرعه چم میرزایی – ملکی حضرات بختیاری می‌باشد . کسی درآنجا منزل ومسکن ندارد . زراعت آنجا را می کنند ومسکن آنها در محلات وغیره می‌باشد . مالیات آنها جزو قم است . محصول آنها جوو گندم وشبدر است . [مالیات :] ۱۰ تومان و۲ هزار .

مزرعهٔ جودان – ملکی مردم بختیاری است . چند خانوار بختیاری در آنجا منزل دارند وزراعت می کنند ومسکن‌درستی درآنجا ندارند . وقت‌زرع وضبط درآنجا می‌باشند وسایر اوقات درآنجا نمی‌باشند . محصول آنها جو و گندم و جوزق است . مالیات : ۲۱ تومان و ٥ هزار .

مزرعهٔ چم صالحی – مزرعهٔ بسیار مختصری است . صالح حسن‌آبادی مالك اوست . خود زرع می کند ومنزل در قریهٔ نیمور است . محصول جو و گندم است . مالیات موافق تعدیل جدید : ۲ تومان .

مزرعه چم‌آسیا خرابهٔ – مزرعهٔ مختصری است . قابل مسکن ومنزل نمی‌باشد . يك‌نفر زارع دارد واوهم درآبادی دیگر منزل دارد . محصول آنجا جوو گندم ومالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۱ تومان و ٥ هزار .

مزرعه چم پل کوچك ـ قدری اراضی دارد . جنب پلی واقع است که مشهور است به پل کوچك ملکی علی‌اکبر خان‌خلج است . نهری ازرودخانه دارد . محصول اوجوو گندم وقدری جوزق کاری اگربه اوبشود. آبادی ندارد.

[مالیات :] ١٤ تومان و٥ هزار .

مزرعهٔ چم سرخهٔ ـ بسیار مختصر می‌باشد . نهـری از رودخانه دارد . قطعه زمینی در حاشیهٔ رود خانه ، محصول جـوو گندم است . مالیات موافق تعدیل جدید : ١ تومان و٥ هزار .

مزرعه چم‌های ملا علی ـ سه قطعه زمین است .که حاشیهٔ رود خانـه واقع است . نهر مختصری از رودخانه دارد . درتعدیل جدید مالیات به‌آنجا بسته شده است : ٨ تومان .

قراء حواشی رود خانهٔ

که بعضی از سابق مالیات داشته وبعضی در تعدیل جدیـد مالیات بسته شده است :

قریهٔ لریجان ـ آب از رودخانه بر می‌دارد . قریهٔ معتبری است . هـم زراعت دارد وهم باغات دارد . جمعیت زیاد دارد ورعایای اغلب مزارع کنار رود خانه در این قریه منزل ومسکن دارند . در ابتدای این دولت مالیاتی بر آنجا بسته شد ولی در تعدیـل جدید مالیات او را علاوه نموده‌اند . محـل با قابلیت واستعداد است . محصول شتوی‌آنجا جوو گندم است . محصول‌صیفی آنجا جوزق‌وکرچك وهندوانه وخربزه‌است ومحصول‌باغات آنها چون هوای معتدل دارد هم میوهٔ گرمسیری دارد وهم میوهٔ ییلاقی دارد . جنگل ونوکر دیوانی ندارد. ایل بختیاری ورعیت دیگر وسادات درآنجا منزل دارند . بـه قدر بیست وپنج خانوارند .

مالیات ـ ۱۰۰ تومان

قریه امیرآباد ـ آبادی می‌باشد متوسط . نهری از رود خانه دارد . مالیاتی در ابتدای دولت بر آنجا بسته شد. باغات مختصری دارد . یك دانگ آنجا وقف شاه نجف (ع) است . محصول شتوی آنجا جو و گندم است . محصول صیفی جوزق و کرچك وهندوانه است . رعیت آنجا بختیاری است . در کنار رود خانه واقع‌است . جنگل ونو کرندارد . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید بعد از وضع ملك وقفی شاه نجف : ۱۳ تومان و ۲۰۰ دینار .

قریهٔ سیاه‌کوه ـ در نزدیکی قریهٔ راونج واقع است . ملکی اهالی قریهٔ راونج است وآب از رودخانه بر می‌دارد . چند نفر خانوار بختیاری درآنجا منزل دارند که گوسفند وحشم دارند وجزئی زراعتی هم درآنجا می‌نمایند .

مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ٤ تومان .

قریه زرقان علیا وسفلی ـ ملکی جناب حاجی ملا محمدکاشی است . رعیت آنجا قدری بختیاری وقدری نراقی است . محصول آنجا جو و گندم وجوزق و کرچك است . نهر معتبری از رود خانه دارد . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۳۰ تومان .

قریه محمدآباد ـ ملکی جناب‌حاجی ملامحمد است . نهری ازرودخانه دارد . رعیت آنجا قدری‌بختیاری وقدری‌نراقی است . محصول آنجا جوو گندم وجوزق است . در تعدیل جدید ، مالیات بر آنجا بسته شده است : ۲۰ تومان

مزّرعه مزور ـ ملکی‌جناب ایضاً می‌باشد .رعیت آنجا ساکن قریهٔ محمد آباد است . بختیاری می‌باشند . نهری از رود خانه دارد . محصول آنجا جو و گندم وجوزق و کرچك است . در تعدیل جدید مالیاتی بر آنجا بسته شده است : ۱۰ تومان .

مزرعة خالقی ـ ملکی جناب حاجی ملامحمد است . ملکی بسیارمعتبر دارد . نهری‌بسیار خوب از رودخانه دارد . رعیت‌آنجا محلاتی ونراقی‌است محصول گندم وجووجوزق است . مالیات موافق تعدیل جدید : ٤٠ تومان .

قریه چم‌آسیا ـ یك‌آسیا گردان نهرآنجاآب دارد . سکنهٔ‌آنجا بختیاری است . محصول آنجا جو و گندم وجوزق وهندوانه است .

مالیات آنجا : ٢٠ تومان.

قریه مشهور به مزرعه نو ـ ملکی حسین خان مهاجر است . نهری از رودخانه دارد . نزدیك محلات است . رعیت‌آنجا بختیاری است . محصول آنجاجوو گندم وجوزق و کرچك وخربزه وهندوانه‌است. مالیات‌آنجا موافق تعدیل جدید : ١٠ تومان .

قریه افشه جرد ـ درزیر قریه نخجیروان خالصه است .آب ازرودخانه برمی‌دارد . آبادی بسیار معتبری دارد . درتعدیل جدید مالیات برآنجا بسته شده است. محصول‌آنجا جوو گندم وجوزق وبهاره است. قلعه وسکنه دارند. [مالیات :] ٤١ تومان و٧ هزار و٥٠٠ دینار .

قریه حسن‌آباد ـ واقع در فوق قریـهٔ نخجیروان است . رعیت آنجا ـ بختیاری است. نهری از رودخانه دارد . محصول آنجا جو و گندم وجوزق وکرچك است . درتعدیل جدید مالیاتی برآنجا بسته شده است : ٢٧ تومان و٦ هزار .

قریه حسین‌آباد ـ در وسط افشه جرد ونخجیروان واقع است . آبادی مختصری دارد . سکنه آنجا مردم بختیاری است . محصول آنجا جو و گندم وجوزق و کرچك . نهرازرود خانه دارند . مالیات درتعدیل جدید بسته شده است : ٩ تومان .

چون رعایای حواشی رود خانه اغلب بختیاری است ویا آن که ساکن محلات ونیمورورراونج ونخجیروان می‌باشند مفصلا به شرح تعداد نفوس آنها نپرداخت وهر جا قلعه وسکنه داشت ذکر قلعهٔ آنها نموده شد. الامر العالی مطاع[1] .

---

۱ . پس ازاین درنسخهٔ اساس فهرستی‌است باعنوان « خلاصهٔ تعداد نفوس بلده وبلوکات وایلات دارالایمان قم که درجزومحل خود نوشته شده » درپنج صفحه ، عیناً آنچه در ذیل وصف ایلات وتوابع شهریاد شده بود بی هیچ نکتهٔ اضافی .

- ۵ -

کتابچهٔ

اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم

نوشتهٔ

محمد تقی بیك ارباب

در ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خانه …	خانه …	خانه …	خانه …	خانه …	خانه …
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]
خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]	خانهٔ [illegible]

خانه [illegible] — خانه [illegible] — خانه [illegible] — خانه [illegible] — خانه [illegible] — خانه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خانه [illegible] — نفر [illegible]

خانه [illegible] — نفر [illegible]

خانه [illegible] — نفر [illegible]

خانه [illegible] — نفر [illegible]

[illegible]

خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]

خانه آتش [illegible] نفر
نفر [illegible]
خانه قاسم [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible] نفر
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]

خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]

خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible] نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]
خانه [illegible]
نفر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خانه [illegible]
[illegible]

خانه قاسم [illegible]
[illegible]

خانه [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]
خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]	خانه [illegible]

[illegible]

بحث [illegible]

علم [illegible]

[illegible]

مسأله

[illegible]

بحث

[illegible]

دكاكين [illegible]

[illegible]

دكاكين [illegible]

[illegible]

دكاكين [illegible]

[illegible]

دكاكين [illegible]

[illegible]

دكاكين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ان [illegible] دفاتر [illegible]

[illegible] معتبر [illegible]

[illegible]

[illegible]

حالا ایشان		قدیم ایشان	
[illegible]	[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
[illegible]	[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible]

[illegible]

حالا ایشان		قدیم ایشان	
[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
[illegible]	[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
	[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
	[illegible]	[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
		[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
		[illegible]	[illegible]
		[illegible] ... دارد	[illegible] ... دارد
		[illegible] ... دارد	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۷ [illegible]

[illegible]

[illegible] در بابت [illegible] شده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ذکر

ثابت

[illegible]

خرده برده

[illegible]

ذکر

ثابت

[illegible]

ذکر

ثابت

[illegible]

شیخ سادات نشان ... سادات مرحوم ... ارشان ... قربانی ... امتنان ... مرتبع ... ودرواندگرد ...

ودران ... ... وجوداخدمت دارند

نار ...

...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سید [illegible] محال [illegible] واقع است [illegible]

قریه [illegible] دارد [illegible] آنجا [illegible]

[illegible] آنجا [illegible] دارد [illegible]

[illegible] جو و گندم [illegible]

[illegible] مرتفع است در کوهسار [illegible] همواره اطراف [illegible]

امامزاده شاه سید [illegible] فرزند امام هفتم امام موسی در آنجا مدفون است [illegible]

چهار باب [illegible] دارد حمام [illegible] مسجد [illegible]

[illegible] مزارع در اطراف قریه دارد [illegible]

[illegible]

[illegible] از محال [illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible] گندم و جو [illegible]

[illegible] نافع است [illegible]

[illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مزرعه [illegible] در اطراف قریه دارد [illegible]

[illegible]

١٤ [illegible] ١٧

[illegible] در [illegible] واقع است [illegible]

رعیتهای این قریه [illegible] است [illegible] تابستان [illegible] قریه

[illegible] دارد [illegible]

باغات اینجا [illegible] مرحوم میرزا [illegible]

[illegible]

[illegible] مرتع [illegible]

و [illegible] اطراف قریه [illegible] گندم و جو

[illegible] دارد [illegible]

[illegible]

خانه‌شمار [illegible] نقل [illegible]

[illegible]

[illegible] است در [illegible] تابستان [illegible]

[illegible] خوب [illegible]

[illegible] خوب [illegible]

که در [illegible] است [illegible] قریه [illegible]

[illegible] دارند [illegible] مرتع [illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible] خانه‌شمار [illegible]

[illegible] قریه مدفون است [illegible]

[illegible]

[illegible] قریه [illegible] واقع است [illegible]

[illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible] اطراف قریه [illegible] دارند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اطراف [illegible]

[illegible]

خانه‌شمار [illegible]

[illegible]

[illegible] واقع است [illegible]

[illegible] آب [illegible] چشمه است [illegible]

[illegible] چشمه [illegible] دارد که در این [illegible]

[illegible] جو و گندم [illegible] خوب [illegible]

مرتع [illegible] اطراف قریه [illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible]

[illegible] دارد [illegible] خانه [illegible]

[illegible]

۱۳

میم از قرای جهستان [illegible] آب آنجا از قنات است [illegible]
دارند هوای آنجا [illegible] است [illegible] گندم و جو است
صیفی آنجا خربزه و حبوبات است در [illegible] آنجا [illegible] دارد
[illegible] است [illegible] آنجا [illegible]
[illegible] دارد و [illegible] در اطراف
قریه [illegible] آنجا از [illegible]
ملک آنجا [illegible] است قلعه کهنه [illegible] قریه دارد [illegible]
که [illegible] دارد [illegible]
[illegible] فرزند امام [illegible] است که در آنجا
[illegible] است [illegible] دارد [illegible]
حمام [illegible] خانه شمار آنجا [illegible]
نفوس [illegible]

[illegible]

[illegible] از قرای جهستان است [illegible] قریه [illegible] واقع است هوای [illegible]
آب آنجا از قنات است [illegible] فارسی [illegible] گندم و جو است صیفی [illegible]
و حبوبات دارد اشجار آنجا [illegible] است [illegible] خانه [illegible] از مزارع آنجا است
که آب [illegible] دارد [illegible] خانه [illegible]
فرزند امام [illegible] است [illegible] در نهایت [illegible]
اهل [illegible] زیارت آنجا مشرف [illegible]
[illegible] آنجا [illegible]
[illegible] مالکات آنجا از قرار [illegible]
[illegible] حمام [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] خانه شمار آنجا [illegible]
نفوس [illegible]

[illegible]

از قرای جهستان است [illegible] واقع است ملک [illegible]
[illegible] آنجا از قرار [illegible]
[illegible] است هوای [illegible] دارد [illegible]
[illegible] گندم و جو است صیفی خربزه و حبوبات است [illegible]
قریه چشمه [illegible] دارد [illegible] قریه
[illegible] دارد حمام [illegible] خانه شمار آنجا [illegible]
[illegible] خانه دارد [illegible] نفوس [illegible]

[illegible]

از قرای جهستان است هوای [illegible] دارد ملک [illegible]
[illegible] واقع است [illegible] گندم و جو است
صیفی خربزه و حبوبات است [illegible] در اطراف قریه [illegible]
آنجا از قرار [illegible]
اشجار [illegible] دارد قریه [illegible] است حمام [illegible] مسجد [illegible] دارد
خانه شمار آنجا چهارده خانه [illegible] نفوس [illegible]

[illegible]

قریه [illegible] از قرای [illegible] است [illegible] دارد [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible] که [illegible] میشوند [illegible]
[illegible] مزارع [illegible] دارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مالیات [illegible]
خانه [illegible] نفوس [illegible]

[illegible]	مالیات	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

قریه [illegible] از قرای [illegible] است [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible]
[illegible]
مالیات [illegible]
[illegible]
[illegible] نفوس [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] از قرای [illegible] است [illegible] دارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است که [illegible] مالیات [illegible]
[illegible]
مالیات [illegible]
[illegible]
خانه [illegible] نفوس

[illegible]	مالیات	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

قریه [illegible] از قرای [illegible] است [illegible] دارد [illegible]
[illegible]
[illegible] زراعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خانه [illegible] نفوس

[illegible]	مالیات	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] سرحد دارد [illegible]

سامانسر [illegible]

سرحد [illegible] دارد [illegible] ییلاق [illegible] ملک [illegible]

[illegible] آنجا از قرار [illegible] است [illegible]

آنجا [illegible] است و بسیار خوب [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] و گندم است [illegible]

[illegible] است [illegible] مرتفع آنجا [illegible]

مزارع دارد [illegible] گندم [illegible] قدیم [illegible]

[illegible] دارد [illegible]

[illegible] دارد [illegible] خوب است [illegible]

[illegible] بسیار کم آب [illegible] خشک [illegible] آنجا [illegible]

[illegible]

سامان [illegible]

خوب [illegible] دارد [illegible] ملک [illegible]

[illegible] دارد [illegible] خوب [illegible]

[illegible] خندق است و بسیار خوب [illegible]

خوب [illegible] و مزارع بسیار دارد [illegible]

[illegible] دارد [illegible] دارد [illegible]

[illegible] مرتفع [illegible] است [illegible]

بسیار دارند [illegible]

آنجا [illegible] بسیار خوب [illegible]

و [illegible] دارد [illegible] آنجا از قرار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible] خوب [illegible]

[illegible] است [illegible] آب [illegible]

[illegible] آنجا [illegible] بسیار [illegible]

[illegible] خوب [illegible] است [illegible]

خوب [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] شهر قم می‌آورند [illegible]

[illegible] است و از طرف [illegible] آنجا [illegible]

[illegible] است [illegible] دارند [illegible]

[illegible]

[illegible]

الف [illegible]

[illegible] در اطراف [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] قریه آب [illegible] گندم و جو [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] قریه
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] حمام و مسجد دارد [illegible] خانه [illegible]
[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آب [illegible] گندم و جو [illegible]
[illegible] گندم و جو [illegible] [illegible]
[illegible] قریه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حمام و مسجد دارد [illegible] خانه
[illegible] خانه تقریباً [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] قریه [illegible]
آب [illegible] [illegible] خانه [illegible] [illegible]
[illegible] گندم و جو [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] حمام و مسجد [illegible] دارد [illegible] خانه [illegible]
[illegible] خانه تقریباً [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] گندم و جو [illegible]
قریه [illegible] آب [illegible] [illegible]
دارد و حمام و مسجد [illegible] دارد [illegible]
[illegible] خانه [illegible] خانه تقریباً
[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] است امام [illegible] سلطان [illegible] فرزند امام محمد باقر [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] دارد در خانه [illegible]

[illegible]

[illegible] از فراهان [illegible] است [illegible]
[illegible] دارند اگرچه [illegible] است هوای [illegible] دارد
و آب [illegible] قنات است [illegible] زمین [illegible] گندم و جو [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] اطراف قریه دارند [illegible] اشجار [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] خانه [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]
[illegible] دارد [illegible]
[illegible] امام زاده [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] گندم و جو [illegible]
[illegible] است [illegible] دارند [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هوای [illegible] آب [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دارد [illegible]
[illegible] است
خانه [illegible] نفر آدم

[illegible]

[illegible] هوای [illegible] دارد [illegible]
[illegible] است [illegible] دارند [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] دارند [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خانه [illegible]
[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] آب [illegible] است

[illegible] [illegible] [illegible] گندم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دارد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] میباشند [illegible] [illegible] دارند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] گندم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عطا به

كاتب

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... [illegible] ... مشغول [illegible] شده ... [illegible]

الان مشغول [illegible]

[illegible] شده [illegible]

[illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

مسجد [illegible]

[illegible]

[illegible]

كاتب

[illegible]

[illegible] شده ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مزرعه

مزرعه کوهستان ... از مزارع ... در کنار رودخانه ... است ...
مالیات ... بسته شده ... دقیقه ... دارد ...
اهالی آنجا ... دارند

۲ نفر

مزرعه

امیرآباد در کنار رودخانه ... جمع کم است در این ...
... مالیات ... دارد ... اهالی ... است

[illegible]

مزرعه

... از مزارع ... در کنار رودخانه ... در این ...
... مالیات ... بسته ... گندم و جو ... است
... دارد ... دارد ...

[illegible]

مزرعه

... از مزارع ... در کنار رودخانه ...
مالیات دارد و در این ... قلعه دارد ...
گندم و جو و ... است مالیات ... است
قلعه دارد ...

۱۲ نفر

[illegible]

مزرعه

... از مزارع ... در کنار رودخانه ... مالیات ...
دارد ... است ...

۲ نفر

مزرعه

... از مزارع ... در کنار رودخانه ... مالیات دارد ...
... سیلاب خراب شده ... مالیات ...
... شده ...

مزرعه

مزرعه گوهران [illegible] ربع [illegible] ازین لسان رود [illegible] در آن [illegible]
آبادیت با یکی بسته شده [illegible] و قسمتی زراعتی دارد و [illegible]
ابی شان [illegible] ابنای زراعتی دارند

٦ نفر

مزرعه

امیر اکبر در لسان رود [illegible] با دو ... و جمع قم است در آن [illegible]
هنوز [illegible] قم آبادات دارد [illegible] آنها [illegible] است

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

مزرعه

حکم [illegible] در ربع [illegible] از لسان [illegible] در آن [illegible]
[illegible] آبادات [illegible] بسته [illegible] گندم و جو و قند [illegible]
[illegible] دارد [illegible] دارد [illegible]

[illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

مزرعه

[illegible] ربع لسان رودبار [illegible] در [illegible]
آبادات دارد و در آن [illegible] قلعه دارد [illegible]
گندم و جو و [illegible] است آبادات [illegible] است
قلعه دارد و [illegible]

[illegible] نفر

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

مزرعه

[illegible] لسان رودخانه [illegible] آبادات [illegible]
دارد [illegible] اکثر [illegible] است [illegible]

٦ نفر

مزرعه

[illegible] ربع [illegible] لسان رودخانه [illegible] دارد [illegible]
[illegible] سیلاب [illegible] آبادات [illegible]
[illegible] الان [illegible]

- ضمیمهٔ ۱ -

کتابچهٔ
حالات و کیفیت بلده وبلوکات ومزارع
دار المؤمنین کاشان

نوشته شده به سال ۱۲۹۶

(از مجموعهٔ ناصری)

بسم الله الرحمن الرحیم

کتابچهٔ حالات و کیفیت بلده وبلوکات ومزارع دارالمؤمنین
کاشان که در هذه السنهٔ توشقان ئیل مطابق سنهٔ ۱۲۹۶ هجری
حسب الامر امنای دولت گردون عدت وفرمایش جناب جلالت
مآب امیر الامراء العظام آقای اعتضاد الدوله دام اقباله العالی
مفصلا قلمی می‌شود :

اولا معروض می‌دارد که شهر کاشان از ولایات مستحدثهٔ اسلام است که در زمان خلافت هارون الرشید خلیفهٔ عباسی به سعی واهتمام زبیده دختر ابوجعفر دوانیقی که حرم هارون بود ساخته شده . از اقلیم چهارم . در میان دار السلطنهٔ اصفهان ودار الایمان قم واقع است . ازآنجا تا قم پانزده فرسخ وتا اصفهان سی فرسخ می‌باشد . شهری است آراسته وپیراسته چنان که در السنه وافواه مشهور به عروس عراق است . اگر چه به حسب طول وعرض کمتر از دار الایمان قم است لیکن در آبادی وجمعیت بهتر وبیشتر ازقم است چنان که نفوس بلده وبلوکات آنجا دو برابر شهر وبلوکات قم می‌باشد . هوای آنجا

میل به گرمی دارد چنان‌که غلـه‌آنجا را در چهل روز از عید نـوروز سلطانی حصادت می‌نمایند .

مضافات معتبر دارد که همه نـوع اشجار وفواکه از او به عمل می‌آیـد خاصه انارزاغه کاشان درنهایت لطافت است . حد جنوبی کاشان دهات ومزارع کویر است که هوای گرم وخشك دارد به این واسطه در تابستان مردم آنجا که اندك مادهٔ مستعدی دارند دماغشان پریشان می‌شود . به این جهت اهتمام اهالی آن ولایت در صرف کردن میوه‌های مرطوبی [است ودرآن] اسراف می کنند چنان که ذخیرهٔ اهالی قم در زمستان نان خانه می‌باشد اهل کاشان اندوختهٔ زمستان خود را انار وخربزه وهندوانه قرار می‌دهند ، از این جهت در حدوث گرانی وسختی اکثراواسط الناس وفقراء آنجا متفرق می‌شوند .

به حسب ظاهر از سایر بلاد حواشی آبادتر وخوش نماتر است . یکی از مستحسنات آنجا سرداب است که درزیرزمین می کنند، چنان خاك سخت دارد که بدون صرف آجر و گچ زمانی دراز به جا می‌ماند .

با وجود حدت هوای کاشان درآن سرداب‌ها بی زحمت نمی‌توان زیست کرد . در حقیقت این موهبت بزرگی است . عقرب وپشهٔ کاشان مشهور است به خصوص پشه . گویا استخوان دارد .

اکثر مردم آن ولایت با هوش وذکاء . در صـدر طلبی وعصبیت نهایت اهتمام را دارند . درمفاخرهٔ شهر واهالی ولایت خود اغراق کامل دارند که یکی از ظرفاء قم به طریقهٔ ظرافت گفته بود که عیب کاشان این است که یخ آنجا به سردی یخ قم نیست ، جمعی ازعقلاء کاشان گفته بودند که بارها امتحان کرده‌ایم یخ کاشان از جمیع بلاد سرد تر است !

[بلده]

بلدهٔ کاشان در قدیم الایام قلعه جاتی در کنار دریاچهٔ ساوه بوده که آلان آثار کهنهٔ آنها باقی است و پیش از آبادی قم مالیات آن قلعه جات جزو اصفهان بود . بعد از ساختن اعراب اشعری دار الایمان قم را در عهد خلافت هارون الرشید که قم را ولایت مستقل قرار داد . از جزو جمع اصفهان موضوع نموده قراء وقلعه جات کاشان حتی نطنز در جزو حکومت قم بوده .

بعداز ساختن زبیده شهر کاشان را اورا ولایت مستقل قرار داده ، بلوکات قدیمهٔ او را جزو مالیات آنجا کرد واز قم موضوع شد . مالیاتی در آنجا قرار داد . به مرور ایام آبادی در تزاید بود تا در فتنهٔ چنگیزی که هلاکو خان بـه ایران آمده قتل عام وخرابی کرد آن بلده به مجاورت قم ویران شد .

در ایام خانیت وعدالت غازان خان همت در آبادی آنجا گماشته ومالیاتی به اندازه از برای آنجا قرار داد . به این حالت بود تـا در فتنهٔ محمود افغان دوباره شهر وتوابع کاشان و گرمسیرات خراب شد . در سلطنت وجهانگیری نادرشاه افشار ده سال از بقیة السیف افغان قلم وقدم کوتاه داشته ، همت ملوکانه در آبادی آنجا گماشت . در وقت کشته شدن نادر شاه در خراسان اللهیار خان افغان از اردوی نادری فرار کرده ، به عزم تسخیر کرمان حرکت نمود .

در حدود کاشان در سر مطالبهٔ سورسات با اهل ولایت نزاع کرده وغالب آمد ، اکثر دهات حوالی را غارت کرده وخرابی نمود که آثار خرابی او در سن سن وقاسم آباد ظاهر است .

خرابی سوم کاشان وتوابع در وقت جهانگیری پادشاه شهید آقا محمدخان بود که در وقت کشور گشایی عزم تسخیر فارس نموده ، در قم و کاشان نجف خان زند ازجانب خوانین زندیه حکومت داشته ، درصدد ولایت داری برآمده پادشاه شهید این دوشهر را قهراً قسراً مفتوح نموده ، نجف خان به اصفهان گریخت ، اهل کاشان را نوید به مدد لشکر فارس واصفهان داده ، اهل کاشان فی الجمله خود داری کردند . به حکم پادشاهی کلب علی خان خلج اکثر دهات ییلاقی کاشان را قتل وغارت کرد .

در عهد سلطنت خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه که چهل سال اهالی ایران درمهد امن وامان آسوده بودند اهالی کاشان به قدر وسع وطاقت خود درآبادی کوشیدند . در ممیزی مرحوم میرزاآقا بابای مستوفی آشتیانی ممیزی شده این مالیات مقرره را برآنها وارد آورد . تاآن که اکثری از طایفهٔ غفاری که رئیس آنها مرحوم فرخ خان امین الدوله بود در سلك چاکران دربار معدلت مدار انتظام یافتند ، از تربیت امناء دولت ورأفت ملوکانه در حق آن جماعت کاشان وتوابع رشك روضهٔ رضوان شد . اکثری ازییلاقات وکویر را آباد ساختند وبعضی را تجار در صدآبادی برآمدند که مزارع جدید النسق کاشان ازآنهاست وبه جهت مالیات جدید النسق از دربار معدلت مدار میرزا هادی مستوفی مأمور به ممیزی شده ، در بین عمل به موت فجأه در گذشت واین عمل به همان مالیات قدیم معمول وبرقرار مانده . حالت مستغلات وتعداد نفوس وقراء گرمسیر وییلاقات واستعداد آنها درتحت دفعات قلمی خواهد شد تا واضح باشد

[مستغلات]

مستغلات دارالمؤمنین کاشان وپشت مشهد ودهات حومهٔ شهر بسیار بوده .
آنچه از تواریخ سالفهٔ کاشان به دست می‌آید دو صنف در کاشان بسیار معتبر بوده یکی شعر بافی ودیگر مسگری .

در قدیم هزار وهشت صد دستگاه شعر بافی بوده ومسگری هم به شرح أیضاً. چندی بواسطهٔ گرانی و کسادی وتصعدی حکام‌آن دستگاه بهم خورده ، اکثرآنها منقرض شدند تا در این دولت جاوید آیت به خصوص این سنوات حکومت جناب جلالت مآب امیر الامراء العظام‌آقای **اعتضاد الدوله** که کار گزاران‌ایشان درصدد تربیت وترویج‌ایشان برآمده ، آنچه لازمهٔ حمایت ومدد سرمایه بود به عمل آورده ، این دوصنف را رواجی تازه پیدا شد .

آنها هم‌چنان سعی درامتیاز اجناس‌خود نموده‌اند که بسیاری‌از پارچه‌های ابریشمی ایشان را تجار معتبر از پارچهٔ فرنگ فرق نکرده‌اند وسایر مردم بعینه جنس فرنگ می‌دانند وصنف مسگرچنان درکار خود مشهور شده‌اند که چرخ کار ایشان مسینه آلات را از چرخ صاف وشفاف بیرون می‌آورند ومفضض کرده که در صفا با نقره فرقی ندارد . در این اوقات سماوری ساخته بودند

در مجلس جناب جلالت مآب آقای **اعتضاد الدوله** که مجلس روضه‌خوانی بود علماء بلد واعیان شهر حاضر بودند چند نفر از علماء که به دقت ملاحظه نمودند آن سماور را نقره خیال کردند ، به جهت حرمت صرف اوانی طلا ونقره از مجلس برخاسته رفتند ، بعد از آن که بر آنها معلوم شد که مفضض بوده نه فضه ، عذر حرکت خودرا خواستند . وتفصیل مستغلات وحمام‌های کاشان وچندقریه که ملاصق شهر است از قراری است که در تحت دفعات نوشتهٔ می‌شود .

مساجد - ۷٦ باب/ حمام - ٤۷ باب / دکاکین - ۱۱۵۸ باب/ خانات - ۲۵ باب/شعر بافی - ۵۰۰ دستگاه

بلده

مساجد معروفه - ۳۸ باب/حمام - ۲۲ باب/دکاکین - ۷٤۵ باب (بازار: ۵۲۵ باب ، محلات : ۲۲۰ باب)/خانات - ۲۸ باب (بازار : ۱۲ باب ، سایر ۱٦ باب)/شعر بافی : ٤٤۸ دستگاه

حومه

مساجد - ۳۳باب/حمام - ۲۵ باب/دکاکین - ۲۲۳باب/دستگاه‌جولایی ۱٦۰ باب/شعر بافی - ۵۸ دستگاه

قریه پشت مشهد

(جزو شهراست، درخارج‌باره اتفاق افتاده جزوحومهٔ شهرنوشته می‌شود:)

مسجد - ٤ باب/حمام - ۵ باب/ دکاکین/- ۳۲ باب

قریهٔ بیدگل

(مسافت جزئی تا شهر دارد)

مساجد ـ ٦ باب/حمام ـ ٨ باب/دکاکین ـ ٦٠ باب

قریه‌آران

مساجد ـ ١٢ باب/حمام ـ ٨ باب/دکاکین ـ ٧٠ باب

قریه نوش‌آباد

مسجد ـ ٦ باب/حمام ـ ٦ باب/دکاکین ـ ٣٤ باب

بقاع متبرکه ومساجد معروفه

بقاع متبرکه

بقعهٔ حضرت سلطان هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام ـ در محلهٔ پنجه شاه واقع است از آن جهت به پنجه شاه معروف است که می گویند که در واقعهٔ هایلهٔ کربلا که دست‌های حضرت عباس علیه السلام را ازبدن جدا کردند یکی از سرکردگان لشکر دست مقطوع را بر داشته که ببرد به جهت مفاخرت به ولایت خود . بعد از ورود به حوالی کاشان اهالی آن حدود که دوستان اهل بیت رسالت بودند جمع آوری نموده به مجاهدهٔ زیاد دست را از او گرفته در آن زمین مدفون ساخته وبقعهٔ خوبی ساخته‌اند که الان زیارتگاه اهل بلد است. والله العالم .

بقعه جناب امام زاده حسن بن موسی بن جعفر علیه السلام ـ مشهور به میرنشانه . در گذر سه سوق واقع است ودر جنب ضریح مقدس سردابه‌ای است که در آنجا چاه آبی است وآن موضع را قدمگاه جناب صاحب الامر می‌دانند . می گویند شخصی درآن موضع آن حضرت را درخواب دیده

که تلاوت قرآن فرموده‌اند . در شب‌های جمعه محل‌زیارتگاه است ونذورات خودرا درآنجا می‌برند . والله العالم .

بقعه جناب سلطان حبیب بن موسی بن جعفر علیه السلام ــ که در پشت مشهد است که همواره طوافگاه اهل روزگار است گنبد وصحن وسرای عالی دارد ومحل امان اهل کاشان است که در روزگار سختی بدانجا پناه می‌برند .

بقعه جناب هلال بن علی بن‌ابی طالب سلام الله علیه ـ دریك فرسخی شهر در میان قریهٔ ازآران وبیدگل واقع است . بارگاه وصحن وسرای عالی دارد . در ابتدای بندریگ واقع است .

بقعه جناب سلطان امیر احمد بن موسی بن جعفر ــ در طرف قبلهٔ شهر کاشان واقع‌است وبارگاه خیلی عالی دارد . محل‌قضاء حاجات وشفای‌امراض اهل‌کاشان است وزیارتگاه است .

بقعه سلطان عطا بخش بن موسی بن جعفر ــ در خارج درب اصفهان متصل به تخته پل است وهمواره محل زیارات ونذورات مردم است .

بقعه شاهزاده جعفر بن امام زین‌العابدین ــ درمحلهٔ میدان‌کهنه واقع است . محل ورود زایرین می‌باشد .

بقعه زید بن امام‌حسن علیه السلام ــ که در گذر قبرستان در باغ است . مشهور است که بسیار وقت دیده شده که در شب‌های جمعه چراغ‌آنجا خود به خود روشن می‌شود . در آن جنب بقعه می‌گویند سه نفر همشیرهٔ آن جناب درآنجا مدفونند .

بقعه ضیاءالدین بن‌امام زین‌العابدین ــ که بارگاه رفیع‌دارد وپایگاه منیع در قرب دروازه عطا واقع است .

بقعه طاهر ومنصور ولــدان موسى بن جعفر علیهما السلام ـ که پهلوی همدیگر مدفونند . درب ملك‌آباد بقعه دارند ومحله به اسم ایشان مشهور شده است .

بقعه ملا محسن فیض صاحب تفسیر صافی ـ سرائی رفیع دارد . اهل کاشان از قبر آن مرحوم کمال‌احترام را دارند ومقبرهٔ محترمین کاشان در آن‌مکان می‌باشد . مرقد میر عبد الواسع منزوی در جنب شمالی صحن واقع است .

بقعه ابولؤلؤ ملقب به بابا شجاع الدین ـ در خارج درب فیـن واقع است .صحن وسرائی‌عالی دارد وبار گاهی متعالی از کاشی معرق . می گویند در وقت کشتن خلیفه ثانی فراراً به‌کاشان‌آمده ، درآنجا شیعیان حمایت از او کرده بعد از فوت درآنجا مدفون شده‌اند .

بقعهٔ حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد سرایی وسیع‌دارد . در قرب گذر سه سوق . مقابل مرقد مطهر امام زاده میر نشانه واقع است . املاك موقوفه از جهت‌روشنایی وقاری وخادم دارد .تولیت‌آن باجناب‌حاجی‌سید کاظم‌سلمه‌الله می‌باشد .

بقعهٔ بابا افضل ـ در مقام مرتفعی واقع است در قریهٔ مرق . نزهت گـاه معتبری است . می گویندآن جناب از جمله ابدال واوتاد بوده است . الان هم مقبرهٔ ایشان محل فیض است .

بقعهٔ شیخان ـ در خارج درب عطاست . ودیگر :

بقعهٔ مرحمت وغفران مــآب حاجی سید محمد تقی پشت مشهدی است که در حال حیات وممات پناه ومرجع انام بود . در جنب شمالی سلطان حبیب واقع است .

مدارس ومساجد معروفه

مدرسه سلطانی - از بناهای خاقان خلدآشیان است که مقصورهٔ بسیار معتبر دارد ومباشر بنای آن میرزا ابوالقاسم اصفهانی بوده که از جانب نظام الدوله حاجی محمد حسین خان اصفهانی در آن ولایت نیابت داشته . مدرسهٔ مزبوره مشتمل است بر ایوان‌های عالی وحجرات ، وصحن با صفا که مربع طولانی است در وسط است . نمای با صفا دارد وباغچه‌ها در اطراف آب نما ساخته شده است . چهار ایوان در چهار سمت آن ساخته‌اند وآب انبارخوبی دارد که چهل پله می‌خورد وتمام مدرسه کاشی ملون است فوقانی وتحتانی ، واسباب حجره وکتاب وکلام الله ومسینه آلات به قدر کفاف در آن جا مهیا نموده‌اند .

مسجد ومدرسه حاجی محمد تقی خان مشهور به خانبانی است . به جهت امامت مرحوم حاجی ملامهدی ملقب به حاجی آقابزرگ ساخته .مشتمل است بر مقصورهٔ عالی ودو گلدستهٔ محل اذان ومناجات ، با ایوان‌های چند وحجرات معتبرهٔ با مخارج طلاب مدرسه وخدام مسجد از موقوفات مقرره که همه ساله می‌رسانند .

مسجد عمادی - در زمان جهان شاه ، خواجه عماد الدین محمود که از وزرای اوبوده وقتی که از زیارت بیت‌الله مراجعت کرده این مسجدرا در مقابل میدان بنا نهاده است . درکمال اعتبار وامتیاز می‌باشد .

مسجد جامع - در محلهٔ میدان کهنه قرب زیارت پنجه شاه واقع است . مسجدی است عالی . گنبدی بزرگ متعالی دارد . کاشی الوان بسیار درآنجابه

کار رفته است . گلدستهٔ خوبی دارد .

مسجد ومدرسهٔ حاجی محمد حسین ترك‌تبریزی است . در خلف مدرسهٔ میان چال . کاشی کاری وموقوفات بسیار دارد .

مساجد کوچك محلات بسیار است که قابل شرح نیست . ذکر آنها موجب تطویل است .

قنوات موقوفه

خیرات شهر کاشان که محلات وبیوتات شهر از آنها مشروب می‌شود . بعضی تمام وقف وبعضی ملکی دارد . ۹ دهنه .

* **قنات مرحوم عبد الرزاق خان کاشی** وقف شهر است واز طـرف جنوب داخل شهرمی‌شود ، این‌محلات مفصله از آنجا مشروب می‌شود : پشت مشهد/ کوچهٔ رباط/خانه‌های محمدحسین خانی/خانه‌های ورثهٔ واقف/مدرسهٔ سلطانی/محلهٔ ضرابی‌ها/محلهٔپای قپان/محلهٔ درب زنجیر/دار الحکومه/محلهٔ پشت عمارت حکومت/محلهٔ سرسنگ/محلهٔ سی قند/ کوچه در بند/ کوچهٔ گاو چشمان

* قنات دوم مشهور به **قنات محمودآباد** - این قنات هم آبش می‌افتد برروی‌آب قنات عبدالرزاق خان، ومحلات مفصله که ذکرشد از آنجامشروب می‌شود .

* **قنات مشهور به صاحبی** -آب‌اودر درب‌دروازهٔ لتحر آفتابی می‌شود در حوالی دروازهٔ اصفهان . اغلب‌آن ملکی است که درخارج وداخل شهر به

باغچه‌های مخصوص صرف می‌شود ، وهر گاه کسی نخواهد به خانهٔ خودببرد به طریقهٔ اجاره می‌برند . وقدری وقفی داردکه در نوبت وقف بر روی‌آن دو قنات افتاده ، وارد شهر می‌شود ودر محلات مسطوره گردش می کند .

* قنات چهارم **قنات نصر آباد** شهره است . گویند ابونصر کـه یکی از بنی اعمام هارون الرشید بود جاری ساخته . آبش از دروازهٔ فیـن وارد شهر می‌شود در محلهٔ سلطان‌امیراحمد . وقف نصفهٔ جنوبی شهر وپشت مشهداست آسمان نگر است . در سال‌های پربارشی به قدر کفاف‌آب دارد ، در سال‌های خشك سالی کم‌آب است .

قنات پنجم **قنات مهذب‌آباد** مشهور به قنات معظم آباد که قدری وقف وقدری ملکی‌است وهمه وقت‌فیض‌آن به شهرمی‌رسد . دراین‌سنوات‌به جهت عدم‌کفایت جناب حجة الاسلام به مدرسهٔ سلطانی می‌برند .

* قنات ششم **قنات دولت** است‌که درحوالی درب‌فین‌داخل‌شهرمی‌شود ومحلات مفصله را مشروب می‌سازد : محلات درب‌فین ومسجدآقا بزرگ/ محلهٔ . . . وزیارت . . / کوچهٔ‌کبابی‌ها/ محلهٔ پای مسجد و . .

قنات هفتم **قنات میر باقر** است‌که از امـراء شاه عباس بوده است . این قنات جاری ساخته ، وقف بر بیوتات شمالی‌کاشان نموده‌که محلات از آنجا مشروب می‌شود .

* قنات‌هشتم ونهم‌آب **قنات فین وقنات صفی‌آباد** است‌که قدری‌وقف شهر است از قرار تفصیل ذیل :

از قنات فین ـ یك شبانه روز

از قنات صفی‌آباد ـ شش طاق ودو سرجه

تعداد نفوس اهالی کاشان

واسامی بعضی از اشراف واعیان . بلدهٔ کاشان از قرار خانه شماری در هذه السنهٔ توشقان ئیل چهارهزاروپانصد وسی وهفت خانه دارد وتعداد نفوس آنها بیست ویك هزار وشش صد ونودونه نفر است . به قدر ربع آنها علماء وسادات هستندکه بعضی از آنها سمت تحصیل ودرس وبحث دارند وبرخی داخل تجاروکسبهٔ بازار هستند .

رئیس علماء، اولاد امجاد مرحمت وغفران مآب ملامهدی‌نراقی اعلی الله مقامه می‌باشندکه نخبهٔ‌آن طایفه جناب مستطاب حجة الاسلام حاجی ملامحمد است باآقازادگ‌ان واخوان وبرادرزادگان وبنی‌اعمام، جمعی کثیروجمی‌غفیرند که اغلب آنها جالس سریرقضاوت ومروج قانون شریعت می‌باشند . ودیگر اولاد وسلسلهٔ مرحوم ملامحسن فیض‌اند صاحب کتاب تفسیر صافی وغیره که جناب میرزا احمد نایب الصدر وجناب‌آقا میرزاآقا بزرگ رئیس‌آنهاست .

دیگر از طایفهٔ مجتهدین کاشان سادات وفضلاء پشت مشهد می‌باشند که

نسب به آقا سید جداعلای خود که از اولاد امام همام امام زین العابدین علیه السلام [است] دارند که نسلا بعد نسل همه از حکام شرع مبین بوده‌اند والان هم بازماندگان ایشان به شیوهٔ مرضیهٔ پدران خود هستند که جناب مستطاب میرزا ابوالقاسم و آقا سید حسین و آقا سید محمد مجتهد وجناب آقا سید اسماعیل مجتهد از این سلسلهٔ جلیله هستند وسایرین آنها به قدریك صد نفر می‌باشند .

ودیگر ازعلماء اعلام اولاد مرحمت مآب میرزا ابوالقاسم است که درعصر خود فرید دهربوده ، جناب میرزا محمود وجناب میرزا ابوالقاسم امام جماعت مسجد جامع از آنهاست واین سلسله قریب به یك صد نفر سادات می‌باشند .

ودیگر ازطبقات مشایخ کاشان که امامت جماعت دارند جناب آقا میرزا نصرالله امام جمعه است که از زمان امامت جداعلای خود که شیخ منصور بوده امامت مسجد عمادی را داشته ودارند . بعضی از این طایفه درسلك فضلاء وبعضی در سلك ارباب صنایع می‌باشند. ودیگر ازعلماء کاشان طایفهٔ سادات نطنزی است که جناب آقا میرزا محمد وحاجی ملاحسن که از جملهٔ عرفاء هستند [از آنها می‌باشند] . اگر بنا شود هر یك از سادات وعلماء نوشته شود کتاب انساب سمعانی خواهد شد .

واز اعیان کاشان سلسلهٔ غفاری است که نسب آنها به ابوذر غفاری می‌رسد اکثر آنها چاکران دربار معدلت مدار شاهنشاهی می‌باشند که از اولاد مرحوم فرخ خان امین الدوله هستند .

ودیگر خود جناب میرزا محمد خان امین خلوت وسایر خوانین این طایفه هستند. دیگر طایفهٔ میرزا تقی لسان‌الملك که ازنتایج میرزا محمد رضای عضدالدولهٔ اصفهانی می‌باشند که ازچاکران دربار شاهنشاهی است . ودیگر از اعیان کاشان طایفهٔ محمد حسین خانی است که اصل آنها ازطایفهٔ بنی شیبان

می‌باشند در کاشان اقامت گزیده ، درقدیم اجداد ایشان مصدرخدمات بزرگ دیوانی بوده‌اند والان بعضی از آنهادر کاشان معزز ومحترم وبعضی دردارالخلافه ازچاکرانند. وطایفهٔ دیگراولاد عبدالرزاق خان است که مرحوم میرزا محمد علی خان که درعهد خاقان خلدآشیان وزیردارالخلافه بود قنات خیرات او در طهران مشهور است . واز جمله نجبای کاشان طایفه مشهور به وزیری هستند که ازاولادآقا محمد وزیرندکه مصدرخدمات دیوانی بوده والان میرزا محمد ومیرزا فضل الله خان که در سلك چاکران حضرت والا امیرکبیر آقای نایب السلطنه می‌باشند .

طایفهٔ دیگر از بزرگان کاشان طایفهٔ ضرابی‌ها هستند که مرحوم میرزا فتحعلی خان ملك الشعراء ازآنهاست والان میرزا عبدالرحیم منشی متخلص‌به سهیل‌است ، درقید حیات است ودرکاشان مشهور به وکیل الرعایایی هستند .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

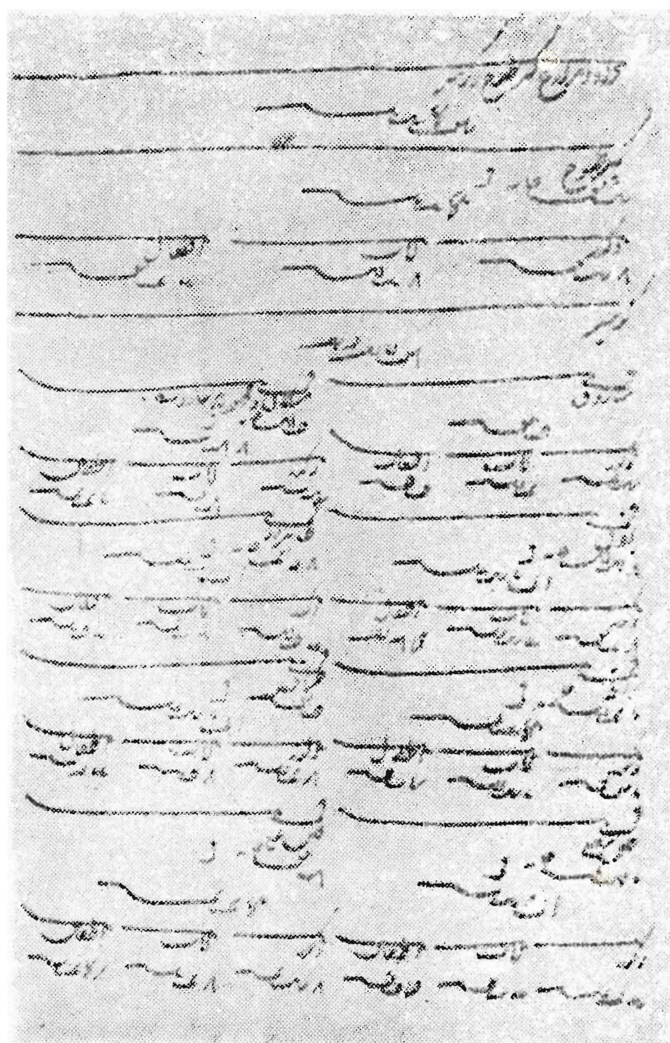
[illegible]

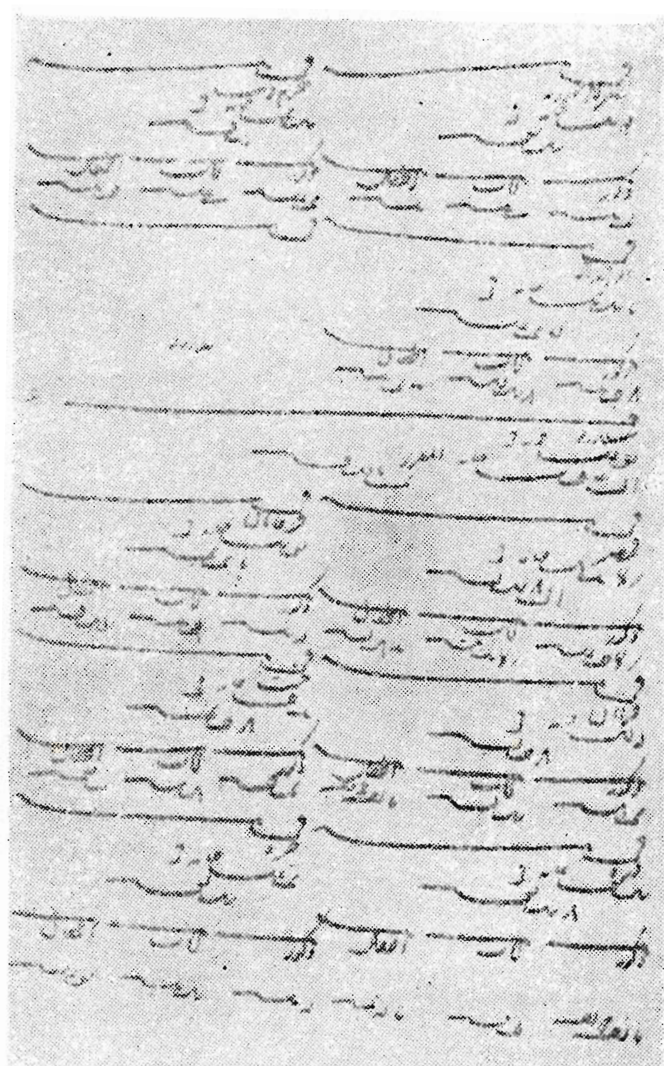
[illegible]

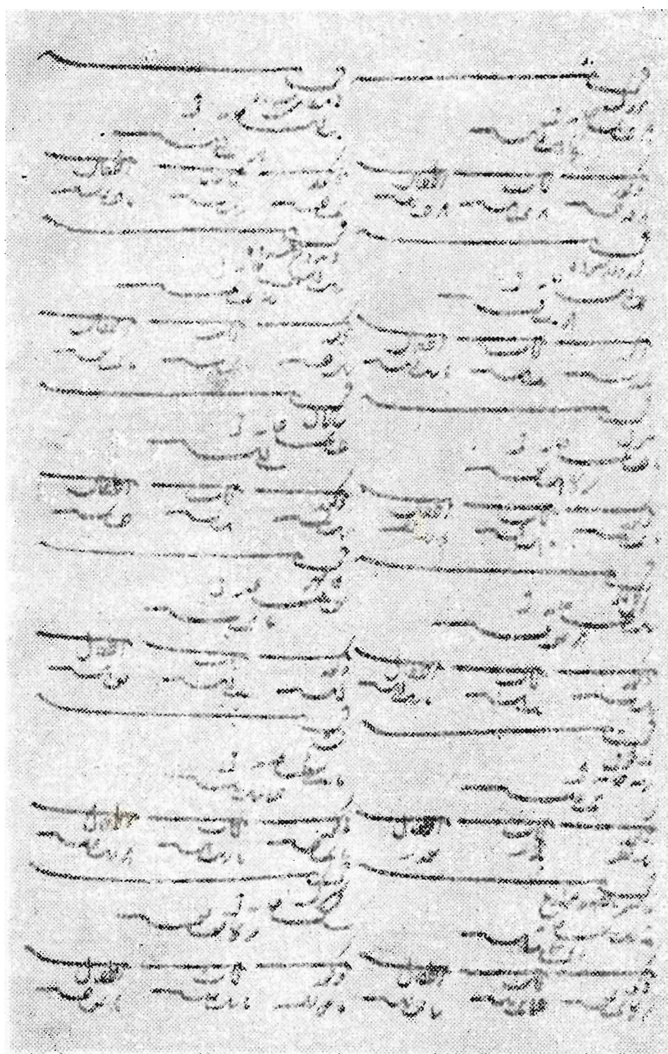
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

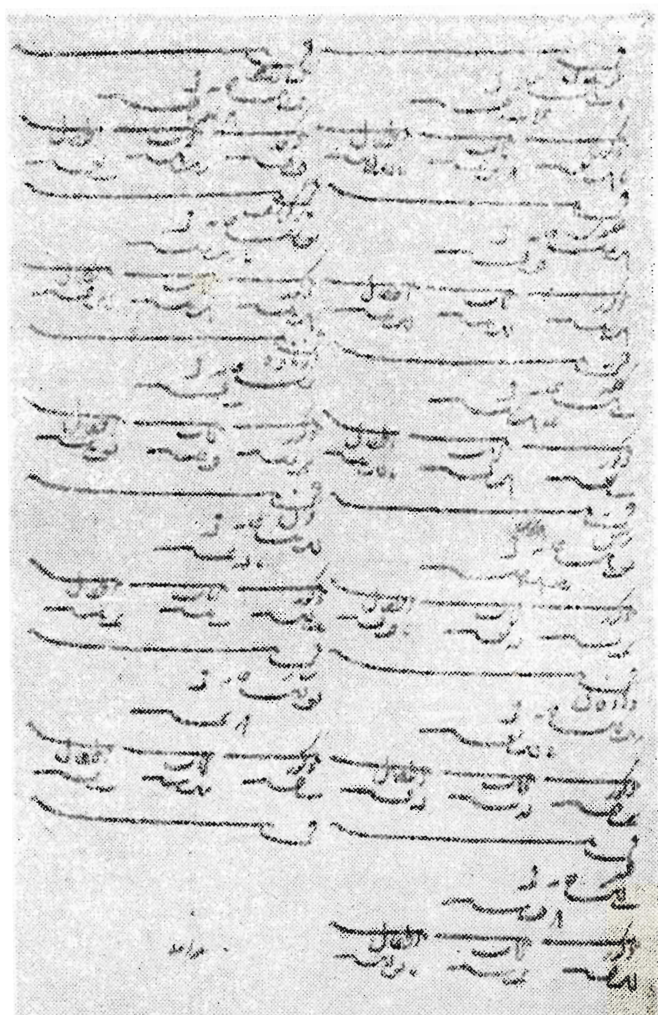
[illegible]

[illegible]









[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

معادن کاشان

معدن زاج سفید ـ در حدود قریهٔ ابوزیدآباداست . ملکی ورثهٔ مرحوم امین الدوله وورثهٔ مرحوم آقا سید مهدی پشت مشهدی . رعایای آنجا اجاره کرده به‌عمل می آورند .خاکی‌است سفید رنگ ، حمل کرده.به کاشان وسایر بلاد می‌برند . در عمل صباغی وارسی دوزی به‌کار می‌رود .

معدن لاجورد ـدرحدودقریهٔ قمصر.ملکی‌سادات‌لاجوردی‌است. مشهور است که جد اعلای سادات در دامنهٔ‌آن کوه گذشته ، از همت سیادت خواسته که ای کاش‌این کوه طلا می‌شد ،فی الفور از کرم بی انتهای خداوندی‌آن کوه طلا شده . سید تنگ سینه چون دید گفت کاش کور شود چشمی که چیز کم از خداوندکریم خواسته (چون کوه در جنب کرم خداوندی کاهی بـود) . چشم سید کور شد ! بعد از کوری گفت ای کوه ! کاش بسوزی که چشم من به واسطهٔ تو کور شد ، همان ساعت کوه‌آتش گرفته سوخت وسنگ اوحالت لاجورد پیدا کرد. اولادآن‌سیدتصرف درآن کوه دارند وبه‌**سادات لاجوردی**

مشهورند . اول سنگ را از کوه کنده صلایه نمایند و آن سنگ صلایه کرده را درظرف پر آبی کرده ، خرخره کرده ، سنگ ته نشیند ولاجـورد مخلوط به‌آب شود. آب را ساعتی درظرف دیگر کنند، لاجورد ته نشیند و آب صاف شود . آب راریخته‌لاجورد را گلوله کنند وبه ولایات‌برده بفروشند. به کارنقاشان می‌خورد وظروف را از او نقاشی می کنند .

معدن الماس ناقص ـ در بین قریهٔ قمصر وقریـهٔ قهرود است . در میان چند کوه بزرگ بیرون می‌آیـد . اصل‌آن از تپهٔ خاکی است مانند ریـواس می‌رویدشاخه شاخه به قدربندانگشت. چهارترك دارد وهشت ترك. به اصفهان می‌برند از قرار شش هزار می‌فروشند . اسباب یراق اسب است وبسیار از سر قلیان‌ها را مطلاکرده از او بـه کار می‌برند . شفاف وبراق است . در ظاهـر الماس نماست . به‌کار شیشه بریدن می‌خورد . خطی به شیشه می کشد .

معدن سنگ مرمر ـ بلا مالك در میان بیابان جوشقان وفرح آبـاد امین الدوله واقع‌است . سنگ‌های یك ذرع‌طول وعرض درآنجا یافت می‌شود که سفید وصاف است .

بلوکات و توابع

قریه لتحر

درطرف اعلای شهرواقع است ازطرفی که به قمصر می‌رود . آب آن از کوهسار رود خانهٔ قمصر است که از سه کوه بزرگ دامنه دارمی‌آید . آبهای کوهسار که جمع می‌شود وارد رودخانه می‌شود ، درآنجا تقسیم شده نصف رود خانه حقابهٔ قمصر است نصف مال قریهٔ لتحر است . در جلو آن سلطان [جلال] الدین‌خوارزمشاهی درمیان درهٔ کوه بندی ساخته‌است که ته‌بند چهل وپنج ذرع عرض دره می‌باشد وهر چه بالا می‌آید وسیع‌تر می‌شود تا آن که بالای بند به هفتاد ذرع می‌رسد. در زمستان وبهارآبها درپشت بندجمع شده ، دروقت‌حاجت سوراخ‌هاداشته که یك‌یك‌راباز نموده‌به قدر کفاف می آورده‌اند. به مرور دهور آن سد خراب شده بود ومحل انبار آب به‌کلی از میان رفته بود . درسال‌های پربارشی به قدر کفاف آب ازچشمه سارمی‌آمد ، درسال‌های کم بارشی مزارع ودهات لتحر خشك می‌شدکه از عهدهٔ مالیات دیوانی بـر

نمی‌آمدند . مالکین لتحربه قدر پنج هزار تومان خرج کرده ، به قدر ده ذرع سد را بالاآورده‌اند . قدری ازبرای آنها وسعت پیدا شده است وبه قدرپانزده ذرع آن باقی است که بی مدد دیوان ساخته نمی‌شود . هر گاه مرحمتی شود مالیات لتحردوبرابر می‌شود . دربین راه مرورآب هفت طاحونه ساخته‌اند که ازآن‌آب دایر است ومدار گردش‌آب آنها چهارده شبانه روزاست که هرشبانه روزی یك صد وپنجاه سرجه قسمت می‌شود که جمع آن دو هزار ویك صد سرجه‌باشد وهرده سرجه‌را یك طاق نامیده‌اند که هرساعتی‌شش‌سرجه می‌شود الاخمس ، وهر دو ساعت ربع کم را یك طاق قرار داده‌اند که کل آب آنجا دویست وده طاق می‌شود . خالصه وار‌بابی دارد .

خالصهٔ دیوانی ـ ۹ طاق

اربابی ـ ۲۰۱ طاق

حاصل آنجا ازشتوی گندم وجو وباقلا ، صیفی خربزه وهندوانه وخیار وبادنجان . باغات آنجا از میوه‌های بهاره همه نوع دارد . سبزی‌آلات خوب می‌شود . به واسطهٔ قرب به شهرخوب به فروش می‌رود .

مالیات دیوانی ـ نقد: هزار وپانصد وچهارده تومان و۳ هزارو۲۰۰ دینار
جنس : حبه ۱۲۰ خروار و۱۰ من ، کاه یك خروار و۳۰ من

نفوس ـ ٤٥ خانه ـ ۱۸٥ نفر (ذکور: ٦۲ نفر ، اناث : ۷۱ نفر ، اطفال: ٥۲ نفر)

مزرعهٔ صفی‌آباد

از مزارع حومهٔ شهر . اراضی آنجاکم وسعت ورشوه خوار است . هر زمینی را سالی دوبار زراعت می‌کنند وهردفعه شخم زده‌خاشاك می‌ریزندآب

آن از رودخانهٔ قهرود است . شاه صفی صفوی درآنجا بندی بسته است که دهنهٔ آن سی وشش ذرع وارتفاع آن بیست ویك ذرع است. درزمستان وبهار آب درآنجا جمع شده در وقت حاجت به قدر کفاف می‌آید . حاصل آنجا گندم وجو وباقلا وخربزه وخیار وتنباکو وسایر سبزی‌آلات خوب دارد .

مالیات ـ ۲۱٤۲ تومان و۳ هزار و۳٤٥ دینار

نفوس ـ جزو سکنهٔ پشت مشهد نوشته شده

مزرعه درب فین

از مزارع حومهٔ شهر . آب اوازچشمه سلیمانی فین‌ازجمله شصت وهشت طاق که سهمی این مزرعه ومزرعه ناجی‌آباد است . اراضی‌آنجا رشوه خوار وکم وسعت است که سالی دوبار کشته می‌شود . حاصل گندم وجو وباقلا ، صیفی اغلب پنبه وتنباکو وتریاك است . خربزه وهندوانه وخیار دارند .

مالیات ـ نقد: ٥٦۴ تومان و۲ هزار و۷٥۷ دینار، جنس : حبه ۸٥ خروار کاه ٦۰ خروار و۷۰ من

نفوس ـ جزو سکنهٔ شهر کاشان است

مزرعه حسن‌آباد

مشروب از شصت طاق‌آب چشمه فین علیا . اراضی آن رشوه خوار که سالی دو حاصل بر می‌دارند . محصولات گندم وجو وباقلا ولوبیا وکرچك وتنباکو دارد . جوزق وهندوانه درآنجا خوب می‌شود . آبادی‌آنجا ازجمیع ملزومات دارد ازخانه وحمام ومسجد وباغات .

مالیات ـ نقد : ۱۳۰۱ تومان و٦ هزار و ٦٤۰ دینار ، جنس : حبه ۱۸٦

خروار و۹۵ من/ کاه ۱٦٥ خروار
نفوس ـ ٦٥ خانه ـ ۲۹٦ نفر (ذکور : ۸۲ نفر ، اناث : ۹۱ نفر ، اطفال ۱۲۳ نفر)

مزرعه‌آب شاه

درحوالی خیابان درب دروازه دولت . محل زراعت مشهور به چهارباغ مشروب ازآب یك رشته قنات خود درممر نهرآن باغی باروح وصفا وبزرگ ساخته شده مشتمل برعمارات عالیه ، وحوضخانه وسیع دارد . ملکی حاجی آقا محمد تاجراست درحوالی برج وبارهٔ شهر. کشت می‌شود مثل حسن‌آباد.
مالیات ـ ٦۱٤ تومان
نفوس ـ از سکنهٔ شهر کاشان می‌باشند

مزرعه ناجی‌آباد

مشروب ازآب سهمی فین علیا که به جهت درب فین می‌آید . اراضی رشوه خـوار دارد . حاصل گندم وجـو وباقلا وجوزق وکرچك وهندوانه وخربز وخیار وتنباکو دارد.
مالیات ـ نقد : ۳۱٥تومان و۱هزار و٥۲٥ دینار ،جنس : حبه ۱۸٦خروار و۳٤ من/ کاه ٦۸ خروار و۸٥ من
نفوس ـ از سکنهٔ شهر کاشان می‌باشند

مزرعهٔ فیض‌آباد (حکیم شهره)

مشروب ازآب‌قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم وجو وباقلا وجوزق وکرچك وخربزه وهندوانه وغیره دارد .

مالیات ـ ۱۶ تومان و۶ هزار و ۷۱۰ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ شهر کاشان رعیت دارد

مزرعهٔ زیدی

مشروب قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . درحومهٔ شهر واقع است
حاصل گندم وجو وباقلاوصیفی خربزه وهندوانه وتنباکووجوزق و کرچك است

مالیات ـ ۱۹۲ تومان و۷ هزار و۳۳۶ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعه جمال آباد

مشروب از یك رشته قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد .
حاصل گندم وجواست . صیفی خربزه وهندوانه وخیار است . جوزق وکرچك
خوب دارد .

مالیات ـ ۱۵۹ تومان و ۹ هزار و۵۴۰ دینار

نفوس ـ اهالی پشت مشهد می‌باشند

مزرعهٔ صالح آباد

مشروب از یك رشته قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد .
حاصل گندم وجووباقلا ، صیفی جوزق و کرچك وتنباکو وخیار . کرم ابریشم
ودرخت توت درآنجا دارد وخوب به عمل می‌آید .

مالیات ـ ۴۹۸ تومان و ۸۱۰ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعه عیسی‌آباد

مشروب ازیك رشته قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم وجو است . صیفی جوزق و کرچك وخربزه وهندوانهٔ خوب دارد .

مالیات ـ ٢٦٦ تومان و٦ هزار و٢٦٦ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعهٔ مرادآباد

مشروب ازآب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خواردارد . حاصل گندم وجو وباقلاست . صیفی جوزق و کرچك وخربزه وهندوانه می‌باشد .

مالیات ـ نقد : ١٤٤تومان و٧ هزار ٢٦٠ دینار ، جنس : حبه ٢٠خروار و٤٠ من/ کاه ١٨ خروار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعه یحیی‌آباد

از مزارع حومهٔ شهر . مشروب از قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم وجو وباقلا دارد . صیفی جوزق و کرچك وخربزه وهندوانه دارد .

مالیات ـ ١٣٣ تومان و٤ هزار و٦٠ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعهٔ محمدآباد

مشروب از آب قنات مخصوص‌خود . اراضی رشوه خوار دارد .حاصل آنجا گندم وجووباقلا .صیفی کاری‌جوزق و کرچك وتنباکووخربزه وهندوانه وخیار دارند .

مالیات ـ ۳۰ تومان

نفوس ـ سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

مزرعه غیاث‌آباد

مشروب ازآب قنات مخصوص‌خود . اراضی رشوه‌خوار . حاصل‌آنجا گندم وجو وباقلاست وصیفی خربزه وهندوانه وجوزق و کرچك .

مالیات ـ ۲۲۰ تومان و۳ هزار و۳۶۳ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد است

مزرعه ملا حبیب

مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خـوار . حاصل آنجا مثل سایر مزارع است .

مالیات ـ ۱۶۲ تومان و۳ هزار و۳۹۹ دینار

نفوس ـ از سکنهٔ پشت مشهد می‌باشند

قریه فین

دوقریه می‌باشد که از چشمهٔ فیـن مشروب می‌شود واین چشمه وقریه از

مشاهیر قراء است . درحقیقت اگر فین در کاشان نبود محل نزهتگاهی در آنجا نبود . فین در کاشان نظیر سغدسمرقند وغوطهٔ دمشق است . وآن واقع‌دردامنهٔ کوهی یك فرسخی کاشان مشهور به‌کوه دندانه هفت‌کتل . در بنای عمارات وچشمهٔ آنجا خلاف کرده‌اند بعضی اوراقنات می‌دانند ،بعضی چشمه دانسته‌اند اگر چه چند پشته از آن کنده‌اند معلوم نیست قنات باشد . به قدر ده سنگ مساحی آب دارد . در جلوآن عمارات عالیه ساخته‌اند که مستغنی از توصیف است. اگر شرح‌عمارات وباغات آنجا مفصلا داده شود اسباب تطویل‌می‌شود. مختصراً در آنجا دو آب نماست یکی از برای مردان ویکی از برای زنها . سلاطین‌صفویه درآنجا عمارات دلگشا وباغات با صفا ساخته‌اند ودر کنار باغ آنجا خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار عمارتی سلطانی بنا کرده است که خیلی تعریف دارد واز برای مخارج تعمیرات او خرجی از مالیات کاشان مقرر داشته که به قدر کفاف تعمیرات آنجا نیست وروی به انهدام‌آورده است . اگر چه در سنهٔ ماضیه جناب جلالت مآب‌آقای**اعتضاد الدوله** در تعمیرات آنجا سعی بلیغ‌فرمودند وعلاوه برمخارج مقرره ازخود درآنجا مبلغی‌خرج کردند لیکن تماماً تعمیر نشده .

در اصل بنا وجریان این چشمه [را] از بناهای گشتاسب می‌دانندکه در وقت سفر رزم با ارجاسب خاقان چین همت بر آبادی‌آنجا گماشته . از این قرار دخلی به توابع کاشان نداردبه جهت آن‌ که کاشان درخلافت هارون‌الرشید احداث شده وفین قدیم‌بوده است . وازآن دو قریه است فین علیا وفین سفلی، وعمارات سلطانی درفین علیا واقع است وفین‌سفلی‌عمارات وآبادی بزرگ معظم دارد وازآن‌آب احداث گشته، وعلاوه ازآن دو قریه بر لتحروحسن‌آباد وناجی‌آباد که از مزارع حومهٔ شهر ندمی‌رود واز حوضخانه‌ها که بیرون‌می‌رود

دونهر می‌شود یکی از پشت دیوار باغ شاه گذشته ، وارد باغ وآسیای کلانتر می‌شود وازآنجا به باغات طواحین جنوبی تقسیم می‌شود ونهر دیگر داردکه از حوضخانهٔ که بیرون می‌آید که حوضخانهٔ زنانه است به‌شتر گلوی باغ شاه گردش کرده ، داخل آسیای‌خونی می‌شود وازآنجا گذشته ، به فاصلهٔ کمی آن دونهربه هم متصل‌می گردد وازباغات وعمارات عبور کرده‌تا موضع مقسم‌به ده جوب ونیم منقسم می‌شود وآبی‌در آنجابه قدرنیم جوب‌ازچشمهٔ دنبلی بیرون می‌آیدکه زیاده‌بر ده‌جوی منقسم‌می‌شود. واین قسمت ازقدیم الایام برقراربوده وبه‌قراء ومزارع تقسیم می‌شود . واین آب نصف‌خالصهٔ دیوانی ونصف‌اربابی است . ونصاب قسمت آن‌را سیصدوهشت طاق قرار داده‌اند هرطاقی یك روز وهر روزی هفتاد وپنج سرجه می گویند (سرجه جامی است‌که ته اوسوراخ کوچکی داردکه‌آب را به او پیمایش می کنند وهر شش سرجـه یك ساعت نجومی می‌شود) . از این قرار است :

۳۰۸ طاق

فین علیا ـ ۳۵ طاق/فین سفلی ۹۸ طاق/حسن آباد ـ ۶۰ طاق / مزرعهٔ درب فین ـ ۶۷ طاق/وقف شهر ـ ۸ طاق/مزرعهٔ لتحر ـ ٤۰ طاق

وتقریباً از این‌آب وملك ده هزار نفس ازمالك ورعیت ومستأجر.گذران می کنند . حاصل آنجا از باغات همـه نوع درختی خوب وبرومند می‌شود وغالب اشجارانار زاغه وشاه پسند وشیرین پروانه وپوست نازك دارد . انگور عکسری بی دانـه وصاحبی وشیرازی خوب دارد . آلوچه وقیسی وزردآلو وهلو وشلیل زرد وسرخ وشفتالو وگلابی وآلوبالو وانجیر بی دانه وانواع توت‌خوراکی دارد. حاصل‌زمینی گندم وجو وجوزق وکرچك وسایرحبوبات دارد .

مالیات ـ نقد : ۳۲۵٤ تومان و ۱ هزار و ۷۵٤ دینار ، جنس : حبه ۳۹۵ خروار و ۳۰ من / کاه ۱۷۵ خروار و ۸ من

[فین‌علیا ـ نقد: ۹۷۹ تومان و ٤ هزار، جنس: حبه ۹۲ خروار و ۳۰ من / کاه ۸۱ خروار و ۷۲ من

فین سفلی ـ ۲۲۷٤ تومان و ۷ هزار و ۷۵٤ دینار، جنس: حبه ۳۰۳ خروار کاه ۹۳ خروار و ۳۰ من] [1]

نفوس ـ ۲۱٤ خانه ـ ۲۱۷۵ نفر (ذکور : ۵٤۰ نفر ، اناث : ۵۸۸ نفر ، اطفال : ۱۰٤۷ نفر)

قریهٔ راوند

از پنج رشته قنات دایراست که یکی ازآنها چشمه بوده ومحل ظهورآن آب‌ها مزرعهٔ نابربزرگ است، اگرچه‌الحال چند چاه برای‌آن خو کرده‌اند. آبش روشن وباصفاست بعینهاآب چشمه فین درطعم ومزه . در سال‌های کم بارشی کسر ونقصان ندارد . راوند ازبناهای راوند ضحاك است وعمدهٔ‌آب او ازچشمهٔ نابر بزرگ است که هشت فرسنگ از میانهٔ دره عبور کرده ، وارد جلگه می‌شود. ده حجرطاحونه که درممرآب ساخته‌اند گردش کرده، به ترتیب که درمعبرنهراست . درکنار هرطاحونه باغ واشجاراست . چون وارد دشت راوند می‌شود هرکس مطابق‌سهم سرجه پیمایی سهم‌خود را به جهت زراعت می‌برند . باغات آنجا زیاد است . جزو عمدهٔ اشجارآنجا انار است ودرخت توت ابریشم . حاصل زمینی گندم وجو وخربزه وهندوانه وجوزق وکرچك وتنباکو . بعضی سال‌ها درآنجا سن خواری می‌شود . کم گندم می‌کارند .

مالیات ـ ۱۲۳۷ تومان و ۷ هزار و ۲۱۷ دینار

---

۱ . درموردکاه ٦ من اختلاف حساب میان دو رقم سیاقی مالیات دوقریهٔ فین علیا وسفلی با جمع بالا وجود دارد.

نفوس ـ ۹۷۵ نفر (ذکور : ۲۶۳ نفر، اناث : ۲۸۲ نفر، اطفال ۴۳۰ نفر)

قریه طاهرآباد

که کاشی‌ها طهر آباد می‌نامند . مشروب از یـك رشته قنات مخصوص خود . آبادی بزرگ پر رعیت دارد . باغات وعمارات باروح وصفا دارد . چهارطاحونه به ترتیب درآنجا گردش می کند . اغلب میوه انار وانجیر است. چون هوای گرمسیر دارد اشجار ییلاقـی خوب ندارد . اراضی رشوه خوار دارد . مزرعهٔ نیق که از مزارع مشهوراست جزوآنجاست. حاصل زمینی گندم وجو وباقلا وجوزق وکرچك وتنباکو وخربزه وهندوانه دارد .

مالیات ـ ۹۷۴ تومان و۹ هزار و۶۱۴ دینار

نفوس ـ ۲۱۴ خانه ـ ۱۱۲۸ نفر (ذکور : ۲۹۳ نفر ، اناث : ۳۲۸ نفر ، اطفال : ۵۰۷ نفر)

قریه خزاق

مشروب از دورشته قنات که یکی ازآنها مشهور به قنات شب قول است یعنی شبکور، هرکس سه نوبت ازآن بیاشامد شبکورمی‌شود . درظاهرباصفا ودرباطن مزهٔ روغن چراغ دارد . مهوع است . تا یك روز طعم‌آن در دهان می‌ماند وهرگز فراموش نمی‌شود . قنات دیگر او آب شیرین دارد . چـون مخلوط به یکدیگر شود هردوضایع شود . آب خوراکی آنها از قریهٔ خلف آباد است . واین قریه قریب به دو کوه است در دوسمت جنوب وشمـال . واین دوچشمه از پایان‌کوه جاری است . به قدر یك سنگٔ آسیا آب دارد .

بانی او سیدی‌از قبیلهٔ خزائل ساخته است [1] . اراضی ریگ‌بوم دارد درغایت رشوه خواری . حـاصل اغلب جو وقلیلی گندم وجوزق وکرچك وسایـر میوه‌هاست .

مالیات ـ ۸٤۸ تومان و٥ هزار و۳۲٥ دینار

نفوس ـ ۹٥ خانه ـ ۱۱۲۸ نفر (ذکور : ۲۲۲ نفر ، اناث : ۲۳٥ نفـر ، ۳٦٤ نفر) [2]

قریه یزدل

از قراء گرمسیر است . مشروب از سه رشته قنـات مخصوص خود . از دهات معتبرآباد است . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم وجو وجوزق وکرچك وخربزه وهندوانه وتنباکو دارد .

مالیات ـ ۲۹۳ تومان و٥ هزار و۳۲۰ دینار

نفوس ـ ۲٤٤ خانه ـ ۱۱۲۸ نفر (ذکور : ۳۱۰ نفر ، اناث : ٤۰۸ نفر ، اطفال : ٤۱۰ نفر)

قریه مشکان

از قراء بسیار گرمسیر است . عقرب‌های بزرگ سیاه دارد . مشروب از چهار رشته قنات. حاصل گندم وجووجوزق وکرچك وتنباکوی خوب دارد.

مالیات ـ ۳۰۸ تومان و۳٤ دینار

---

۱ . کذا .

۲ . کذا ، مجموع این سه رقم ۸۲۱ می‌شود پس رقم ۱۱۲۸ درجمع بالا سهوالقلم است وتکرار رقم نفوس قریهٔ پیشین به خطا .

نفوس ـ ٤٥ خانه ـ ٢٦٧ نفر (ذکور : ٦٧ نفر، اناث : ٨٨ نفر ، اطفال: ١١٢ نفر)

قریهٔ ساروق

از دهات گرمسیر است در نهایت گرمی . مشروب از یك رشته قنات . حاصل آنجا گندم وجووجوزق و کرچك وتنباکوست . در این قریه تخم تنباکو می کارند وبه سایر دهات برده می کارند بهتر از دهات دیگر می‌شود وخوب به فروش می‌رود وحاصل تخم تنباکودر هرشهری اسمی دارد ، در کاشان چقر می گویند ودر قم نشاء گویند ودر کمره و گلپایگان تولك می‌نامند .

مالیات ـ نقد : ٣٦٥ تومان و٤هزار و٧٥٠ دینار ، جنس : حبه ٢٥خروار و٣٨ من / کاه ٢٠ خروار و٤٠ من

نفوس ـ ٣٥ خانه ـ ١٥٨ نفر

توابع آنجا ـ مزرعه دنباله/مزرعهٔ ملك‌آباد/مزرعهٔ عبدالله آباد

قریه نصرآباد خربزه

چون مزارع نصرآباد در حدود کاشان بسیار است لهذا این را نصرآباد خربزه نامیده‌اند . از یك رشته قنات خالصه دایر است . هوای آنجا گرمسیر است .حاصل آنجا گندم وجو وصیفی‌اغلب‌خربزه وهندوانه وجوزق و کرچك خربزه کاری را درآنجا بسیارخوب می کنند که همهٔ بلاد حول وحوش‌می‌برند خربزهٔ تخم قندآنجا مشهور ومعروف است . خیلی تعریف دارد .

مالیات ـ نقد : ٩٣٢ تومان‌و٣ هزار و٧٨٢ دینار ، جنس : حبه ١٤خروار و١٥ من/ کاه ١٠ خروار

نفوس ـ ۱۲۰ خانه ـ ۵۹۲ نفر (ذکور : ۱۳۵ نفر ، اناث : ۱۵۸ نفر ، اطفال : ۲۹۹ نفر)

مزارع کبیر

چون مزارع مختصری است به شرح فرداً فرد اونپرداخت . همه گرمسیر است . حاصل جوو گندم وجوزق و کرچك دارد . خربزه کاری وتنباکو کاری دارند . بعضی قدیم النسق است که مالیات قدیم دارد وبعضی جدید النسق که در این دولت جاوید آیت آباد شده ومالیات بر آنها وارد آورده‌اند . مالیات آنها نموده می‌شود تا استعداد هر یك از قرینهٔ مالیات معلوم شود که چه قدر بذر وبرداشت دارد :

قدیم النسق

مزرعهٔ حاجی آباد ـ ٤٨ تومان و٤ هزار و٨٥٤ دینار

مزرعهٔ شهاب آباد ـ ١٦٤ تومان و٥ هزار و٦١٤ دینار

مزرعهٔ محمدآباد ـ ٦٠ تومان و٥ هزار و ٣١٥ دینار

مزرعهٔ سلیم آباد ـ ٦٠ تومان و٥ هزار و١٥٥ دینار

مزرعهٔ ابراهیم آباد ـ ٤ تومان و٣٩٠ دینار

مزرعهٔ بطریدآباد بیزدل ـ ٣٤ تومان و٥ هزار و٧٥٩ دینار

مزرعهٔ جعفر آباد بزرگ ـ ٣٥ تومان و٦ هزار و٧٣٧ دینار

مزرعهٔ جیلان ـ ٤٠ تومان و٥ هزار

مزرعهٔ دولت آباد حاجی اشرف ـ ٦ تومان و٢ هزار و٣٣٠ دینار

مزرعهٔ دولت آباد حاجی ابوالحسن ـ ١٠٠ تومان و٩ هزار و٦٢٥ دینار

مزرعهٔ محمودآباد - ۱۸ تومان و۸ هزار و۵۶ دینار

مزرعهٔ نیق - ۶ تومان و۲ هزار و۱۹۴ دینار

مزرعهٔ رضاآباد - نقد : ۱۰ تومان ،جنس : حبه ۳ خروار/ کاه ۳ خروار

مزرعهٔ حسکویه - ۱۰ تومان و۹ هزار و۲۳۷ دینار

مزرعهٔ دانه جرد - ۷۶ تومان و۷ هزار و۷۲۶ دینار

مزرعهٔ قوام‌آباد - ۱۲ تومان و۲ هزار و۹۹۴ دینار

مزرعهٔ کهکنویه [۱] - ۶۴ تومان و۶ هزار و۲۴۵ دینار

مزرعهٔ صاحب‌آباد - ۲۰ تومان و۱ هزار و۹۵۲ دینار

مزرعهٔ یحیی‌آباد بزرگ - ۲۰ تومان و۵۷ هزار

مزرعهٔ یحیی‌آباد کوچك - ۸ تومان و۷۸۰ دینار

مزرعهٔ چاله - ۲۴ تومان و۲ هزار و۳۴۲ دینار

مزرعهٔ ظهیرآباد - ۱۰ تومان و۶ هزار و۶۳۵ دینار

مزرعهٔ بطریدآبادآب شیرین - ۲۱۴ تومان و۶ هزار و۵۴۰ دینار

مزرعهٔ سن سن - ۲۲۷ تومان و۳ هزار و۲۲۰ دینار

مزرعهٔ سعدآباد کبیر - ۷۲ تومان و۳ هزار و۱۲۴ دینار

مزرعهٔ چیم [۲] - ۱۴ تومان و۱ هزار و۲۰۰ دینار

مزرعهٔ شمس‌آباد بزرگ - ۸۴ تومان و۶ هزار و۱۹۶ دینار

مزرعهٔ شمس‌آباد کوچك - ۲۰ تومان و۱ هزار و۹۵۲ دینار

مزرعهٔ خوابق - ۴۰ تومان و۲ هزار و۷۰۰ دینار

مزرعهٔ کدیش محمدآباد - ۴ تومان و۸ هزار و۹۶۰ دینار

---

۱ . کذا . درتاریخ کاشان ضرابی : ۱۳۹ « کهنویه »آمده است .

۲ . کذا ، در تاریخ کاشان ضرابی : ۱۴۱ « خیم » ضبط شده است .

مزرعهٔ طمیجان ـ ٦ تومان و٩ هزار و٧٥٠ دینار

مزرعهٔ درم ـ ٤٦ تومان و٧ هزار و١٨٥ دینار

مزرعهٔ یونس آباد ـ ٦ تومان و٥٩٣ دینار

مزرعهٔ اکبرآباد ـ ٦ تومان و٨ هزار و٣٦٠ دینار

مزرعهٔ کریم آباد ـ ١٠ تومان و٤ هزار و٦٠٠ دینار

مزرعهٔ مهدی آباد ـ ١ تومان و٣ هزار و٧٦٤ دینار

مزرعهٔ نجف آباد ـ ٤ هزار و٥٦٠ دینار

مزرعهٔ ابراهیم آباد ـ ٢٧ تومان و٥ هزار و٣٨٨ دینار

مزرعهٔ جعفرآباد کوچك ـ ٤ تومان و٣ هزار و٤٦ دینار

مزرعهٔ بدیع آباد وغیره ـ ٦٤ تومان و٩ هزار و٨٥٠ دینار (بدیع آباد : ١٩ تومان و٩ هزار و٨٥٠ دینار ، احمدآباد خالصه : ٤٥ تومان)

مزارع جدید النسق

مزرعهٔ فیض آباد ـ ٢٤ تومان

مزرعهٔ رحمت آباد ـ ١٠ تومان

مزرعهٔ هاشم آباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ در بیجه ـ ٦ تومان

مزرعهٔ امین آباد ـ ١٠ تومان

مزرعهٔ شوراب ـ ٦ تومان

مزرعهٔ حسین آباد ـ ١٠ تومان

مزرعهٔ قاسم آباد ـ ١٠ تومان

مزرعهٔ مهدی آباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ ملك‌آباد -- ٦ تومان

مزرعهٔ حسين‌آباد . . . . -- ٢ تومان

مزرعهٔ فيروزآباد -- يك تومان

مزرعهٔ شوكت‌آباد -- يك تومان

مزرعهٔ محمدآباد -- ٨ تومان

مزرعهٔ قلولو -- ٦ تومان

مزرعهٔ فيض‌آباد -- ١٣ تومان

مزرعهٔ منصورآباد -- ١٨ تومان و٧ هزار

مزرعهٔ مندل‌آباد -- ٥ هزار

مزرعهٔ مباركآباد -- ١٤ تومان

مزرعهٔ اميرآباد -- ٤ تومان

مزرعهٔ موسى‌آباد -- ٤ تومان

مزرعهٔ رحيم‌آباد -- ١٦ تومان

مزرعهٔ محمدآبادآران -- ١٥ تومان

مزرعهٔ عابدين‌آباد -- ٨ تومان

مزرعهٔ قاسم‌آباد -- ٢ تومان

مزرعهٔ عالى‌آباد -- ٤ تومان

مزرعهٔ خيرآباد سن سن -- ١٥ تومان

مزرعهٔ قوام ويگ -- ٦ تومان

مزرعهٔ نو ابوزيدآباد -- ١٠ تومان

مزرعهٔ خواجه نور الدين -- ٢ تومان

مزرعهٔ سعدآباد -- ١٥ تومان

مزرعهٔ نوذرآباد وغیره ـ ۱۳تومان (نوذرآباد : ۶تومان ، خیرآبادآران ۷ تومان)

مزرعهٔ علی‌آبادآران ـ یك تومان

مزرعهٔ حسین‌آباد بید گل ـ ۲۰ تومان

مزرعهٔ ملا محمود ـ ٤ تومان

مزرعهٔ الله‌آباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ شهر یاری ـ ٤ تومان

مزرعهٔ حسین‌آباد مبلغ‌آباد ـ ۲ تومان

مزرعهٔ شمس‌آباد ـ یك تومان

مزرعهٔ محمدآباد ـ ۲ تومان

مزرعهٔ زنگنه ـ ۲ تومان

مزرعهٔ فرح‌آباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ نصف راه ـ ٥ هزار

مزرعهٔ مرزن‌آباد ـ ۱۲ تومان

مزرعهٔ برزآباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ ابوالعباس ـ ۲٥ تومان

مزرعهٔ حاجی عبدالغنی ـ ٥ هزار

مزرعهٔ شیرآباد ـ ۳٥ تومان

مزرعهٔ شورابه ـ ٦ تومان

مزرعهٔ تجرگان ـ ٦ تومان و۳ هزار

مزرعهٔ حاجی ملا احمد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ قاسم‌آبادآقا محمد ـ ٤ تومان

مزرعهٔ حسن آباد ـ ۲ تومان

مزرعهٔ مصطفی آباد ـ ٤ تومان

مزرعهٔ کویر آباد ـ ٦ تومان

مزرعهٔ ورسوی سار ـ ٤ تومان

مزرعهٔ یحیی آباد سفلی ـ یك تومان و ٥ هزار

مزرعهٔ آدم آباد کوچك ـ ۲ تومان

مزرعهٔ بدیع آباد مشهد ـ یك تومان

مزرعهٔ رباط جه ـ ۲ هزار و ٥٠٠ دینار

مزرعهٔ بحر ـ ٦ تومان

مزرعهٔ جعفر آباد ـ ۱۰ تومان

مزرعهٔ پریان ـ ٤ تومان

مزرعهٔ وزیر ـ ۱۰ تومان

مزرعهٔ یوسف آباد ـ ١٥ تومان

مزرعه جعفر آباد

ملکی حاجی سیدجعفر طباطبائی تاجر . داخل مزارع جدید النسق است چون در آنجا زحمت زیاد کشیده وخرج زیاد نموده مجملا ذکر می‌شود که این مزرعه در دوفرسخی کاشان است در دامنهٔ سنگلاخ که اراضی او را به کمال صعوبت آباد کرده‌اند وقناتی جاری ساخته ، در دهنهٔ قنات به قدر دو خروار زمین را باغی ساخته در نهایت صفا واشجار جنات الفافاً از همه نوع میوه ودرخت ، ودر زیر باغ خانه‌ای ساخته مشتمل بـر عمارات عالیه ، ودر وسط آن عمارات حوضی است که ثلث آب وارد حوض می‌شود ودو ثلث از

دوطرف می‌رود از کنار اشجار صنوبر وسفیدار وچنار، واز آنجا وارد استخری می‌شود که سی وپنج ذرع عرض وچهل وپنج ذرع طول ودو ذرع ونیم عمق دارد ودر کنار آن از چهار طرف اشجار است . خیلی جای بـا روح وصفائی ودر کنار آن باغات وعمارات است . اغلب حاصل اشجار آنجا توت ابریشم است . آب آن قنات آنچه در نزدیکی آن قنات است مشروب می‌سازد وآنچه در دور دست است به خودی خـود نمی‌رسد ، در سنگلاخ فرو می‌رود . آن استخر را ساخته‌اند که یك شبانه روز آب در آنجا بسته می‌شود وبعد باز کرده به سر اشجار وباغات می‌برند . در آن مزرعه غله بـه قدر کفاف رعیت عایـد نمی‌شود ، باید از جای دیگر بیاورند . لیکن حاصـل درختی دارند . خاشاك در آنجا باری پانصد دینار داده می‌شود که از شهر کاشان می‌آورند . بـا وجود این مخارج جای با روح وصفا ساخته که نزهتگاه خوبی وهوای معتدلی دارد اکثر مردم خوش مشرب در آنجا در تابستان‌ها می‌روند . والسلام .

قریه علی آباد ومدآباد

از قراء گرمسیر است . اگر چـه اراضی اوخاك بوم است ولـی رشوه خوار است . مشروب ازآب دورشته قنات مخصوص خوداست . حاصل شتوی گندم وجو وباقلا دارد وصیفی جـوزق وکرچك وتنباکو وهندوانه وخربزهٔ لطیف شیرین دارد که ممتاز است .

مالیات ـ ۵۵۸ تومان و۸ هزار و۱۳۳ دینار

نفوس ـ ۱۸۵ خانه ـ ۸٤٤ نفر (ذکور : ۲٤۲ نفر ، انـاث : ۲۷۵ نفر ، اطفال : ۳۲۷ نفر)

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ منصورآباد/مزرعهٔ محمدآباد/مزرعهٔ سلیم آباد/مزرعهٔ شفیع آباد
مزرعهٔ شاه علی آباد

قریه نوشاباد

از قراء معتبر بزرگ است که چهارمسجد و شش حمام وچهل‌ویك دکان کاسبی‌دارد ودر جلوبند ریگ واقع است . اگر چه اراضی رشوه خواردارد رعیت آنجاباسلیقه زراعت می کنند و پنبه کاری‌خوب‌دارند . باغات‌انار وانجیر دارد . مشروب‌ازدورشته قنات مخصوص خوداست.حاصل جوو گندم‌وجوزق وکرچك وخربزه وهندوانه دارد وکرم ابریشم درآنجا بسیار است .

مالیات ـ نقد : ۲۲۵۲ تومان و۹ هزار و۳۷۰ دینار ، جنس : حبه ۱۰ خروار و۶۵ من/کاه ۹ خروار و ۴۰ من

نفوس ـ ۲۷۶ خانه ـ ۳۶۵۴ نفر (ذکور : ۱۱۲۸ نفر ،اناث : ۱۱۹۷ نفر اطفال : ۱۳۲۹ نفر)

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ معین آباد/مزرعهٔ محمد آباد/مزرعهٔ نصرآباد/مزرعهٔ علاقه‌آباد/ مزرعهٔ تاج‌آباد/مزرعهٔ نور آباد/مزرعهٔ عبدل‌آباد/مزرعهٔ جلال آباد/مزرعهٔ اسحاق‌آباد/مزرعهٔ مستوفی وغیاث‌آباد

قریه‌آران

از مستحدثات آران بن سام بن‌نوح است . قریه‌ای است به غایت بزرگ که در توابع کاشان از او بزرگ تر نیست . مشروب از دورشته قنات . حمام ومساجد و کاروانسرا ودکاکین زیـاد دارد . در جمعیت شهر کوچکی است .

اراضی وصحرای ریگ روان دارد چنانکه در زمستان از گل ولای در آنجا عبور مشکل است ودر تابستان هر وقت بادهای عاصف حرکت کند ریگ روان شود مانند سیلاب ، وتپه وماهورها احداث کند . زراعت وباغات آنجا نقلی ندارد . مردم آنجا کاسب واهل صنایع می‌باشند . زنها ریسمان‌های خوب به عمل آورده ، جولاهای خوب دارند . ابره قبای آران مشهور است وآنچه ریسمانی خوب در آنجا می‌بافند به جهت شلوار وارخالق رعیتی به فروش می‌رود . اگر چه در سال‌های گرانی خیلی خانه‌ها بی ساکن مانده است الان روی به آبادی آورده است که از قرار مالیات وتعداد نفوس معلوم می‌شود :

مالیات ـ نقد : ٥٦٨٦ و ٣٠٠ دینار ، جنس : حبه ٣٤ خروار و ٢٧ من / کاه ٣٢ خروار و ٢٠ من

نفوس ـ ٥١٢ خانه ـ ٤٣٧٧ (ذکور : ١٢٢٥ ، اناث : ١٤١٨ ، اطفال : ٢٢٣٤) [1]

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ گلچین آباد/مزرعهٔ نصر آبادجه/مزرعهٔ منصور آباد/مزرعهٔ شیر آباد مزرعهٔ ابراهیم آباد/مزرعهٔ خرم آباد/مزرعهٔ حسین آباد/مزرعهٔ ظفر آهنگ/ مزرعهٔ سعادت آباد/مزرعهٔ شعیب آباد/مزرعهٔ فتح آباد/مزرعهٔ فرح آباد/مزرعهٔ نور آباد/مزرعهٔ آران دشت/مزرعهٔ وشاد / مزرعهٔ ملا قطب / مزرعهٔ مبارکه/ مزرعهٔ مین آباد/مزرعهٔ عبدل آباد/مزرعهٔ دولت آباد/مزرعهٔ غیاث آباد بزرگ/ مزرعهٔ استاد زاده/مزرعهٔ محمود آباد / مزرعهٔ شمش آباد / مزرعهٔ معین آباد/ مزرعهٔ غیاث آباد کوچك/مزرعهٔ نجف آباد/مزرعهٔ کریم آباد/مزرعهٔ احمد آباد/ مزرعهٔ مهدی آباد/مزرعهٔ علی آباد/مزرعهٔ خواجه الدین/مزرعهٔ محمد آباد قدیم

---

١ . جمع این ارقام ٤٨٧٧ است که با جمع بالا اختلاف دارد .

مزرعهٔ خیرآباد/مزرعهٔ عابدین آباد/مزرعهٔ ملامحمود شهره/ مزرعهٔ شورآباد /مزرعهٔ محمدآباد جدید وخواجه شاه محمود

قریهٔ بیدگل

از قراء معتبر . دربرابرقریهٔ‌آران است .درآب واراضی ورعیتی‌وکاسبی مثل هم می‌باشند الاآن که اهل آران‌مردمان کودن صادقی هستند [1] واهل‌بید گل باهوش وذکاء هستند. شعراء مشهور ازآنجابرخاسته‌اند‌از قبیل صباحی‌وهاتف در جلوبند ریگ واقع است وتاکاشان یك فرسخ مسافت دارد . هوای آنجا گرمسیر است . در سال‌های گرانی به قدر هزار خانه‌آنجا بی صاحب مانده وخراب شده است . الان اندك روی به‌آبادی‌آورده است .

مالیات ـ نقد : ۳۲۵۸ تومان و ۳۰۰ دینار ، جنس : حبه ۹۳ خروار/ کاه ۶۶ خروار و ۴۰ من

نفوس ـ ۴۳۵ خانه ـ ۳۴۹۵ نفر (ذکور : ۹۲۵ نفر ،اناث : ۱۱۲۸ نفر ، اطفال : ۱۴۵۲ نفر)

مزارع تابعهٔ‌آنجا :

مزرعهٔ محمودآباد/مزرعهٔ خلیل آباد/مزرعهٔ صابرآباد/مزرعهٔ حسن آباد/ مزرعهٔ فیض آباد/مزرعهٔ ایوب آبـاد/ مزرعهٔ دولاب/مزرعهٔ معین آباد/مزرعهٔ محمدآباد/مزرعهٔ معظم آباد/مزرعهٔ مهرآباد

قریه ابوزیدآباد

از قراء ییلاقی‌بزرگ معتبراست وتاکاشان شش فرسخ راه‌است .اراضی

---

۱ . این گفته البته نظرشخصی نویسندهٔ کتابچه است که دراواخرقرن سیزدهم می‌زیسته وحجت نیست .

رشوه خوار دارد . حاصل زمینی آنجا گندم وجو وجوزق و کرچك است . باغات آنجا اشجار ییلاقی دارد وهوای معتدل .

مالیات - ۱۲۱۷ تومان و ۵ هزار و۶۹۳ دینار

نفوس- ۱۳۸ خانه - ۲۲۲نفر (ذکور: ۲۲۵ نفر، اناث : ۲٤۸ نفر ،اطفال ۳۳۳ نفر)

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ گز /مزرعهٔفخره/مزرعهٔنور/مزرعهٔشهریاری/مزرعهٔ ویجن/مزرعهٔ قاسم آباد /مزرعهٔ حسین آباد/مزرعهٔ ابوزیدآباد

قریهٔ نصرآباد جیرویه

مشروب از یك رشته قنات مخصوص خود . در سه فرسخی شهر کاشان در سر راه اصفهان واقع است . اراضی بی معنی رشوه خوار داردکه کفاف نان خانهٔ آنها را ندارد . قریهٔ کوچکی است . سنگلاخ که به عسرت می کارند .

مالیات - ۱۱٤ تومان و ۵ هزار

نفوس - ۳۰ خانه - ۸۹ نفر (ذکور : ۲۸ نفر ، اناث ۳۰ نفر ، اطفال : ۳۱ نفر)

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ شهریان/مزرعهٔ استبف [1]/مزرعهٔ نـواب شهره/مزرعهٔ رباطچه/ مزرعهٔ شورابه

---

۱ . درتاریخ کاشان ضرابی : ۱۳۷ « اشکفت » آمده است .

قریه خرم دشت

قریهٔ مختصری‌است لیکن بسیار باروح وصفا. در سه فرسخی شهر کاشان واقع است . اراضی سنگلاخ‌رشوه خواردارد وهوائی معتدل . تا شهر کاشان سه فرسخ است . حاصل باغات آنها ممتاز است .

مالیات ـ ۹۶ تومان و۶ هزار و۷۵۲ دینار

نفوس ـ ۱۸ خانه ـ ۸۳ نفر (ذکور : ۲۲ نفر ، اناث : ۲۶ نفر ، اطفال: ۳۵ نفر)

قریه فراهان

قریه‌ای است به غایت کوچك . ییلاق خوبی است . تا شهر کاشان هفت فرسخ است . در وسط سه کوه واقع است . حاصل زمینی او کم که به قدرنان خودشان ندارند وباغات آنهانسبت به حال‌خود زیاد است . از همه نوع میوه دارد .

مالیات ـ ٤۸ تومان و۲ هزار

نفوس ـ ٤۱ خانه ـ ۲۹۵ نفر (ذکور : ۷۲نفر ، اناث : ۸۸ نفر ، اطفال ۱۳۵ نفر)

مزارع :

مزرعهٔ کبود دره/مزرعهٔ حسن کان/مزرعهٔ بونکری/مزرعهٔ لاسفید/مزرعهٔ کرجار

قریهٔ قمصر

بهتر وخوب تر ییلاق کاشان است از بابت آب وهوا وروح وصفا . فصل

گل ورياحين آنجا به صفاى گلستان ارم. گلاب قمصر درهمهٔ بلاد ايران مشهور ومعروف است كه در حقيقت بهترين عطرهاى دنياست . حاصل زمينى آنها كم است وباغات بسيار دارند . مشروب از شش رشته قنـات است ونصف آب دره‌ای كه به قريهٔ لتحر مى‌رود . تا شهر كاشان شش‌فرسخ است . اثمار لطيف پر آب دارد و آبهاى گوارا مثل ماء معين .

ماليات ـ نقد : ۱۴۳۲ تومان و۳هزار و۳۶۰ دينار ، جنس : حبه ۳خروار و۳۰ من/ كاه ۳ خروار و۳۰ من

نفوس ـ ۴۷۳ خانه ـ ۱۲۸۴ نفر (ذكور : ۴۲۵ نفر ، اناث : ۴۷۲ نفر ، اطفال : ۳۸۷ نفر)

مزارع متعلقه به آنجا :

مزرعهٔ درب گله/مزرعهٔ درلا/مزرعهٔ ماز كول/مزرعهٔ جزاوند

قريه خنب

قريهٔ كوچكى است مشروب از يك رشته قنـات وچند چشمه . اراضى سنگلاخ‌دارد واشجارمرغوب . حاصل زمينى آنها كم‌است .آب‌وهواى خوب ملايم دارد وبا صفاست .

ماليات ـ ۲۲۴ تومان و۲ هزار و ۶۳۰ دينار

نفوس ـ ۹۳ خانه ـ ۲۱۵ نفر (ذكور : ۵۲ نفر ، اناث : ۶۷ نفر ، اطفال ۹۶ نفر)

قريه دره

قريهٔ كوچكى است مشروب از دو رشته قنات آسمان نگر كه در سال‌هاى

بی بارشی خشك می‌شود واهل آنجا متفرق می‌شوند . اراضی سنگلاخ رشوه طلب دارد وباغات به قدر کفاف .

مالیات ـ ۱۳۸ تومان و ٥ هزار و۳۸۷ دینار

نفوس ـ ٤۷ خانه ـ ۱۹۲ نفر (ذکور : ٥٥ نفر، اناث : ٦۲ نفر ، اطفال ۷٥ نفر)

قریه جزه

قریهٔ مختصری‌است مشروب ازیك‌رشته قنات. هوای خوبی دارد واشجار مرغوب . حاصل زمینی آنها به قدر کفاف نیست . ییلاق است .

مالیات ـ ۱۳۰ تومان و٦ هزار و۷۳۲ دینار

نفوس ـ ۲۲ خانه ـ ۹۸ نفر (ذکور : ۳۱ نفر ، اناث: ۳۸ نفر ، اطفال ۲۹ نفر)

قریهٔ برزك

از قراء بزرك با روح وصفاست .آب زیاد واراضی کم دارد . از ابتداء تا انتهای آن یك فرسخ راه است . مشروب از یك قنات ودوچشمه که هریك سه سنگ مساحی آب دارد . باغات‌زیاد دارد . فاضل آب اومی‌رود درمزرعهٔ نابر که محل چشمه قریهٔ راوند است .

مالیات ـ ۱۲۱٤ تومان

نفوس ـ ۲۱٥ خانه ـ ۷٤٤ نفر (ذکور : ۲٤٤ نفر ، اناث : ۲۷٥ نفر ، اطفال : ۲۲٥ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ نابر /مزرعهٔ چاله‌باقر /مزرعهٔ کاه‌روز /مزرعهٔ قاصوره /مزرعهٔ ورمال /مزرعهٔ بزم چه/مزرعهٔ یشبلک/مزرعهٔ رزه/مزرعهٔ بیشه

قریه ویدوج

مشروب از یك رشته قنات مخصوص خود است . حاصل زمینی آن گندم وجو وجوزق و کرچك است. اراضی شوره زار دارد که درزمستانها باید آب به‌اراضی آن‌بسته شیرین‌نمایند وزراعت کنند. درآنجاشلتوك کاری هم می کنند. برنج آن لطیف می‌شود وخوب .

مالیات ــ ۲۹۰ تومان و۸ هزار و۷۳۰ دینار

نفوس ــ ۵۲ خانه ــ ۳۱۲ نفر(ذکور : ۵۸ نفر، اناث : ٦۲ نفر، اطفال: ۱۹۲ نفر)

قریهٔ وندجای سه ده

ازآب قنات مخصوص خود زراعت می‌شود. اراضی شوره وچمن زار دارد. دروقت آمدن بارش درحوالی آن شکارگاه خوبی است . زراعت آنجا غله وصیفی زیاد دارد علاوهٔ از خودکه به دهات حوالی می‌برند .

مالیات ــ ٤۱۵ تومان و۸ هزار

نفوس ــ ٤٦ خانه ــ ۲٤۵ نفر (ذکور : ۵۲ نفر، اناث : ٦۸ نفر، اطفال: ۱۲۵ نفر)

مزارع :

مزرعهٔ مسیله گرد/مزرعهٔ ساق‌آباد/مزرعهٔ محمودآباد/مزرعه قاسم‌آباد/ مزرعهٔ جهانگیر (؟)

قریه قالهر

از قراء ییلاقی است . قدری وقف وقدری ملك است . بـه جهت بعضی حوادثات‌روبه خرابی‌آورده بود الان روی به‌آبادی کرده است . اغلب معاش آنها از گوسفند است .

مالیات ــ ۴۳ تومان

نفوس ــ ۳۹ خانه ــ ۱۵۸ نفر (ذکور : ٤٠ نفر، اناث : ٤٦ نفر ، اطفال: ۷۲ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعۀ همایونه (؟)/مزرعۀ حاجی‌آباد/مزرعۀ بر گسین (؟)/مزرعۀ‌کوچه تستر (؟)/مزرعۀ لنگرود/مزرعۀ‌کریم‌آباد/مزرعۀ محمدآباد/مزرعۀ هسمنجان (؟)/مزرعۀ‌کندنان

قریه درب چوقا

مشروب ازسه رشته قنات مختصر. دردامنۀ‌کوه اتفاق افتاده . درسال‌های کم بارشی‌آب‌آنجا خشك می‌شود واهلش متفرق می‌شوند . اگر زراعتی در آنجا می‌شود از مردمان متفرقه می‌شود وهر چه زراعت می‌شود روزی کبك وتیهو است‌که درآنجا بسیار است .

مالیات ــ ۱۰۸ تومان و۹ هزار و۷۰۰ دینار

نفوس ــ ۸ خانه ــ ۲۲ نفر (ذکور: ۸ نفر، اناث: ٦ نفر، اطفال: ۸ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعۀ‌گلوبند علیا/مزرعۀ‌گلوبند سفلی/مزرعۀ زنگنه/مزرعۀ‌چهار باغ/

مزرعهٔ فرارسیسان (؟)

قریه نشلج

از قراء معتبر خوش آب وهواست . از دهات ییلاقی . مشروب از آب یك رشته قنات ورودآب ، وتا ولایت کاشان هفت فرسخ‌است. درمیان دو کوه بزرگ واقع است . درمقدمهٔ آن مزرعه‌ای است مشتمل برغات زیاد موسوم به سر سراد ، وچون از مزرعه بگذرد به دربند کوهی رسد به قدر دروازه که از دو طرف کوهسار چون برج وباره احاطه کرده که عبور از آنجا از سواره وپیاده ممکن نیست . آن کوهسار از طرف یسار جنوب متصل است به نیاسر که آن کوه را شیر آئین می گویند وازطرف یمین کوهی است به خط منحنی کشیده می‌شود الی سرمال کرمهه اردهال قم . چنان کوه احاطه دارد که هر گاه چهار نفر تفنگچی درآن دربند بایستند هیچ لشکری به غلبه نتواند وارد شود. از طرف اعلی‌این قریه منتهی می‌شود به کوهساربختیاری و کمره و گلپایگان. در آنجا هم هرجا ممکن العبور است قلعه‌ها ساخته‌اند که حفظ قریهٔ خود را بکنند . باغات زیاد دردامنهٔ کوه و کنار رودخانه دارند ومحل زراعت به قدر کفایت ندارند. شغل آنها مردهاتخت گیوه می کشند وزنها روی اورا می‌چینند زیاد درشت و کلفت .

مالیات ـ ٤٣٥ تومان و٥ هزار و٢٣٢ دینار

نفوس ـ ١٤٤ خانه ـ ٥٦٧ نفر (ذکور : ١٨٧ نفر ، اناث : ١٥٢ نفر ، اطفال : ٢٢٨ نفر)

قریه نیاسر

از بناهای اسکندر فیلقوسی است که به علم کشف الاسرار که از دانیال به

او رسیده بود عبورش در وقت غلبه به دارا وتصرف در ایران به آن موضع افتاده ، دانست که دردل سنگ آب است. حجارطلب کرده ، دریك شبانه روز کوه را شکافته ، چشمهٔ نیاسرجاری شد .آن موضع است که الان به باغ تالار مشهور است. جایی با روح وصفاست. اطراف آن چشمه جلگه وچشم انداز زیاد دارد . در اطراف آن چشمه باغات با نظام از جدول وخیابان‌ها ساخته‌اند از آن بلندی که آب سرازیر می‌شود به‌قدر یك ذرع آب به‌شکل‌عمودی‌می‌ریزد مانند مناره‌ای از بلور که از دوفرسخی نمایان است . می گویند اردشیر بابکان در وقت سلطنت خود که اهل اصفهان یاغی شده بودند بعد از فتح آن ولایت بزرگان آنها را مغلولا درآنجا آورده ، گردن زده ، به این جهت آنجا را نیاسر نامیدند به زبان فرس قدیم . درسمت غربی چشمه چهار طاق آتشکده‌ای‌است ازسنگ تراشیده ، دوازده ذرع دردوازده ذرع ، الان موجود است. قدری از سقف اوخراب شده ومابقی برجاست . معروف به‌آتشکدهٔ اردشیراست وآن چشمه موسوم به چشمهٔ اسکندر است. همانا درعراق سه چشمه معروف است چشمهٔ فین‌وچشمهٔ محلات وچشمهٔ نیاسر . سوای این چشمهٔ چهار رشته قنات وشش چشمهٔ کوچك در آنجاست که شرب قریهٔ نیاسر از آنهاست . باغات با روح وصفا ، فواکه بسیار،از همه نوع میوه درکمال امتیاز دارد .هوایی در اعتدال ارم ذات العماد. بیابان آنجا بالاله وریاحین که گویا دربهاران چادرهای الوان کشیده‌اند وعلاوه برآن قریه سی وسه مزرعه دارد که تابع آنجاست . اهالی کاشان به جهت ییلاق خود درآن مزارع عمارات‌عالیه ساخته‌اند که در تابستان به‌آنجا می‌روند . زیاد با صفا وروح است .

مالیات ـ ۱۴۳۹ تومان و۵ هزار و۶۶۳ دینار

نفوس ـ ۱۲۸ خانه ـ ۱۶۷۳ نفر (ذکور ۴۹۲ نفر ، اناث : ۵۳۲ نفر ،

اطفال : ٦٤٩ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ سیف آباد/مزرعهٔ خاتون/مزرعهٔ رزبنده /مزرعهٔ کرقان سفلی/ مزرعهٔ کرقان علیا/مزرعهٔ دولت آباد/مزرعهٔ اتابکی/مزرعهٔ ده زیرین/مزرعهٔ پا چنار/ مزرعهٔ سلخ نو/مزرعهٔ در سور/مزرعهٔ ابرونك/مزرعهٔ سور آباد/ مزرعهٔ‌حسن آباد/مزرعهٔ سنجده/مزرعهٔ‌سلمان آباد/مزرعهٔ بیشه/مزرعهٔ خوانچه مزرعهٔ وارونق/مزرعهٔ سرنج/مزرعهٔ خومله/مزرعهٔ جعفر آباد/مزرعهٔ‌نجرگان مزرعهٔ علی آباد/مزرعهٔ لنگان/مزرعهٔ‌بدیع آباد/مزرعهٔ زال آباد/مزرعهٔ پیربچه مزرعهٔ در دار/مزرعهٔ بید آباد/مزرعهٔ شکر چه/مزرعهٔ دوك/ مزرعهٔ آدم آباد علیا/مزرعهٔ‌آدم‌آباد سفلی/مزرعهٔ سلوك‌آباد/مزرعهٔ غیاث‌آباد

قریه اسحاق‌آباد

قریه کوچکی است . مشروب از دو رشته قنات مخصوص خود است . اراضی سنگلاخ رشوه خوار دارد که حاصل شتوی آنها وفا به مخارج اهل آبادی‌ندارد، غله ازخارج‌به‌آنجا می‌برند. هوای ملایم خوب دارد بااعتدال . باغات خوب مرغوب واشجار ییلاقی از همه نوع دارد خاصه بـادام بسیار در آنجاست و گذران رعیت‌ازباغات می‌شود وقلیلی‌از زراعت‌که به زور به عمل می‌آورند .

مالیات ـ ۳۰۸ تومان و۸ هزار و۲۲۵ دینار

نفوس ـ ۵۸ خانه ـ ۲۸۹ نفر (ذکور : ٦٦ نفر ، اناث : ۷۵ نفر ، اطفال ۱۴۸ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ رود کله/مزرعهٔ زره/مزرعهٔ بلالا/مزرعهٔ یحیی آباد جدید

قریه مرق

قریه‌ای است بسیار خوش آب وهوا وآباد . مشروب از قنات مخصوص خود وآب چشمه سار رودخانه . باغات پر میوهٔ با سلیقه دارد . زراعت زمینی آنهاجوو گندم ونخود ولوبیاست . جوزق و کرچك کاری‌دارند . بعضی‌سال‌ها تریاك می کارند . سیب وهلوی آنها تعریف دارد که ممتاز است . گردو وبادام بسیار دارد . نسبت به سایر دهات آباد وخوش نماتراست . مردمان رعیت پیشهٔ کاسب دارد .

مالیات ـ ۱٤٥٦ تومان و

نفوس ـ ۱۱۰ خانه ـ ٤۹۷ نفر (ذکور : ۱۳۲ نفر ، اناث : ۱۵۷ نفر ، اطفال : ۲۸۰ نفر)[1]

مزارع تابعه :

مزرعهٔ چشمه قاضی/مزرعهٔ کش خرابه/مزرعهٔ باقر آباد

قریه سادیان

قریهٔ کوچکی است وتاشهر کاشان پنج فرسخ است . مشروب از یك‌رشته قنات مخصوص خود . یك میدان زیر مرق اتفاق افتاده . هوایی برزخ ییلاق و گرمسیردارد در نهایت ملایمی . اراضی سنگلاخ‌رشوه طلب . حاصل‌شتوی گندم وجو دارد نه به قدر کفاف . باغات خوب وفـ‌واکه مرغوب دارد که در

---

۱ . کذا ، مجموع ارقام ٥٦۷ است نه ٤۹۷ چنان‌که درجمع بالا ذکر شده است .

شهر به فروش می‌رود ونان خانهٔ آنها ازآنجاست .

مالیات ــ ۱۱۹ تومان و ۵ هزار و ۳۶۳ دینار

نفوس ــ ۱۸ خانه ــ ٤٦ نفر (ذکور : ۱۸ نفر ، اناث : ۱۳ نفر ، اطفال: ۱۵ نفر)

قریه استرك

برزخ ییلاق و گرمسیری است . رعیت آنجادر امر زراعت از همهٔ دهات کاشان بهتر وبانظم ونسق‌ترند . پاکیزه زراعت می کنند . حاصل آنجا ازشتوی گندم وجووباقلاست . صیفی کاری اغلب جوزق کاری است که خیلی خوب به عمل می‌آورند . چون اراضی آنجا متصل به جوشقان است در جوزق کاری بسیار اهتمام دارند . باغات به قدر کفاف دارند .

مالیات ــ ١٤٧٤ تومان و۷۲۲ دینار

نفوس ــ ۹٦ خانه ــ ٤۹۹ نفر(ذکور : ۱۱۲نفر ، اناث : ۱۲۸ نفر ،اطفال ۲۵۹ نفر)

قریه جوشقان

از قراء معتبر کاشان . از آنجا تا شهر چهار فرسخ است . ازآب چشمه بزرگ و کوچك وقنات مشهور به حسین آباد دائراست . زراعت آنجا شتوی جوو گندم‌است وباغات آنجا انار وانجیر سرخ . صیفی کاری جوزق و کرچك خوب دارد . اگر چه اراضی آن رشوه خـوار است لیکن نوعی پنبه کاری می کنند که یك من بذرآن یك خروار جوزق می‌دهد . عمده صیفی کاری آنها جوزق است . اگر چه سایر چیزها کشته می‌شودبه قدر کفاف گذران‌خودشان

دارند . مال فروشی همان جوزق است .

مالیات ـ ۲۲۹۸ تومان و۵ هزار و۷۷۰ دینار

نفوس ـ ۱۷۶ خانه ـ ۵۵۶ نفر (ذکور : ۱۹۷ نفر ، اناث : ۲۱۵ نفر ، اطفال : ۱٤٤ نفر)

مزارع ومعادن تابعه :

مزرعۀ فتح آباد/مزرعۀ مختص آباد/مزرعۀ واشان/مزرعۀ مالکانه/مزرعۀ سویانه/مزرعۀ قاسم آباد

معدن سنگ مرمرمشهورما بین‌این‌قریۀجوشقان واسترك وفرح آباد مرحوم امین‌الدوله می‌باشد که سنگ‌های سفیدصاف به قدردوذرع‌عرض ودوذرع‌طول دارد . بلا مالك است .

قریه حسن رود

قریه‌ای است به غایت معمور . مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد وهوای معتدل . حاصل شتوی گندم وجووباقلاست . صیفی جوزق وکرچك وهندوانه وخربزه وتنباکو وتریـاك است . باغات به اندازۀ گذران خود دارند از همه نوع میوه گرمسیر وییلاق .

مالیات ـ ۵۲۰ تومان و۳ هزار و۹۵ دینار

نفوس ـ ۷۲ خانه ـ ۲۵۹ نفر (ذکور : ۸۵ نفر ، اناث : ۷۸ نفر ، اطفال ۹۶ نفر)

مزارع تابعه

مزرعۀ خیار/مزرعۀ جزآباد/مزرعۀ گلستانه

قریه علوی

از یك‌رشته قنات مخصوص‌خود دایر است .هوای بااعتدال داردوحاصل

معروف . مثل سایر دهات اراضی رشوه‌خوار . مشهد شاهزاده محمود بن‌امام محمد باقر در آنجاست که زیارتگاه مردم است .

مالیات ــ ۲۳۰ تومان و ۷ هزار و ۲۵۰ دینار

نفوس ــ ۲۷ خانه ــ ۸۵ نفر (ذکور : ۳۷ نفر ، اناث : ۳٤ نفر ، اطفال : ۱٤ نفر)

قریهٔ باریکرسف

مشروب از آب یك رشته قنات مخصوص خود . از دهات ییلاقی است. در آنجا قلعه کهنه‌ای است خرابه که قلعهٔ زرین کفش مشهور است که آن مخذول قاتل جناب سلطان علی بن‌امام محمدباقر علیهما السلام است که در مشهدقالی شوران اردهال مدفون است . اراضی رشوه خوار دارد وباغات ییلاقی . تا کاشان هفت فرسخ است . حاصل‌زمینی آنها گندم وجوونخود ولوبیا وجوزق وکرچك است .

مالیات ــ ۱۷۵ تومان و ۹ هزار و ۲۸٤ دینار

نفوس ــ ۲۹ خانه ــ ۱۲۸ نفر (ذکور : ۳۷ نفر، اناث : ۳۷ نفر ، اطفال: ٥٤ نفر)

قریه کله

از جمله قراء ییلاقی است. بسیار خوش آب وهوا، اگرچه درسنهٔ ماضیه یك هزار ودویست ونودوپنج درآنجا تگرگی بارید به اندازهٔ جوزی، وسیل درکوهسار آمده اکثرباغات وزراعت آنها را خراب کرد. درحوالی آن کوهی است مشهور به قدمگاه . گویند شخصی جناب امیر را در آن کوه در خواب

دیده درحالت عطش ، ازآن حضرت آب خواسته آن حضرت به عصای خود اشاره به سقف کوه کرده وفرموده بنوش که شفای امراض است، وبعد فرمودند این مکان مبارکی است. بعد عصای خودرادرکنارآن فروبرده، درخت سبزی شده . درآنجا سوراخی است مشهور به‌آقا باجی کهره که از سقف کوه قطره قطره آب می‌چکد . الان شفای امراض است وآب چشمهٔ آقا باجی کهره غیر این است ، به قدرلولهٔ آفتاب آب دارد. هرگاه کسی واردشود وسردر سوراخ کند وفریاد کند که « آباجی کهره بمده [1] ، مهمان عزیزت رسید » آب چشمه سه مساوی شود ، به قدر دقیقه‌ای آید وبعد به قرار سابق شود .

مالیات ــ ۲۷۰ تومان و ٥ هزار و۲٤٤ دینار

نفوس ــ ۷٦ خانــه ــ ۳۱۷ نفر (ذکور : ۹٦ نفر ، اناث : ۸۷ نفـر ، اطفال : ۱۳٤ نفر)

مزارع تابعهٔ کله :

مزرعهٔ فرح آباد/مزرعهٔ مبرز آباد/مزرعهٔ علی آباد

قریه ازناوه رود

مشروب از یك رشته قنات مخصوص خود . اراضی سنگلاخ ریـز بوم رشوه خوار دارد . حاصل آنجـا گندم وجو وتریاك . اشجار بادام وزردآلو وانگور وغیره دارد. هوای آنجا به غایت سرداست. تا شهر کاشان هفت فرسخ ونیم است .

مالیات ــ ۱۷٤ تومان و٦ هزار و۲۹۰ دینار

نفوس ــ ۲٥ خانه ــ ۱٥۰ نفر (ذکور : ۳٥ نفر، اناث، ٤٥ نفر ، اطفال:

---

۱ . یعنی آب به من بده .

۷۰ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ ازناوه‌رود/مزرعهٔ‌حسین آباد/مزرعهٔ جوق‌رود/مزرعهٔ بیشه/مزرعهٔ درگز/مزرعهٔ سنجاب/مزرعهٔ ذره/مزرعهٔ علی‌آباد/مزرعهٔ خیر آباد/ مزرعهٔ صالح آباد

قریه رهق

از قراء ییلاقی است . تا شهر کاشان هشت فرسخ است . مشروب از یك رشته قنات و چندچشمه می‌باشد. حاصل آنجا گندم وجوولوبیا وجوزق‌وباغات آنها اشجار ییلاقی دارد . هوای سرد با طراوت وآبهای گوارا دارد .

مالیات ـ ٤١٨ تومان و٦ هزار و ۷۱۰ دینار

نفوس ـ ۷۹ خانه ـ ۳۲۸ نفر (ذکور : ۸۲ نفر ، اناث : ۹۱ نفر، اطفال: ۱۵۵ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ زیر رود/مزرعهٔ پریان/مزرعهٔ خواهان علیا/مزرعهٔ خواهان سفلی مزرعهٔ بردره/مزرعهٔ هشند/مزرعهٔ پیجاره /مزرعهٔ‌شهاب آباد/مزرعهٔ وچان‌علیا مزرعهٔ وچان سفلی

مزرعه ون

از قراء ییلاقی کاشان است. بسیار بـا روح وصفا ، خوش‌آب وهوا که درازمان سابقه‌که ناخوشی‌وبا به جهت عفونت هوا در دهات حادث می‌شود[1]

---

۱ . کذا دراصل .

هرگز در آن قریه بروز نکرده هرکس از خارج به‌آن قریه رفته از ناخوشی محفوظ بوده است و این آخرین دهات کاشان است که منتهی می‌شود به گردنگاه الیاس که جنب کوه قوقو است که نقطهٔ کوهسار قم و کاشان است . هرگاه درسر کوه روند تمام دشت قم و کاشان نمودار است . تا شهر کاشان دوازده فرسخ است . مردمان دیندار با امانت دارد .

مالیات ـ ۱٤۹ تومان و ۵ هزار و ٦۸۷ دینار

نفوس ـ ۳٤ خانه ـ ۱۱٤ نفر (ذکور : ٤۳نفر ، اناث : ۳٦ نفر، اطفال: ۳۲ نفر)

قریه وادقان

در زیر قریهٔ ون اتفاق‌افتاده . اصل خانهٔ رعیتی در سرسنگ است که‌آب جاری وحوض ندارند .آب خودرا باید از ته رودخانه بیاورند. هوای ییلاقی دارد . باغات آنها درکنار رودخانه می‌باشد زراعت زمینی آنهابسیارکم است . اغلب معاش آنها از گوسفند است وباغات انگور وجوز وبادام .

مالیات ـ ٤٤۳ تومان و۳ هزار و ۳۱٤ دینار

نفوس ـ ٤۸ خانه ـ ۱۹٤ نفر (ذکور : ۵۲ نفر ، اناث : ٦۱ نفر ، اطفال ۸۱ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ یحیی‌آباد/مزرعهٔ خسروآباد/مزرعهٔ سلخه/مزرعهٔ ده زه

قریهٔ سار

از قراء ییلاقی کاشان . در تحت اراضی وباغات اتفاق افتاده .آب او از

سه رشته قنات مختصری است که از کنار رودخانه و کوهسار جاری نموده‌اند خانه‌های آنهادردامنهٔ کوه ، وباغات در کناررودخانه ودامن کوه است . حاصل زمینی خیلی کم دارند . باغات ایشان اشجار جـوز وانگور وبادام وزردآلو وآلوبالو دارد . آبهای آنها سرد و گوار است .

مالیات ـ ۲۲۲ تومان و ۲ هزار و ۳۲۵ دینار

نفوس ـ ۴۹ خانه ـ ۲۱۰ نفر (ذکور : ۵۶ نفر ، اناث : ۶۸ نفر ، اطفال: ۸۶ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعهٔ جمال‌آباد/مزرعهٔ لاسون پا/مزرعهٔ همزر

قریه قه

اهل کاشان اورا «که» می‌نامند . میانهٔ آن قریه و گرمسیرات کاشان یك کوه فاصله است که دریك طرف کوه گرمسیرات وطرف دیگر ییلاق است . حاصل آنجا جوو گندم وصیفی جوزق و کرچك وتریاك است . در پایان قریهٔ سار اتفاق افتاده . مشروب ازقنات بالا رود وچند چشمه می‌شود . اراضی کوهساروِرشوه خوار دارد . باغات ییلاق . اشجار جوز وبادام وسایر فواکه کوهساری است در پهلوی آن قریه کوهی است مشهور به کوه دختران . کویند در زمان خلفای جور بنی امیه یا بنی عباس که اولاد اطهار در بلاد بعیده متواری بوده‌اند ، چند نفر از امام زادگان عیال وهمشیره‌های خودرا به مزرعهٔ ورم که از مزارع قریهٔ « قه » است آورده ، تبعهٔ حکام جور آن ولایت به طلب آنها برخاسته ، امام زادگان باعورات فرار کرده ،سه تن مردان آنها در بین جهاد به شرف شهادت

فایز گردیدند . هر یك در موضعی که الان مرقدآنهاست گنبد وبار گاهی دارند عورات کود به کوه فرار کرده تا به قریهٔ قه رسیدند . روز دیگر که لشکر به طلب آنها آمدند برسر آن کوه که مشرف برقریهٔ قه‌است‌شدند. عورات ازملاحظهٔ آنها فرار [کرده] چهار نفر ازآنها به مغاره رسیدند غـایب شدند ودو نفر از دختران که به حد رشد وفرارنرسیده بودند عقب مانده ، متعاقبین دونفر نزدیك رسیدند .آن دودختر از روی ترس گفتندآیا به جهت اسیری ما می‌آیید ؟ آن دو ظالم فی الفور سنگ سیاه شده‌اند . الان‌در آن کوه دوهیکل آدمی از سنگ نمایان است که بر پای ایستاده‌اند ومردم قریهٔ قه وسایر دهات درآن موضع به جهت زیارت می روند ونذورات‌به جهت مطالب خود می‌آورند وغیراز زنها کسی درآن مغاره داخل نمی‌شود وزن‌های‌آبستن هم نمی‌روند وآن کـوه به کوه دختران بکر مشهور است .

مالیات ـ ۵۳۷ تومان و ٤ هزار و۹۷۲ دینار

نفوس ـ ٤٦ خانه ـ ۲٦۵ نفر(ذکور : ٥٦ نفر ،اناث : ٦۲ نفر ، اطفال: ۱۳۷ نفر) [۱]

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ‌شرف آباد/مزرعهٔ نصرآباد جه/مزرعهٔ گلابه/مزرعهٔ پاداروی‌علوی وسفلی (دوعدد)

* * *

حسب الحکم بندگان جناب جلالت مآب امیـر الامراء العظام آقـای اعتضادالدوله دام اقباله العالی کتاب احوالات کاشان قلمی گردید . امید به

۱ . کذا دراصل . مجموع این سه رقم ۲۵۵ نفر است ونه ۲٦۵ چنان که در جمع بالا آمده است .

نظر مرحمت ملاحظه نموده ، چشم از اغـلاط فاسدهٔ او بپوشند . وكان ذلك بتاريخ بيست ونهم شهر رمضان المبارك هذه السنهٔ توشقان ئيل خيريت دليل مطابق‌سنهٔ‌يك هزارودويست ونود وشش هجری‌علی هاجرهاآلاف‌التحية والثناء (سنهٔ ١٢٩٦) .

– ضميمهٔ ۲ –

جوابات مسائل رکنیه

از

محقق، میرزا ابوالقاسم قمی

(صاحب قوانین)

در گذشتهٔ ۱۲۳۲

میرزای قمی، ابوالقاسم بن حسن گیلانی فقیه وعالم بزرگ شیعه درآغاز قرن سیزدهم مشهورتر از آن است که نیازی به‌آوردن سرگذشت وی در این یادداشت شتاب زده باشد. شرح زندگی وفهرست بسیاری از آثار ووصف سبك ومشی علمی‌خاص ودقیق او ـ که درتحولات وپیشرفت‌های بعدی اصول فقه اسلامی تأثیری مهم داشته است ـ به تفصیل واجمال دربسیاری‌ازمآخذ دو قرن اخیر[1] واز همه کامل‌تر وجامع‌تر در **روضات** آمده وسزاوار است که

---

۱. از باب نمونه به ذکر چند مأخذ متداول مبادرت می‌رود:

* الروضة البهیه فی الطرق الشفیعیه: ۲۵ ـ ۲۹.
* روضات الجنات ۵: ۳۶۹ ـ ۳۸۰ (چاپ جدید قم).
* قصص العلماء: ۱۸۰ ـ ۱۸۳ (چاپ علمیهٔ اسلامیه).
* نجوم السماء: ۳٤۰.
* ریاض الرضا: روضهٔ ۲۲ (۲۱۸ ـ ۲۱۹ نسخهٔ اصل مخطوط).
* مرآت البلدان ٤: ۱۹ ـ ۲۰.
* حدائق السیاحه شیروانی: ۳۷٤.
* مآثرالمعاصرین (مجلد اخیرصحایف‌العلوم وصفایح‌العالم فروغ الدین اصفهانی)

مجموعه‌ای خاص در سر گذشت وشناساندن آثار او تدوین گردد .

به اجمال فقیهی بزرگ ومورد توجه همگان وبا فنون مختلف اسلامی آشنا وموفق وپرکار بوده وبه نقـل **روضات** بیش از هزار کتاب ورساله در موضوعات گوناگون به‌رشتهٔ تحریر کشیده که مشهورترین آنها «قوانین الاصول» است وآن مشتمل بر یك دورهٔ کامل اصول فقه ومحتوی آراء وانظار دقیق او دراین علم است . پدر میرزا: حسن بن نظرعلی کیخی رشتی نگارندهٔ کأس السائلین (ش ۸۸۳ کتابخانهٔ ملك تهران که نسخهٔ اصل است جزدربرگ آغاز- فهرست نسخ عربی آنجا : ۵۷۹) درسال ۱۱۴۰ درسن سی سالگی وزنده در سه‌شنبه ۲۰ ذح - ۱۱۸۳ (یاد داشت کنارهٔ یکی از برگ‌های همان نسخه در بارهٔ فرزندان مؤلف در این تاریخ) مردی دانشمند بوده واز گیلان به جاپلق

صحیفهٔ دوم (سه برگ به پایان نسخهٔ کتابخانهٔ مسجد اعظم قم) .

* البدر التمام : ۱۳ - ۱۵ .
* مستدرك ، خاتمه : ۳۹۹ .
* تحفة الالباء فی تذکرة الاولیاء والشرفاء : ۱۵ (ش۲۵۱۳ خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران) .
* الکنی والالقاب ۱ : ۱۴۲ .
* سفینة البحار ۲ : ۴۳۰ - ۴۳۱ .
* هدیة الاحباب : ۳۶ .
* تبصرة المسافرین : ۲۲ - ۲۳ (ش ۱۴ ب مخطوطات کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران) .
* منتخب التواریخ خراسانی : ۴۹۶ چاپ علمیه اسلامیه .
* اعیان الشیعه ۸ : ۱۳۹ - ۱۴۸ .
* ریحانة الادب ۴ : ۱۲۵ - ۱۲۷ .
* طبقات اعلام الشیعه - قرن سیزدهم ۱ : ۵۲ - ۵۴ .

بروجرد رفته ومیرزا در همان جا زاده شده وچندی در اصفهان درس خوانده وازآن پس به نجف‌اشرف عزیمت نموده وپس‌ازرسیدن به مقام رفیع علمی به ایران باز گشته وسرانجام درقم اقامت گزیده وسالیانی درازدراین شهربوده ودر ۱۲۳۲ درهمان جا به درودزندگی گفته است .

از آثار او « قوانین »که در حوزه‌های قدیم مذهبی متـن درسی است ، « غنائم » و« مناهج » درفقه ، رساله‌ای دراصول دین ، منظومه‌ای درتجوید ، جامع الشتات ، جامع‌الرسائل (مجموعهٔبیست رساله درپایان غنائم) وچندین

---

* مصفی المقال : ۳۵ ـ ۳٦ .
* معجم المؤلفین ۸ : ۱۱٦ .
* اعلام زرکلی ٦ : ۱۸ .
* لغت نامهٔ دهخدا ، حرف الف : ۷٦۵ .
* انوار المشعشعین ۳ : ٤۰٦ ـ ٤۲۷ (عکس کتابخانهٔآقای مرعشی قم) .
* معجم المطبوعات : ۷۲٦ ـ ۷۲۷ .
* بروکلمن ۲ : ۵۸۱ .
* راهنمای دانشوران ۱ : ۱۸۹ .
* دائرة المعارف جواهرکلام ، حرف ج : ۳ ـ ۵ .
* مختار البلاد (تاریخ قم ناصر الشریعه) : ۲۱۷ ـ ۲۲۱ چاپ دوم .
* مؤلفین کتب چاپی مشار ۱ : ۲۸۰ .
* تاریخ علما وشعرای گیلان : ٤۵ ـ ٤۷ .
* شرح حال وحید بهبهانی : ۲۵۷ ـ ۲٦۵ .
* رجال قم : ۸٦ ـ ۸۷ .
* مکارم الآثار ۳ : ۹۱۱ ـ ۹۱۹ .
* مقالات «زندگانی میرزای قمی» درمجلهٔراه حق که درسال‌های ۱۳۳٦ ـ ۱۳۳۸ دررشت چاپ می‌شد .
* ذریعه‌در بسیاری‌جاها وفهارس مخطوطات‌کتابخانه‌های‌داخل وخارج ودیگرمآخذ.

رساله ضمن مجموعهٔ جامع الشتات به چاپ رسیده است . متن نامه‌ای از او به فتحعلی شاه نیـز توسط نویسندهٔ سطور درشماره‌های ۱۲ دورهٔ یازدهم و ۱ دورهٔ ۱۲ مجلهٔ وحید[1] وقسمتی از آغاز رد پادری او درشمارهٔ ۱۱ دورهٔ دهم همان مجله نشر یافته است . جز اینها متن کامل چهارده صفحه‌ای اجازهٔ روایت او به سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی مورخ شب عید فطر ۱۲۱۵ درپایان مجلد اول‌فهرست کتب‌خطی کتابخانه‌های‌اصفهان کلیشه وچاپ شده، ونمونه‌ای دیگر از خط ودست نویس اونیزدرریحانة الادب ٤ : ۱۲٦ گراور گردید است.

---

۱ . این متن گویا پیش ترهم دریکی از نشریات قدیم تهران چاپ شده بوده است (ذریعه ۲۲ : ۱۵۹) .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ، والصلوة والسلام لاهلهما

اما بعد فهذه جواب [1] المسائل الركنية التى سئلها المولى العالم الزكي الذكي مولانا علي المازندرانى الملقب بالركن ، المكتوبة على سبيل العجال في اضيق الاحوال :

المسالة الاولى

چه مى‌فرمائيد در باب محيى الدين وبا يزيد وعطـار وملاى روم وامثال آنهـا ؟ بعضى آنها را از اولياء و عرفاء مى‌دانند و از مرتبهٔ شيخ مفيد وسيد مرتضى وعلامـهٔ حلى وملا احمد اردبيلى رحمهم‌الله بالاتـر مى‌دانند وبعضى آنها را واجب اللعن مى‌شمارند .

---

١ . كذا وبايد « جوابات » باشد .

الجواب :

عزیز من ، انسان فقیر که مانند خر بار کش متحمل بار تکلیف شده که آسمان وزمین و کوهها از تحمل آن عاجز است به غیر آنکه دائم سر در زیر داشته باشد وبه زمین نگاه کند که به گودالی نیافتد دیگر التفات به جائی دیگر بایـد نداشته باشد ، وتمام هم او باید بردن آن بـار گران باشد . اگر مقتضای تکلیف را بدانیـم ودوری راه را در نظر بیاریم و گرانی بار را متذکر شویم هرگز به فکر این و آن نمی‌افتیم وهرگز از جست وجوی معایب خود ومعالجه امراض باطنیهٔ خود فارغ نمی‌شویم که به دیگران بپردازیم . این کارهای بیکار است . از **ابوذر غفاری** رضی الله عنه روایت شده که درد چشمی عارض او شده بود وبسیار طول کشید . به او گفتند : چرامعالجه نمی کنی ؟ گفت : شغل اهم از این دارم ـ یعنی از امور دین ـ ، گفتند: پس چرا دعا نمی کنی که خدا شفا بدهد ؟ گفت : اهم از این دارم که از برای آن دعاکنم . ملای روم در مثنوی مثلی گفته مناسب مقام است :

آن یکی زد سیلیی مر زید را — حمله کرد او هم برای کید را

گفت سیلی زن سؤالت می کنم — تو جوابم گوی آنگه می‌زنم

بر قفای تـو زدم آمـد طراق — یك سؤالی دارم آنجا در وفاق

این طراق از دست من بوده است یا — از قفا گـاه توای فخر کیـا

گفت از درد این فراغت نیستم — که در این فکر وتفکر بایستم

تو که بی‌دردی همی اندیش از این — نیست صاحب دردرا این فکر هین

غرضم نه این است که من صاحب دردم ، واز برای من فراغتی که مشغول دیگران بشوم نیست ، بلکه خودم از همه کس بـی درد ترم ، لیکن در مثال

مناقشه نمی‌باشد . به هر حال گویا از باب خرق عادت چنان وسعتی در اوقات شما حاصل شده که از جمیع تکلیفات اخرویهٔ خود فارغ واز تحصیل معیشت دنیویه هم بی احتیاج شده بـه جهت تفرج خاطر وتفریح دماغ در تماشا گاه خانقاه محیی الدین وبـا یزید می‌چرخید ودر صدد تفحص احوال ایشان بـر آمده‌اید که آیا ایشان ازنیکانند یا بدان . اگر چهل نفرمؤمن راکه درآخرشب به جهت آنها می‌خواهی استغفار کنی نداری مـن از برایت هزار نفر بنویسم واگر می‌خواهی درمسائل فروع دین تقلید عالمی بکنی - برفرض تقدیری که تقلید میت جایز باشد - تقلید فضلای شیعه کـه بالیقین شیعه وعادل وفقیه ودانا بـه مسائل مذهب امامیه بوده‌اند وبه اجماع واتفاق صوفی وقشری در فقه سر آمد بر اینها بـوده‌اند - مثل شیخ مفید وشیخ طوسی وسید مرتضی ومحقق حلی وعلامه وامثال اینها وکتابهای بسیارازاینها در میان است - چه عیب دارد که می‌خواهید تقلید با یزید ومحیی الدین وامثال اینها بکنید کـه تشیع ایشان معلوم نیست بلکه تسنن آنها ظاهر است ، واز ایشان کتابـی در فروع نیست ومعلوم نیست که ربطی بـه فروع هم داشته باشند . واگر می‌خواهی گاهی که متوجه نفرین ولعن بر دشمنان خدا ورسول واولاد اطهار او - صلوات الله علیهم باشی [. . .] همهٔ آنهـا را در تسبیح در آورده‌ای که معطل اینها شده‌ای ؟ ! واگر غرض متابعت ایشان باشد در اصول دین وعقائد ، پس باید دانست که در اصول دین تقلید جایز نیست و هر که باید خود عقل خود را حاکم کرده از پـی تحقیق حق بر آید ، و قدری که یقیناً کفایت می‌کند بحمد الله از اختیار متابعت ظاهر شریعت مقدسه در دست دارید ، و صوفی وحکیم وکافر همگی متفق‌اند بر این که هـر که به‌آن عمل کند هالك نیست ، واهل شرع ودین متفق‌اند بر این که غیر ایشان هالك است . هر گاه ما را قوه

واستعداد تمام کردن مقصد وتحقیق ظاهـر وباطن نباشد به همین ظاهر اکتفا کنیم به یقین هلاکی‌در اومتصور نیست . نهایت امر این‌است که حکیم‌وصوفی ما را نادان وقشری وکم مایه خوانند . تحمل‌این کنایه وتعرض آسان تر است از این که کسی مخلد درآتش باشد ، واین طور سخن که می گویم از خواص من نیست ، این کلامی است که ائمه معصومین بازنادقه می گفتند . پس معلوم است که این راهی است از برای اکتفای مـا به‌آنچه درآن هستیم ، چنان که حضرت صادق به ابن ابی العوجاء فرمود وحضرت ابوالحسن علیه السلام به زندیقی دیگر فرمود :

روی محمد بن عبدالله‌الخراسانی‌خادم الرضا علیه‌السلام قال : دخل رجل من الزنادقة علی ابـی الحسن علیه السلام وعنده جماعة ، فقال‌ابوالحسن علیه السلام: ایها الرجل ارأیت ان کان القول قولکم ولیس هو کما تقولون السنا وایاکم شرعاً سواء ، لاتضرنا ماصلیناوصمنا وزکینا واقررنا ؟ فسکت‌الرجل ثم قال ابوالحسن علیه السلام: وان‌کان القول قولنا وهو قولنا الستم قد هلکتم ونجونا ؟ فقال : اکمل‌الله . . . الحدیث [1] .

پس‌هر گاه یقین‌کردیم به اینکه احدی مخالف شرع ودینی است که به ما رسیده است ، وانکارآنها می کند ـ مثل این که ما خدا را منزه از مکان واتحاد در ماخلق وحلول در خلق می‌دانیم وعالم را حادث می‌دانیم ومعادرا جسمانی می‌دانیم واوبر خلاف اومی گوید ـ برمالازم است که از اوکناره‌کنیم ، وهر گاه‌آن شخص بر او اتمام حجت شده وازآن راه به در رفته مستحق لعنت هم خواهد بود ، هر گاه بر مـا امر اومشتبه باشد اورا به حال خود وا می گذاریم

۱ . اصول کافی ، ج ۱ ص ۷۸ (چاپ مکتبة الصدوق) .

تا معلوم شود ولعن کردن بر اولازم نیست بلکه جایز هم نیست ، چنانکه در حدیث وارد شده که هرگاه به کسی لعن کنید واو اهل آن نباشد لعن به شما بر می گردد .

الحاصل هرگاه امر محیی الدین وبا یزید وملای روم بر شما مشتبه باشد نقصی به دین ودنیای شما وارد نمی‌شود ، چنانکه درآیات قرآنی واحادیث خاندان‌رسالت محکم ومتشابه می‌باشد ومارانهی کرده‌اند ازمتابعت متشابهات در میانهٔ علما هم محکم ومتشابه می‌باشد . متابعت متشابه شیـوهٔ آنانی است که در دل‌آنان‌مرضی باشد. آنراکه رستگاری منظوراست دست ازمحکمات بر نمی‌دارد که به متشابه بپردازد .

مجملی از احوال ایشان این استکه هر یك از اینها قبل از پانصد سال وبیشتر وکمتر بوده‌اند وماآنها را ندیده‌ایم وهر گاه رجوع به جرح وتعدیلی که از علما به ما رسیده بکنیم ـ چنانکه در سایر رجال ـ پس علمای محکم درآن نیز اختلاف دارنـد ومعدلین آنها مشتبه الحال وجارحین بلا شبهه بر سمت عدالت متصف ، لکن چون بعضی از معدلین نیز بر سمت عدالت به معنی اعم متصف هستند ودر اعمال جوارح عادل ودرعقاید مشتبه ، پس شبهه به هم می‌رسد در بعضی از اینها .

واماکلماتی که از ایشان‌مانده وسخن‌هایی که متواتر ازآنها رسیده ، اگر مراد ایشان همان ظاهر کلام ایشان باشد به یقین کافرند وبا وجود اتمام حجت بر ایشان وتخلف از حـق هم مستحق لعن هستند . مثل این که **محیی الدین** در اول فتوحات گفته : « سبحان مـن اظهر الاشیاء وهوعینها » ، وشیخ علاء الدوله سمنانی باکمال‌ارادت اوبه محی الدین درحاشیهٔ فتوحات براین عبارت نوشته : « ان الله لایستحیی من الحق، ایها الشیخ لوسمعت من احد انه یقول

فضلة الشيخ عين وجود الشيخ لاتسامحه البتة بل تغضب عليه فكيف يسوغ لك ان تنسب هذه الهذيانات الی الملك الديان ؟ . تب الی الله توبة نصوحاً لتنجومن‌هذه الورطة الوغرة التی‌تستنكف منهاالدهريون‌والطبيعيون‌واليونانيون والسلام علی من اتبع الهدی » . وايضاً از فصوص وفتوحات او منقول است كه می گويد : « هر كه بت پرستيد به همان خدا را پرستيده باشد . وچون سامری گوساله ساخت ومردم را به عبادت آن خواند حق تعالی ياری نكرد هارون را بر سامری ، از برای آن كه می‌خواست كه در هرصورتی پرستيده شود . حق تعالی نصاری را تكفير ننموده به سبب آن كه به الوهيت عيسی قائل شده‌اند ، بلكه به سبب آن كه خدا را منحصر در عيسی دانسته‌اند چنان كه فرموده :

« لقدكفرالذين قالوا ان الله هوالمسيح ... » [1]

وخود را خاتم الاوليا دانسته و گفته كه ختم ولايت به او شده وپيغمبران نزد او حاضر شدند به جهت تهنيت ومبارك باد ختم ولايت او ، وهم گفته كه جميع انبيا اقتباس‌علم‌می كنند از خاتم اوليا ، و گفته كه خاتم اوليا افضل‌است از خاتم‌انبيا در ولايت، چنان كه خاتم‌انبيا افضل است از سايرانبيا در رسالت ونيز گفته كه : اهل آتش‌در دوزخ تنعم می كنند وبه آتش راحت‌می‌نمايندولذت می‌برند، وعذاب كفارمنقطع خواهدشد ، و« عذاب » مشتق است از « عذب » به معنی شيرينی . وقيصری در « شرح فصوص » در اين مقام به جهت تمثيل گفته كه : لذت اهل آتش‌ازآتش وتنفرشان ازنعيم بهشت چنان است كه جعل از بوی قاذورات ونجاسات لذت می‌برد واز بوهای خوش نفرت می‌نمايد . ونيز **محيی الدين** مذهب جبررا نسبت‌به جميع عرفاداده .اين كلمات‌مذكوره

---

۱ . سورهٔ مائده ، آيه ۱۷ و۷۲ .

بعضی از سخن‌های این شیخ است . وهمچنین سخن‌های **منصور** وانا الحق گفتن او وسایر آنچه ازاومشهورومعروف ، وآنچه از **با یزید** نقل کرده‌اند ، چنان که ملای روم در حکایت او گفته :

با مریدان آن فقیر محتشم — با یزید آمد که نك یزدان منم

گفت مستانه عیان آن ذو فنون — لا الـه الا انـا ها فا عبدون

وبعد از چندی باز گفته :

عقل را سیل تحیر در ربود — زان قوی‌تر گفت کاول گفته بود

نیست اندر جبه‌ام الا خدا — چند جویی بر زمین وبر سما

وهمچنین او گفته :

« سبحانی ما اعظم شأنی »

واما **ملای روم** پس قطع نظر از این که از اول تـا به آخر مثنوی او به غیر تسنن چیزی از او معلوم نمی‌شود ، اعتقاد او به امثال آنچه از محیی الدین وبا یزید ظاهر می‌شود هم‌ظاهر است ، ودر بسیار جا کلام‌او صریح در وحدت موجود هست و در حکایت ابن ملجم کـلام اوصریح در جبر است . در اول داستان می گوید که آن حضرت به او فرمود :

هیچ نقصی نیست بر جانم ز تو — زانکه این‌رامن‌نمی‌دانم‌زتو

آلت حقی تو فاعل دست حق — چون‌زنم‌بر آلت‌حق‌طعن‌ودق

ودر اواخر داستان می گوید که آن حضرت به ابن ملجم فرمود :

لیك بی غم شو شفیع تو منم — خواجـهٔ روحم نه مملوك تنم

واگر کسی گوید که از آن جای مثنوی که گفتگوی جبروقدری می کند ـ در اواخر سفر پنجم ـ معلوم می‌شود که اوجبررا باطل می‌داند ـ وآن داستان طولانی است ـ جواب آن گوئیم که درآخرداستان سخنی می گوید که همه را

پایمال کرده ،آنجا که می گوید :

زین سخن‌ها گفتنی‌تر هست مان	که بدان فهم توبـه یابد نشان
اندکی گفتیم زان بحث عقل	ز اندکی پیدا بود قانون کـل
همچنین بحث است تاحشر بشر	در میـان جبری واهل قـدر
گر فروماندی ز دفع خصم خویش	مذهب ایشان بر افتادی زپیش
چون برون‌شو شان نبودی‌درجواب	پس رمیدندی از آن راه تباب
چون که مقضی بد دوام‌این روش	می‌دهد شـان از دلایل پرورش
تا نگردد ملزم از اشکال خصم	تا شود محجوب از اقبال خصم
تا که این هفتاد و دو ملت مدام	این چنین باشد الی یوم القیام

وامثال‌این کلمات که البته در کتاب‌هاخوانده‌اید ودیده‌اید دیگراحتیاج به تکرارونوشتن نیست. غرض ما دراینجا چیزدیگراست وآن‌این‌است که‌اگراین جماعت مراد ایشان از این کلمات همان ظاهر آن است که می‌فهمیم پس آنها بی اشکال کافر وملعون‌اند، واگر مراد ایشان چیزی‌است که ما نمی‌فهمیم چنان که هواداران ومحبان‌ایشان می گویند وتأویلات می کنند ـ پس گوئیم که اینها فاسق وبدکردارند به جهت آنکه اظهار کلام کفر می کنند وخود را مستحق مؤاخذه وطعن ولعن مردم ومورد عتاب وعقاب‌الهی‌نیزمی کنند. به جهت‌آنکه چنان‌که اعتقادکفر حرام است تلفظ به کلمهٔ کفر هم حرام است واحکام شرع مقدس مبتنی بر ظاهر است . چنانکه بسیار اوقات در مرافعات ، صاحب حق محروم وآنکه برباطل‌است صاحب‌حق می‌شود، وبسا هست که قصاص‌می‌شود کسی که کسی‌را نکشته‌است، به سبب‌آن اقراردروغ‌بکندبرقتل. یا شهودخوش ظاهرشهادت بدهند ودرباطن دروغ گووفاسق باشند. پس هر گاه کسی‌این‌طایفه را لعن کند به سبب‌آنچه ازایشان ظاهرشده معاقب نخواهدبود، هرچندآنهادر

باطن کافر نباشند . ودر کافی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که :

« لو ان رجلا احب رجلا لله لاثابه الله علی حبه ایاه وان کان المحبوب فی علم الله من اهل النار ، ولو ان رجلا ابغض رجلا لله لا ثابه الله علی بغضه ایاه وان کان المبغض فی علم الله من اهل الجنة »[1] .

ولیکن باید اجتهاد وسعی بکند در این که آن شخص مرد خدا است یا نه ، وبعد از آن که یافت مرد خدا است او را دوست دارد . واگر کوتاهی کند یا از راه عصبیت وحمیت او را خوب داند باید از محبت اوبترسد ، به جهت آن که مبادا بد باشد وآخر با او محشور شود . چنان که در حدیث است که هر گاه کسی سنگی را دوست دارد با او محشور می‌شود .

بلکه اگر معلوم ما هم بشود که آنها در باطن مسلمانند باز [حکم] به فسق آنها می کنیم که چرا این حرف را گفتند . وبعضی از هوا داران ایشان توجیه کلام‌های ایشان را می کنند ومی گویند که این سخن‌ها در حال مستی عشق الهی ودر وقت بیخودی از آنها سر زده . چنان که ملا در مثنوی یك صفحه کتاب را در شأن بایزید و گفتن آن کلمات را از سر مستی وبیخودی نوشته وذکر آنها طول می کشد . واین توجیه نیزبی وجه است وصاحب این سخن‌ها به این توجیه‌ها راضی نیست، وهرفرصتی که چنین باشد چرا دیگران این را درجملهٔ مدایح آنها بنویسند که مورث بدفهمی علمای ظاهر بشود . با وجود آن که کلمات ایشان درسایر مقامات فریاد می کند که چنین نیست ، چنان که شیخ شبستری گفته :

روا باشد انا الحق ازدرختی　　　چرا نبود روا از نیك بختی

---

۱ . اصول کافی : ج ۲ ـ ص ۱۲۷ .

به جهت آن که مقابلهٔ نیك بخت با درخت که مراد شجرهٔ کوه طور است افادهٔ کمال هشیاری می کند نه مستی . وا گر غرض اوبیان اولویت درمظهریت تجلی یا حلول یا اتحاد باشد هم رسوائی آن بیشتر است ، ودر این صورتها همه جا ندای انا الحق از خدای تعالی خواهد بود نه از منصور ، پس دیگر چه معنی دارد این که منصوراین را از راه مستی گفت . وقطع نظرازاینها همه کرده ، جمعی کثیر از معتمدین علمای شیعه ـ که مدار دین شیعه براعتماد بر ایشان است درنقل احکام الهیه از ائمهٔ ایشان ـ در شأن حلاج حکایت‌ها نقل کرده‌اند وتوقیع لعن او را از امام زمان نقل کرده‌اند وهمه اوراازجملهٔ کذابین شمرده‌اند ، و از شیخ مفید ذکر کرده‌اند کتابی در خصوص بطلان طریقهٔ تابعان حلاج تألیف کرده، وشیخ طوسی در کتاب اقتصاد گفته که اوساحر بود وهمچنین در کتاب «غیبت» دروغ گوئی ومکر اورانقل کرده (ودرحدیث است که ساحر کافر است . صاحب تبصرة العوام نقل کرده است که اوشا گرد عبدالله کوفی بود واوشا گرد ابوخالد کابلی وابوخالد شا گرد زرقا وزرقا ازشا گردان سجاح بود، وسجاح زنی بود که دعوی‌پیغمبری می کرد درزمان مسیلمهٔ کذاب که اوهم دعوی پیغمبری می کرد ودعوی خدائی می کرد ومردمان را به سحر فریب می‌داد وحکایت‌هائی دیگرهم از او نقل کرده است که طولی دارد) وهمچنین اسماعیل‌بن علی نوبختی که ازاعاظم علمای شیعه است وابن بابویه قمی در کتاب اعتقادات وصاحب احتجاج وغیر ایشان از علمای عظام ، ونقل حکایت‌ها وتفصیل اینها طولی داردکه مناسب مقام نیست .

دریکی ازکتابهای شیعه دیده‌ام که به فتوی حسین بن روح ـ که یکی از نواب صاحب الامراست وبرشیعه لازم‌است انقیاد واطاعت امراو ـ اوراکشتند وهمچنین ابن خلکان این مطلب را در تاریخ خود آورده . وهر گاه حال او

معلوم شد ظاهر این است که تابعان او همه حال او را داشته باشند ، مگر این که بگوئیم که به جهت غیر تصوف ازساحری ودروغ گوئی وغیر آن مورد لعن شد نه از این راه . واگر لعن از همین راه باشد بر همه این بحث وارد می آید به جهت آن که شبستری وملا وغیر اینها همه معتقد حلاج می‌باشند . . . و به هر تقدیر این جماعت در ظاهر حال از اولیاء وعرفای اهل سنت‌اند وچون ایشان را داعیهٔ مقابله با ائمهٔ ما باعث شده که بلکه توانند اطفای نور الهی کنند این اساس را در مقابل چیدند واین جماعت همان رؤسای ایشانند وهیچ یك اینها معلوم نیست که مذهب شیعه داشته باشند . واین که بعضی از مریدان ایشان ادعای تشیع اینها می کنند ، ومی گویند که اینها در زمان تقیه بوده‌اند وبه اعتبار تقیه اظهار تسنن می کرده‌اند ، بسیار دوراست به جهت آن که امثال این فضلاهر گاه ازرؤسای‌شیعه بوده‌اند واز کمال تقیه اهل‌سنت آنها را بزرگ شمرده‌اند پس بایست این معنی بر علمای شیعه مخفی نماند ودر میان شیعه مشهورتر باشند ، وحال آنکه هیچ یك از علمای رجال ما ذکر احدی [از] آنها را نکرده مگربعضی رابه بدی‌مثل‌حلاج وغیر آن . واین که بعضی‌علمای ما فریب این طریقه را خورده باشند وخواسته باشند که آنها را از مورد طعن ولعن درآورند نباید آنها را شیعه کنند وبعضی کلمات غیر واضحة الدلاله را به جهت تشیع ایشان نقل کنند ، با وجودی که کتابهای اینها از اول تا به‌آخر فریاد از تسنن می‌زند .

خلاصه این که اول باید تشیع راثابت کرد وبعداز آن اظهارتسنن راحمل بر تقیه کرد وبعد از آن توجیهات کلماتی که ظاهر آنها کفر است کرد ، وهیچ یك اینها را دلیلی وبینه ووجه صحیحی ظاهر نیست . اگر صوفی‌های ما به سبب آن بعض کلمات تشیع را فهمیده‌اند پس به آنها می‌توان گفت که همهٔ

کلمات وکتاب‌ها اولی است به دلالت، وهمچنان که در آنها احتمال تقیه داده‌اند با وجود کمال بعد، در اینها هم احتمال معنی دیگر هست ودلالت آنها بر تشیع ظاهر نیست . واین مقام گنجایش ذکر کلمات طرفین وبیان دلالت وعدم دلالت آنها را ندارد مثل آن که از بعضی اینها نقل کرده‌اند این شعر را که گفته است که :

آن زمان که عشق می‌پیمود درد   بو حنیفه شافعی بوئی نبرد

واین را شاهد تشیع شاعر گرفته‌اند وآن هیچ دلالت ندارد، به سبب آن که ابوحنیفه وشافعی ازجمله فقها وعلمای ظاهر بودند وطعن اصحاب ذوق بر علمای ظاهر مخصوص مذهبی دون مذهبی نیست، طعن از آن راه است نه از راه تسنن . وهمچنین در حکایت محیی الدین عربی در اواخر فتوحات در باب سیصد وشصت وششم ـ که می‌گوید کلامی که دلالت دارد بر خلافت وامامت جناب صاحب الامر صلوات الله علیه ـ هم دلالتی واضح بر تشیع او ندارد وآن کلام این است :

«ان لله خلیفة یخرج من عترة رسول الله صلی الله علیه وآله وولد فاطمة، یواطی اسمه اسم رسول الله صلی الله علیه وآله، جده الحسین بن علی بن ابی‌طالب یبایع بین الرکن والمقام، یشبه رسول الله فی الخلق بفتح الخاء وینزل عنه فی الخلق بضم الخاء، اسعد الناس به اهل الکوفة، یعیش خمساً اوسبعاً اوتسعاً یضع الحرمة ویدعو الی الله بالسیف ویرفع المذاهب عن الارض ولایبقی الا الدین الخالص، اعداؤه مقلدة العلماء اهل الاجتهاد لمایرونه من الحکم بخلاف ما ذهب الیه ائمتهم . . . الی آخر ما ذکره»

به جهت آن که اهل سنت منکر صاحب الامر صلوات الله علیه نیستند واخبار بسیار ازرسول خدا صلی الله علیه وآله درآمدن اونقل می‌کنند . بیش

از این نیست که می گویند هنوز نیامده است ، وآن که محیی‌الدین گفته دشمن اوفقهای زمان اویند وجه این کلام همان است که مذکور شد یعنی هر که فقیه واز علمای ظاهر است بـا رفتار قطب موافقت ندارد ، نه این که مراد ازفقها ، فقهای اهل سنت باشد از راه سنی بودن یا دلالت کند بر تشیع او، وهمچنین دلالت واضح بر وجود قائم ندارد به جهت‌آن که « یخرج » محتمل است که از خروج مـراد خروج مصطلح باشد یعنی اظهار شوکت می کند ، ومحتمل است که مراد بیرون‌آمدن ومتولد شدن از عترت باشد بلکه این اظهر است .

به هر حال من اصراری ندارم در اثبات تسنن محیی الدین یاوجوب لعن اویا حکم به معذب بودن اودر قیامت ، بلکه غرضم این است که خوب بودن هم ثابت نیست . پس او وامثال او مثل ملای روم وغیـره از متشابهات علما هستند وازآنها ساکت باید بود نه مدح ونه لعن .

المسالة الثانیة

بعضی متمسك می‌شوند در عدم جواز لعن به امثال محیی الدین وبا یزید وامثال ایشان به حدیثی که در علل روایت شده :

> قال الصدوق ـ ره ـ حدثنا ابـی رحمه الله عن حمران باسناده قال سمعت ابا جعفرعلیه السلام : اذا كان الرجل علی یمینك علی رأي ثم تحول علی یسارك فلاتقل الاخیراً ولاتبرء منه حتی تسمع منه مـا سمعت وهو علی یمینك فان القلوب بین اصبعین من اصابـع الله یقلبها کیف یشاء ، ساعة كذا وساعة كذا وان العبد ربما وفق للخیر .

مراد ازاین‌روایت چه چیزاست وبه‌آن می‌توان‌استدلال کرد برای مطلب یا نه ؟ .

الجواب :

این روایت خبر واحدی است وحال سند او معلوم نیست و در عداد احادیث ضعیفه محسوب است وبر فرض صحت سند ، ظاهر آن معارض به اجماع واخبار بلکه ضروری دین است به جهت آن‌که اجماعی همهٔ مسلمانان است که واجب‌است دوستی دوستان خدا وواجب‌است دشمنی دشمنان خدا ، واگر بنابر این باشدکه در هرلمحه‌ای وهرآنی ممکن است که دشمن دوست شود ودوست دشمن پس این تکلیف به عمل نخواهدآمد مگر درکمال‌ندرت ودوستی ودشمنی از جمله ملکات نفسانیه وحالات راسخه است واین معنی نداردکه در همان‌آن که کلمهٔ کفر ازشخصی شنیدم دشمن اوباشم واز او تبری بکنم وهمین که لمحه‌ای فاصل شد باید سلب دشمنی بکنم واز اوتبری نکنم. ودیگر معنی دوستی دوستان خدا ودشمنی دشمنان‌خدا این است که در افراد انسان هر دوقسم هست ، اینها را دوست داردآنها را دشمن ، وهرگاه نتوان تعیین کرد دوست ودشمن را ـ به جهت آن‌که در هر لمحه احتمال تبدل رأی وتوفیق به غیر حال هست ـ پس همچو ماده‌ای وقوع نخواهد داشت ، پس باید معنی همه احادیث که وارد شده‌است در بغض فی الله حمل کرد به همان لمحه که از حال آن‌شخص یقین به بدی‌داری وحال‌آن که همه احادیث‌باطلاقها دلالت دارد بر خلاف‌آن . ودیگراینکه این‌سخن دربارهٔ نیکان هم واردمی‌آید که دل همه‌کس ما بین دوانگشت قدرت خدا است پس گاه است که دوست خدا دشمن خدا شده باشد . واین خودبی معنی‌است که مراد از همهٔ احادیث این باشد که دشمن دارند این نوع را ـ به این معنی که هر که در علم خدا دشمن است تو آن را دشمن دار ـ به جهت آن‌که دوستی کردن ودشمنی

کردن آثار چندداردکه مترتب نمی‌شودالا دراعیان موجوده نه درماهیات صرفه وهمچنین آیاتی که دلالت دارد بر لعن جماعتی مثل قاطع رحم وناقض عهد وغیر آن . پس ملاحظه کن حدیثی که کلینی درباب مجالست اهل معاصی ذکر کرده وببین که تبری از اهل معصیت ضرور است یا ضرور نیست ، وبه مجرد احتمال تغییر رأی نباید تبری کرد با وجود آن که کلینی در کافی روایت کرده در سند صحیح از داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام ، قال :

قال رسول الله صلی الله علیه وآله : اذا رأیتم اهل الریب والبدع من بعدی فاظهروا البراءة منهم واکثروا من سبهم والقول فیهم والوقیعة وباهتوا لهم کیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام ویحذرهم الناس ولایتعلمون من بدعهم یکتب الله لهم بذلك الحسنات ویرفع لکم به الدرجات فی الاخرة [1] .

وعن الصادق علیه السلام ایضاً :

وسئل عن ایمان من یلزمنا حقه واخوته کیف هو وبما یثبت وبما یبطل؟ فقال : ان الایمان قد یتخذ علی وجهین : اما احدهما فهو الذی یظهر لك من صاحبك فاذا ظهر لك منه مثل الذی تقول به انت ، حقت ولایته واخوته الا ان یجیء منه نقض للذی وصف من نفسه واظهره لك ، فان جاء منه ما تستدل به علی نقض الذی اظهر لك خرج عندك مما وصفت لك واظهر وکان لما اظهر لك ناقضاً . الا ان یدعی انه انما عمل ذلك تقیة ، ومع ذلك ینظر فیه فان کان لیس مما یمکن ان تکون التقیة فی مثله لم یقبل منه ذلك، لان للتقیة مواضع ، من ازالها

---

۱ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ .

عن مواضعها لم تستقم له . . الحديث [1] .

فان قوله عليه السلام « وكان لما اظهر لك ناقضاً الا ان يدعي . . » يفيد انه خرج عن اخوة الايمان بسبب ذلك الاظهار ، وسواء مر عليه شهر اوعام اوازيد ، الا ان يدعي التقية وكان ممكناً في حقه .

وفي الحسن عن ابن ابي عمير عن محمد بن حكيم وحماد بن عثمان عن ابي مسروق قال : سألني ابوعبدالله عليه السلام عن اهل البصرة : ما هم ؟ فقلت : مرجئة وقدرية وحرورية . فقال لعن الله تلك الملل الكافرة المشركة التي لاتعبد الله على شيء [2].

فان الظاهر ان مراده لعن الموجودين في البصرة ، مع احتمال تجدد آرائهم عند اللعن .

لايقال : ان الامام لعله يعلم انهم باقون على احوالهم ويموتون على هذا الحال .

لان الاصل عدمه، مع كمال بعد ذلك، مضافاً الى منافاته لسؤاله عن ملتهم الى غير ذلك من الاخبار .

هذا ، مع ان الاخبار الصحيحة المستفيضه القائلة بعدم جواز نقض اليقين بالشك وعدم جواز نقضه الا بيقين مثله يثبت استصحاب التبري واستحقاق اللعن الى أن يثبت المخرج .

هذا ، مضافاً الى عدم قبول توبة المرتد الفطرى كما دل عليه صحيحة محمد ابن مسلم عن الباقر عليه السلام قال :

من رغب عن الاسلام وكفر بما انزل على محمد ـ صلى الله عليه وآله ـ بعد اسلامه فلاتوبة له ، وقد وجب قتله وبانت

---

١ . ايضاً ، ج ٢ ، ص ١٦٨ .

٢ . ايضاً ، ج ٢ ، ص ٤٠٩ .

منه امرأته ويقسم ما ترك على ولده [1]

فاذا حكم ببقائه على تلك الحال مع التوبة فمع عدمها او عدم معلومیتها فأولى بذلك .

مع انه يمكن ان يوجه رواية العلل بأن المراد انه اذا ظهر من مسلم رأي على معصية ونية وقصد عليها وذهب ساعة من ذلك احتمل تجدد رأيه وندامته فلا تبرأ منه ولاتحكم بفسقه ، لاحتمال تجدد رأيه وندامته ، فان قال ثانياً بما قال اولا واظهر قصده فانه حينئذ يصير مصراً على الصغيرة على وجه وثبت فسقه . وبالجملة هذا خبر ضعيف فی‌مقابل الاخبار الصحيحة المتواترة بالمعنى واجماع المسلمين بل ضرورة الدين ، فلا التفات اليه الا ان من المثل السائر ان الغريق يتشبث بكل حشيش .

وايضاً بنا براستدلال آن شخص به این‌حدیث لازم می‌آید که برهیچ یك از کفار ومنافقین سلف لعن نتوان کرد به جهت‌آن‌که احتمال دارد که در حال رفتن توبه کرده باشند .

والحاصل مدعای حقیر رد براستدلال این شخص است که مقتضی اوآن است که هر گاه کسی به‌سبب کلامی مستحق‌لعن وتبری‌شدبه مجرداحتمال‌رجوع ازآن اعتقادنباید از او تبری کرد، نه این که مدعایم این باشد که بعض‌اشخاص مذکوره هر گاه حال ایشان متشابه باشدبه سبب اختلاف کلام‌های ایشان ، باز باید ایشان را لعن کرد وتبری کرد به سبب آن کلمه نا شایسته . به جهت‌آن‌که پیش گفتیم وبه جهت‌آن‌که فرموده‌اند :

ادرأوا الحدود بالشبهات

پس هر یك ازآنها که معلوم شد که بر کفر بوده‌اند ورافعی معلوم نشد یا

---

۱ . وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ٥٤٤ .

آن که امام زمان اورا لعن کرد در آن اشکالی نیست ، وهر کدام که امر اومشتبه است پس در شأن او« علیه ماعلیه » می گوئیم . پس ملای رومی مثلا هر گاه اعتقاد وحدت موجود داشته ـ چنان که ظاهر اکثر کلمات اوست ـ یا معتقد جبر بوده ـ چنان که بسیاری از اشعار مثنوی دلالت دارد ـ یا معتقد جبت وطاغوت واتباع ایشان است ـ چنان که اول تاآخر مثنوی شاهدآن است ـ پس ما را لازم است تبری از او ، واگرمعلوم شود که از راه تقیه این سخن‌ها را گفته تبري نباید کرد . وچون به سبب بعضی اشعار که از خارج مثنوی از او نقل کرده‌اند که دلالت برخلاف آن دارد ـ هر چند ثابت نیست ـ امر اومشتبه است الحال ما او را « علیه ما علیه » می گوئیم . واحتمال تقیه همچنان که در اظهار اعتقاد به جبت وطاغوت هست در اعتقاد بـه جبر ووحدت موجود نیز هست ـ چنان که طریقهٔمشایخ‌مخالفین است ـ لیکن تقیه با این‌اهتمام واصرار بسیار بعید است . وان‌لکل حق‌حقیقة ولکل‌صواب نوراً [1] ازکوزه برون همان تراود که در اوست .

* * *

این گفتگوها که تابه اینجا کردیم جواب است از این که سؤال شده بوده که آیا محیی‌الدین وحلاج وامثال اینهابه سبب کلمات کفرآمیز ایشان مورد لعن وتبری هستند یا نه ؟ وبر فرضی که آن کلمات باعث این معنی شد آیا جواب از آن حدیث چه خواهد [بود] ومقتضی آن حدیث آن‌است که شایدآنها قبل از مردن از مقتضی آن سخن‌ها توبه کرده باشند .

اما باید دانست که آن شخص هواداری که بـه این حدیث استدلال کرده است یا بی وقوف است وخبر از مذهب آن اشخاص ندارد و گمان می کند که

---

۱ . اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۶۹ .

آنها مراد دیگر دارند واین کلمات از ایشان به غلط سر زده وخدا آنها را عفو می کند، یا آن که با وقوف است وخواسته است دفع سخن‌های بی وقوف‌های ملاهای ظاهر را از ایشان بکند که چون چنین حدیثی وارد شده شما به آنها سخن مگوئید وآنها را بد ندانید. واما سایر محبان وهوا داران ایشان که از جملهٔ علما ودانشمندان وبا وقوفان‌اند نسبت غلط به آنها نمی‌دهند وبه همچو حدیث‌ها متمسك نمی‌شوند، بلکه می گویند که آنچه این اشخاص گفته‌اند ــ که شما کفر می‌دانید ــ از اسرار ائمهٔ معصومین است، وائمهٔ ما علیهم‌السلام آنها را به بعض خواص خود مثل کمیل بن زیاد واویس قرنی وجابر جعفی تعلیم کرده‌اند، واستشهاد می کنند بر این مطلب به حدیث:

لوعلم ابوذر ما فی قلب سلمان لقتله ــ اولکفره ــ

وبه احادیثی که دلالت می کند بر اینکه احادیث ما صعب است وتاب آن نمی‌آورد مگر ملك مقربی یا نبی مرسلی یا مؤمنی که خدا امتحان کرده است دل او را برای ایمان، وبه حکایت کمیل بن زیاد که در نهج البلاغه مذکور است آن جایی که می‌فرماید:

ها ان هیهنا لعلماً جماً ــ مشیراً الی صدره ــ لو اصبت له حملة، بلی اصبت لقناً غیر مأمون علیه، مستعملا آلة الدین للدنیا مستظهراً بنعم الله علی عباده، وبحججه علی اولیائه، اومنقاداً لحملة الحق، لابصیرة له فی احنائه، ینقدح الشك فی قلبه لاول عارض من شبهة، ألالا ذا ولا ذاك، اومنهوماً باللذة سلس القیاد للشهوة، او مغرماً بالجمع والادخار، لیسا من رعاة الدین فی شیء، اقرب شیء شبهاً بهما الانعام السائمة. کذلك یموت العلم بموت حاملیه.

اللهم بلی لاتخلو الارض من قائم لله بحجة . اما ظاهراً مشهوراًواخائفاً مغموراً ــ الی آخرما ذکره علیه السلام [1].

واینها هیچ یك دلیل نمی‌شود بر این که مراد ائمهٔ طاهرین ورسول رب العالمین صلی‌الله علیهم‌اجمعین از آن‌اسرار اینها باشد که این‌جماعت می گویند باید این را اثبات کنند . ودیگر این که هر گاه برفرض تقدیر که اسرار همین‌ها باشد پس از کلام رسول خدا صلی‌الله علیه وآله معلوم شد که‌آن سر را نباید گفت، وهر که بگوید آن راقتل‌اولازم می‌شودبر کسی که‌آن رانفهمد، وحرجی هم برقاتل‌نخواهد بود به جهت آن که شکی دربزر گی وعظمت وجلالت هیچ یك از سلمان واباذر نیست ــ بلکه دراحادیث هر دورا از اهل بیت شمرده‌اند **پس هرگاه سلمان** آن سررا فاش می کرد واباذر می‌شنید براباذر لازم می‌شد که او را بکشد واباذر از مرتبهٔ بزر گی خود بیرون نمی‌رفت ــ بلکه اطاعت وبند گی اوظاهرتر می‌شد ــ اما سلمان ازمرتبهٔ سلمانیت در می‌رفت ومعصیت بر اولازم می‌شد که خود را به کشتن داد ، وهمچنین تکفیر کردن اباذر او را به جا می‌بود وبر اوچیزی نبوده، وسلمان مخالفت شرع‌مقدس کرده بود وخودرا در موضع تهمت در آورده بود ، پس شما اگر می‌دانید که این اسرار همان اسرار است پس چرا دائم در کتابها می‌نویسید ودر مجامع ومدارس از برای هر ناعق وناهق می‌خوانید ــ وبا وجودی که بزر گان شما می گویند این به غیر کشف از راه ریاضت ومجاهده حاصل نمی‌شود ، ونه اکثر علمای شما اهل آن هستند ونه کافهٔ متعلمین ــ پس این حدیث شریف اثبات کفر این جماعت یافسق آنها را می کند به جهت آن که اگر این‌سر آن سرنیست پس کافرند واگر همان است پس بایست کتمان کنند وچون نکردند مخالفت پیغمبر ــ صلی الله

---

۱ . نهج البلاغه ، ص ۵۹۴ ــ ۵۹۵ (باب المختار من حکم امیرالمؤمنین ــ ۱۴۷) .

علیه وآله ـ کرده‌اند وفاسق شده‌اند .

ومعاذالله از آنچه در این عصرها مشاهده می کنیم . . هر که ابجد خوان شد ودر محافل این فرقه نشست بی‌حجاب وپرده در کمال بی‌شرمی وبی‌پروایی تصریح به این عقائد می کند ، وهر گاه از پی آنها دوقدم بر وی که معنی آن کلمات که می گویی بیان کن هیچ نمی‌تواند گفت . با وجود این که می‌توانیم گفت که سلمان را شأن رفیع ومقدار عظیم از علم بود (وشاید اسم اعظم را هم می‌دانسته وبه برکت آن اطلاع بر بعض امور به هم می‌رسانیده که سایر عقول قبول آن نمی کرده، یا آن که از فضائل جناب امیرالمؤمنین چیزهامی دانسته از اموری که خارج از طور انسانی بوده ـ که دیگران طاقت آن نمی آورده‌اند چنان که درخطبه‌ای که ـ شیخ طبرسی در **احتجاج** از او نقل کرده که گفته‌است

فلوحدثتکم بکل ما اعلم من فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام لقال طائفة منکم : هو مجنون ، وقال طائفة اخری : اللهم اغفر قاتل سلمان)[1] .

وأما صعوبت فهم احادیث ایشان که از اخبار معلوم می‌شود پس معلوم نیست که مراد از آنها این اسرار مخصوصه باشد که اینها مدعی آنند ، به جهت آن که پرمعلوم است که همهٔ احادیث ایشان‌صعب نیست ـ هر گاه بنارا برظاهر بگذاریم چنان که مقتضی عقل وعرف وعادت است ـ وصعوبت پاره‌ای از آنها هم یقینی است مثل اخبار ارزحقه وحکایات معراج جسمانی وحکایت خلق ارواح قبل از ابدان به چهار هزار سال وخلقت نور پیغمبر صلی الله علیه وآله وائمه طاهرین قبل از همه ومیثاق گرفتن از انبیا وملائکه به جهت ایشان وغرائب وعجائبی که در شأن امیرالمؤمنین وسایر ائمه فرموده‌اند که از ایشان سر زده وسؤال قبر وفشار قبر وامثال اینها که بر ظاهر افهام بسیار صعب است

---

۱ . احتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۵۱ .

فهمیدن آنها وقبول کردن آنها ، حتی این جماعتی که اصحاب اسرارند از حقیقت باز مانده همه را تأویل کرده‌اند وبر خیالات فاسده خود حمل کرده‌اند پس از کجا معلوم شد که باید معنی احادیث صعبهٔ ایشان این باشد که حق تعالی عین همه اشیاء است یا حلول می کند در اجسام ، یا در هر لمحه‌ای به شکلی متشکل می‌شود وموجودات ، مراتب ترقی وتنزل اویند ، واومثل دریـا است وسایر مخلوقات مثل موج وامثال این سخن‌هائي که به غیر مثال وتشبیه به هیچ نوع تفسیر از آن نمی‌توانند کرد ، وظاهر این سخن‌ها همه کفر وزندقه است .تعالی الله عما یقولون .

واما حکایت **کمیل ابن زیاد** پس آن نیز بـه هیچ وجه دلالتـی ندارد . غایت امر آن است که دلالت می کند بر این که بعضی علوم در نزد آن حضرت بوده که همه کس اهل آن نبوده ، ومعلوم نیست که اینها باشد که ایشان مدعي آنند . با وجود آن که آن حضرت در باب نیافتن حامل علوم می‌فرماید اینکه : بعضی مردم کم فهم واهل تقلید وقدم ثبات در فهم مسائل وضبط وحفظ علـوم ندارند وبه اندك شبهه از دین دست برمی‌دارند وچنین شخصی طاقت تحمل دین والقای علوم ندارد ، وبعضی از مردم که زیرك وچیز فهمند مأمون نیستند ومحل امانت این علوم نیستند به جهت آن که استعمال می کنند آات دین را در دنیا ـ یعنی علم را پایهٔ تحصیل دنیای خود می کنند وبه آن طلب سروری می کنند وجلب منافع دنیوی می کنند ـ وچنین کسی لایق آن نیست که کسی علم را به او بیاموزد ، وآموختن علم به چنین کسی هم اعانت بر معصیت است . وبر صاحب فهم ودانش مخفی نیست که این گفتار دلیل است بـر این که این علم اسرار اهل تصوف نیست به دوجهت :

جهت اول این که ایشان می گویند که ادراك این علوم ممکن نیست مگر

به ریاضت ومجاهده ومخالفت نفس وپـاك کردن نفس از اخلاق ذمیمه که سر کردهٔ آنها محبت دنیاست . پس چگونه این علوم منکشف می‌شودبر دنیا پرست متصف به این‌صفات ذمیمه که‌آن حضرت فرموده که : بلی می‌یابم اهل ادراك آن علوم را ، اما این مانع را دارد که دنیا پرستند .

ودوم این که استعمال‌آلت دین ـ که مراد علم است به احکام آن ـ در دنیا بالعیان مشاهد است که در اسرار صوفیه نیست ، **به جهت** این که ریاست دنیا بیشتر به ارادت ونیروی عوام الناس می‌شود واسرار صوفیه نه به فهم‌آنها می‌رسد که به سبب‌آن عالم به‌آن را تعظیم کنند **وپیروی** کنند ونـه هم مقبول طبع ایشان است . اگر خواهی مشاهده کن وشهرت بـده که فلان‌کس صوفی است ، ببین اغلب مردم ازاو نفرت می کنند تا به حدی که او به درد گرسنگی وبرهنگی گرفتار می‌شودیااین که همه‌به اورومی کنندودنیای‌اورا رونق‌می‌دهند؟ واین که می‌بینی که بعضی از این جماعت درمیان مردم شهرت می کنند ومردم ارادت به‌آنها هـم می رسانند به جهت همان است که خود را به اهـل شرع می‌چسبانند ودم از حلال وحرام می‌زنند وذکر محامد اخلاق می کنند ومردم را از اخلاق ناشایسته منـع می کنند ، وچون طلبه ومحصلین که در دورآنها جمع می‌شوند وصف فضیلت وملائی‌او را هم می‌کنند وعوام هم از خود او بعضی‌آثار شریعت را می‌بینند بر دور او جمع شده دنیای او رونق می‌یابد . پس حقیقةآلت دینی که‌آلت دنیای او شده علوم ظاهریه است نه علوم باطنیه ومحض عالم وفاضل بودن است نه عالم بودن به اسرار تصوف .

اگـر بگویی که پس این علم بسیار ـ که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمود در سینهٔ من است واهلی از برای‌آن نمی‌یابم ـ مسائل حیض ونفاس است یا مسائل تیراندازی واسب دوانی که در کتابهای فقه نوشته‌اند ؟

پس می گویم **اولا** : چون استخفاف کردی به مسائل حیض ونفاس که از شرائط صحت نماز است که ستون دین وتالی معرفت الله است [از] باطن شریعت مقدسه [طلب] امداد کرده می گویم : بلی مسائل حیض ونفاس است اگر می‌خواهی از برای تو شاهدی بیارم که آن صحیحهٔ خلف بن حماد است وحاصل مضمون آن این است که : شخصی از **حضرت کاظم** (علیه السلام) سؤال کرد در باب زنی که خون بکارت او به خون حیض مشتبه شود . فرمود پنبه بخود بر دارد وزمانی صبر کند وهموار بیرون بیاورد ، هر گاه خون بر پنبه طوق‌زده‌است معلوم‌است که از بکارت است واگر پنبه را فرو گرفته خون حیض است . ودر آن‌حدیث مذکور است که آن حضرت نگاه کردند در میان خیمه به جانب چپ وراست ـ از ترس آن که کسی کلام آن حضرت را بشنود پس فرمود :

یا خلف ! سر الله فلا تذیعوه ولاتعلموا هذا الخلق اصول دین‌الله بل ارضوا بمارضی الله لهم من ضلال [1]

واحادیث بسیاری که وارد شده است در منع فاش کردن اخبار واحادیث ائمه ، اکثر آنها محمول است بر همین معنی یا بر تقیه وپنهان داشتن دین . پس ملاحظه کن کتاب محمد بن یعقوب کلینی را ، فروی فی الحسن عن یونس عن محمد الخزاز عن الصادق علیه السلام قال :

من اذاع علینا حدیثنا فهو بمنزلة من جحدنا حقنا [2]

قال : وقال للمعلی بن خنیس :

المذیع حدیثنا کالجاحد له [2]

وفی الصحیح عن ابن ابی یعفور قال : قال ابوعبدالله علیه السلام :

---

۱ . وسائل ، ج ۲ ، ص ۵۳٦ .

۲ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۷۰ .

من اذاع علینا حدیثنا سلبه الله الایمان [1]

وعن یونس عن یونس بن یعقوب عن بعض اصحابه عنه علیه السلام قال:

ما قتلنا من اذاع حدیثنا قتل خطأ ولکن قتلنا قتل عمد [1]

وفی القوی عن ابی بصیر عنه علیه السلام یقول فی قول الله عزوجل:«وتقتلون الانبیاء بغیر الحق» فقال:

اما والله ما قتلوهم بأسیافهم ولکن اذاعوا سرهم وافشوا علیهم فقتلوا [2]

الی غیر ذلك من الاخبار . . .

پس اگر بگویی که این توجیهات در زمان سایر ائمه خوب است، اما در کلام امیرالمؤمنین نمی‌تواند شد که مراد ابقای مخالفین باشد بر جهالت یا از راه تقیه باشد، چون آن حضرت امام مستقل بود در زمان خلافت خود نزد شیعه وسنی.

جواب می گویم: **اولا** این که معلوم نیست که این مکالمه با کمیل در حالت استقلال بوده باشد. **وثانیاً** این که مگر نشنیده وندیده‌ای احادیثی را که آن حضرت گاهی ملجأ می‌شد به واگذاشتن مردم در بدعت‌های خلفای سابق برخود ونتوانست تغییر بدهد بدعت‌ها را، به جهت آن که محبت خلفای سابق در خلق رسوخ کرده بود. ملاحظه کن احادیثی که در نهی از نماز تراویح وارد شده. فروی الشیخ فی الموثق عن عمار عن الصادق علیه السلام قال:

سألته عن الصلاة فی رمضان فی المساجد جماعة. فقال:

لما قدم امیرالمؤمنین علیه السلام بالکوفة امر الحسن بن علي ان ینادي فی الناس «لاصلاة فی شهر رمضان فی المساجد

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. ایضاً، ص ۳۷۱.



جماعة » ، فنادى في الناس الحسن بن علي بما امره به امير المؤمنين ، فلما سمع الناس مقالة الحسن بن على صاحوا : واعمراه ! واعمراه! فلما رجع الحسن الى اميرالمؤمنين عليه السلام قال له : ما هذا الصوت ؟ قال: يا اميرالمؤمنين ، الناس يصيحون واعمراه واعمره ، فقال امير المؤمنين عليه السلام : قل لهم صلوا [1] .

وروى الكليني في الحسن عن حماد بن عيسى عن ابراهيم بن عثمان عن سليم بن قيس الهلالي قال :

خطب اميرالمؤمنين عليه السلام فحمد الله واثنى عليه ـ الى ان قال ـ قال: قد عملت الولاة قبلي اعمالا خالفوا فيها رسول‌الله صلى الله عليه وآله متعمدين لخلافه ، ناقضين لعهده ، مغيرين سنته ، ولوحملت الناس على تركها لتفرق عني جندى حتى ابقى وحدى اوقليل من شيعتي

ـ الى ان قال : ـ

والله لقد امرت الناس ان لايجتمعوا في شهر رمضان الا في فريضة ، واعلمتهم ان اجتماعهم في النوافل بدعة ، فتنادى بعض اهل عسكرى ممن يقاتل معي : « يا اهل الاسلام غيرت سنة عمر ! ينهانا عن الصلاة في شهر رمضان تطوعاً » ، ولقد خفت أن يثوروا في ناحية جانب عسكرى ـ الحديث [2] .

ويؤدي مؤدى ذلك او اشد منه مارواه ابن ادريس في آخر السرائر [3] .

ومعلوم است كه آن حضرت را محبان وشيعيان خواص بود واين شكوه

---

۱ . تهذيب ، ج ۱ ، ص ۲٦۷ .

۲ . روضة كافي ، ص ۱٥٦ .

۳ . سرائر ، ص ۲۸٤ .

وشکایت به جهت عدم قابلیت اکثر اهل‌زمان خود است ، نه این که مطلق‌حامل علم نداشتند .

اگر گویی که پس این استثناء آخر که می‌فرماید :

« اللهم بلی‌لاتخلو الارض من قائم لله بحجة »

دلالت می کند بر این که‌آن علوم و اسرار ، مخصوص‌آن حضرت وامثال او از معصومین است و این کافی است در مطلب .

جواب می گویم که اول سخن رافراموش کردی که حضرت فرمودند که نگفتن علوم به جهت عدم قابلیت است یا ازراه بی دینی مردم واهل دنیا بودن یا از راه کم فهمی ونادانی ویا ازراه بی اعتنایی به جهت حرص به جمع‌مال ومتابعت شهوات ولذات ، وآنها مناسب این نیست که این علوم مخصوص معصومین باشد . وبر فرضی که چنین باشدچه نفعی به شما دارد ؟ مگر این که بگویند که هر یك از مشایخ ایشان مثل هر یك از معصومین است ، چنان‌که می گویند وبه این اشاره کرده است ملا در مثنوی که می گوید :

پس امام حی ناطق آن ولی است   خواه‌ازنسل‌عمر خواه ازعلی‌است

وگویا مراد او رد بر شیعه باشد در وجود صاحب الامر . وچون شیعه می گویند که امام ما صاحب زمان از نسل علی است او می گوید امام زمان آن است که ولی است ، می‌خواهد ازنسل عمر باشد می‌خواهد از نسل علی .

ودیگر این که‌آن استثنا ازآن کلام آخر است که حضرت می‌فرماید :

کذلك یموت العلم بموت اهلیه .

یعنی : هر گاه زمان چنین شد که مردم یك پاره چنان باشند ویك پاره چنین ـ از اقسامی که ذکر فرموده‌اند ـ پس حامل علم بر طرف می‌شود ، وآهسته‌آهسته به جائی‌می‌رسد که حاملی نماند وچون علم عرضی‌است که بی

محل نمی‌تواند بود پس می‌میرد علم به سبب موت اهل آن . خداوندا بلی ، چون هیچ زمانی‌خالی ازامام قائمی نیست ــ یا ظاهرمشهور ویا ساکت‌ترسان پنهان ــ پس حامل علم فی الجمله هرگز نمی‌میرد .

وگمان می کنم که سخن که به اینجا رسید دانشمندان به این نادان بحث می کنند که ای‌جاهل غافل ! ایشان به این کلام ها استدلال‌نمی کنند بر اسرار خودکه تو ردکنی ، بلکه می گویندکه اینها دلیل‌آن است که سری می‌باشد وعلم باطنی هست که همه‌کس نمی‌داند ، بر ردآن کسی که می گوید که علم همین علم ظاهر است . نه این‌که مراد اینها این باشدکه این حدیث ها دلالت می کندکه‌آنچه ایشان می گویند اسرار ائمهٔ معصومین باشد .

پس می گویم که بلی‌ای دانا ! اما فهمیدیم مراداستدلال را ، امامی گویم که اسرار نهانی بسیار چیزها می‌تواند بود ، وما هم قبول داریم‌که بسیاری‌از علوم را همه‌کس نمی‌داند اما چه نفعی به حال تو دارد ؟ با وجود آن که در بسیاری ازآن‌کلمات محامل دیگر هست که اشاره به بعض‌آنهاکردیم . بلکه احادیث در بسیاری از مواضع ظاهر بلکه صریح در این است‌که اینها نیست واز جمله احادیثی‌که می‌توان استدلال برکذب این طایفه کرد این است که اغلب‌آنها ازعلم شریعت عاری‌وبی بهره‌اندومسائل حلال وحرام را نمی‌دانند وکلینی‌به سند صحیح ازمعاویه بن وهب روایت‌کرده قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول :

ان‌آیة الکذاب أن یخبرك خبر السماء والارض والمشرق والمغرب ، فاذا سألته عن حرام الله وحلاله لم یکن عنده شیء[1] .

---

۱ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۴۰ .

المسألة الثالثة :

کتاب حدیقة الشیعه از ملا احمد اردبیلی رحمه‌الله است یا نه ؟

الجواب :

بلی به استفاضه ونقل ثقات ثابت شده که از آخوند ملا احمد اردبیلی علیه الرحمه است واز جمله کسانی که تصریح کرده‌اند به‌آن ، ملامحمد طاهر قمی (ره)است در کتاب ملاذالاخیار وغیره وشیخ حر عاملی در کتاب رجال خود ـ وایشان معاصر یا مقارب العصر بوده‌اند ـ وانکار این معنی می‌تواند شد که از بعضی جهال صوفیه باشد که چون فضیلت وخوبی آخوند مرحوم را انکار نمی‌توانند کرد متمسك می‌شوند به انکار استناد کتاب به ایشان ، زیرا که درآنجا مبالغه بسیار در مذمت وانکارصوفیه شده‌است واین به‌آن می‌ماند که میرزا مخدوم سنی در نواقض الروافض استبصار را به ابن مطهر حلی نسبت داده .

المسألة الرابعة :

آخوند ملا محسن در سفینة النجاة می گوید که آیهٔ شریفهٔ
« ومن لم یحکم بما انزل الله فأولئك هم الکافرون » [1]
در شأن مجتهدین است ، پس حال او چون خواهد بود ؟

---

۱ . سورهٔ مائده ، آیهٔ ٤٤ .

الجواب :

هرچند کتاب سفینة النجاة الحال درنزد حقیرحاضرنیست، نهایت این قدر می‌دانم که این سؤال در عداد سؤال‌های دیگر نیست وطعن آخوند ملا محسن به مجتهدین از راه اعتقادات ومذهب نیست ،به جهت آن که آخوند برفرضی که صوفی‌باشد صوفیه علمای ظاهرراکافرنمی‌دانند، هرچند علمای ظاهرایشان را تکفیر کنند آنهاعلمای ظاهرراتکفیرنمی کنند، هرچند ازعلمای‌ظاهرهم خوش نمی آیدشان. اما آخوند ملامحسن کنایه‌به مجتهدین مکررمی گویند واین‌سخن‌به سخن‌های‌اومی‌ماند. ووجه‌آن‌این‌است که‌آخوند را گمان‌این‌است که مجتهدین امامیه به قیاس واستحسان عمل می کنند درمسائل فروع ـ چنان که طریقهٔ اهل سنت است ـ وبه این‌سبب گفته که ایشان حکم به غیرما انزل‌الله می کنند ، ودر شأن کسی که حکم به غیرما انزل‌الله بکند این‌آیه نازل شده است . وامثال این عبارات بسیار دارد چنـان‌که در اول مفاتیح آن همه تعریضات وکنایاتی که گفته است مـراد اوعیب جویی طریقـهٔ مجتهدین است ، وهمچنین در مسألهٔ متنجس وغیرآنها . وحق این‌است که این اسناد به علمای ما غلط است وایشان هیچ یك عمل به قیاس اهل سنت وبه اصول مبتدعهٔ ایشان نمی کنند به غـیر نادری از قدمای اصحاب مثل ابن جنید ـ که به جهت شبهه ای که از برای او عارض شده بوده یابه جهت شدت تقیه در زمان او گاهی‌عمل به قیاس می کرده وسایر علمای ما از قیاس وعامل به‌آن تبری می کنند .

آخوند در اغلب اوقات درفهم مطلب مجتهدین‌اشتباه کرده‌است ودلالت تنبیه راکه از مدلولات کلام شارع‌است قیاس انگاشته ، یا اگر غفلتی از برای مجتهدی دراستفادهٔ دلالت رو داده باشدآن‌رامعتقدآن دانسته ،ایشان‌را ملامت

می کند. ولیکن. چون آن نوع گفتار که دراول مفاتیح وسایر کتاب‌های اصول خود می کند نسبت به مجتهدین ، ودعوی‌های بزرگ می کند ـ که من آن چه می گویم از نور والهام الهی است وآن چه‌آنها می گویند از تقلید وقیاس واصول مبتدعه است ـ لایق بزرگان خصوصاً مدعیان حال وذوق وصفای باطن نیست ، باطن مجتهدین وعلمای امامیه او را مبتلا به این کرده است که در اغلب مواضع مفاتیح کارها کرده است که هیچ مجتهدی نکرده ، وبه قیاس وقواعد چند عمل کرده که بعضی اهل سنت‌هم از آن استنکاف می کنند، وحاصل آن که درتألیف **مفاتیح** زلات وغفلات اوازحد ونهایت بیرون است که اینجا مقام ذکرآنها نیست . هر که فی‌الجمله اطلاعی ازفقه وطریقهٔ مذهب شیعه دارد می‌داند که اوبیشتر بی دلیل فتوی داده وبه قیاس عمل کرده تا فقها ومجتهدین . به هر تقدیر این گفتارهایی که ما بین اصولی واخباری ومجتهد وغیر مجتهد است ، نقلی به دین وملت وکفرواسلام ندارد .

المسألة الخامسة :

آخوند ملامحسن درعین الیقین گفته که کفارا گرچه مخلد می‌باشند لکن عذاب ایشان منقطع می‌شود . آیا او را «علیه الرحمه» می‌توان گفت یالعنش بایدکرد یا ساکت باشیم و« علیه ما علیه » بگوئیم ؟ .

الجواب :

هر چند عین الیقین نزد حقیر نیست اما قبل از این که گاهی مطالعهٔ آن می کردم درخاطرم هست که دیده باشم ولکن تفصیل عبارت‌اودرخاطرم نیست پس می گوییم که اگرمراد اوهمان است که محیی الدین گفته پس‌آن مخالف

قرآن واحادیث واجماع مسلمین است، وخلافی ندارند دراین که کفار ومنافقینی که حجت به‌آنها تمام شده وبر کفرخود باقی مانده‌اند مخلدند درآتش، ودر عذاب ومحنت وشدت می‌باشند وعذاب از ایشان سبک نمی‌شود چنان که صریح آیات قرآنی است . وبودن در آتش ولذت بردن از آن عذاب نیست بلکه راحت است به جهت ایشان . ومؤید بطلان این مدعی است آیهٔ شریفه که درشأن گوساله پرستان نازل شده :

« وقالوا لن تمسنا النار الا ایاماً معدودة قل اتخذتم عندالله عهداً فلن یخلف الله عهده ام تقولون علی الله مالا تعلمون . بلی من کسب سیئة و احاطت بـه خطیئته فأولئك اصحاب النارهم فیها خالدون »[1] .

که ترجمهٔ شریفهٔ آن این است که گفتند یهودان که مدت عذابی که ما را به‌آن عذاب می کنند چند روزی است که می‌توان شمرد ـ وآن ایامی است که درآن گوساله پرستیدیم ـ وآن منقضی می‌شود وبعد آن به بهشت می‌رویم . (حق تعالی می‌فرماید که :) بگوای محمد آیا گرفته‌اید از نزد خدا عهدی که عذاب شما بر کفرشما منقطع می‌شود ودائمی نیست ؟ پس هرگزخدا خلاف عهد خود نمی کند ، بلکه دروغ می گوئید در این دعوی وافترا می گوئید به خدا. ونیست عذاب شما مگرعذاب دائمی . وکسی که بکند گناهی وفرو گیرد او را گناه او ـ به معنی این که او را از دین خدا دربرد ـ پس آن گروهی که چنین گناهی کنند اصحاب آتش‌اند وهمیشه در آتش خواهند بود .

وپر معلوم است که تشویش کفار ووعید خداوند قهار وترسانیدن ازآتش نمی‌تواند بود که آتشی باشد که ملایم طبع ایشان باشد مانند قاذورات از برای

---

۱ . سورهٔ بقره ، آیهٔ ۸۰ .

جعل ، بلکه این نویدی است برای ایشان . ودیگر فرق یهودان ما بین ایام معدوده وخلود در آتش نیست مگر به جهت فرق ایام عذاب وایام راحت ، ودرصورت موافقت طبع عذابی نخواهد بود. وازاین جهت است که مرحوم **قاضی نورالله شوشتری** که شیوهٔ اوشیعه تراشی است واکثر علماء صوفیهٔ اهل سنت را به مجرد استدلال ضعیفی از بعض کلمات ایشان شیعه دانسته به جهت مصلحتی که دراین معنی درنظر داشته وهمچنین خود را از جمله قائلین به وحدت وجود دانسته ومذاهب صوفیه همه را به همین بر گردانیده ـ کلام محیی الدین را دراین که « عذاب » اهل نارمبدل به « عذب » می‌شود و گوارا می‌شود توجیهات کرده که منافات باشریعت مقدسه نداشته باشد . از جمله این که می گوید مراد محیی الدین ازاهل نار ـ که ممتع می‌باشند درنار ـ محتمل است که ملائکه موکله باشند نه اشخاص معذبه ، واحتمال بعید دیگرهم ذکر کرده که به جهت کمال بعد ذکر نکردم .

واگرعقل ما وفا نکند به این که چگونه می‌شود که درازای معصیت ایام معدوده وروزگار قلیلی از عمر دنیا ، عذاب به‌آن سختی بکشد وهرگز ازاو سبك نشود نباید انکار آیات واحادیث واجماع مسلمین کنیم ، باوجودآن که عقل هر گاه تأمل کند دربزرگی خالق وحقارت مخلوق واین که با وجودی که جمیع اعضا وجوارح وقوای اوهمه ازلطف وانعام خالق است وهمهٔ نعمت‌ها را دردنیا براو تمام‌کرده وراه نجات را به اونموده وفیض ابدی را از برای او مهیا کرده واتمام حجت کرده واز برای او بـه هیچ نحو بهانه نگذاشته باخالق خود راه ستیزه بپیماید وتمام عمر درعداوت ودشمنی او به سربیارد ، می‌تواند یافت که چنین شخصی‌مستحق سوختن‌است ابدالاباد. چنان که دردنیا مشاهده می کنیم که هر گاه بزرگی به یکی از ملازمان خـود انحاء احسان

وملاطفت کند وهمه جوره ملاطفت را ازاودریغ ندارد ، بی سبب وجهت آن ملازم به‌آقای خود جنایت بزرگی بکند ـ مثل آن که درصدد قتل او برآید یا به حریم اواراده‌ٔ خیانت کند ـ اگر آن‌آقا مطلع شود وخود را محافظت کند نهایت بعد از آن انتقام ازآن ملازم بکشد وباز او را در خانه بگذارد وانواع مهربانی بکند ، اگر آن ملازم اندك فهمی دارد از خجالت می‌میرد وهزار بار آرزو می کند که آقا از او انتقام کشیده باشد وراضی نمی‌شود به این که از او انتقام نکشد .

اما این است که اقسام کفروانواع اصناف مختلفند ، بلکه گاه است که از برای بعضی از کفار جهنم ابدی هست ولیکن تخفیف در عذاب او می‌شود چنان که از بعضی احادیث مستفاد می‌شود ـ اما این که همه کفارعذاب ایشان بر داشته می‌شود وعذاب بـه شیرینی مبدل می‌شود پس این از دین اسلام نیست .

اما چون مرادآخوند ملامحسن معلوم نیست وتشیع ومحبت وپیروی او به خاندان نبوت وتبری او از جبت وطاغوت واتباع ایشان ظاهر است ، بی ادبی به خدمت ایشان نمی کنیم وامید از خداوند رحیم رحمان داریم که او از جمله برگزیدگان وناجیان ورستگاران باشد ، وآنچه از بعضی از کلمات او ظاهرمی‌شود مراد او ازآن معنی صحیح باشد، وما هرگزاورا لعن نمی کنیم. غفر الله له ولنا .

المسألة السادسة :

آخوند ملاصدرا در شرح اصول قائل به عقول عشره شده ، وآخوند ملا

محمد باقر مجلسی (ره) می‌فرماید که هر که قائل به عقول عشره باشد منکر ضروری دین است .

الجواب :

این که آخوند ملا محمد باقر مجلسی گفته است که منکر ضروری دین شده است مراد آخوند ملا محمد باقر گویا این باشد که هر که قائل شود به عقول عشره ، لازم قول او است که منکر ضروری دین شود به جهت آن که از جمله ضروریات دین این است که حق تعالی قادر است وفاعل موجب نیست واین که عالم حادث است ـ به معنی این که ما سوای خدا همگی مسبوق می‌باشد به عدم ، ووقتی بوده است که خدا بوده است وهیچ چیز موجود نبوده ـ واین که حق تعالی موجودات را به خودی خود خلق کرده وامثال اینها ، وکسی که قائل شد به عقول عشرهٔ قدیمه ـ چنان که فلاسفه قائل‌اند ـ همهٔ آنها را قدیم می‌دانند ومی گویند حق تعالی خلق نکرد مگر عقل اول را وعقل عاشر را « عقل فعال » می گویند ومؤثر در موجودات می‌دانند ، واینها همه برخلاف صریح آیات واحادیث بلکه خلاف ضروری دین است . ولیکن در فهم ضروری دین ومرتب کردن آثار بر آن وحکم کردن به کفر منکر آن افراط وتفریطی شده است، وحتی این که درمیان علماء اختلاف درضروریات دین هم هست وحاصل معیار ومناط حکم درآن ، آن است که :

هر گاه بر کسی یقین شود که امری از جمله اشیائی است که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) از او خبر داده ، ویقین داشته باشد که حکم او است ، وانکار آن کند ـ یعنی آنچه را واجب کرده بگوید واجب نیست وآنچه را حرام کرده بگوید حرام نیست بلکه حلال است، مثل این که الحال جمیع مسلمین ازعالم

وجاهل وزن ومرد وبزرگ و کوچك می‌دانند که نماز پنج گانه در دین پیغمبر آخرالزمان واجب است وترك آن جایز نیست ، اگر کسی بگوید که ترك آنها جایز است وضرر ندارد - آن منکر دین پیغمبر شده واو را دروغ گو دانسته پس اعتقاد به پیغمبری او ندارد وهر که اعتقاد به پیغمبری اوندارد کافراست .

وهمچنین وجوب زکوة وروزه ماه رمضان وحج بیت الله .... ونجاست بول وغایط وامثل آنها ، پس هر گاه کسی ممکن باشد درحق او که علم برای او حاصل نشده باشد به وجوب زکوة - مثل این که طفلی را از بلاد مسلمین اسیر کرده به بلاد کفر برده باشند ودر آنجا بزرگ شود وبر گردد به بلاد مسلمین ومسلمان باشد ، ونهایت هنوز آن قدر ممارست احوال مسلمین را نکرده است که یقین کند که زکوة از جمله واجبات دین پیغمبر است هر گاه انکار آن کند کافر نمی‌شود ، وبالجمله هر کس که در حق او امکان شبهه باشد حکم به کفر او نمی‌توانیم کرد .

وبدان که همچنان که گاهی از برای عوام ممکن است که شبهه در بعضی امورحاصل شود به سبب قلت اطلاع وکمی تتبع ، گاه است که شبهه ازبرای خواص حاصل می‌شود به سبب عدم اعتنای به افهام عامه وادراك علمای کمتر از خود ، وبه جهت مغرور شدن به ادراك کامل خود ، واغلب اوقات این است منشأ زلات علما. وتوضیح این مطلب محتاج است به بسطی در کلام، وحاصل وخلاصه این است که :

فرق است ما بین ضروری دین وحدیث متواتر ، به اعتبار آن که در خبر متواتر شرط است که علم از برای آدمی به سبب **کثرت خبر** باشد درهرطبقه به حدی که عقل حکم کند به محال بودن اجتماع آنها بردروغ، اما بدیهی دین گاه است به **تظافر وتسامع** وقراین یقین حاصل می‌شود . مثلاهر گاه ازخارج

کسی ببیند که جمع کثیری از تابعان صاحب دینی مجتمع شوند بر چیزی از امور دینیه ، از برای او یقین حاصل می‌شود به‌آن‌که مذهب آن صاحب دین همان است . واین گاه است نظری است وبه سرحد بداهت نرسیده است آن را **اجماع** می گویند ، وهر گاه بـه سرحد بداهت رسید آن را **ضروری** می گویند . واینها هیچ یك موقوف نیست بر نقل کردن آن مذهب از صاحب آن دین ، مثلا هر گاه کسی از غیردین اسلام از بلاد کفر بیاید به شهر مسلمانان وببیند که همهٔ آنها درشبانه روزی پنج وقت نمازمی کنند ، یقین می کند که این امر که از امور عادیهٔ دنیویه نیست از جمله وظایف پیغمبر ایشان است ، هـر چند ایشان خبرندهند به آن کافر که پیغمبر ما گفته است که درپنج وقت نماز واجب است .

هر گاه این را دانستی بدان که امور دینیه یك پـارهٔ آنها از جملهٔ افعال واعمال است وحلال وحرام وطهارت ونجاست ، ویك پاره ازجملهٔ اعتقادات است که باید اذعان کنیم به آنها ومعتقدآنها باشیم ـ مثل بعضی از افعال الهی که پیغمبر خبر ازآن دهد که عقل ما به‌آن احاطه نکند مثل ابتداء خلق عالم یا مثل اخبار از انبیاء سابق یا اخباراز سکرات موت وحساب وسؤال وفشار قبر وحشر ونشروجنت ونارجسمانیه وکیفیت حصول آنها ـ وچنان‌که ازاجتماع اهل این دین برآن امورحسیه وافعال بدنیه یقین حاصل می‌شود به این که آن طریقه را از پیغمبر خود دارند، واحتمال آن نمی‌دهیم که بلکه مراد ازاحادیثی که درنماز وروزه وارد شده امور باطنیهٔ عقلیه باشد ، ومراد ازآنها اسرارچند باشد ، مثل این که بگوئیم مراد از امر به **نماز** خود را بنده دانستن است . ومراد ازامربه **قیام** پایداری واستقامت دربندگی‌است. ومراد ازامر به **رکوع** تواضع وفروتنی وکوچك شمردن وخم شدن ومتحمل شدن ازبرای هرالمی

ومصیبتی که ازقضای الهی به توبرسد . ومراد از **سجود** خاکساری واظهار آن که : مرا از خاك برداشتی وخلعت وجود پوشانیدی ولایق بندگی خـود کردی . وامثال این تأویلات در هر یك ازعبادات می‌توان کرد ، چنان‌که در حدیث وارد شده : افتتاح واختتام‌کند به ملح (یعنی‌نمك) که هفتاد ودوآزار را رفع می کند، پس مستحب شده که دراول طعام وآخرآن نمك تناول کنند وباز وارد شده که « ملح » کنایه است از محمد وعلی وحسنین ـ که هر حرفی ازآن اشاره است به یکی از این بزرگان ـ که هرگاه اول وآخر امرشما به متابعت ایشان باشد از ناخوشی هفتاد ودوملت باطله فارغ ورستگار شده ، به طریقهٔ حقهٔ مستقیم خواهید بود .

پس در هر یك از افعال واعمال بدنیه که درشرع مقدس وارد شده انواع تأویلات می‌توان کرد ، وبگوئیم که ظاهرآنها مراد نیست. پس یقین که به هم رساندیم که این‌ظاهرها همه مراد است، نیست الا به سبب عمل امت وتداول آنها درهر عصر وفهم حاملان اخبارودانایان که‌آن احادیثی که دراین عبادات وارد شده چنین فهمیده‌اند که دردست ما است، ودست به دست ازآن جناب به ما رسیده . وبسا هست که درمسألهٔ‌ای حدیث کمتر است وبه سبب تداول وعمل عام وخاص یقین می کنیم که از دیـن است ، ودر مسألهٔ دیگر حدیث بیشتر است ویقین نمی کنیم. پس معلوم شد که‌آن به سبب فهم حاملان اخبار است آن معنی متداول را ، وتعلیم کردن ایشان عوام رابلکه فراگرفتن عوام آن معنی را از پیغمبر خود بـه سبب قراین وتظافر وتسامع ، ورفته رفته به جایی رسید که بدیهی شد .

پس هر گاه افعال واعمال بدیهی تواند شد ـ بـا وجود آن که احادیث موجوده درآن قابل تأویل باشد ـ همچنین عقائد وتصدیقاتی که نسبت به آن

پیغمبر می‌دهند آن نیز می‌تواند یقینی وبدیهی شد ، هرچند احادیثی که درآن باب درمیان هست بسیار کم باشد وقابل تأویل باشد . پس نه کمی اخبار ضرر دارد به بدیهی شدن ـ چنان که اشاره کردیم درفرق ما بین متواتر وضروری ـ ونه قابل تأویل بودن حدیث ضرر دارد به آن ، مثلا ما در هر عصری ودر هر شهری واز زبان هرمسلمانی می‌شنویم که نکیر ومنکر در قبر می‌آیند ، وحق تعالی مرده را زنده می‌کند واز او سؤال می‌کنند ، وهر که مؤمن است دری از بهشت برو بازمی‌کنند وهر که کافر باشد عمودی‌ازآتش برفرق او می‌زنند که قبر او پر ازآتش می‌شود ودری از جهنم بر روی او می‌گشایند ، ما یقین می‌کنیم که دین پیغمبر ما همین است ، هرچند احادیثی که درکتابهای ما وارد شده به حد تواتر نیستند .

پس این که بعضی‌ازحکمای اسلام وصوفیه این‌احادیث را تأویل می‌کنند غلط است ، ومخالف بدیهی دین اسلام است . وهر گاه بـه ایشان اعتراض می‌کنیم که چرا تأویل می‌کنید؟ آنها بر ما رد می‌کنند که حجت شما چه چیز است ، واین که شما می‌گوئید اگر از راه این است که عوام وعلمای ظاهر چنین فهمیده‌اند احادیث سؤال قبررا ، پس این دین پیغمبر خواهد بود ، پس جواب آن این است که فهم عوام حجت نیست ، وفهم علمای ظاهر معارض است به فهم‌حکما وصوفیه که جمع کثیرنداز ارباب فهم وعقل، وایشان حدیث را چنین فهمیده‌اند که تأویل‌آن است نه مقتضای ظاهرآن .

وجواب‌ازآن این‌است که‌ما فهم عوام را حجت نمی‌دانیم ازاین‌جهت که حدیث فهمیده‌اند، بلکه می‌گوئیم که سابقین‌عوام که مخاطبین معصومین‌بودند اهل زبان بودند ، وحاملان اخبارهم اکثر ایشان فضلا وعلما بودند ، وشکی نیست در این که حکیم هر گاه باکسی حرف زند به سخنی که از ظاهر آن

چیزی بفهمند وقرینه برخلاف آن نگذارند.ووقت احتیاج به فهم الخطاب هم باشد ، وخلاف ظاهر آن را خواهد قبیح است واغراء به جهل ، ومردم را به جهل مرکب وا داشتن است . وهمان چه علمائی که حامل اخبار بودند وهم صحبت معصومین بوده‌اند ومواجهة از ایشان شنیده‌اند به عوام القاکرده‌اند ودست به دست به ما رسیده است ، وشکی وشبه ای نیست که اکثر فضلائی که از اصحاب ائمه بودند افضل بودند از بسیاری از این اشخاصی که مدعی قابلیت واستعدادند . پس نمی‌توان گفت که امام با آنها در خور استعداد آنها سخن می گفت وبه مقتضای :

رب حامل فقه الی من هو افقه منه

هر چند حامل اخبار آنها بودند اما آنها خوب نمی‌فهمیدند ، ما معنی آنها را خوب فهمیدیم . با وجود آن که این رافهم معنی نگویند، بلکه اگر خواهند حرفی بگویند باید بگویند : ما چون فهمیده‌ایم به دلیل‌های عقلی وذوقی که در نفس الامر سؤال وحساب وحشر ونشر مثلا جسمانی نیست ، بلکه امور روحانیه است ـ چنان که مشائین می گویند ـ یا ارباب خواب وخیال وعالم مثال است ـ چنان که اشراقیین می گویند ـ واین احادیث هر چند ظاهر آنها جسمانیت است اما این را از برای عوام وملاهای ظاهر بین بـه آن عبارات گفتند تا به شوق حوروقصور ومیوه طاعتی بکنند . چون ایشان را مرتبهٔ فهم وادراك لذات روحانیه نیست ، واین اغراء به جهل ضرر ندارد چون عاقبت به خیر است . وتوخود می‌دانی که این تأویل است وبر گردانیدن کلام شارع بر آنچه از دلیل‌های ناقص خود فهمیده‌اند، وهیچ دلیلی برمحال بودن مقتضای ظاهر اخبار اقامه نکرده‌اند که اینها را تأویل می کنند .

والحاصل بالیقین طریقهٔ ایشان باطریقهٔ اسلام مباین است ، وایشان بعد از

آن که از اصول وقواعد خود چیزی فهمیده وبنای خود را بر آن گذاشته‌اند از خوف تکفیر وطعن اهل اسلام خودرا به شرع می‌چسبانند واین تاویلات رامی کنند واین نه معنی اسلام است ونه متابعت شرع است. با وجود این که هیچ یك از قواعدایشان باطریقهٔ اسلام موافقت نمی کند، نه معراج جسمانی با استحالهٔ خرق والتیام افلاك می‌سازد، ونه سواری ملائکه به اسبان ابلق وبه کمك رسول خدا (صلی الله علیه وآله) جنگ کردن بااسلحه وعمامه‌هائی که به طریق خاصی بسته‌اند وتحت الحنك آنها به نوع خاصی است، وجبریل به صورت دحیهٔ کلبی آمدن ودوزانو درخدمت پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نشستن با روحانیت بلکه تجرد جمیع ملائکه وجبرئیل کنایه از عقل فعال بودن ووحی الهی عبارت از اتصال نفس پیغمبر به عقل عاشر ودانشمند شدن می‌سازد ، ونه حدوث عالم ومسبوق بودن ما سوی الله به عدم در وقت خاصی با قدم عقول وافلاك می‌سازد، ونه خبر از انعدام همهٔ اشیاء وفانی شدن آسمان ها با قاعدهٔ « ما ثبت قدمه امتنع عدمه » .

شنیدم بعضی ازمنتحلان شریعت را ازاین طایفه می گفته : ماکجا مخالفت حدیث وآیه کرده‌ایم ؟ بیش از این نیست که از حدیث وآیه حدوث عالم می‌رسد اما از کجا معلوم که مراد از حدوث « حدوث زمانی » باشد ؟ چرا مراد « حدوث ذاتی » نباشد ـ به این معنی که خدا درمرتبهٔ علیت مقدم است برما سوا ـ ؟ واین هم حدوث است . واین معنی را ملاحظه نمی کنند که حق تعالی فرموده :

وما ارسلنا من رسول الابلسان قومه [1]

کجا قوم عرب از حدوث این معنی را فهمیده ، وکجا از :

---

۱ . سورهٔ ابراهیم ، آیهٔ ٤ .

کان الله ولم یکن معه شیء

ایـن را می‌فهمند و کجا از لفظ « خلق » و« اوجد » این را بـه ذهن در می‌آورند ؟ به هرحال معتبر درفهم احادیث واخبارهمان‌است که حاملان اخبار فهمیده‌اند که راویان احادیث‌اند وبعد از آن صاحبان تصنیف‌های احادیث مثل محمدبن‌یعقوب کلینی وابن‌بابویه قمی وشیخ مفید وسید مرتضی وشیخ‌طوسی وامثال ایشان، نه محی الدین عربی وبایزید بسطامی وامثال‌آنها. با وجود این که می‌بینیم که هیچ یك آنهارا اعتنائی به احادیث‌نیست ودرصدد حفظ وضبط آنها نیستند ، الابعض متشابهات که تأویل‌آنها را بر مذاق خود ممکن دیده ذکر نموده‌اند .

هر گاه این‌جمله را دانستی برمی گردیم برسرمطلب که **هرگاه عالمی را فکر درضوابط حکما** وتأمل در معقولات واله کند که تأمل در طریقهٔ مستمرهٔ امت نکند به جهت آن که اینها عوام کالانعام‌اند ، وهم اعتنائی به فهم حاملان اخبار نکند به جهت آن که آنها هم ملائی بودند مثل ما ـ بلکه کمتر از ما ـ بلی حجت کلام معصوم است اما از کجا که مراد معصوم آن باشد که آنها می گویند؟ بلکه این‌است که ما می گوئیم، وغافل ازاین‌که طریق فهمیدن کلام معصوم آن است که حمل برحقیقت خود کند نه مجاز بدون جهتی ، **هرگاه** این غفلات بدون تقصیر از او سر زده ، تخلیه کرده است به قدر طاقت خود ممکن است که بگوئیم ضروری دین براو شبهه شد ـ چنان که بر آن شخص اسیر کفار مشتبه می‌شد به جهت عدم معاشرت مسلمین ـ وبه این سبب که این احتمال راه داشته باشد تکفیراونکنیم واورالعن نکنیم . اما تخلیه ومبراکردن نفس در اینجا بسیار صعب است ، چراکه هیچ لذتی دردنیا فوق لذت ادراك نیست وهیچ مایه دنیائی فریبنده تر از علم نیست . از همه چیز زودتر آدمی را

هلاك می کند ، وادراك هر چه دقیق‌تر ولطیف‌تر باشد فریبنده‌تر است . بسیار مرد بزرگی می‌خواهد که بعد مجاهدهٔ بسیار ، مطلبی را بفهمد ومنظم کند وبه مجرد این که کلامی از معصوم به او برسد از فکر خود دست بر دارد وبه حقیقت کلام معصوم عمل کند. بلکه چون امراو مردد بین المحذورین می‌شود سعی مالاً کلام مبذول دارد که میانهٔ آنها جمع کند ، چون کلام خود را دل نمی گذارد که دست بردارد کلام معصوم را تأویل می کند .

فهم وذهن وشعوروقاد مایهٔ امتحانی است به جهت انسان که درهرزمانی دینی می‌توان به اثبات آورد با ادلهٔ تمام ، وسخت‌شبیه است ذهن وقاد به صوت بسیارخوب که حق تعالی کسی را بسیار خوش صدا کرده باشد و گوید که غنا مکن که حرام است، پس هرچند **افلاطون** را به شاگردی قبول نداشته باشی **وابوعلی** را خوشه چین خرمن خود ندانی همین که یك حدیث از معصوم به تو رسید ودانی که از معصوم است همان جا بایست ، وبسیار اجتهاد وسعی کن تا تخلیهٔ کامل کنی ، واز خدا بخواه که راهنمائی به حقیقت بکند .

وحق وتحقیق آن است که آن جماعتی که اثبات عقول می کنند ومی گویند که همین دین پیغمبر است ، وبه احادیثی که درباب عقل وجهل ازائمه روایت شده دلیل خود می کنند ، بسیار دور رفته‌اند به جهت آن که آن احادیث هیچ دلالتی بر مدعای ایشان ندارد ومراد از عقل در آن اخبار همان مناط تکلیف است نه آن جوهرمجردی که آنها قائل‌اند . چنان که صریح افهام حاملین آن اخبارهم شاهدآن است .

واگر گویند که بلی ظاهر آن احادیث آن است که شما می گوییداما باطن آنها این است که ما می گوییم، وشارع مقدس ظاهرراازبرای شما ظاهربین‌ها قرار داده وباطن ورمز واشاره را از برای ما اهل حقیقت .

گوییم که این نمی‌تواند شد الا از آن راه که شما به دلیل وقواعد خود مطلبی را فهمیده‌اید ومی‌خواهید این احادیث وآیات را به آنها بـه تأویل بر گردانید، نه این که مقصود شارع بالذات بیان این معانی بوده . از کجا می‌توانید اثبات کنید که مراد شارع این است؟ وپیش گفتیم که آن اشاراتی که دراحادیث سابقه مثل حدیث سلمان وابازر وحکایت کمیل وغیر آنها شده ـ برفرض دلالات بیش از این اقتضا نمی‌کند که یك امرمخفی باشد ، اما آن این است که شما می‌گویید از کجا ؟

والحاصل این که هر گاه شبهه درحق مثل **ملاصدرا** محتمل باشد به جهت تشابـه ادله واقتضای رسوخ طریقهٔ حکمت در خاطر ، فهمیدن اخبار بـه نهج مزبور را وبه این سبب یقین برای اوحاصل نشود که دین پیغمبرمنافی آن است که فهمیده است ، نمی‌توان حکم به کفر او کرد . واز این جا معلوم شد که نسبت شخصی را به مخالفت ضروری دین دادن از مسائل اجتهادیه است . بـه این معنی که چون عالم السروالخفیات حق تعالی است پس علم هم رساندن به این که چیزی که درنزد احدی یقین رسد باید برای دیگری از اهل آن دین که در مرتبهٔ او است هم یقین شود ، برمی گردد به اجتهاد دراین که این مسأله چنین مسأله‌ای است که برمثل چنین کسی مخفی نمی‌ماند. واین نسبت به اشخاص ومسائل مختلف می‌شود. وازاینجاست که علما دراکثرضروریات دین خلاف کرده‌اند که آیا ضروری هست یا نه ؟ ومعلوم نیست که دراین مسأله تقلید جایز باشد خصوصاً تقلید میت ، پس حکم کردن آخوند ملا محمد باقر (ره) بـه مخالفت کردن ضروری عالماً به‌این که مخالف ضروری است منشأ لزوم متابعت او نمی‌شود ـ به اعتبار این که این معنی راجع می‌شود به اجتهاد در موضوع حکم نه نفس حکم . پس غایت امر این است که هر گاه مجتهد یقین کرد که

فلان چیز از دین پیغمبر است مقلد او باید به آن چیز عمل کند ، نه این که مقلدهم باید یقین کند که ازدین پیغمبراست . به جهت آن که امر اعتقادوحصول یقین امری نیست که در دست مکلف باشد که هر گاه مجتهد یقین کند مقلد هم باید یقین کند ، وهمچنین حکم بــه کفر کسی کردن از مسائل تقلیدی نیست که هر گاه مجتهد حکم به کفر کسی بکند مقلد هم باید حکم کند ، به جهت آن که تکفیر اگر به سبب مخالفت اصول دین است پس دراصول دین تقلید جایز نیست ، واگر به سبب مخالفت بدیهی‌دین کردن است ـ که مستلزم‌انکار یکی از اصــول دین است ـ پس آن از احکام شرعیــه نیست ، واز قبیل این است که بگویند که هر گاه مجتهدیقین کند که زید مرده است باید مقلدهم یقین کند که زید مرده است ، واز اینجاست که خلاف کرده‌اند که حکم مجتهد به ثبوت رؤیت هلال کافی است به جهت صوم وافطار یا نه ؟ وراه شبهه در آن قوی است ، وقول به عدم قوی است ، لکن اظهر قبول است درآنجا ـ یعنی در مسائــل شرعیه ظنیه ـ به جهت آن که در معنی عدالت مقلد به او رجــوع می کندوهمچنین‌درکفایت شاهدین، پس‌در اینجا چرا از اونشنوند ،وهمچنین عموم جواز حکم حاکم به علم خود واینها در مسائل فروع خوب است ، نه در مثل ما نحن فیه . والحاصل این که در موضوعات فرعیه که معرفت آنها بر می گردد به ظنون اجتهادیه ـ مثل رؤیت هلال ودخول وقت بامشاهدهٔ مجتهد ومقلد هر دو ، واجتهاد مجتهد در وقت ومثل حکم به ثبوت انبات لحم وشد عظم در رضاع که اینها همه موضوعات‌ظنیه‌اند ـ دور نیست اعتماد در اینها به تقلید مجتهد ، و از این باب است قبول تزکیهٔ عدل واحد ، واستقصای کلام وظیفهٔ اینجا نیست . وما نحن فیه از بابت امور مزبوره نیست ، ویقین در او ضرور است ، پس تقلید درآن صورتی ندارد .

وختم می کنیم کلام را به دو کلام از معادن وحی وتنزیل ـ تیمناً تبرکاً ـ یکی آن که دال است بر فنای اشیاء باجمعها از روحانی وغیر روحانی وعود آنها با جمعها ، ودیگری بر این که حق تعالی امر خود را محول به عقل فعال نکرده وجمیع خلایق را خود بی کمکی خلق کرده .

اما اول پس آن کلام امیر المؤمنین است ـ علیه السلام ـ در **نهج البلاغه** در خطبهٔ جامعهٔ اصول علم در توحید ، دراواخر آن می‌فرماید :

والله ـ سبحانه ـ يعود بعد فناء الدنيا وحده لاشيء معه . كما كان قبل ابتدائها ، كذلك يكون بعد فنائها ، بلاوقت ولا مكان ، ولاحين ولازمان . عدمت عند ذلك الاجال والاوقات وزالت السنون والساعات . فلاشيء الا الله الواحد القهار ، الذى اليه مصير جميع الامور، بلا قدرة منها كان ابتداء خلقها وبغير امتناع منها كان فناؤها .

ـ الى ان قال ـ

ثم هو يفنيها بعد تكوينها لالسأم دخل عليه فى تصريفها وتدبيرها ولا لراحة واصلة اليه . .

ـ الى ان قال ـ

ثم يعيدها بعد الفناء من غير حاجة منه اليها ولا لاستعانة بشيء منها عليها

الى آخر ما ذكره عليه السلام وان شئت فراجعها [1] .

واما دويم ، پس آن عبارت **صحیفه سجادیه** است در دعای روز دوشنبه می‌فرماید :

---

۱ . نهج البلاغه ، ص ۳۴۵ .

الحمدلله الذی لم یشهد احداً حین فطر السموات والارض
ولا اتخذ معیناً حین بریء النسمات [1]

وبا وجود این مراحل دیگر چه معنی خواهد داشت : « الواحد لایصدر عنه الاالواحد وهو العقل الاول » ، وچه معنی خواهد داشت که خلق خلایـق موکول به عقول است وحق تعالی همان عقل اول را خلق کرد ؟ .

ختم الله لنا بالخیر وجعل الاخرة خیراً لنا من الاولی .

المسألة السابعة :

مجتهد جامع الشرائط را در چه مسأله باید تقلید کرد ؟ . آیا در اصـول دین می‌توان تقلید کرد یا نه ؟ وضروری دین کدام است ومخالف آن کیست ؟

الجواب :

در اصل اختیار دین از اقرار به صانـع ویگانگی وارسال رسول وتعیین آن وتعیین وصی وجانشین محض تقلید جایز نیست ، بلکه باید مکلف لااقل به ادلهٔ اجمالیهٔ اقناعیه ـ که به‌آنها مطمئن شود وقطع حاصل کند ـ تحصیل اعتقادکند ، ودر مسائل فرعیه تقلید از برای غیر مجتهد جایز است . وتفصیل کلام در این مقام محتاج به بسط تمام است . در بعضی تألیفات ورسائل بسط درآن داده‌ام . وامـا سؤال از ضروری دین پس در مسألهٔ سابقه معلوم شد .

المسألة الثامنة :

روی الکلینی عن احمد بن محسن المیثمي قال :

---

۱ . صحیفهٔ سجادیه ، ص ۲۲۳ .

كنت عند ابى منصور المتطبب فقال : اخبرنى رجل من اصحابى قال : كنت انا وابن ابى العوجاء وعبدالله بن المقفع في المسجدالحرام، فقال ابن المقفع: ترون هذا الخلق ـ واومى بيده الى موضع الطواف ـ ما منهم احد اوجب له اسم الانسان الا ذلك الشيخ الجالس ـ يعنى اباعبد الله جعفر بن محمد عليه السلام ـ فأما الباقون فرعاع وبهائم ، فقال له ابن ابى العوجاء : وكيف اوجبت هذا الاسم لهذا الشيخ دون هؤلاء ؟ قال : لانى رأيت عنده ما لم اره عندهم . فقال له ابن ابى العوجا: لابد من اختبار ماقلت فيه منه . قال فقال له ابن المقفع لاتفعل فانى اخاف ان يفسد عليك ما فى يدك ، فقال : ليس ذارأيك ، ولكن تخاف ان يضعف رأيك عندى فى احلالك اياه المحل الذى وصفت ، فقال ابن المقفع : اما اذا توهمت علي هذا فقم اليه، وتحفظ نفسك من الزلل ، ولاتثنى عنانك الى استرسال فيسلمك الى عقال. . . الحديث[1] .

ملا صدرا اين حديث شريف راتركيبى كه مخالفت دارد با تركيب ساير شراح نموده . حقير را ازتركيب ملا صدرا بسيار بدآمدوبه فهم خود بعضى سخن‌ها دارم كه عرضش موجب طول است ،آنرا ملاحظه نموده صحت وسقم آنرا بيان نمائيد .وملا محمد صالح مازندرانى كلمهٔ« اما » را مخفف خوانده وتشديد را رد نموده آيا وجهى دارد ؟ وهمچنين لفظ « وتحفظ » را مضارع مجزوم به « ان » مقدره دانسته ومجزوم شدن مضارع بعدامر در وقتى است كه بدون حرف عطف باشد وسخن‌ها همه متفق‌اند در وجود حرف عطف .

---

۱ . اصول كافى ، ج ۱ ، ص ۷٤ ـ ۷٥ .

الجواب :

در نزد حقیر شرح ملاصدرا نیست ودر این بلده نیزوجود ندارد ، وشما هـم عبارت واشکالات خود را ننوشته بودید تا ملاحظه شود . وامـا عبارت ملامحمد صالح فقال بعد قوله « فقم الیه » :

> ای ذاهباً او متوجهاً الیه ، و«اما» بالتخفیف حرف التنبیه ، وهذا اولی من قراءتها بالتشدید علی ان یکون للشرط وفعلها محذوف ومجموع الشرط والجزاء بعدها جواب لذلك الشرط کما زعم ـ فانه بعید لفظاً ومعنی ، امـا لفظاً فلاحتیاجه الی التقدیر والاصل عدمه ، واما معنی فلان «اما» الشرطیة للتفصیل باتفاق النحاة (مثل اما زیداً فذاهب واما عمرواً فمقیم ای مهما یکن من شیء فزید ذاهب وعمرومقیم) وذکر التفصیل والاقسام وان لم یکن واجباً ـ لجواز ان یذکر قسم واحد ویترك الباقی کما فی قوله تعالی : فأما الذین فی قلوبهم زیغ الایة .. ـ الا انه وجب ان یکون التفصیل فی نفس المتکلم ـ کما صرح به ابن الحاجب فی شرح المفصل ـ وارادة التفصیل هنا (ای ماذا لم تتوهم علی هذا فمکانك) لاتخلو من بعد ، بل لاوجه لها .
> **وتحفظ ما استطعت من الزلل** « تحفظ » مجزوم بـالشرط المقدر بعد الامر و« من » متعلق به ـ ای وان قمت الیه تحفظ نفسك من الزلل فی المقال ـ ... الی آخر ما ذکره مما لیس السؤال والکلام فیه .

اقول : بعد ورود ما اورده علیه الفاضل السائل ـ من ان انجزام المضارع

بعد الامربأن المقدرة انما هو اذا لم يكن مع العاطف ـ يرد عليه :

اما اولا : ان كون « اما » مشددة لاغائلة فيه ، سيما مع عدم الحاجة الى التنبيه في هذا المقام ـ كما لايخفى على الفطن البصير ـ وما ذكره من ان « اما » المشددة مستلزمة للتفصيل ، ففيه : ـ مع انه قد تكون للاستيناف كما في لفظ « أما بعد » في اوائل التأليفات ـ ان ما ذكره يرد على فرض كونها للتنبه ايضاً، فان ما ذكره انه « لايخلومن بعد بل لاوجه له » هومفهوم الشرطية الثانية ، فما هو الجواب عنه فهو الجواب عن الشرطية الاولى ، مع ان ادوات الشرط قد يستعمل في غيرالمعنى المصطلح المعتبر في مباحث المفاهيم ، ومن جملتها الاشعار بعلة الحكم كما في قوله تعالى : ولاتكرهوا فتياتكم على البغاء ان اردن تحصناً ... [1] ولاتشرب الخمر ان كنت مؤمناً ، فمراد القائل انك اذا توهمت على هذا ، فبهذه الجهة وهذه العلة فقم اليه .

واما ثانياً : فانجزام المضارع بعد الامر انما يكون اذا كان الاول سبباً للثاني ، مثل اسلم تدخل الجنة ، ولا تكفر تدخل الجنة ، واما اذا لم يقصد التنبيه فلايجوز الجزم ، بل يرفع اما بالصفة ـ كقوله تعالى : فهب لى من لدنك ولياً يرثني .. ـ[2] او بالحال ـ كقوله تعالى: فذرهم في طغيانهم يعمهون[3] اوبالاستيناف ـ مثل : وقال رائدهم ارشو زاولها ـ ولكن فيه لم يعتبر السببية بل الظاهر اما تحفظ مرفوعاً بأن يكون حالا ، اوتحفظ مجزوماً بصيغة الامر من باب التفعل فانه قد يجيء متعدياً مثل تحققته وتبينته .

---

١ . سورة نور ، آية ٣٣ .

٢ . سورة مريم ، آية ٦ .

٣ . به اين صورت آيه‌اى درقرآن كريم نيست (نذرهم فى طغيانهم يعمهون : سورة انعام، آية ١١٠ . يذرهم . . . : سورة اعراف ، آية ١٨٥) گويا مراد اين آيه بوده است : ذرهم فى خوضهم يلعبون ـ آية ٩١ سورة انعام .

المسألة التاسعة :

آخوند ملامحمد صالح (ره) درشرح این حدیث که

اذا مات المؤمن بکت علیه الملائکة وبقاع الارض التی
کان یعبدالله علیها [1]

چهار وجه قرار داده ، آن وجوه خوب است یا نه ؟ .

الجواب :

تتمهٔ حدیث این است که :

وابواب السماء التی کان یصعد فیهابأعماله ، وثلم فی‌الاسلام ثلمة لایسدها شیء . لان المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن سور المدینة [لها]

احتمالات آخوند بد نیست ، هرچند بعضی از[آن] اظهر از بعض دیگر هستند . وحقیر را وقت تفصیل در این امور نیست . وبهترین معانی حدیث شریف در نظر حقیراین‌است که : هرگاه مؤمن عالم فقیه بمیرد بر اومی گرید ملائکه خصوصاً ملائکهٔ حافظین اعمال او ـ از کاتبین وصاعدین به‌آن به محل قبول ـ وهمچنین اماکن منسوبه به مؤمن در محل عبادت اودر ارض ، ومحل وصعود اعمال او در سماء ، به جهت آن که علت غائی خلق عالم ایمان ومعرفت وارشاد عباداست، وایجادکسی که اینها به اوقائم باشد . پس عالم با فقدان این غایت بی حاصل وبی مراد است . به مقدار قلت وکمی غایت که فقدان بعضی از مؤمنین باشد نیز به همان مقدار ناخوشی وبی حاصلی عارض او می‌شود . بلکه بر خود مؤمن (که از حیثی غایت واز حیث دیگر ذوالغایة

---

۱ . اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۸ .

است ، به جهت آن که وجود او هم بـه علت معرفت وعبادت است) فقدان خودش گران است که این فیض از عالم مفقود می‌شود .

مراد از گریه در بعض مذکورات معنی مجازی است که مناسب آن باشد، یا فی الحقیقه حق‌تعالی به قدرت کاملهٔ خود آنهارا صاحب گریهٔ حقیقی می کند.

واشکال کردن از راه این که چرا ملائکه بر او بگریند وعالم بر او گریان شود وحال آن که از زندان مکاره دنیا فارغ می‌شود وبه فیض لقـای محبوب حقیقی ودار نعیم فایز می‌شود . .

مدفوع است به همین که مذکور شد ، به جهت آن که محتمل است که مـراد از « بکت علیه » ، « بکت علی فقده » باشد . پس علت بکاء راجع می‌شود به حصول نقص وناخوشی به « باکین » نه به « مبکی علیه » واحتمال این که مراد « بکت علی ما نزل به من حرمانه عن‌حیوة الدنیا ولذاتها » باشد بسیار بعیـد است . ومحتمل است که مراد « بکت علی ما نـزل به من شدائد الموت وسکراته » باشد واشکال مزبور بر احتمال ثانی وارد است لاغیر .

واز آنچه مذکور شد معلوم می‌شود وجه کلمات متخالفه که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است ، چنـان که جناب امیرالمؤمنین می‌فرماید :

والله لابن ابی طالب آنس بالموت مـن الطفل بثدی امه [1] ودر دیوان می‌فرماید :

جزی الله عناالموت خیراً فانه	ابر بنا من والدینا وارأف

ودیگر می‌فرماید :

الاایهاالموت‌الذی هومدرکی	ارحنی فقدافنیت کل خلیل

---

۱ . نهج البلاغه ، ص ٤٨ .

وکلمات دیگر که در ادعیه کثیره مذکور است درطلب طول عمروعافیت. وآن بسیاراست . ووجه جمع آن است که : چون داردنیا محل استکمال نفس وجای عبادت وترقی است ، وبه هرلمحه ازآن بهشتی می‌توان تحصیل کرد، ودارآخرت محل پاداش واخذاجر است نه جای عمل واستکمال ، پس ازاین سبب بقای دردنیا مطلوب عرفا است، هرچند مستلزم مرارات دنیویه وموجب تحمل شدائد فراق محبوب واقعی وحسرت وصول بـه موطن اصلی باشد . چنان که می‌بینیم که زراع درفصل شتاء تن درمحنت زرع می‌دهند ، وطول آن وقت وزمان مطلوب ایشان است تا زرع کامل کرده باشند . وهر چند زمان برداشتن حاصل وانتفاع بردن وراحت کردن نیزغایت مطلوب ایشان است . لیکن چون این بی‌آن نمی‌شود ، آن محنت‌ها را برخود مطلوب‌ترمی‌دانند. وحدیث فوت شدن مریم صدیقه وجزع کردن حضرت عیسی بر او مشهور ومعروف است که جناب اقدس الهی بعدجزع آن حضرت فرمود که: می‌خواهی محل مادرت را ببینی ؟ نظر کن به سوی آسمان ، پس حضرت عیسی چون نظر کرد دید مادرخود را در انواع نعمت متنعم ، پس خطاب کرد به حضرت عیسی که : « ای فرزند ، مرا به این حالی که مشاهده می کنی آرزو دارم که به دنیا بر گردم ودو رکعت نماز بکنم » . وازآنچه گفتیم معلوم می‌شود احتمال این که گریستن برمؤمن ازاین راه باشد ــ که از تحصیل کمالات متصورهٔ دیگر محروم ماند که از دنیا رفت ــ هم بسیار دور نیست .

واما تتمهٔ حدیث ، پس حاصل آن این است که : هرگاه مؤمن فقیه بمیرد رخنه‌ای دراسلام می‌افتد که هیچ چیزاورا سد نمی کند. به علت آن که مؤمنین فقها قلعه‌های اسلام‌اند ، مثل دیواری که در دور شهر بنا می کنند بـه جهت محافظت اهل آن . واین حدیث شریف اشاره است به فضیلت علماء ، وافضلیت

ایشان از عباد وزهادی که دائم در مناجات وعبادت وصحبت محبوب حقیقی به سر می‌برند ، واین که اشتغال به تحصیل علم وارشاد افضل است از تخلی به جهت عبادت ودعا ومناجات . وسر آن همین است که بلاتشبیه عابد به منزلهٔ ندیم وهم صحبت پادشاه است، وعالم به منزلهٔ امناء حراس وکشیکچیان معتمد شجاع صاحب صلابت ودلیر می‌باشند . وشکی نیست که مرتبهٔ کسی که سینهٔ خود را سپر بلا کند، وجان خود را درمعرض هلاك بگذارد، واز لذت خورد وخواب واماند به جهت حراست جان وملك وسلطنت پادشاه ، درنزد پادشاه اعز است از کسی که با او صحبت بدارد ولذت صحبت او را ببرد . همچنین خداوند عالم که محبوب حقیقی علما وعباد است ـ بلکه محبوبیت‌اش نسبت به علماء بیشتر است ازراه کثرت معرفت ـ **هرگاه عالم** باکمال شوق صحبت وخلوت وفراغ بال از جمیع اشغال به جهت نیل وصال از این لذت عظمی دست بر دارد ، ودر شب وروز در دور حوزهٔ اساس قویم شرع الهی طوف زند ، وخورد وخواب را بر خود منغص وناگوار کند که حفظ نوامیس الهی نموده ، شریعت او را بـه اسلحه افکار ثاقبه وانظار ناقبه ومجادلات حسنـه ومخاصمات مستحسنه وتوکل واعتماد واستمداد از خالق عباد ازشرورشیاطین مکاره وشکوك ملاحدهٔ غداره محافظت‌نموده آن‌رابروجه‌حسن‌وطریق مستحسن به گم گشتگان وادی ضلالت وبیچارگان میدان جهالت تعلیم نماید ، **افضل خواهد بود** از کسی که اکتفا کند به لذت نفس خود وخلوت وصحبت را شیوهٔ خود کند ، چنان که فرموده‌اند :

افضل الطاعات احمزها

خصوصاً هرگاه احمزیت از راه جسم وروح هر دو باشد . محنت علما در تحمل افکار ومدافعهٔ شبهات ، وتکلف مشاق تدریس وتعلیم ، وتخلیه نفس

به جهت فهم مطالب، وسلوك درميان عباد برنهج سداد به شيوهٔ تواضع وانقياد وطريقهٔ اخلاص وسداد ، وتجنب از حب رياست ومحاسـده ومباغضه وعجب وكبروغير آنها چندان است كه به غيرخدا وعلما نمى‌دانند . فطوبى لعالم عمل بما علم ، وترقب فى حصول علم مالا يعلم . والله الهادى الى الرشاد .

فهرست‌ها :

* نام‌کسان
* نام جاها
* کتابها ونوشته‌ها

نام کسان

آرام بن سام بن نوح ۲۹۶
آغجکی ٢٤
آقا بابا مستوفی آشتیانی ۲۵۲
آقا بزرگ ٢٦٣
آقاخان ، صدر اعظم ٧٦
آقاخان محلاتی ۷۷
آییه سلطان ٤٢
ابراهیم ، امامزاده ٣٦
ابراهیم بن عثمان ۳۵۰
ابراهیم ، فخرالدین ٢٦ ، ٢٧ ، ٣٥
ابراهیم قمی ۱۷ ، ۱۸ ، ٣٤
ابن ابی عمیر ٣٤٠
ابن ابی العوجاء ۳۸۸ ، ۳۷۲
ابن ابی یعفور ٣٤٨
ابن ادریس ۳۵۰
ابن بابویه ٣٣٤ ، ٣٦٦
ابن خلکان ٣٣٤
ابن شهاب یزدی ۱۳ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۲
ابن عربشاه ۱۱ ، ٢٦
ابن مطهر حلی ۳۵۳
ابن ملجم ۳۳۱
ابو بصیر ٣٤٩
ابو بکر (خلیفه) ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٤٩ ، ٥١ ، ٥٢ ، ٥٣ ، ٥٤ ، ٥٥ ، ٥٦ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٥٩
ابو بکر بن میران شاه ٢٩

ابو الحسن (علیه السلام) ۳۲۸
ابوخالد کابلی ۳۳٤
ابوذر غفاری ۲٦٤ ، ۳۲٦ ، ۳٤۳ ، ۳٤٤
ابوسعید ایلخانی ۱۱ ، ۱۲ ، ۲۰
ابو سعید گورکانی ٥۸
ابوعبدالله(علیه السلام) ۳٤۰ ، ۳٤۸ ،
۳٥۲ ، ۳۷۲
ابو علی (ابن سینا) ۳٦۷
ابوالقاسم اصفهانی ۲٥۹ ، ۲٦٤
ابوالقاسم قمی ، صاحب‌قوانین ٦ ، ۹٥
۱۰۷ ، ۳۱۹ ، ۳۲۱
ابومسروق ۳٤۰
ابومنصور المتطبب ۳۷۲
احمد آق قویونلو ٦۲
احمد اردبیلی ۳۲٥ ، ۳٥۳
احمد بن قاسم ۱٦ ، ۳٦
احمد قمی ۳۰ ، ۳۷
احمد نائب الصدر ۲٦۳
احمد بن محسن المیثمی ۳۷۱
احوص بن مالك اشعری ۷٤ ، ۸۸
ارجاسب ، خاقان چین ۲۸۳
اردشیر بابکان ۳۰٦
ارسطو ، پیش کار کرمانشاه ۱۰٦
اسحاق ، عزالدین ۱٥ ، ۱۷ ، ۳٦
اسفندیار ۲۸
اسکندر ، جلال الدوله ۲۱
اسکندر فرزند عمرشیخ ۱٤ ، ۲۷ ، ۲۹
۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳
اسکندر فیلقوسی ۳۰٥ ، ۳۰٦
اسماعیل بن جعفر صادق ۷۷
اسماعیل صفوی ، شاه ٦۳ ، ۷۸
اسماعیل بن عباد ۷٥
اسماعیل بن علی نوبختی ۳۳٤
اصیل‌الدین فرزند علی صفی ۱٤ ، ۱٥ ،
۱٦ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۲٤ ، ۳٥
اصیل الدین قمی ۲٤ ، ۲٥
اعتضاد الدوله ، مهدی خان ٦ ، ۸۷ ،
۲٤۹ ، ۲٥۳ ، ۲٥٤ ، ۲۸۳ ، ۳۱٦
افلاطون ۳٦۷
اللهیارخان افغان ۲٥۱
امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) ۱۳۹ ، ۳۱۱ ،
۳٤٥ ، ۳٤۷ ، ۳٤۹ ، ۳٥۰ ، ۳۷۰ ، ۳۷٦

امین الدوله ۲۷۴ ، ۲۷۵
امین الدوله اصفهانی ۱۴۱
اوزون حسن ۵۸
اولیاء الله آملی ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱
اویس قرنی ۳۴۳
اویس میرزا ۲۹
ایغور ، امرا ۲۱
ایلدرم بایزید ۲۶
بابا آشتیانی ، میرزا ۸۹
باجی کهره ۳۱۲
باقر (علیه السلام) ۳۴۰
بایزید ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹ ، ۳۳۱ ، ۳۳۷
۳۶۶
بروجردی ، حاج آقا حسین ۷
بندك اروم قیا ، امیرزاده ۲۱
بیژن فرزند گیوبایر ۷۴ ، ۸۷
پیراحمد ساده ۱۳ ، ۲۱
ترك بن یافث بن نوح ۷۹
تقی خان ، امیر کبیر ۷۶ ، ۹۱
تقی لسان الملك ۲۶۴
تیمور (گورکانی) ۱۱ ، ۱۳ ، ۲۶ ، ۲۷
۲۸ ، ۲۹ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۹ ، ۷۹
جابر جعفی ۳۴۳
جعفر (علیه السلام) ۶۳ ، ۳۷۲
جعفر طباطبائی تاجر ۲۹۴
جعفر بن محمد حسینی ۳۱
جعفری ، مؤلف تاریخ کبیر ۲۳
جلال الدوله ۲۱
جلال الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۳۵
جلال الدین خوارزمشاهی ۲۷۶
جمال ترابی طباطبائی ۵۷ ، ۶۰ ، ۶۲
جواد ، حاجی سید ۱۰۶ ، ۱۳۸
جهان شاه ۲۵۹
چولیان شاه ۳۰
حاجی بن سعادتشاه ۳۴
حافظ ابرو ۱۳ ، ۲۴
حافظ ، خواجه ۳۰ ، ۱۳
حبیب الله گرگانی ، میرزا ۸۳، ۹۰، ۹۱،
۱۰۰ ، ۱۱۸ ، ۱۲۶
حجاج بن یوسف ۷۴ ، ۸۸
حر عاملی ۳۵۳
حسن (علیه السلام) ۶۳ ، ۷۷

حسن بابی ۱۰۸
حسن بن بابویه دیلمی ، رکن الدوله ۴۱
حسن عسکری (علیه السلام) ۷۷ ، ۹۶
حسن بن علی (علیه السلام) ۳۴۹ ، ۳۵۰
حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک
قمی ۳۵
حسن کاتب ۳۴
حسن لاذی ، امیر ۲۱
حسن بن محمد بن حسن قمی ۲۶ ، ۳۴
حسن بن نظر علی کیخی رشتی ۳۲۲
حسن نطنزی ، ملا ۲۶۴
حسنین (علیهما السلام) ۳۶۲
حسین (علیه السلام) ۶۳ ، ۳۳۶
حسین حاجی حسینی ۸۰
حسین بن روح ۳۳۴
حسین مجتهد ، سید ۲۶۴
حسین مهاجر ۱۷۰
حسین ، میرزاسید ۷۸
حلاج ۳۳۴ ، ۳۳۵ ، ۳۴۲
حماد بن عثمان ۳۴۰
حماد بن عیسی ۳۵۰
حمران (بن اعین) ۳۳۷
خاندان صفی ۱۱ ، ۱۴ ، ۱۷ ، ۲۹ ، ۴۵
خدیجه خاتون ۲۳ ، ۳۵
خضر «ع» ۱۲۴
خضر تیر گر ۳۰
خلیل میرزا فرزند میران شاه ۱۳ ، ۲۸
دانیال ۳۰۵
داود بن سرحان ۳۳۹
رستم ، سلطان ۶۱
رسول الله (ص) ۳۳۶ ، ۳۳۹ ، ۳۵۰
رشید خان ۱۱۱
رضا ، علی بن موسی الرضا(علیه السلام)
۷۵ ، ۷۷ ، ۸۸ ، ۳۲۸
رکن کرد ۲۱ ، ۲۲
روملو ، مؤلف احسن التواریخ ۲۳ ، ۳۲
۳۴
زبیده دختر ابوجعفر دوانیقی ۲۴۹
زرقا ۳۳۴
زهرا خاتون ۲۵
زین العابدین (علیه السلام) ۲۶۴
زین العابدین تبریزی ۹۱ ، ۱۲۶ ، ۱۴۱
زین العابدین فرزند شاه شجاع ۲۴ ، ۲۵
سجاح ۳۳۴

سراج ، میر ۷۸
سربخش ، سید ۲۳
سلطان حبیب ۱۵۸
سلمان فارسی ۳۴۳ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵
سلیم ، قیصر روم ۷۸
سلیم بن قیس هلالی ۳۵۰
سمرقندی، مؤلف مطلع السعدین ۲۳، ۳۲
سیدالشهدا (علیه السلام) ۱۳۰
شاهرخ فرزند تیمور ۲۸، ۲۹ ، ۵۱، ۵۲
۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶، ۵۹
شاه صاحب ۱۵۸
شاه نجف ، علی «ع» ۱۶۹
شبانکاره‌ای ۱۱
شبستری ۳۳۳ ، ۳۳۵
شجاع مظفری ٤٤
شرف ، مهتر ۳۱
شکوه‌السلطنه ۱۳۰
شیخ ، طوسی ۳٤۹
صاحب الامر (علیه السلام) ۳۳۶
صاحب الزمان (علیه السلام) ۳۵۱
صادق (علیه السلام) ۳۲۸ ، ۳۳۹ ، ۳٤۸،
۳٤۹
صالح حسن آبادی ۱۶۷
صباحی ۲۹۸
صدرا ، ملا ۳۵۸ ، ۳۶۸ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳
صدوق ۳۳۷
صفی ، شیخ ۳٤
صفی الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳
صفی صفوی ، شاه ۲۷۸
ضحاك ۲۸۵
طبرسی ۳٤۵
طوسی ، شیخ ۳۲۷ ، ۳۳٤ ، ۳۶۶
طهماسب صفوی ، اول ٦٤ ، ٦٥
طهماسب صفوی ، دوم ٦٥ ، ٦٦
عباس بن علی « ع» ۲۵۶
عبدالرحمن بن محمد اشعث ۷٤ ، ۸۸
عبدالرحیم منشی ، سهیل ۲۶۵
عبدالرزاق خان ۲۶۵
عبدالصمد ، امیر ۳۰
عبدالعظیم ، امامزاده ۱٤۰
عبدالله پروانچی ۳۰، ۳۲ ، ۳۳
عبدالله کوفی ۳۳٤
عبدالله بن مالك اشعری ۷٤ ، ۸۸
عبدالله بن المقفع ۳۷۲

عبدالملك مروان ٧٤ ، ٨٨
عبدالواسع منزوی ٢٥٨
عبیده ، امیر ٢١
عثمان (خلیفه) ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٤٩ ، ٥١ ، ٥٣ ، ٥٤ ، ٥٥ ، ٥٦ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٥٩
عقدمکابا ٢١
علاء الدوله سمنانی ٣٢٩
علاءالدین محمد هندوشاه ١٤ ، ١٥
علامه حلی ٣٢٥ ، ٣٢٧
علی (علیه السلام) ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٤٩ ، ٥١ ، ٥٣ ، ٥٤ ، ٥٥ ، ٥٦ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٥٩ ، ٦٣ ، ٦٤ ، ٦٥ ، ١٦٣ ، ٣٥١ ، ٣٦٢
علی اکبر خلج ١٦٨
علی پاشا ٢٢
علی ، تاج الدین ١٤ ، ١٦ ، ١٧ ، ٢٠ ، ٢٣ ، ٢٤
علی بن جعفر ١٠٩
علی ، جمال الدین ١٦
علی دمه سر ٣٢
علی زند ٨١
علی ، زین الدین ٣٤
علی‌صفی ، ماضی (علی بن صفی‌الدین) ١٥ ، ١٦ ، ١٧ ، ٢٠ ، ٢٣ ، ٢٤ ، ٣٣ ، ٣٥ ، ٣٧
علی صفی دوم ١٤ ، ١٥ ، ١٧ ، ٢٠
علی ، قوام‌الدین ١٦ ، ١٧
علی کرکی ، شیخ ٧٨
علی مازندرانی ، رکن ٧ ، ٣٢٥
علی بن محمد ، ابوشجاع بنا ٣٥
علی بن محمد بن حسن کاتب ٤١
علی‌بن محمد باقر ، امامزاده ١٥٨ ، ٣١١
علی النقی (علیه السلام) ٧٨
علی یزدی ، شرف الدین ٢٨
عمادکور ٣٢
عمر (خلیفه) ٤٤ ، ٤٦ ، ٤٥ ، ٤٩ ، ٥١ ، ٥٢ ، ٥٣ ، ٥٤ ، ٥٥ ، ٥٦ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٥٩ ، ٣٥٠ ، ٣٥١
عمر شیخ فرزند تیمور ٢٨ ، ٢٩
عیسی بن‌مریم «ع» ٣٣٣ ، ٣٧٧
غازان‌خان ٨٩
عفارخان خلج ٨٤
فاطمه (علیها السلام) ٦٣ ، ٣٣٦
فاطمه بنت موسی «ع» ٧٥ ، ٧٧
فتحعلی خان ملک الشعراء ٢٦٥

فتحعلی شاه قاجار ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹
۸۹ ، ۲۵۲ ، ۲۸۳
فخرالدوله ، ملك ۲۲
فرخ خان امین الدوله ۲۵۲
قائم، حجة بن الحسن (علیه السلام)
۷۵
قرا یوسف ترکمان ۳۰
قلقشندی ۱۲
قیصری ۳۳۰
کاظم (علیه السلام) ۳۴۸
کاظم ، سید ۲۵۸
کریم خانزند ۷۹ ، ۸۰ ، ۱۱۸
کلب علی خان خلج ۲۵۲
کلینی ۳۵۰ ، ۳۵۲ ، ۳۷۱
کمیل بن زیاد ۳۴۳ ، ۳۴۶
کیخسرو کیانی ۷۴ ، ۸۷
کیقباد ۷۴
کیکاوس میرزا ۱۱۰
لطف علی بیك آذر ۷۹
مالك اشعری ۸۸
متوکل عباسی ۷۸
محسن فیض کاشانی ۲۶۳ ، ۳۵۳ ، ۳۵۴
۳۵۵ ، ۳۵۸
محقق حلی ۳۲۷
محمد (صلی الله علیه وآله) ۴۴ ، ۴۵
۴۶ ، ۴۹ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵
۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۹
۷۰ ، ۳۴۰ ، ۳۵۶ ، ۳۶۲
محمد بن احمد صیرفی ۴۱
محمد باقر (علیه السلام) ۳۳۳
محمد باقر حجة الاسلام شفتی ۳۵۴
محمد باقر مجلسی ۳۵۹ ، ۳۶۸
محمد تاجر ۲۷۹
محمد تقی بیك ارباب ۶ ، ۱۱۱ ، ۱۷۳
محمد حسین خانی ۲۶۴
محمد حسین خلج ۸۴
محمد حسین نظام الدوله ۲۵۹
محمد بن حکیم ۳۴۰
محمد خان امین خلوت ۲۶۴
محمد خان قاجار ۸۱ ، ۲۵۲
محمد الخزاز ۳۴۸
محمد رضا عضد الدوله اصفهانی ۲۶۴
محمد ، شمس الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸
محمد صالح مازندرانی ۳۷۲ ، ۳۷۳
۳۷۵

محمد طاهرقمی ۳۵۳
محمد بن عبدالله خراسانی ۳۲۸
محمد علقمی ۹۳
محمد علی خان ۲۶۵
محمد علی ، میرزا ۱۰۷
محمد فرزند علی صفی ۳۶
محمد بن عمر شیخ ۲۹
محمد ، غیاث‌الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳،۲۷
۳۱ ، ۳۲ ، ۳۶
محمد قمی ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰
۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۵۷
محمد کاشی ، ملا ۱۶۳ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰
۲۶۳
محمد مجتهد ۲۶۴
محمد بن مسلم ۳۴۰
محمد نطنزی ، میرزا ۲۶۴
محمد وزیر ۲۶۵
محمد بن یعقوب کلینی ۳۴۸ ، ۳۶۶
محمود فرزند ابراهیم ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۷
۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳
محمود ، عماد الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸
۲۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۲۵۹
محمود قلیجائی ۹۱ ، ۲۵۱
محمود قمی ۲۳ ، ۳۱ ، ۴۵ ، ۴۶
محمود کاشانی ۲۶۴
محمود بن محمد باقر ۳۱۱
محیی الدین عربی ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹
۳۳۰ ، ۳۳۷ ، ۳۴۲، ۳۵۵ ، ۳۵۷ ،۳۶۶
مخدوم ، میرزا ۳۵۳
مراد بیك آق قویونلو ۴۲
مرتضی ، شریف ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۶۶
مستعصم عباسی ۹۳
مستوفی‌الممالك ۱۳۶
مسیح ، عیسی ۳۳۰
مسیلمه‌کذاب ۳۳۴
مصطفی قلی‌خان‌عرب ۱۵۰
مظفرپراهانی ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ،۳۳
معتز عباسی ۴۱
معصومه «ع» ۷۶ ، ۱۰۰ ، ۱۰۳ ، ۱۱۰
معلی بن خنیس ۳۴۸
مفید شیخ ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۳۴ ، ۳۶۶
ملای روم (رومی) ۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۹
۳۳۱ ، ۳۳۳ ، ۳۴۲ ، ۳۵۱
منجم باشی ۱۴۹

منصور حلاج ۳۳۱ ، ۳۳٤
منصور ، شیخ ۲٦٤
منصور مظفری ، شاه ۱۳ ، ۲٤ ، ۲۵
موسی (علیه السلام) ٦۳ ، ۷۷
موسی جوکار ۲۵
موسی بن خزرج اشعری ۷٦
موسی مبرقع ۷۸
مهدی پشت مشهدی ۲۷٤
مهدی ، حاجی آقا بزرگ ۲۵۹
مهدی‌خان اعتضاد الدوله ٦
مهدی مستوفی ، میرزا ۱٤۲
مهدی نراقی ۲٦۳
میران شاه ۲۹
میرزای هندی ۱۵۰
میرزای قمی ـ ابوالقاسم قمی
میرنشانه ، امامزاده ۲۵۸
نائب الصدر شیرازی ۷
نادر شاه افشار ۲۵۱
ناصر الدین شاه قاجار ۷۳
نایب السلطنه ، امیرکبیر ۲٦۵
نجف خان ۲۵۲
نصرالله امام جمعه ۲٦٤
نصرالله صحرائی ۳۲
نصرالله صدر الممالك ۱۳۹
نصرالله مستوفی گرگانی ۱۲۵
نورالله شوشتری ۳۵۷
هاتف ۲۹۸
هادی مستوفی ، میرزا ۲۵۲
هارون الرشید ۷۵ ، ۸۹ ، ۲٤۹ ، ۲۵۱ ، ۲۸۳
هبة‌الله قمی، بهاء الدین ۳٤
هلاکوخان ۷٦
یحیی قمی ۳٤
یعقوب آق قویونلو ۵۹ ، ٦۰
یوسف خلیل ۳۰ ، ۳۲
یونس ۳٤۸ ، ۳٤۹
یونس ین یعقوب ۳٤۹

نام جایها، وشهرها ودهات

آب شاه ۲۷۹

آتشکده اردشیر ۳۰۶

آدم آبادسفلی ۳۰۷

آدم آباد علیا ۳۰۷

آدم آباد کوچك ۲۹٤

آذربایجان ۲۹ ، ۳۰

آرامگاه خواجه اصیل الدین ۳۵

آرامگاه خواجه علی صفی ۳۵

آران ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۹٦ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸

آران دشت ۲۹۷

آستان شیخ صفی ۳٤

آستانه حضرت معصومه ۱۰۰

آسیای خونی ۲۸٤

آقا باجی کهره ۳۱۲

آوه ۲۸

ابراهیم آباد ۲۸۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۷

ابرجس ۱٤۷

ابرستجان ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۳۹

ابرستجان رعیتی ۹۸

ابرقوه ۲۹

ابرونك ۳۰۷

ابوزید آباد ۲۷٤ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹

اتابکی ، مزرعه ۳۰۷

احمد آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷

احوص آباد ۱۳۷

ارباب بیجه ۹٦

اردبیل ۷۹

اردهال ۱۵۸ ، ۱٦۳ ، ۳۰۵ ، ۳۱۱

۱۵۹

ارمك ۱٦۲
ازناوه رود ۳۱۲ ، ۳۱۳
استبف ۲۹۹
استرك ۳۰۹ ، ۳۱۰
اسحاق آباد ۲۹٦ ، ۳۰۷
اسدالله ، مزرعه ۱۰۳
اصفهان ۲۱ ، ۲٤ ، ۲٥ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۷٥
، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۱٤۳ ، ۲٤۹ ، ۲٥۱
۲٥۲ ، ۲۷٥ ، ۲۹۹ ، ۳۰٦ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤
افشه جرد ۱۷۰
اكبرآباد ۲۹۱
الله آباد ۲۹۳
الياس ، دشت ۳۱٤
امير آباد ۱٦۹ ، ۲۹۲
امين آباد ۲۹۱
انارآباد ۷٤ ، ۸۷ ، ۹۰ ، ۱٤۲ ، ۱٤۳ ،
۱٥٦ ، ۱٦٤
اهواز ۷٤
ايران ، ۱۱ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲٤ ، ۲۸ ، ۳۳ ،
۳٥ ، ٤۲ ، ۷۸ ، ۸۹ ، ۲٥۱ ، ۲٥۲ ، ۳۰۰
۳۰٦ ، ۳۲۳
ايوب آباد ۲۹۸
بابلان ۷٦
باريكرسف ۳۱۱
باغ آقا حسين ۱۰٤
باغ ابراهيم تاجر ۱۰٦
باغ ارغوان ۱۰۹
باغ باجك ۱۰٦
باغ بالاى حاج اصغرخان ۱۰٤
باغ پشم ۱۰۹
باغ پنبه ۱۰۷
باغ تالار ۳۰٦
باغ حاجى اصغرخان ۱۰٦
باغ حماط ۱۰٥
باغ حيدرى ۱۰۸
باغ خواجه جعفر ۱۰۹
باغ دراز ۱۰٥
باغ دراز آقا ابوالقاسم ۱۰۹
باغ دلگشا ۱۱۰
باغ ربك ۱۱۱
باغ زنبيل آباد ۱۱۱
باغ زيدان ۱۰۸
باغ سلطانم ۱۰۹
باغ سيدان ۱۱۱

باغ شاه (کاشان) ۲۸٤
باغ شاه مراد ۱۰۹
باغ شمس آباد ۱۰۷
باغ صفا ۱۱۱
باغ عباسقلی بیك ۱۰۵
باغ علی جانی ۷ ۱
باغ غیاث‌آباد ۱۱۱
باغ صاحب آباد ۱۰۸
باغ فخر آباد ۱۰۷
باغ قاسم دباغ ۱۰۵
باغ قاضی ۱۱۰
باغ قلعه مشرف ۱۰۹
باغ قلعه میرزاجان ۱۱۰
باغ قلعه میرعلی نقی ۱۱۰
باغ قهیان ۱۱۰
باغ کرباسی ۱۰۸
باغ کوچه خوزیان ۱۱۰
باغ کیکاوس میرزا ۱۰۵
باغ گاوچاه ۱۰۷
باغ گنبد سبز ۱۵ ، ۲۰ ، ۲۳، ۳۷، ۱۰۹
باغ متولی باشی ۱۰٦
باغ محب ۱۰۸
باغ محمد تقی بیك ارباب ۱۱۱
باغ منده ۱۰۳
باغ مورچی ۱۱۰
باغ میرزا صفی ۱۱۱
باغ نو حضرت ۱۱۰
بال نوسروکاج ۱۰۷
باغ وزیر ۱۰۵
باغ هارون آباد ۱۰٦
باغچه قاسم ۱۰۹
باغچه نو ۱۱۰
باقرآباد ۳۰۸
بحر ۲۹٤
بدیع آباد ۲۹۱ ، ۳۰۷
بدیع آباد مشهد ۲۹٤
براوستان۹۲ ، ۹٤
برده ۳۱۳
برز آباد ۲۹۳
برزك ۳۰۲
برگسین ۳۰٤
بروجرد ۲۸ ، ۳۲۳
بزم چه ۳۰۳
بصره ۳٤۰

بطريد آباد آب شيرين ۲۹۰
بطريد آباد بيزدل ۲۸۹
بطني جرد ۱۷۳
بغداد ۲۹
بقعه ابواؤلؤ ۲۵۸
بقعه احمد بن اسحاق ۱۱٤
بقعه احمد بن قاسم ۱٦ ، ۱۱٤
بقعه امامزاده ابراهيم ۱۱٥
بقعه امام زاده حسن ۲۵٦
بقعه امام زاده زيد ۱۱٥
بقعه امام زاده محسن ۱۱٥
بقعه امير احمد ۲۵۷
بقعه بابا افضل ۱۵۸
بقعه پشت مشهدی ۲۵۸
بقعه جعفر بن زين العابدين ۲۵۷
بقعه خاك فرج ۱۱٤
بقعه خديجه خواتون ۲۳
بقعه زيد بن حسن ۲۵۷
بقعه ساريه خواتون ۱۱٥
بقعه سلطان حبيب ۲۵۷
بقعه سلطان عطابخش ۲۵۷
بقعه سلطان محمد شريف ۱۱٤
بقعه سلطان هارون ۲۵٦
بقعه سيد سربخش ۲۳
بقعه سيد معصوم ۱۱٥
بقعه شاپور علي ۱۱٥
بقعه شاه ابراهيم ۱۱٤ ، ۱۱٥
بقعه شاه اسماعيل ۱۱٥
بقعه شاه جعفر ۱۱٤
بقعه شاه جمال ۱۱٥
بقعه شاه حمزه ۱۱٤
بقعه شاه سيد علي ۱۱٥
بقعه شاه ظهير ۱۱٤
بقعه شيخان ۲۵۸
بقعه ضياء الدين ۲۵۷
بقعه طاهر ومنصور ۲۵۸
بقعه طيب وطاهر ۱۱٥
بقعه علي بن بابويه ۱۱٤
بقعه علي بن جعفر ۱۰۹ ، ۱۱٥
بقعه مشهد اردهال ۱۱٥
بقعه معصومه (قاسم آباد) ۱۱٥
بقعه معصومه كهك ۱۱٥
بقعه ملامحسن فيض ۲۵۸
بقعه موسويان ۱۱٤

بقعه میرزا ابوالقاسم قمی (قم) ۱۱۵
بقعه میرزا ابوالقاسم مجتهد (کاشان) ۲۵۸
بقعة هادی ومهدی ۱۱۵
بقعه هلال بن علی ۲۵۷
بلالا ۳۰۸
بونکری ۳۰۰
بیت الله (کعبه) ۳۶۰
بیجگان ۱۵۵ ، ۱۵۶
بید آباد ۳۰۷
بید گل ۲۵٤ ، ۲۵۷ ، ۲۹۸
بید هند ۱٤٦ ، ۱٤۷
بیست خروار ۱۰۳
بیشه ۳۰۳ ، ۳۰۷ ، ۳۱۳
پاچنار ۳۰۷
پادارو ۳۱٦
پریان ۲۹٤ ، ۳۱۳
پشت مشهد ۲۵۳ ، ۲۵٤ ، ۲۵۷ ، ۲٦۱ ، ۲٦۲، ۲٦۳، ۲۷۸ ، ۲۸۰ ، ۲۸۱، ۲۸۲
پل دلاك ۱۱۹
پل کوچك ۱٦۸
پنجه شاه ۲۵٦ ، ۲۵۹
پیچاره ۳۱۳
پیربچه ۳۰۷
پی مال ۱٤۸
تاج آباد ۲۹٦
تبریز ۲۹ ، ۳۰
تجرگان ۲۹۳ ، ۳۰۷
تخته پل ۲۵۷
تستر ، مزرعه ۳۰٤
تفرش ۷۵ ، ۸۹ ، ۱٤۳
تنه پائین ۱۰۰ ، ۱۰۲
توران ۲۸ ، ۷٤
تهران ٤۲ ، ۳۲۲
جاپلق ۳۲۲
جاسب ۱۵۳، ۱۵٤، ۱۵٦، ۱۵۷، ۱۵۸
جبل خضر ۱۲٤
جبل عامل ۷۸
جردکان ۱۰۰
جز آباد ۳۱۰
جزاوند ۳۰۱
جزستان ۱۳٦
جزه ۳۰۲
جعفر آباد ۸۰ ، ۱۰۲ ، ۱۲۲ ، ۱۲۸ ، ۲۹٤ ، ۳۰۷

جعفر آباد بزرگ ۲۸۹
جعفر آبادکوچك ۲۹۱
جفت گاو سر ۹۹
جفته ۱۰۳
جلال آباد ۲۹۶
جمال آباد ۲۸۰ ، ۳۱۵
جمالیه ۱۰۳
جمروسعدآباد ۱۰۱
جمکران ۹۶ ، ۹۷
جنت آباد ۱۲۸
جودان ۱٦۷
جوشقان ۲۷۵ ، ۳۰۹ ، ۳۱۰
جوق رود ۳۱۳
جهانگیر ۳۰۳
جیلان ۲۸۹
چالدران ۷۸
چاله ۲۹۰
چاله باقر ۳۰۳
چشمه اسکندر ۳۰٦
چشمه دنبلی ۲۸٤
چشمه سلیمانی ۲۷۸
چشمه علی ۱٦۵
چشمه فین ۲۷۸ ، ۲۸۲ ، ۲۸۵ ، ۳۰٦
چشمه قاضی ۳۰۸
چشمه محلات ۳۰٦
چشمه نابر ۲۸۵
چشمه نیاسر ۳۰٦
چم آسیا ۱۷۰
چم آسیا خرابه ۱٦۷
چم استاد حسین ۱٦٦
چم پل کوچك ۱٦۸
چم ترکان ۱٦٦
چم حاجی مراد ۱٦٦
چم حسین آباد ۱٦٦
چم رمضان ۱٦٦
چم سرخه ۱٦۸
چم صالحی ۱٦۷
چم صفرعلی ۱٦٦
چم عابدین ۱٦۵
چم لاس آباد ۱٦٦
چم محسن خان ۱٦۷
چم ملاعلي ۱٦۸
چم میرزائي ۱٦۷
چم نوروز ۱٦۷

چم یحیی آباد ۱٦٦
چهار باغ (کاشان) ۲۷۹
چهار باغ ، مزرعه ۳۰٤
چهل حصاران ۷٤ ، ۸۸
چیم ۲۹۰
چین ۲۸۳
حاجی آباد ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۳۲ ، ۱۳۵
۱۸۹ ، ۳۰٤
حاجی آباد لگها ۱۳۰
حسکویه ۲۹۰
حسن آباد ۱۳۵ ، ۱۳٦ ، ۱۷۰ ، ۲۷۸
۲۷۹ ، ۲۸۳ ، ۲۸٤ ، ۲۹٤ ، ۲۹۸ ، ۳۰۷
حسن رود ۳۱۰
حسن کان ۳۰۰
حسین آباد ۲۹۷ ، ۲۹۹ ، ۳۰۹ ، ۳۱۳
حسین آباد بید گل ۲۹۳
حسین آباد دهك ۸۲
حسین آباد مبلغ آباد ۲۹۳
حسین آباد ، مزرعه ۱۳۰ ، ۱٦۵ ، ۲۹۱
۲۹۲
حصار شنه ۱۲۷
حصیر آباد ۱۳٦
حکیم شهره ۲۷۹
خاتون ، مزرعه ۳۰۷
خوار ۷۹
خانقاه خواجه علی صفی ۳۷
خاوه ۱٤۹ ، ۱٦۰
خراسان ۲۸ ، ۲۵۱
خرم آباد ۲۹۷
خرم دشت ۳۰۰
خزاق ۲۸٦
خسرو آباد ۳۱٤
خلج ۷۵ ، ۸۹
خلج آباد ۱۳۲
خلف آباد ۲۸٦
خلیل آباد ۲۹۸
خم آباد ۱۰۰
خمارخان ۱۳۲
خمارخان سفلی ۱۳۳
خنب ۳۰۱
خوابق ۲۹۰
خواجه شاه محمود ، مزرعه ۲۹۷
خوانچه ۳۰۷
خواهان سفلی ۳۱۳
خواهان علیا ۳۱۳

خور آباد ۱۵۳
خوزستان ۸۸
خوملە ۳۰۷
خیر آباد ۲۹۸ ، ۳۱۳
خیر آباد اران ۲۹۳
خیر آباد سن‌سن ۲۹۲
دارالحکومه (کاشان) ۲۶۱
دارالضرب قم ۳٤ ، ۳۹ ، ٤۱
دانشگاه (تهران) ۷
دانه جرد ۲۹۰
درباغ ۱٤٦
درب اصفهان ۳۷ ، ۲۵۷
درب چوقا ۳۰٤
درب حضرت معصومه ۱۰۳
درب ری ۱۰۳
درب زنجیر ۲۶۱
درب فین ۲۵۸ ، ۲۶۲ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸٤
درب قبله ۱۰۳
درب کاشان ۱۰۳ ، ۱۰۸
درب کنکان ۳۷
درب گله ۳۰۱
درب ملك آباد ۲۵۸
دربیجه ۲۹۱
در دار ۳۰۷
درسور ۳۰۷
در گز ۳۱۳
درلا ۳۰۱
درم ۲۹۱
دروازه اصفهان ۲۶۱
دروازه بن گوش ۳۱
دروازه دولت ۲۷۹
دروازه عطا ۲۵۷
دروازه فین ۲۶۲
دروازه کاشان ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۱۰۸
دروازه کنکان ۲۲ ، ۳۳ ، ۳۷
دروازه لتحر ۲۶۱
دروازه معصومه ۱۰٤ ، ۱۰۶
دره ۳۰۱
دستجر ۱۵۱
دلیجان ۱۶۶
دو برادران ۱۲٤
دوك ۳۰۷
دولاب ، مزرعه ۲۹۸

دولت آباد ۱۳٤ ، ۱۳۸ ، ۱٦٦ ، ۲۹۷
۳۰۷
دولت آباد حاجی ابوالحسن ۲۸۹
دولت آباد حاجی اشرف ۲۸۹
ده زه ۳۱٤
ده زیرین ۳۰۷
دیار اسحاق ۷۵ ، ۸۹ ، ۱٤۳
ذره ، مزرعه ۳۱۳
راونج ۱٦۹
راوند ۲۸۵ ، ۳۰۲
رباط چه ۲۹٤ ، ۲۹۹
رحمت آباد ۱٤۱ ، ۲۹۱
رحیم آباد ۲۹۲
رزبنده ۳۰۷
رزه ، مزرعه ۳۰۳
رستم آباد ۱۱۹ ، ۱۳٤
رستمدار ۱۱ ، ۲٦
رضا آباد ۱۲۹ ، ۲۹۰
روجرد ۳۰
رودخانه ساوه ۸۲ ، ۱۱۹ ، ۱٤۰ ، ۱٤۱
رودخانه صفی آباد ۳٦ ، ۳۷ ، ۱۰۳
رودخانه قراچائی ۸۲
رود کله ۳۰۸
روضه فاطمه معصومه ۱۱٤
روم ۷۹ ، ۳۳۱ ، ۳۳۷
رویان ۱۳ ، ۲۰
رهق ۳۱۳
ری ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۵ ، ۲۸ ، ۷٦
زال آباد ۳۰۷
زالون آباد ۱۳۹
زر ۱۵۵
زرقان ۹۷ ، ۱٦۹
زره ، مزرعه ۳۰۸
زرین کفش ۳۱۱
زعفرانی ۱۳۲
زتگنه ۲۹۳ ، ۳۰٤
زیر رود ۳۱۳
سادیان ۳۰۸
سار ۳۱٤ ، ۳۱۵
ساروق ۲۸۸
ساصرم ۲٤
ساق آباد ۳۰۳
سامان ۱۱۹
ساوه ۳۰ ، ۳۲، ۷۹ ، ۸۱، ۱۲۲، ۱٤۳
۲۵۱

سبزوار ۷۸
سراجه ۸۱ ، ۹۰ ، ۱۱۹ ، ۱۲۶ ، ۱۳۳
سرسراد ۳۰۵
سرنج ۳۰۷
سعادت آباد ۲۹۷
سعد آباد ۲۹۲
سعد آباد کبیر ۲۹۰
سغد سمرقند ۲۸۳
سلخ نو ۳۰۷
سلخه ۳۱٤
سلطانية ۳۰
سلمان آباد ۳۰۷
سلوك آباد ۳۰۷
سليم آباد ۲۸۹ ، ۲۹٦
سمرقند ۲۸
سنجاب ۳۱۳
سنجده ۳۰۷
سن‌سن ۲۵۲ ، ۲۹۰
سواران ۹۸
سور آباد ۳۰۷
سويانه ۳۱۰
سه سوق ۲۵٦ ، ۲۵۸
سياه کوه ۱٦۹
سيف آباد ۳۰۷
سنيقان ۱٦۲
سيورويه ۱٤٤
سيمره ۱٤۳
شام ۲۹
شانق ۱٦۳
شاه آباد ۸٤ ، ۱۱۸ ، ۱۳٦ ، ۱٤۲
شاه سون ۱۱۹
شاه علی آباد ۲۹٦
شرف آباد ۳۱٦
شريف آباد ۱۳۸
شريفه بيگم ، مزرعه ۱۰۳
شفيع آباد ۲۹٦
شعيب آباد ۲۹۷
شکراب ۱٤۰
شکرچه ۳۰۷
شمس آباد ۹۰ ، ۹۲ ، ۱۱۹ ، ۱٤۱
۲۹۳ ، ۲۹۷
شمس آباد بزرگ ۲۹۰
شمس آباد کوچك ۲۹۰
شوراب ۲۹۱
شور آباد ۲۹۸
شورلبه ۲۹۳ ، ۲۹۹

شورك آباد ۱۲۸
شوکت آباد ۲۹۲
شهاب آباد ۲۸۹ ، ۳۱۳
شهرستان ۹۳ ، ۹۵
شهریاری ۲۹۳ ، ۲۹۹
شهریان ۲۹۹
شیرین آئین ۳۰۵
شیر آباد ۲۹۳ ، ۲۹۷
شیراز ۲۹
صابر آباد ۲۹۸
صاحب آباد ۲۹۰
صالح آباد ، ۹٤ ، ۲۸۰ ، ۳۱۳
صرم ۱۵۲ ، ۱۵۳
صفي آباد ۲۷۷
صید آباد ۱٦٦
ضرابخانه قم ٤۲
طاهر آباد ۲۸٦
طایقان ۱۱۸ ، ۱٦٤
طبشقران ۹۵
طمیجان ۲۹۱
طوس ۷۵
طهران ۲۵ ، ۱٤۱ ، ۱٤۳ ، ۱٥٤ ، ۲٦٥
طیره ۱٤۹
ظفر آهنگ ۲۹۷
ظهیر آباد ۲۹۰
عابدین آباد ۲۹۲ ، ۲۹۸
عالی آباد ۲۹۲
عباس آباد ۱۳۱
عبدل آباد ۲۹٦ ، ۲۹۷
عبدالله آباد ۲۸۸
عراق ۱۱ ، ۱۳ ، ۱۸ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲٤
۲٦ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۱۰٤ ، ۱۲۲ ، ۱٦٤
۲٤۹ ، ۳۰٦
عراق عجم ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲٤
عراق عرب ۸۸
عراقین ۷٤ ، ۸۸
علاقه آباد ۲۹٦
علوی ، قریه ۳۱۰
علی آباد ۱۰۳ ، ۱۳۳ ، ۲۹۵ ، ۲۹۷
۳۰۷ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳
علی آباد اران ۲۹۲
عنایت بیگ ۱۰۳
عیسی آباد ۲۸۱
غزوان ۹۵

غوطه دمشق ۲۸۳
غیاث آباد ۲۸۲ ، ۲۹۶ ، ۳۰۷
غیاث آباد بزرگ ۲۹۷
غیاث آباد کوچك ۲۹۷
فارس ۲۵ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸٤ ، ۱۱۷ ، ۲۵۲
فتح آباد ۱۲۷ ، ۱٤۱ ، ۲۹۷ ، ۳۱۰
فخره ، مزرعه ۲۹۹
فرابه ودنك ۹٤
فرار سیسان ۳۰۵
فراهان ۷۵ ، ۸۱ ، ۸۹ ، ۱۱۸ ، ۱۲۲ ، ۱٤۳ ، ۳۰۰
فرج آباد ۱۲۹ ، ۱٤۰
فرح آباد ، ۱۳۰ ، ۲۷۵ ، ۲۹۳ ، ۲۹۷ ، ۳۱۰ ، ۳۱۲
فردو ۱٤۸
فردوس ۱۰۰
فرنگ ۲۵۳
فیروزآباد ۲۹۲
فیض آباد ۲۷۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸
فین ۱۵۹ ، ۲۷۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸٤ ، ۲۸۵
قاسم آباد ۱۱۵ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۲۵۲ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۹ ، ۳۰۳ ، ۳۱۰
قاسم آباد آقا محمد ۲۹۳
قاصوره ۳۰۳
قالهر ۳۰٤
قبادبزن ۱۵۰
قدمگاه (کاشان) ۳۱۱
قزوین ۱٤۳
قلعه چم ۸۱ ، ۱۱۸
قلعه سفید ۲۵
قلولو ۲۹۲
قم ۵ ، ٦ ، ۷ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ ، ۱۵ ، ۱٦ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲٤ ، ۲۵ ، ۲٦ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳٤ ، ۳۵ ، ۳٦ ، ۳۷ ، ٤۱ ، ٤۲ ، ٤۳ ، ٤٤ ، ٤۵ ، ٤٦ ، ٤۹ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵٤ ، ۵۵ ، ۵٦ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ٦۰ ، ٦۱ ، ٦۲ ، ٦۳ ، ٦٤ ، ٦۵ ، ٦٦ ، ٦۸ ، ٦۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷٤ ، ۷۵ ، ۷٦ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸٤ ، ۸۵ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۳ ، ۹٦ ، ۹۹ ، ۱۰٤ ، ۱۰۸ ، ۱۱۷ ،

۱۱۸ ، ۱۱۹، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ۱۴۲،
۱۴۳، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶،
۱۵۸، ۱۶۴ ، ۱۶۷، ۱۷۳ ، ۲۴۹، ۲۵۰،
۲۵۱ ، ۲۵۲، ۲۸۸ ، ۳۰۵ ، ۳۱۴ ،۳۲۳
قمرود ۷۴ ، ۸۷ ، ۱۳۷ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲
قمصر ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۳۰۰، ۳۰۱
قنات دولت۲۶۲
قنات شب قول ۲۸۲
قنات صاحبی ۲۶۱
قنات صفی آباد ۲۶۲
قنات عبدالرزاق خان کاشی ۲۶۱
قنات فین ۲۶۲
قنات قبانخانی ۱۴۲
قنات محمودآباد ۲۶۱
قنات معظم آباد ۲۶۲
قنات مهذب آباد ۲۶۲
قنات میرباقر ۲۶۲
قنات میرزا ابوالقاسم اصفهانی ۱۲۵
قنات ناصری ۷۶ ، ۱۰۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵
قنات نصرآباد ۲۶۲
قنات نو ۱۲۸
قنبرعلی ، مزرعه ۱۴۰
قندهار ۷۴ ، ۸۸
قوام آباد ۲۹۰
قوام ویك ۲۹۲
قوسین ۲۱ ، ۲۲
قو قو، کوه ۳۱۴
قه ، قریه ۳۱۵ ، ۳۱۶
قهرود ۲۷۵ ، ۲۷۸
قهستان ۱۴۴، ۱۴۵ ، ۱۴۶، ۱۴۷ ،۱۴۸
۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱
قهیان ۱۰۲
کابل ۷۴ ، ۸۸
کاخ گلستان ۵
کاروانسرای سنگ ۱۱۸
کاشان ۶ ، ۲۴ ، ۲۹ ، ۷۹ ، ۸۹ ، ۱۰۴
۱۲۷، ۱۲۸ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۸ ،۱۵۹
۱۶۳ ، ۲۴۷ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲
۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ،
۲۶۱ ، ۲۶۲، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵، ۲۷۴
۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ، ۲۸۳ ، ۲۸۸ ،
۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ،
۳۰۰ ، ۳۰۱، ۳۰۵ ، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۰۹،
۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶

کاوه روز ۳۰۳
کبود دره ۳۰۰
کتابخانه ملك ۳۲۲
کتابخانه وزارت دارائی ۵
کدیش محمدآباد ۲۹۰
کربلا ۲۵۶
کرج ۲۱ ، ۹۶
کرجار ۳۰۰
کرقان سفلی ۳۰۷
کرقان علیا ۳۰۷
کرم‌آباد ۱۲۷ ، ۲۹۷
کرمان ۲۹ ، ۲۵۱
کرمانشاهان ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۰۶ ، ۱۲۲
کرمجگان ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۵٤
کرمهه ۱۶۱ ، ۳۰۵
کروکان ۱۵۷ ، ۱۵۸
کرهرود ۲۸
کریم‌آباد ۱۲۶ ، ۲۹۱ ، ۳۰٤
کش‌خرابه ۳۰۸
کفتارکوه ۱۲۰
کلاه قاضی ۱۲۳
کله ، قریه ۳۱۱
کله جار ۱۶۱
کمره ۷۵ ، ۲۸۸ ، ۳۰۵
کمیدان ۸۸ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱
کندنان ۳۰٤
کوچه دربند ۲۶۱
کوچه رباط ۲۶۱
کوچه کبابی‌ها ۲۶۲
کوچه گاوچشمان ۲۶۱
کوشك چوپان ۲۸
کوفه ۲۹ ، ۷۵ ، ۳۳۶ ، ۳٤۹
کول کان ۱۳۱
کوه دختران ۳۱۵ ، ۳۱۶
کوه دندان هفت کتل ۲۸۳
کوه سفید ۸۱ ، ۱٤۲
کوه طور ۳۳٤
کوه نمك ۱۲۲
کوه یزدان ۸٤ ، ۱۲۳
کویرآباد ۲۹٤
که (قه) ۳۱۵
کهك ۱۱۵ ، ۱٤۵
کهکنویه ۲۹۰
گدن گلمز ۱۲۲

گرجستان ۲۹ ، ۸۰
گرگابی ۹۶
گز ، مزرعه ۲۹۹
گلابه ۳۱۶
گلپایگان ۷۵ ، ۹۰ ، ۲۸۸ ، ۳۰۵
گلچین‌آباد ۲۹۷
گلستانه ۳۱۰
گلوبند سفلی ۳۰۴
گلوبند علیا ۳۰۴
گیلان ۱۱ ، ۲۶ ، ۳۲۲
گیو ۲۵ ، ۲۸ ، ۳۲
لاسفید ۳۰۰
لاسون پا ۳۱۵
لتحر ۲۷۶ ، ۲۷۷ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۳۰۱
لرستان ۳۰
لریجان ۱۶۸
لنجرود ۱۵۳
لنگان ۳۰۷
لنگرود ۳۰۴
مازکول ۳۰۱
مازندران ۲۹
مالکانه ۳۱۰
مؤمن‌آباد ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۳۱
مبارك‌آباد ۱۲۹ ، ۱۳۵ ، ۲۹۲
مبارکه ۲۹۷
مبرزآباد ۳۱۲
محلات ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱
محله پای قپان ۲۶۱
محله پای مسجد ۲۶۲
محله پشت عمارت حکومت ۲۶۱
محله سرسنگ ۲۶۱
محله سلطان امیراحمد ۲۵۲
محله سی قند ۲۶۱
محله ضرابی‌ها ۱۶۱
محمد آباد ۹۳ ، ۱۶۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۶ ، ۲۹۸ ، ۳۰۴
محمدآباد اران ۲۹۲
محمدآباد جدید ۲۹۸
محمدآباد قدیم ۲۹۷
محمودآباد ۲۹۰ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۳
محمودآباد شهره ۲۹۸
مختص‌آباد ۳۱۰
مدآباد ۲۹۵
مدرسه‌آیة الله بروجردی (درنجف) ۷

مدرسه حاج محمد حسن ترك تبریزی
۲٦۰
مدرسه خانبانی ۲٥۹
مدرسه سلطانی ۲٥۹ ، ۲٦۱ ، ۲٦۲
مدرسه فیضیه ۱۱٦
مدرسه لکها ۱۱٦
مدرسه محمد مؤمن خان ۱۱٦
مدرسه ملاصادق ۱۱٦
مدرسه مهدی قلی خان ۱۱٦
مدرسه میان چال ۲٦۰
مدرسه ناصریه ۱۱٦
مراد آباد ۲۸۱
مرزبان آباد ۲۹۳
مرق ۲٥۸ ، ۳۰۸
مرقد میر نشانه ۲٥۸
مروارید ۱۳٤
مروند ۲۸
مزار احمد بن قاسم ۳٦
مزار خدیجه خاتون ۳٥
مزار سید سر بخش ۳٦
مزار شاهزاده ابراهیم ۳٦
مزدیجان ۹۹ ، ۱۰۰
مزرعه ابوالعباس ۲۹۳
مزرعه استاد زاده ۲۹۷
مزرعه حاجی عبدالغنی ۲۹۳
مزرعه حاجی ملا احمد ۲۹۳
مزرعه خواجه نورالدین ۲۹۲ ، ۲۹۷
مزرعه خالقی ۱۷۰
مزرعه خیار ۳۱۰
مزرعه دنباله ۳۸۸
مزرعه زیدی ۲۸۰
مزرعه محمدخان ۱٤٦
مزرعه مستوفی ۲۹٦
مزرعه ملاحبیب ۲۸۲
مزرعه ملاقطب ۲۹۷
مزرعه ملامحمود ۲۹۳
مزرعه نو ۱۷۰
مزرعه نیق ۲۸٦
مزرعه وزیر ۲۹٤
مزلقان ۷۹ ، ۱۱۹
مزور ۱٦۹
مزوش ۱٦۳
مسجد آقا بزرگ ۲٦۲
مسجد اقصی ۷۳

مسجد امام حسن عسکری ۹۶ ، ۱۱٦
مسجد جامع (قم) ۱۱۵
مسجد جامع (کاشان) ۲۵۹ ، ۲٦٤
مسجد حاج محمد حسن ترك تبریزی ۲٦۰
مسجد حرام ۷۳ ، ۳۷۲
مسجد خانبانی ۲۵۹
مسجد عشقلی ۱۱٦
مسجد عمادی ۲۵۹ ، ۲٦٤
مسجد ملا صادق ۱۱٦
مسگران ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۲٤
مسله گرد ۳۰۳
مشکان ۲۸۷
مشهد ، قریه ۱۵۹ ، ۱٦۰
مشهد شاهزاده محمود ۳۱۱
مشهد قالی شوران ۳۱۱
مصر ۷۷
مصطفی آباد ۲۹٤
معظم آباد ۲۹۸
معین آباد ۲۹٦ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸
مغرب ۷۷
مکران ۲۹
ملك آباد ۲۸۸ ، ۲۹۲
مندل آباد ۲۹۲
منصور آباد ۲۹۲ ، ۲۹٦ ، ۲۹۷
موزه آستانه قم ٤۲ ، ٤٤ ، ۵۷
موزه ایران باستان ۵۸ ، ٦۱
موسی آباد ۲۹۲
مهدی آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷
مهرآباد ۲۹۸
مهر آبیان ۱۰۲
مهرویان ۱۰۱ ، ۱۰۲
میدان صفی آباد ۳۹
میدان کهنه ۲۵۷ ، ۲۵۹
میم ۱۵۱
مین آباد ۲۹۷
نابر ۳۰۲ ، ۳۰۳
ناجی آباد ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۳
نارج ۸۱ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰
نجف آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷
نجف اشرف ۱۳۹ ، ۱٦۹ ، ۳۲۳
نجیم آباد ۹٤
نخجیروان ۲۷۰ ، ۱۷۱
نرداغی ۱۲۳

نشلج ۳۰٤
نصر آباد ۲۹٦
نصر آبادجه ۲۹۷ ، ۳۱٦
نصر آباد جیرویه ۲۹۹
نصر آباد خربزه ۲۸۸
نصرت آباد ۱۱۸ ، ۱۳۹
نصف راه ۲۹۳
نصوح آباد ۱۰۳
نطنز ۱۵۱
نظر آباد ۱٤۰
نواب شهره ۲۹۹
نواران ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۳۵
نوذر آباد ۲۹۳
نور ، مزرعه ۲۹۹
نور آباد ۲۹٦ ، ۲۹۷
نوش آباد ۲۵۵ ، ۲۹٦
نهاوند ۲۹ ، ۳۰
نیاسر ۳۰۵ ، ۳۰٦
نیق ۲۹۰
نیمور ۹۰ ، ۱٦٦ ، ۱٦۷ ، ۱۷۱
وادقان ۳۱٤
واران ۱۵٤ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷
وارونق ۳۰۷
واریان ۲۱۰
وازکرود ۱۵۲
واسان ۱٤٦
واسط ۲۹
واشان ۳۱۰
وچان سفلی ۳۱۳
وچان علیا ۳۱۳
ورامین ۷۹
ورجان ۱٤٤
وردید ۱٤۸
ورسوی سار ۲۹٤
ورم ۳۱۵
ورمال ۳۰۳
وریج ۱٤۸
وسف ۱٤۸
وستونقان ۱۵۵ ، ۱۵٦
وشاد ۲۹۷
وشتکان ۱۵٦
وشنوه ۱٤۹
وفرقان ۷٤
ون ، مزرعه ۳۱۳

عجائب المقدور ۱۲ ، ۲٦
فرهنگ ایران زمین ٥
فهرست دانشگاه تهران ۷
قصص العلماء ۳۲۱
قم درقرن نهم ۲۸ ، ۳٤ ، ٤۲
قوانین الاصول ۳۱۹ ، ۳۲۱
کامل ابن اثیر ۱۲
کتابچه افضل الملك ٦
کتابشناسی آثار مربوط به قم ٦
کشاورزی ومناسبات ارضی درایران
عهد مغول ۱٤
الکنی والالقاب ۳۲۲
گنج شایگان ٤۲
لغت نامه دهخدا ۳۲۳
مآثرالمعاصرین ۳۲۱
مؤلفین کتب چاپی ۳۲۳
مجمع الانساب ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ ،
۱٥ ، ۲۰
مجمل فصیحی ۱۳ ، ۲٥ ، ۳۳
مجموعه ناصری ۷۱ ، ۸٥ ، ۲٤۷
مختار البلاد ۳۲۳
مرآت البلدان ۱۳ ، ۳۲۱
مستدرك الوسائل ۳۲۲
مصفی المقال ۳۲۳
مطلع السعدین ۱۳ ، ۲۳ ، ۳۳
معجم المؤلفین ۳۲۳
معجم المطبوعات ۳۲۳
مکارم الآثار ۳۲۳
منتخب التواریخ ، خراسانی ۳۲۲
منتخب التواریخ ، معینی ۲۸
النجوم الزاهره ۱۲
نجوم السماء ۳۲۱
نزهة القلوب ۱۲
نهج البلاغة ۳٤٤ ، ۳۷۷ ، ۳۷٦
وحید ، مجله ۳٥
وسائل الشیعه ۳٤۱ ، ۳٤۸
هدیة الأحباب ۳۲۲
هنر ومردم ۳٥ ، ٤۲

کتابها ونوشته‌ها

آثار العباد ۱۲
احتجاج طبرسی ۳۴۵
احسن التواریخ ۲۳ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۴۲
اصول کافی ۳۲۸ ، ۳۳۳ ، ۳۳۹ ، ۳۴۰ ، ۳۴۲، ۳۴۸ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۷۲، ۳۷۵
اعلام زرکلی ۳۲۳
اعیان الشیعة ۱۲ ، ۲۶ ، ۳۲۲
انوار المشعشعین ۳۲۳
البدر التمام ۳۲۲
بررسی‌های تاریخی، مجله ۵ ، ۳۴، ۳۵
بروکلمن ، تاریخ ۳۲۳
تاریخ آل مظفر ۲۵
تاریخ الفی ۲۶ ، ۳۳
تاریخ بناکتی ۱۲
تاریخ جدید یزد ۱۲ ، ۳۴
تاریخ جعفری ۱۲ ، ۱۳ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۳۲ ، ۳۳
تاریخ دارالایمان قم ٦
تاریخ رویان ۱۳ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲
تاریخ طبرستان ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲
تاریخ علما وشعرای گیلان ۳۲۳
تاریخ قم ۴۱
تاریخ قم ، ناصر الشریعة ۳۲۳
تاریخ کاشان ۲۹۹
تاریخ کبیر ۲۳
تاریخ مبارك غازانی ۱۲

تبصرة المسافرين ۳۲۲
تحفة الاولياء ۳۲۲
تذکره دولت شاه سمرقندی ۱۳
تربت پاکان ۱۵ ، ۱٦ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱، ۲۲ ، ۳۵ ، ۳٦ ، ۳۷
ترجمه تاریخ قم ۱۵
ترجمه کتاب قم ۱٦ ، ۱۷ ، ۲٦ ، ۳۵ ، ۳٦
تهذیب الاحکام ۳۵۰
جامع التواریخ حسنی ۱٤ ، ۱۹ ، ۲۹
جهان آرای ۱۳
حافظ ابرو ، تاریخ ۱۹ ، ۲۵
حبیب السیر ۱۲ ، ۱۳ ، ۲۵ ، ٤۲
حدائق السیاحة ۳۲۱
خاندان صفی علی ۵
دائرة المعارف جواهر کلام ۳۲۳
دیار بکریه ۳٤
ذریعه ۳۲۳ ، ۳۲٤
ذیل جامع التواریخ رشیدی ۲۵
راه حق ، مجله ۳۲۳
راهنمای جغرافیای تاریخی قم ٦
راهنمای دنشوران ۳۲۳
رجال قم ۳۲۳
روضات الجنات ۳۲۱
الروضة البهية في الطرق الشفيعيه ۳۲۱
روضة الصفا ۱۲ ، ۲۸
روضه کافی ۳۵۰
روملو ، احسن التواریخ ۳۲
رياض الرضا ۳۲۱
ریحانة الادب ۳۲۲
زندگانی شگفت آور تیمور ۱۲
زندگانی میرزای قمی ۳۲۳
سرائر ابن ادریس ۳۵۰
سفرنامه کارری ٤۲
سفينة البحار ۳۲۲
سکه‌های آق قویونلو ٦۰
شذرات الذهب ۱۲
شرح حال وحید بهبهانی ۳۲۳
صبح الاعشى ۱۲
صحیفه سجادیه ۳۷۱
صريح الملك ۳٤
طبقات أعلام الشيعة ۳۲۲
ظفرنامه ۲۸
العبر ذهبی ۱۲

ون ، قریه ۳۱٤
ونارج ۱۵۱
وندجای ۳۰۳
ویجن ۲۹۹
ویدوج ۳۰۳
ویلمق ۱۰۳
هاشم آباد ۱۳٦ ، ۲۹۱
هرات ۲۸
هراز جان ۱۵۸
هسمنجان ۳۰٤
هشند ۳۱۳
همایونه ۳۰٤
همدان ۲۹ ، ۳۰ ، ۸۹ ، ۱٤۳
همزر ۳۱۵
هندیجان ۹۹
یاقان ۱۱۹
یحیی آباد ۲۸۱ ، ۳۱٤
یحیی آباد بزرگ ۲۹۰
یحیی آباد جدید ۳۰۸
یحیی آباد سفلی ۲۹٤
یحیی آباد کوچك ۲۹۰
یزد ۲۹
یزدل ۲۸۷
یشبك ۳۰۳
یمن ۸۸
یوسف آباد ۲۹٤
یونس آباد ۲۹۱